

افکار و نظریات

۲- سوبه علمی اجتماع (بکلی) پاشین بوده
واکثریت مطلق آن بی سواد باشند.
۳- نظام اداری و حکومت هاسلطت بسر
جامعه جابرانه وظالمانه باشد حکمرانان
از منن اجتماع نبوده ولی طور ارشی ویا
طور کودنشی سلطت گردیده باشند.
اجتماعات که چنین خصوصیات را دارا باشند
تسلیمات کمونیزم میتوانند در مرا حل
ابتدائی تا حدی مؤثر ثابت گردد در
جامعه افغانی به خصوصیت مذکور حکمفرما
بود وضع اقتصادی مردم ما خیلی ضعیف
درآمدنی کس خیلی هانا چیز نبوده و شرح
فیبندی سواد ذمردما خیلی هانا پاشین می
باشد نظام حکومتی از سالیان دراز نظام
ارشی جابروسلطت شده بوده که مردم ما از
آن سخت ناراض بودند.

زمانه مداران کشور ما نه کدما دما عیبه ویا
برنا مهاسلامی داشتند تا بتوانند معسلا
مردم مسلمان کشور ما را قانع سازند و نه
اینکه در زام عمران تا با دی و شرقی مملکت
کدام توجه کرده باشند.
زمانه مداران صرف بیا طرح حفظ اقتدار
شان از هر حیل و وسع و تیرنگری که می گرفتند و بقی
اقتدار برام اصلی واساسی ایشان بود
از سالیان دراز حکومت های مطلقه ناشی
بالای کشور ما سلطت بودند اقتدار نرسد
اربابان قدرت گزشتی شده بود. برای
اداره نظام حکومتی کدما برنا مسد
نظریاتی، اقتصادی، ویا اجتماعی داشتند
اگر ما اکنون از انارمایی در بخش مذهبی
و عقیدوی رژیم شاه می حساب می کنیم
شاید چنان نباشد و یا شخصیت های که خود
شان، فامیل شان، حواریون شان به
السلام معتقد و ملیس نباشند چطور خواهند



الحق لیظه ره علی الدین کله ولوکوره
المشکون ظ" صدق الله العظیم.

برادر محترم پرش های شما که در مورد
ستراتژی نظامی و موجبات شکست روس
ها و همچنان تغیر روند مها روی مجاهدین
در مدت ده سال گذشته را مختصر
پاسخ میدهم:
۱- زهمه ولتربا پیدما بدانیم که کامیابی
کودنای عسکری کمونیت ها در کشور ما
با اینکه در روز اول چراغیام مردم علیه
ملحدین داخلی آغاز نگردیده موجبات از
خود دارد.

از تاربخ مبارزات کمونست ها واضح و
هویدا است که تیوری کمونیزم میتواند
در مراحل ابتدائی در جوامعی نفوذ کند
که دارای خصوصیات ذیل باشد.
۱- مملکت ویا جامعه بی کمیتلا به فقر و
گرسنگی باشد.

انجینیر قطب الدین "هلال"

برادر بزرگوار محترم و مجاهد هلال صاحب!

۱- لطفا در رابطه با استراتژی نظامی
روسیها و موجبات شکست آنها در افغانستان
اطهارات بدارید؟

۲- اگر درباره تغیر روند جنگی مجاهدین
در مقابل روسها در مدت ده ساله که
گذشت معلومات بدهید خالی از دلچسپی
نخواهد بود؟

الحمد لله منشی الخلق من عدم ثم
الصلوة علی المختار فی القديار ب
صل وسلم اللهم ابدأ علی حبیبک خیر
الخلق کلمه!
اما بعد:

اودیا الله من الشيطان الرجيم
بسم الله الرحمن الرحيم
هو الذی ارسل رسوله بالهدی ودين

توانست در یک جا معه توجه به اسلام و مذهب داشته باشند و یا در راه پیدا کردن اصول اسلامی یا رشد اعتقادات مذهبی جلوگیری ولی اعتراض و انتقاد بر رژیم اخیر شاهي کشور ما اینست که رژیم در راه ترقی پیشرفت جا معه ما قدمی کوچکی نه برداشته اند کشور ما را به حدی فقری بی بضاعت، بی صنعت، بی زراعت و بی تعلیم نگاه داشته که در زمره ممالک خیلی ها ضعیف و کوچک جهان به شمار می آید با وجودیکه امکانات ترقی، پیشرفت صنعت و زراعت خیلی مسا عد بود اراضی حاصل خیز نفوس با تناسل، اراضی کم و آب هوای مناسبی دارد، ولی متأسفانه رژیم به خاطر بقای دائمی شان قصد نه خواستند مملکت پیشرفته و متکی بخود بشینان شرایط تبلیغ برای کمونستان مسا عد بود به مردم وعده دادند که خانه، لباس و نان را برای شان تهیه می کنیم که مردم ما واقعاً به آن نیاز داشت. وعده می دادند این حکومت مستبد و ظالم است باید سرنگون شود به این هم ذهنیت عمومی اجتماع ما آمده بود زیرا رژیم مسلط به تنگ آمده بودند خلاصه اینکه شرایط عینی اجتماع آماده بود و هر تغییری را بهتر تصور میکردند از نظریات کمونیسم (روح استعماری) روس ها مردم ما ناخبر بودند حتی رژیم های شاهي تاریخ انقلابیون مناطق مسلمان نشین را وای آمو را نسور کرده بودند مردم افغانستان حتی با سواد و تعلیم یافته گان اطلاعاتی کوچکی در مورد جنایات روس در بخارا و شمرقند داشتند در کتب تاریخ مکاتب ما درین مورد هیچ خبری نیست.

طلاب ما، علمای ما حتی افراد به سطح عالی ما می دانستند که در آن طرف مرز آموچه گذشته است رژیم تاریخ مسلمانان منطقه را خفه کرده بود اگر واقعاً از تاریخ مبارزات مسلمانان ترکستان ازبکستان ملت ما بدرستی واقف می بود ملت ما را روس ها و عروسک ها بشان مدت محدودی هم نه می توانستند تحت سلطه خود در آورند این بود اراجع به عواملیکه روس ها و غلامان شان توانسته اند تا بر قسمتی از کشور ما مسلط شوند.

اکنون می بینیم که ستراتیژی نظامی روس ها و موجبات شکست شان چه بود؟ ستراتیژی نظامی روس ها این بود که در مراحل ابتدائی بتوانند مقابلهت مجاهدین را کلاً خنثی سازند تصمیمی داشتند تا مقابلهت را بزور در مدت کمی خفه کنند و غلامان شان نفس راحت بکشند ولی روس ها از بعد عقیدوی افغان های مسلمان بی خبر بودند در جهان مادی پلان نظامی را غرض به سر رسانیدن ستراتیژی طرح کردند و از موفقیت آن در تمورات مادی شان مطمئن بودند ولی غافل از آنکه در مبارزات عقیدوی، روحانی و الهی همیشه موفقیت نصیب مستضعفین شده و در مبارزات شان علیه مستکبرین نصرت الهی داخل شده و مستضعفین را به منزل کامیابی رسانده زما نیکه روس با لای کشور ما هجوم آورد تکنیک نظامی شان این بود که عملیات تعرضی را با لای مواضع مجاهدین به راه انداختند حتی طبق پلان مطروحه شان عساکر روسی در صف اول محاربه داخل شدند زیرا میخواستند مقابلهت را عاجل بکوبند تکنیک نظامی روس ها این بود که اولاً منطقه را شدیداً بمبارد مان میکردند بعداً انداخت منظم قوای توپچی روس ها شروع می شود در مرحله سوم قوای پیاده روسی به کمک تانک ها و زرهپوش ها به پیش میرفتند ولی درین مرحله تعرض تانک و پیاده تلفات شدیدی را روس ها متحمل میشدند خلاف پلان و تمورات شان هم تلفات میدیدند و هم کمتر می توانستند مرکزیت مدنظر مجاهدین را اشغال کنند بعداً تکنیک نظامی را تغییر دادند بعداً از ورود ضربات قوای هوایی و قوای توپچی شان در صف اول محاربه عساکر افغانی غلامان را به خط اول انداختند و خود قوای روسی در خط دوم تعرض قرار داشتند که درین نوع تکنیک جنگی قوای غلام افغانی و قوای روسی با هم متحمل تلفات می شدند تکنیک دیگر نظامی روس ها این بود که روس ها طیارات پیشرفته — $MG - R5$ — و بمب های $BM14$ و $BM41$ را کلاً انداز را به صف محاربه داخل کردند.

زما نیکه طیارات عادی و گن شپ هلی کوپتر در محاربه علیه مجاهدین بی اثر شدند و مجاهدین توانستند به استعمال راکت $R5$ و PG راکت ها را تانک می باشد طیارات هلی کوپتر را سقوط دهند روس دیگر هلی کوپتر را نصف محاربه تعرضی خارج کردند استعمال راکت اول طور مؤثر از طرف مجاهدین افغانستان علیه هلی کوپترها صورت گرفت که نسبت جرات مندی مجاهدین استعمال این راکت ها خیلی ها مؤثر افتید و این یک تجربه نو و کامیاب بود بنابر روس ها طیارات پیشرفته بمبارد مان را به میدان محاربه علیه مجاهدین داخل کردند در مراحل اول استعمال طیارات $SU, R5$ و $SU, R7$ خیلی مؤثر بود ولی بعداً مجاهدین توانستند با سلاح های موثر دفاع هوا این طیارات را هم تا حدی بی اثر سازند. روس ها اخیراً به بمبارد مان شبانه و بمبارد مان از ارتفاع بلند شروع نموده و هم دستگاه های پیشرفته میزائل خموشا میزائل بر دو متوسط سکه را به معرض محاربه کشاندند روس ها گاه گاه سلاح کیمیاوی را نیز استعمال کرده اند که در قره باغ کسابل، لورگروست شمال بخوبی محسوس شده است روس ها در بمبارد مان هواشی ازیم های آتشی بم های خوشه ای آتشی، بم های پنجم صد کیلویی و هزار کیلویی استفاده کرده اند این بود ستراتیژی نظامی روس و تکنیک نظامی روس ها برای حصول عاجل ستراتیژی پلان شده شان.

بخش دوم موضوع که عبارت از جوهات و عوامل شکست روس ها است میتوان آنرا ذیلاً تشریح نمود:

علت اصلی و اساسی شکست روس ها عبارت از نصرت و تائید خداوند (ج) با مجاهدین میباشد. خداوند تدبیر و رحیم با مجاهدین کمک نمود اینک حمله مجاهدین با سرعت گردید طاقت برداب و قبول مشکلات و معا شت در محاربه را نداشتند جنگ را حاد و مرگ را شهادت شمرند از تداوم مقاومت خسته نشدند این همه نصرت و تائید خداوند و تدبیر است که این تائید الهی سبب اول مهم کامیابی مجاهدین گردید.

که طبعاً "نصرت و تائید الهی از مجاهدین سبب و منجر به شکست روس ها شد علل دیگر و تائیدی نیز وجود دارد آن اینکه خصوصیت عمیق آزادی و استقلال طلبی درخون افغانان چریان در داشغال کشور ما عملاً" توسط روس ها برای افغانان نابال قابل تحمل گردید و دیگر وجود روس ها را در خاکشان نتوانستند قبول کنند و وجود بیگانگان در کشور ما برای افغانان غیور و سلحشور جرئت مزید مقاومت و مقابله را ببار آورد ظلم و درنده خوئی کمونستان بیگانه (روسی ها) سبب شد تا عکس العمل مجاهدین نیز تشدید شود عمل ظالمانه روس ها سبب عکس العمل شدید مجاهدین علت دیگر و مهم شروع مقاومت مسلحانه در اجتماع افغانی بود گروه با خبر از تیوری کمونیستی در کشور از قبل وجود داشت آنها از ماده پرستان از فلسفه مادی ها آگاهی داشتند آنها بخوبی از پلان های اجتماعی و اقتصادی کمونیست ها اطلاع داشتند که تحریک محدود آغاز گرایین قشر منور مسلمان سبب احیای ذهنیت های علمای کشور نیز گردید این طبقه مسلمانان جوان و روشنفکرانه گذاشتند ملحدین خارجی و داخلی بتوانند مسلمانان کشور ما را غافل سازند به مجرد اینکه ظهور ایدئال فلسفی مادیون در کشور آغاز شد همزمان روشنفکران محدود ولی مبتکر به میدان آمدند در مکاتب در مساجد و اجتماعات بر ضد فلسفه اجنبی اقدام کردند مسلمانان جوان چه در میدان مناظره کنفرانس ها و چه در مقابله روی در روی به جلو آمدند همین جوانان بعداً "افتخار آزادی و مقاومت مسلحانه را علیه رژیم الحادی دارند که سرآغاز مقاومت مسلحانه کشور اسلامی ما میباشد زیرا اگر چنین پیش قراولان مبارزه و مقاومت موجود نه می بودند ملحدین میتوانستند به حیل و نیرنگ های وارد شده ملت مسلمان ما را تا جایی غافل نگه دارند سبب دیگر دوا م مقاومت و شکست روس ها شرایط خوبی محاربه گوریلا و چریکی کشور ما هست وضع کوهستانی و موجودیت دره ها برای محاربه گوریلا مساعد است انقلابیون مسلمان توانستند مراکز اكمال و تجمع را در کوه و دره ها تشکیل دهند و از آنجا گروه ها را

به شهرها و ولسوالی ها سوق دهند. علت دیگر کامیابی ما و شکست روس ها تائید بین المللی از مجاهدین میباشد که این تائید سبب شد تا راه هجرت به طرف پاکستان و ایران باز گردید خوشبختانه حکومت های دول همسایه از مهاجریین استقبال کردند همچنان موقع میسر شد تا آزاد ازادی خواهان مسلمانان افغانستان به دنیا رسیده شود، روس ها نتوانستند آزاد مجاهدین را در کشور خفه کنند طوری که رژیم لینن توانست مقاومت بخارا را در داخل مرزهای شان خفه کند و رهبران مقاومت بخارا متأسفانه نتوانستند از خارج مرز قلا تائید شوند و برای شان جای پاماندن داده شود زمامداران همسایه جنوبی انقلابیون بخارائی (حکومت آن وقت افغانستان) به آن اجازه هجرت تائید و یاریان مقاومت را نه دادند تا بالاخره مقاومت بعد از سالها خفه گردید و از بیرون حمایت نشد الحمدلله در انقلاب ما وضع چنین بود تا تائید بین المللی و تائید و حمایت دول همسایه خصوصاً "حکومت جمهوری پاکستان موجود بود و حالاً هم موجود است تا تائید حکومت همسایه سبب گردید تا زمینه هجرت بخارج از افغانستان درگیر در جنگ میسر شود و هجرت مسلمانان طبق سنت الهی اشک داشت قیادت مجاهدین توانست تا در فضای نسبتاً مطمئن چهار راهبری کند که متأسفانه بعد از ترقیات علیای چهاردهم به تدریج مبدل به قیادت های متعددی تنظیم های اسلامی گردید که البته این تعدد تنظیم ها و احزاب در شرایط هجرت و آسوده حالی و حصول امکانات میسر شد که میتوان این یکی از نقایص زمان هجرت ما باشد زیرا در ابتدای انقلاب و مقاومت در داخل کشور وجود تعدد قیادت و تعدد احزاب متصور هم نبود. حالاً ما مدیم در مورد تغییر تکتیک محاربه مجاهدین بر علیه قوای ملحدی در افغانستان. مقاومت مجاهدین علیه دشمنان مسلط خارجی و دست نشانگان شان عبارت از آزادی تریعه مقدس جهاد است و جهاد مسلحانه مفهوم عام دارد چه مقاومت و چریکی خورد و یا چه محاربه منظم جبهه یی

و یا چه تمام قوت منظم و مسلح مجاهدین در برابر یک قوت مادی دارای هر نوع وسایل جنگی چون مقاومت محاهد افغانستان نیز به نیت جهاد علیه الحاد و کفر آغاز شد بناً "زمینه سازی محاربه یی و یا تکتیک محاربه منظم در نظر گرفته نه شده زیرا مقدماتی فرجهاد بدو نه صرف جنگیدن منظم و موفق با قوای الحادی دشمن. بناً اصل ضرورت مشروع مقاومت (چه خیلی کوچک باشد) در برابر قوت های ملحدین بود تا هر چه زود تر ملت بیدار شود و برای مقاومت مردم مسلمان مادر روز های اول غنشی نه شده باشد طوری که الحمد چنین شد با پیدای دور گردید که مقاومت مسلحانه برادران مسلمان افغانستان در سال ۱۳۵۴ علیه رژیم دست نشاند سرآغاز مقاومت های بعدی مجاهدین کشور غیور افغانستان بود زیرا مجاهدین کشور ما دگر و تجربه مقاومت های بعدی را نسبتاً فرا گرفته بود گرچه در آن زمان حرکت گوریلا یی محاربه یی عملاً "به شمر نرسیده هم چنان بعد از تسلط شدن رژیم کمونیستی در افغانستان مقاومت مردم مسلمان ما به تدریج طوری آغاز شد که بدون در نظر داشت شرایط جنگی اهمیت اصلی و اولی به آغاز شدن جنگ در برابر قوای دولتی و کمونیستی داده شده است که به مرور زمان بعد از شروع مقابله مسلح نظریه شرایط، زمان و وسایل حربی تکتیک محاربه مجاهدین نیز تغییر نموده اولاً - مجاهدین با وسایل حربی دست داشته سابقه شایسته مقاومت را آغاز کردند بعداً وسیله مسلسل و امکانات را غنیمت کنند و مجاهدین بتوانند جنگ های چریکی کوچک را برآوردند. موضوع دیگری عبارت است از تعداد مجاهدین که این هم در شکل محاربه اثری مهم و اساسی دارد. به هر اندازه که ملت بیشتر به صفوف مجاهدین پیوسته به همان اندازه مقاومت ما منظم تر و بزرگتر گردید تغییر اساسی و مشهور در محاربه مجاهدین موقتی به نظر رسید که مجاهدین توانستند جبهات و مراکز دایمی را در ولایات تاسیس کنند این کار یعنی تاسیس مراکز منظم فرمان دوام جهاد در کشور ما گردید. به این

مورت مردم اهالی کشور ز قوت مشهود و دایمی مجاهدین ما مطبئن شدند و ملت بطرف جبهات رجوع کردند. که در بیست مرحله مقاومت علنی گردید دشمن هم متوجه امحای جبهات مجاهدین گردید. و تعرض هوایی و زمینی دشمن با لای مراکز مجاهدین شروع شد ولی حال صرف مراکز کوهی در دست مجاهدین نبود اکنون اهالی ولسوالی و قریه جات هم از مراکز مجاهدین اداره می شدند و ما بین ترتیب مجاهدین علناً در ولسوالی ها و قریه جات دست بکار شده بودند که دشمن نیز بدون تشخیص مراکز مجاهدین بمباران هوایی و زمینی قریه جات را نیز آغاز کرد بعد از آنکه و سایل داد فغان تا تک بمبیت مجاهدین در آمدن زمان تغییر دیگری جنگی به وجود آمدن آن اینکه گروپ های مجاهدین رهائی اکملاتی قوت های روسی و داخلی را کمین گرفتند و بجا بجا کردن ماینها و نداشت و سایل فغان تا تک نتوانستند راه های اکملاتی دشمن را با طوری موقت قطع و یا اینکه دشمن متحمل تلفات انسانی و وسایل و موثره میگردید بعد از اینکه مجاهدین توانستند و سایل دور منزل توپچی و راکت را بمست آورده تغییر دیگری در شکل محاربه ما بوجود آمد و آن اینکه دیگر مراکز بزرگ تجمع روس ها دیپوها ی سلاح و مهمات دشمن و قطعات و گارنیزون دشمن تحت اثراتش منظم مجاهدین در آمد دیگر مسئله بر عکس شد

قبلاً مجاهدین در مراکز شان از آتش دشمن بهمان نبودند و جال دشمن در مراکز قوی و منظم شان امنیت خود را از دست داد و حتی اینکه بدافع از مرکز شان پرداخت توپ و رکتیک دیگر مجاهدین عبارت از حمله بالی اردوگاه های بزرگ دشمن و میدان های هوایی بود که پس عمل مورال دشمن را به حدی ضعیف ساخت که دیگر روحیه اولی تعرض را از دست داد و در صورت در جاده دفاع از خود گردیدند بعد از فتح ولسوالی ها و دره های بزرگ مجاهدین در صدد اشغال شهرها و ولایات شدند که برای حصول این مطلب لازم بود راه های اکمال و تماس دشمن قطع شود طوری که چنین شد. مجاهدین راه های اکملاتی کمین، بکتسکا، سنگره را عملاً قطع کردند بعد از قوت های منظم مجاهدین با و سایل فغان تا تک داد فغان و توپچی مؤثر بر طرف مراکز و لایات به پیش قدمی آغاز کردند که در نتیجه ولایات فتح شد اکنون محاربه منظم اطراف شهر جلال آباد جریان دارد که قوت های مجاهدین کنترول ترگرها در دین هفته اول جنوری ۱۹۸۹ ولسوالی غیوه و گوشته را تصرف کرده اند ستون دیگر قوت های مجاهدین در محاربه غیوه و سایل و سایل قدیمی دارد راه اکملاتی کابل جلال آباد مسدود است و از طریق سرخود نیز تعرض آغاز شده سقوط جلال آباد محتمل بعون الله تعالی متعور است.



اکنون تکنیک محاربه ی مجاهدین به ستراتیژی نظامی مجاهدین تبدیل شده و اکنون الحمدلله مجاهدین آنقدر منظم اند که در همه جا و همه اوقات عملیات تعرضی موفق را انجام میدهند و دشمن در تمام کشور در حال محاربه و مدافع قرار دارد. در هفته اول جنوری ۱۹۸۹ ولایت تخاربا را دیگر از زلوت مفیدین پاک سازی گردید و اکنون جبهات تخاربا را عملیات را بالی ولایت کندز برانداخته اند و و سایل ثقیل تا تک توپچی و دفع هوایی خیلی مؤثر غنیمتی در اختیار مجاهدین از سمت های قریه باغ، میرپه کوت، شکر دره، پنهان، میدان، ده سبز و گرامی عملیات شان را آغاز کرده اند تغییر دیگری جنگی مجاهدین امسال این است که در زمستان عملیات مجاهدین به جای اینکه متوقف شود تسریع شده و جبهات مجاهدین خصوصاً اطراف کابل در زمستان در مراکز شان باقی مانده تا بتوانند زمستان محاربه دفاعی شهر کابل و سبب تسلیم این بود و متعزراً نکات چند در مورد تغییر تکنیک محاربه ی مجاهدین در جریان جاهد مسلحان کشور ما افغانستان و اسلام و یکم و محاربه و سایل و سایل انجنیر قطب الدین (هلال) ۲۲، ۱۷، ۶۷

سوال اول: لطفاً در رابطه با نقش جهانی جاهد افغانستان و بی ۶ مدعی ۱۳۵۸ توضیح بفرمائید؟
سوال دوم: اگر در بار تغییر روند جنگی مجاهدین در مقابل روسها در مدت زمانی که گذشت معلومات بدهید خالی از دلچسپی نخواهد بود؟
جواب سوال اول: با بدعری نمود که اکنون جاهد افغانستان ملت مجاهدان را در تمام دنیا معرفی نموده و بحیث مردم قهرمان و شجاع شناخته می شوند، گرچه ملت مسلمان افغانستان همیشه در مقابل تجاوزات خارجی مانند جنگ جهانی اول و انگلیسها و یکیندر مقدونی از خود دفاعی ها و قهرمانها نشان داده است و تا امروز قصه های شجاعت و دردمندی افغانها سر زبانتهاست که در نتیجه هیچ یکی ز قضاوت و زین در افغانستان به آرزوهای پلیس شان نرسیده و با دادن تلفات آنها نیست

جواب سوال دوم: بدون شک از همان آغاز مجاهدین مسلحانه ملت ما در مقابل مزدوران و ملحدین و وطن فروشان حالت جنگ با به شکل چریکی بوده و جنگ های تیت و پراگنده در نقاط مختلف کشور ما بر راه افتاد. زیرا در اوایل انقلاب اسلامی نیروهای ما آنقدر قوت نداشتند که جنگ نظام و جبهه‌ای را پیش ببرند و از طرفی هم امکانات مجاهدین خیلی کم و حتی بسیار کم و ابتدائی دست داشته جنگی یعنی تیر و تفنگ چره‌ای و سلاح قدیمی میرزمیدند. رفته رفته تجربه مجاهدین در جنگ و گرفتن وسایل غنیمتی و دادن تلفات کم در جنگ چریکی وارد نمودن ضربات کار در مقابل حملات چریکی مجاهدین مسلح می نمود. در مدت نه چندان زیاد دهه مردم مسلمان ما از دسایس و پلان های شوم روسها و مظلوم اکثریت تام نفوس کشور ما در کناره مجاهدین قرار گرفتند که جنگ ها و حملات مجاهدین به لای دشمنان بشدت و قوت خود می افزود تا در یک مدت کم اکثریت مناطق از لوث -

ملحدین با کسای گردیده و جهات بزرگی در مقابل روسها و مزدوران شان بوجود آمدند، قرارگاهها، قطعات منظم عسکری، غندها، پوسته ها و دیپوهای دولت مزدور بدست پرتوان مجاهدین باشا متماثل گردیدند و اکثر مراکز ولسوالی ها، علقه داری ها و قریه جات بزرگ به تصرف

مہاجر حبیب جان محمد همکار رئیس
اطلاعات حزب اسلامی افغانستان

۱- لطفاً در رابطه با استراتیژی نظامی روسها و موجبات شکست آنها در افغانستان نظر خویش را ارائه دارید؟

در مورد مسئله اول ابراهیم باید کرد که استراتژی وسیع و کلی روسها یکی بعد از دیگری اشغال تمام کشورهای جهان و به اسارت کشیدن همان انسانهای گیتی

مسکون است . روسا بہ تعقیب از ہمیں
مفکوره خدا نما نیت بعد از تسلط کا مل
بر جمہوریت های مسلمان نشین ماورا
النہر ، خواب و خیال ہوچ وہی محتوای
اشغال افغانستان را در مغز خویش می
پرورانیدند ، روی این غرض شوم ، مفسر
امان اللہ خان راشٹ و شونمودہ بنام
قراداد دوستی اور ادرجال روابط حسنہ و
ہمکاریہای متقابل درآوردہ بحیث
نخستین زمینہ ساز برای تخریق و پخش



مفکوره کمونستی در خدمت خویش قرار داد، همان بود که ملت خدا پرست افغانستان بادرک انحراف ذهنی اما ن الله خان علیه اوقیا مسموده مجبور بفرار شد. مهره دوم سطرین کمونستی ورشدهندگان آن ظاهر شاه غدار و دجلد بود که طی سالهای زمامداری خویش موثرترین نقشی را در تشوینمای نطقه کمونستی که در مدت تسلط اما ن الله تعبیه شده بود بازی کرد. در تمام ارگانهای دولتی از تعلیم و تربیه و پوهنتونها گرفته تا دستگاههای پرچمهای سرخ اپانرا تو اما داس و چکش که علنا از بیگانه پرستی و وطن فروش ایمن دوبا نذیبون و ذلیل نما یندگی میکرد چشم مشاهد می نمود و بی آنهم دیده و دانسته، اما سبب زشودنکا ملت را که عوامل تضعیف و سرکوبی مسلمانان را که دلها خنگان حقیقی کشور بودند فرا هم

و قهر اما ن افغانستان بوحشیترین انسانهای جهان یعنی روسهای غارتگر، سفاک و دمنش تن، دهنده این مزدور قوما نده را عملی کرد درین مرحله روسها مستقیما با استفاده از استراتژی نظامی به تلاشهای مرکبباری متوصل می شوند و در دام منقاد ساختن ملت مومین و قهرمان افغانستان از سه نوع حربه (سلاحهای) نهایت پیشرفته و مدرن، فوج متحصصا ورزیده و قسای القلب و دسیسه های بی انداز و خطرناک (با قساوت کامل) و بی رحمی زائد ا لومفی کار میگیرند، ولی با تعجب ابراز می یزد که برخلاف تصور روسها و حتی علی رغم اندیشه علمی معبرین پخته کار و مفسرین ما هر وسایست مداران کهنه کار، غلو و افراط روسها در کتارها و ویرا نگر یها نه تنها به نتیجه متوقع یعنی انقیاد و تسلیمی ملت منجر نگردید بلکه به تناسب افزایش درکشار و تشدید و ویرا نگر ی متنا سبب شامت و بزرگ مردی، غیظ و غضب اما ن افغانهای خدا پرست با استفاده از نصرت غیر مرئی مقتدر حقیقی بصورت معجزه آسا قوس صعودی را می پیمود و امیگرست بنا بر آن هرگاه روسها از نقش سلاحهای پیشرفته و ساکر حیوان و مفت و از تاشیر دسیسه های چرکهای قلابی، آتش بسجلی، بمال و مایلی تزویری که در همه

دسته تسلیم شده بودند. تره کی تا که توانست از لنت و کسوب، شکتج و تشدید، حبس و کشتن بوحشانه ترین طریزی کار گرفت، همه طبقات را جز کسانیکه در حلقه غلامی شان قبلا درآمده بودند با علی الفو ر بهر گونه خواسته های ضحکت انسانیت شان لنبیک میگفتند دشمن دانسته بنا بودی و ذلت سوق میداد، ولی جز بیا ن سودی برده نتوانست، مفسره تبدیل و قانویت مومینیت اعلان و سیاست تره کی ببا دانتقا داده شد. این مهره گرچه تره کی را منیع فساد دوام الخباثت و اعمال تمام فجا پس و مومینیت اطمینان میداد ولی ملت به یقین پی برده بود که همه یک قماش مردم و تحت فرمان زوس اند، لذا ا مین خاشن هم کاری را از پیش برده نتوانست، چون زور و تزویر که از سوی دومره داخلی مورد استفاده قرار گرفت مشمر شرمنگر ندیده به غلام خود فروخته سومی بهرک حیوان مفت از سوی با داران خارجی که تا ن زمان پشت پرده اند کارا ربودند قوما نده داده شد که غیرت افغانی و انسانیت خود را پشت پا انداخته، علنا با پذیرفتن ذلت رسیدن به تخت از طریق داخل ساختن بیگانگان بحریم پاک افغانستان و تحویش سرنوشت و افتخارات تاریخی مردم غیور، متدین

میکردند چنانچه در طول جهاد سالها ملت بخون غخته و شهید پرور افغانستان بیگانه پرستی آنها و دلپا خنگی اینها بخاک خویش مشاهدات و علنا به اثبات رسید. خلاصه روسها با استفاده از قدرت سیاسی زمامداران عیاش، فاسد، خودکش و بیگانه پرور، تعدادی از اپان افغان را نه تنها از عقیده سالم و زنده اسلامی بیگانه ساختند بلکه آنها را با مفکوره کمونستی تا حدودی تربیه سیاسی داد که فکر کردند اکنون از عهده زعامت و رهبری جامعه افغانی بی بدرآمده میتوانند، بهمد ازین بنا پدیدر قبه غیر مستقیم قدرت سیاسی افغانستان میرونا خیزد، و بنابینا اغا فتر ازین از بلعیدن مستقیم امکانات و ذخایر این مرز و بوم غنی دست برداری نمود، همان بود که به مزدوران حقیر و دون همت خود قوما ن کودتا و غصب قدرت سیاسی داد، در اثر کودتای ننگین تره کی ملفون براریکه قدرت سیاسی افغانستان تکیه زد.

این بود مرحله دوم استراتژی اشغال افغانستان از طریق تسخیر ذهنیتها و استعباد آنها مرعباش و غوغا فروخته بیدون اعمال زور و استعلا و مسائل حربی ذهنا تحت تاثیر زرق و برق مادی و تکنیکی روسها قرار گرفته بدینا لهری و برزدگی آنها از راه شست و شوی مغزی آماده و دو

عمال داخلی دنبال میگردید ما یوس گردیدند، کرها" و جبراً روسها ذلیلانه دست بدامان مؤسسه ملل دراز نموده، توطئه بی محتوا و ابلهانه معاهده جینوا را روی کار آوردند، تا مگر بتوانند با استفاده از نیروی قراردادهای بین المللی این ملت کوچک و معروم از مادیات ولی متکی به خلاق نیروها را تسخیر و تسلیم نمایند ولی دیده شد که نصرت الهی با ملتی است که با نیروی خون و شهادت از نو میسر دینی و ملی خود دفاع مینمایند و این نیرو بر همه نیروها چیره میگردد، صبر و ثبات و ادا میبرد علیه طواغیت، تزویر جینوا را نیز نقش بر آب ساخت.

از آنجا که دسیسه بین المللی جینوا نتوانست دشمن را به هدف شوم خود برساند اکنون تصمیم دارد از یکطرف نیروی نظامی بین المللی را علیه افغانها استعمال و از جانبی هم افغانها را از طرفداری آنها باز داشته علیه شان تحریک نمایند روی همین منظور گوربا چوف کنفرانس بین المللی و عساکر آنرا پیششاه دمی نماید و دسیسه می چینند که ملت قهرمان افغانستان را با عساکر کشورهای ملحق دوست درگیر و ذهنیت عامه را از اشتیابانی سنگین مجاهدین سرکط غوثی خویش انتقال دهد این است شعبده و استراتژی نظامی گوربا چوف، با ورود ارباب مثال دسیسه های گذشته مسیر نا کامی را می پیماید.

این بود استراتژی مرحله بمرحله روسها که یکی پی دیگری خنثی گردیده موجبات ذلت و رسوائی ایشان را فراهم آورد.

اسباب و موجبات شکست روسها در عوامل ذیل خلاصه میگردد.

۱- در آغاز تاج و زروسها یقین داشتند که مقاومت افغانها را بزودترین فرصت در اندک زمانی بگودال سقوط و خاموشی حواله خواهند کرد روی این دلیل از قیام ملت و شورش علیه حکومت انکار میکردند و با ورمین نمودن که پیش از رسیدن آن سمع جهانیا ن به اختناق و خنثی کردنش موفق می شوند، هرگاه با تلاشهای پیهم بخاموشی آن نائل نیامدند، روحا پز مرده و در میزان فعالیت شان کاهش و

فتور بعمل آمد و مراحل مقدما تی شکست آنها آغاز گردید.

۲- طولانی شدن مقاومت و تحمیل تلفات سنگین بر روسها بیش از پیش ضربه ای را بر روحیه حصول پیروزی روسها وارد و مورال جنگی ایشان را بسوی ناتوانی و ضعف سوق داد و ترددی را در رابطه برسدن ایشان به هدف ایجاد کرد.

۳- هرگاه عساکر روسی در هیچ منطقه ای از افغانستان جزا فغانا ن با هیچ فردی در یکا تی و روبرو نشدند به یقین دانستند که موضوع مداخله امپریالستان علیه افغانستان صرف تبلیغات دروغین بوده و کاملاً از حقیقت عاری میباشد و بدینوسیله در روحیه جنگی ارتش اسالی روس تزلزل فوق العاده رخداد.

۴- ایجاد نفرت و انزجار از کشته شدن عساکر روس در افغان اولیای ایشان ضربه ای را بر افغانها داد اما جنگ عساکر روسی وارد کرد.

۵- هرگاه جمهوریت های مسلمان نشین شوروی مقاومت و پیروزی افغانان را علیه عساکر روس مشاهده کردند، روح آزادی خواهی و شورش علیه مسکو و کریملیشن نشینان در مغز تبعه این جمهوریت ها بحرکت آغاز زیدوبه تظاهرات و اخلاص امنیت دست زدند.

۶- افغانها مقاومت افغانان ناتوان، بی دفاع و پسمانده در برابر ارتش سرخ سیاست نظامی روسها را بسطج جهانی خدشه دار ساخته و مفکوره عدم مکان مقابله با ارتش سرخ را که قبل برین بر افغانها مسلط بود مورد شک و سوال قرار داد و هراس جهانیا ن از ارتش سرخ و بزوال گذاشت.

۷- در برخی از سنگرها ارتش سرخ سرکوب گردید و روبرو به فراوشکست گذاشتند، این رویداد به صورت قاطع ذهنیت شکستنا پذیری ارتش سرخ را بزباله دان تاریخ تحویل داده و با شواهد عینی شکست خوردن ایشان به اثبات رسیده سیاست نظامی روسها را با خاک یکسان نمود و روز بروز در اغتفاح سیاست نظامی روسها افزایش راه مییافت.

۸- از همه بزرگتر چون با ایجاد هرنسوع وحشت و دهشت و با افزایش وحشیانه میزان کشتارها، ویرانگریها و غارتها غیظ

و غضب افغانان شدت میگرفت و در نیروی مقاومت و ثبات مجاهدین عوض ضعف افزودی و نیرومندی بیشتر تر با رزم میکرد و قدرت رزمی ایشان اوج میگرفت و چنان وانمود می ساخت که تا فردی از افغانان زنده باشد علیه روسها پورش میبرد و از جها دست بردار نمیشود این مورال مستحکم و قوی مجاهدین شکستی را بر روحیه عساکر روس وارد آورد و بعضی عزیمت و اراده اشغال افغانستان در فکر حمله از موجودیت خود و اراضی دست داشته خویش افتیدند.

این بود موجبات و عوامل شکست روسها از نظر بنده.

البته در قسمت مسئله دوم یعنی تغییر روند جنگی مجاهدین در مدت ده سال مقابله با روسها باید گفت که:

زمانیکه تریه کی بر سر اقتدار آمد، چون علی الفور تمام ملت بمقابله مسلحانه آمادگی نداشتند بنا بر آن عناصر آگاه که با ماهیت اصلی و چهره واقعی تریه کی و با تدخلی و پرچم آشنائی کامل داشتند به تماس های وسیع با افراد مختلف ملت آغاز و بخاطر معرفی این بانده و خطرات جبران نا پذیر ایشان بفعالیت دامنه دار پرداختند و بدینوسیله علاوه از رجال بصیر و آگاه در افغانان ساثر مردم نیز نسبت به این بانده و عوامل خطرناک مدارای ایشان نفرت عمیق را روز بروز افزایش داده رفتند در این مرحله روند جنگی ملت در سطح ایجاد نفرت و حساسیت در برابر زمامت این باندها بتکامل رسید و تبلیغات مخفی و جنگ روانی از طرف ملت بود اما رژیم کمونستی از لت و کوب، حبس و شکنجه، قتل و دهشت و وحشت ما فوق تصور کار میگرفت.

در مرحله دوم قسمتی از ملت خانمی و فامیل را ترک و بدشتها و کوهها سنگر گرفته بمقابله با رژیم کمونستی و حملات چریکی علیه آن پرداختند و قسمتی با این دسته قهرمان طور مخفی از دیوان و دفتر و از شهر و قریه به کمک و یاری و نت دست زدند و قسمت سوم ملت راه هجرت را در پیش گرفته به بمقابله و آوردند. درین مرحله علاوه از ایجاد نفرت و برافرا انداختن تبلیغات مخفی و علنی ملت با جها مسلحانه ذریعه

ششبرهای کهنه، تفنگهای چرخی، دایه و شهر، بیل و کودال، سنگ و چوب، تیل خاک و بونل های مملو از ما بون و تیل که در آراس همه آن نیروی خارق العاده از شکل و قیافه مجاهدین تعبیرهای مخوف و ورعب آور بعمل می آید، هرگاه یک نفر مجاهد علیه دشمن بمحله میبرد اخت در نظر دشمن بهزارها نفر و لشکری عدوانداز نمایان میگردد، همان بود که قسمت اکثر و لسا و لبا و علاقه داری ها فتح و سلاح های ثقیل و خفیف و نسبتاً خوبی طور غنیمت بدست مجاهدین افتید.

در مرحله سوم مجاهدین از طرفی با جنگ تا حدودی آشنائی حاصل کردند و از جانبی هم سلاحهای خوبی بدستشان قرار گرفت و توانا ام با آن سروصدای قیام ملت علیه رژیم منحوس کمونستی از طریق واسا و ارضیا ط جمعی بگوش جهان رسانیده شد، و راجع به آن صحبت هایی بعمل می آمد، در همین حال آتش جنگ و جاهد دروزبه روز مشعلتر شده مجاهدین بسوی پایتخت گامیل و مراکز ولایات روانه و رده بخاطر اشغال قدرت دقیقه شماری و پیشروی می کردند.

در چنین شرایط حساس و سرنوشت ساز روسا از خوف رویکار شدن مجاهدین و بنا بودی رژیم مزدور، با آوردن یک صدها پانزده هزار لشکر خون آشام بعد از غلبه

طنینی دست زدند و با استفاده از تمام امکانات و واسا و تیل پشرفته در ظرف هفت سال نبرد در رویا روسی با ملت بی دفاع و محروم افغانستان علیه افغانان کار گرفت در حدود یک میلیون پنجاه هزار نفر را شهید و در حدود پنج میلیون رابه آوارگی و هجرت مجبور ساخت و تعداد بزرگی را بستم و معیوب، بی دست و پا و معیوه سبائی و ششوائی نمودند و کشور را با دوسیز را به یک تکه مغز و به تبدیل کردند، گوئی با ایدادی نفس کشیده نتواند دولتی با العکس عزائم متین تر و اراده ها، مستحکمتر و قدرت رزمی بصورت خارق العاده قوس معدودی را پیموده بدشت چاه دبا شدت تلفات مستقیماً متناسب گردید و هر قدر دشمن بر ملت مجاهدین راه سنگینتر و تلفات بیشتری را وارد میورد به همان تناسب مجاهدین مشعلتر و قدرت رزمی ایشان ر روبه شدت و افزایش میگذاشت.

اکنون که مرحله احتیاق ردفن دشمن و لحظات مجدد عظمت، پیشرفت و نصرت و پیروزی مجاهدین فرا رسیده و روسا از نقش زور، زور تویر و مایوس گردیده و سراسیمه و ارگاهی بدامن ملت متحد و احیاناً بدامن مجاهدین پناه برده در مدد دریافت یمنی خمیری به تلاشهای مذبحوا نه متوکل می شوند و با دوزواری و اسرار الحاح آمیز هر روز از حنجره رادیو

مسکورا دیو گامیل و اسارو سایل پخش و نشر آتش بس و ممالحه ملی پهلوی از معاهده جینوا و جدیدتر از همه تدبیر کفرناش بین المللی و دعوت از پیاده شدن عساکر بین المللی میان قشونای متخام را پیشنهاد می نمایند، و نه تنها از تجا و زبلیکه از داند کمک به رژیم مزدور نیز بیزاری خود را اعلان مینمایند و عجیباً !!! روسها مزدوران شان در ابتداء نه تنها از ملاقات مجاهدین بلکه از گرفتن نام ایشان نهانیت نفیست داشتند و عار می بردند ولی اکنون ازشنیدن آماجگی مجاهدین برای ملاقات و فرحت و سرور در لاسا نمیکنند، این روند جنگی که مجاهدین از سلاحهای دوربرد، دافع تانک و دفاع هوا برخوردارند و مرکز گامیل را سخت تحت فشار قرار داده اند و عنقریب رژیم مزدور را با سقوط مواجه و مجاهدین با برقراری نظام الهی بیرق حاکمیت قرآن را بر سرانه های رژیم کمونستی به اهتزاز در آورند، بیش بها ترین و پرا زشتترین مرحله افتخارات تاریخی مسلمانان و عالم اسلام بشمار میرود.

محبوب الله (محمدا ر)

فرمان خدا (ج)

ن - قسم به قلم و به چیزی که نویسنده مینویسد - توبه افضل پروردگار است (دیوانه) نیستی و یقیناً برای تو اجری است که سلسله آن هرگز ختم نمی شود و بی شک توبه بر لبه بزرگ اخلاق قرار داری، نزدیک است که تو هم خواهی دید و او هم که از این شما کدام یک مبتلا به جنون است!

(تفهیم القرآن سوره قلم)



ششم جلدی ۱۳۶۱ روز

رسوایی روسها

روس دوششم جلدی به تعقیب برویکا را آوردن مزدوران شان بکشور ما به تهاجم وحشیانه و یورش بیرحمانه دست یازیده و اقدام کرده است، که این لشکرکشی و اشغال استعمار سرخ و استکبار شرق چنانچه بمصرین انگیزه آنرا رسیدن به بحر هند و خلیج فارس و نمودمی نمایند، خلاصه نمیشود.

بلکه هدف امپریالیزم روس که کشور ما را بحما م خون تبدیل و سراسر را ویران نموده است این بود که تمام کشورهای جهان را بکام اژدهای کمونیسم فرو برده و بر تخت حکمرانی دنیا تکیه زند که ظالع خود را اول با فغانستان جنگا نید و بخت خود را آزمایش کرد. زیرا مارکس و انگلس با بنیان ایدئولوژی کمونیسم "تز" مراحل و دوره های تاریخ بشر را بنا بر اصل غریزه قدرت خواهی، برتری جوئی، امتیاز طلبی و تفوق جوئی خویش که قبلاً تحلیل شد، برای فلسفه منحنی ماتریالیزم دیا لکتیک و ماتریالیزم تاریخی طراحی کرده و بنیان گذاری نموده اند تا ساده لوحان پوچ مغز را تخذه نموده و بسهولت بتوانند اذهان کودکان تاریخ را قانع و جهان را تسخیر و در زیر ساطور مارکسیزم من درآوردی خویش له نمایند و از آن با ملاح کوبیده (گفته) بسازند که بخوردن آن حلقوم شان درد نکند و بمعده شان ثقل وارد نه نموده و بطبع و مزاج آنها سازگار شود.

ولی غافل از آنکه دنیا دیگر نه چون روس طعمه کوبیده برای مارکس و انگلس میشود، که ساطور مارکسیزم آنرا خوردنماید تا خود را خورده، نادیده، مایوسانه و دل پرا زار مان بزرگ رز

مارک دوزخ رفته و خلف ناصالح چون لینن، استالین، خروشچوف، برژنیف و بالاخره گوربا چوف آنرا حیف و میل نموده و به بلعد، و نه مردمان آن چون نسل روسیه تزاری کورن و محروم از عقل گردیده که در نتیجه بیخردی و حماقت طوق اسارت و حلقه بردگی و غلامی کمونیسم را بنوسیده ترعا و تیمنا بگردن آویخته و دست و پای خود را خود بزنجیر دیا لکتیک ماتریالیزم مارکس می بندند تا چون گوسفندان چوپان های مارکسیست ایشان به طویل کمونیسم محصور کرده و از شیر آنان برای خود نرته به بسازند و دنیا را به بردگی و محکومیت کسانیده و به غل و زنجیر کموسیرم به بندند.

از بنبر و خلف مارکس و انگلس و لینن از استالین گرفته تا برژنیف شب و روز را بنا بر کودنی، حماقت و خوشبختی و اعتماد دوقین بر فلسفه ماتریالیزم دیا لکتیک در انتظار تحقق و جا معه عمل پوشیدن خواب فخیال و رویائی مارکس دقیقه شماری کرده و هر لحظه در کمین بودند که چه وقت، و چطور او زکدام طریق می توانند کسوت کمونیسم را که بر قد قامت و اندام آزاده انسانیت درست، درست و جور در نمی آید بر تن آن کشیده و دنیا را مقهور و مسخر کمونیسم ساخته و خود بر مستبدانیت آن بنشینند و فرمان برانند.

تا سرانجام برژنیف با این تصور ابلهانه واهی و پوچ و با این عزم شوم قشون وحشی و گارد سرخ را در افغانستان که دروازه دنیا پنداشته شده و همه جهان خواران از همین راه بدنیاء انسانیت پا گذاشته و داخل شده اند داشت

بیخیر از آنکه اراده خداوند و سنت الهی در طول تاریخ بدین رفته است که هرگاه هر استعمارگری کشور کشاء و گیتی بلع که بفکر تسخیر جهان بشریت افتاده که برین مرزبوم پا گذاشته، اولین شکست آن از کوه پیکرهای این خطه شهید پرور شروع جمع شدن بساط حکمروائی آن از همین جا آغاز گردیده است که چنگیز، انگلس سکندر و غیره مثال برجسته و عینی است. و خداوند افتخار درس آرزوی آموختن ملل تحت استعمار و آزاد نمودن ایشان را از قید اسارت، بردگی، ذلت و محکومیت نصیب و بهره، خلعت و نشانه این ملت ساخته است تا پرچم را ازادی در جهان، و در اهتزاز در آورده آن برای نسل های انسانی بوده، کفرستیز و استعمار شکن باشد.

و چون بار دیگر اراده خداوندی بدان رفته بود که جهان بشریت نیز از شرافت کمونیسم رها نیده و نسل انسانی را از پنجه این دیو شیطانی و این غول درنده و بیانی و کابوس کمونیسم و حشت زاء که خشک و تر را یکسر بلعیده، عرض و آبرو، آزادی و کرامت انسانیت را لگدمال نموده، و بحلقوم افمی واژدهای خشن و بر جسم استعمار سرخ و استکبار شرق فرو می برد، نجات داده بشریت را از یمن مصیبت و بلیه خانمان برانداز جهان سوزنجات بخشیده، بحیات تنگین این جرشومه فساد و شجره خبیثه برای ابد خاتمه دهد، تا دنیا و جهان از شر آن در امان بمانند.

پاشی آنرا درین سرزمین را دمردان تاریخ دلاوران آزاده و فرزندان توحید

از حکومت و اجماع بین مکتب فکراست انسانی و منافی آزادی، حریت و شرافت بشری شده اند.

و نیز در نتیجه حمله آفرینی های این پاداران مکتب توحید است که همه دول کمونیستی در جهان به تحدید نظر در کمونیزم پرداخته و پرواهای قتل زده کشورهای خود را بروی آزادی و دموکراسی باز داشته و از پدید آمدن اصلاحات دم میزنند.

و بالاخره مقاومت و جانبازی این فرزندان سرزمین آزاد و استعماربراندار حزب کمونیست و رژیم مزدور دوست نشاند روس در افغانستان را بدین حدود دانسته است که علاوه بر عقب نشینی های بی درپی از سنگرمای کمیزم، طرح توطئه ها، دسایس و شیرنگهای مزدوران، گوناگون دیگر که

ما و جهان را تا هفت نهم گذشته زخف کلمه، دموکراتیک از جمهوری افغانستان از ماکسیست بودن خود نیز افکار روز زده و اعلام نمایند که حتی مردم حزب کمونیست نام آفرین نیز خرابند تغییر دهند. و همین مطمئن که آرزو درونیست که نام حزب کمونیست و جمهوری دموکراتیک خلق را جهت اغواء مردم و فریب آنان که اقلیتی دیر شده است بظواهر اسلامی خواهند گذاشت که با شاکت ملت و افشاء شدن چهره ایشان این امر نیز از سقوط این وطن فروشان فرو ما به ملحد خدا شناس بدست این ملت غیور و مو من جلوگیری نکرده و در دموکرات روس را که با این تزا و بیرد صدا غفال ملت اند دوا نه نموده و ملت شهید پرور ما بسا فطانت اسلامی و زیرکی سیاسی، شعور و بیداری که پیدا کرده است این نوکران را بزبان لمان تاریخ برای ابد بجا بسا کمونیزم دفن خواهد کرد و غرض فرا گیری درس سیاسی آن را نه به پیش رهبران کارل مارکس و لینن ایشان روا نه چمن خواهد نمود.



با لیزم روس بدست پرتوان این آزادگان تاریخ و دلیر مردان قهرمان زمان پوشانیدن این خلعت افتخار برق امت آزاده و رزیا، موزون و رسانی این ملت از طرف خدا و ندی باشد.

و بشریت خود تا هفت نهم که روس خون آثم و شیا ددر نتیجه ضربه های خور دکننده و کاری این ملت مو من مجبور و و از گردنبدت سرانجام، نه تنها از کمونیزم در سطح این دست بردارد، و بدشمنان خویش (کمونیزم) از در مسامحه و ممالحه سازش و مدامنه پیش آمدن مایه، بلکه گوربا چوف در خود رسیده دست با ملاحظاتی و ایجا دتغییرات را ماسی وریشه در اصول بنیادی مارکسیزم زده، و مخالف سفسطه گوشیهای مارکس، خیال با فنی های انگلیس ویا و سرائیهای لینن گام بر داشته، اقدام و مبادرت ورزد.

و با اعلام سیاست بازای و دموکراسی، آزادی و ایجا دتغییرات و اطلاعات در محافل مجالس و کنفرانس های ملی و بین المللی بپزازی خود را از دکتا توری پرولتاریا ابراز و بوند آزادی در روسیه گستر داده و هوس بر سرش آید.

و همچنین از برکت جهان انقلاب اسلامی ما است که امروز در روسیه و کشورهای مستعمره تحت سلطه آن، مردم بعد از تقریباً هشتاد سال علیه کمونیزم قیام نموده و به پا خاسته و خواهان رهایی و نجات

گشائید، تا چون استعمارگران پیشین و جهانخوازان گذشته آنرا بجا کدان مذلت بشانند، و با فتاح و رسوائی شکست اسلافش مواجه و سردجا رگزا ندیده و مایه عبرت برای نسل های آتی به استعمارگران و ابرقدرتان جنایت پیشه قرون بعدی قرار دهند.

که کنون جهان با برخلاف تصور، توقع و انتظار خویش را طریاً غش کشیدن شاهد پیروزی این ملت قهرمان در برابر جنای و روحشی و خون آثم روس که شکستنا پذیری اش را تسلیم نموده بود می باشد، که تا دیروز از جمله محاللات پنداشته شد و ما را نا ممکن و غیر قابل با ورتلقی می گردید.

و بیستم سمری بیند که ابر قدرت شرق و روس جفا پیشه و ستمگش غرض نجات از بین طوفان بر طلائف و قیاسوس بیکران بحر خن و خاشاک دست انداخته، و بهر وسیله توسل می جوید، تا بتواند ازین باتلاق روس شکن و کمونیزم براندازید که در آن فرورفته، و گرداب خونین و بی پایانیکه بدان غرق گردیده است راه رهایی و نجات یافته، و جهت زنده ماندن بدان دست و پنجه نرم نموده راه فرا و خلا می می جوید.

و یکجا دیگر جهان با شاهد نظاره گر شکست شدن طلسم کمونیزم و فرو ریختن افسانه شکستنا پذیری سوسیال امپری





ارگان نشراتی حزب اسلامی افغانستان کمیسیون ارشاد فرهنگ سال ساین ۱۳۵۹ هـ ش

مدير مسئول : محمد معروف "فروغگر"

معاون : مولوی محمد نعیم "تائب"

دور دوم - سال چهارم - شماره ششم - جدی ۱۳۶۷

آنچه درین شماره میخوانید :

- ۱- پیغام شفق
- ۲- دروسانودپوهی یرغل دهنمی کلیزی غنندنی تاریخی
- ۳- افکارونظریات
- ۴- ششم جدی ۱۳۵۸ روزرسوایی روسها
- ۵- جنایات کمونیزم در ترازی تاریخ
- ۶- نگرشی مختصر بر روند فعالیت های فرهنگی جهاد
- ۷- متن دری بیانیه مفکر بزرگ اسلام
- ۸- جنگ دوام لری
- ۹- تفا دبا اسلام وخصومت با مسلمین
- ۱۰- مائوئیسم وانکاس آن در افغانستان
- ۱۱- پرتیرعیسوی کال (۱۹۸۸) کی دافغانستان دقضی
- ۱۲- سمنهایی ازخون بهار انقلاب
- ۱۳- توره اوترخه لوخره
- ۱۴- کوز خور
- ۱۵- دشادتلور مقام
- ۱۶- داحادیشوپه رناکی دهجادا ومجاهد فضلیت
- ۱۷- نظریاتی در باب اقتصاد اسلامی
- ۱۸- دمورچلونو خبرونه
- ۱۹- نامه های وارده

شرح پیشین :

محمدرزیزکردهم کسری تبیح مجاور نظامی روسها بر خاسته
که براندگیته امیر میا پورب اسلام خاسته نه در شرح ویرا دیانیه فرموده

جنايات کمونييزم در ترازوی تاريخ

نوشته: ا. ا. بی، ف

مسایل ملی و مذهبی شمایی احترام می کند، واحدی را جرات آن نخواهد بود که، دروازه های مساجد ترا برویتان ببندد.

در قسمت دیگری ازین بیانیه چنین آمده بود:
رفقا! برادران!

"بیرق ما با خود آزادی مردمانی را حمل میکند، که سال های سال در تاریکی استبداد قیصرهای غارتگر روسی زیستند و زجر و ستم کشیدند.

مسلمانان روسیه! مسلمانان شرق!
ما و شما درین لحظات حساس تاریخ رسالت داریم، تا تصمیم اتخاذ نماییم که آزادی کامل ملی و اسلامی را به جهانیان ارمغان آوریم، درین راه بدون مساعدت های شایان شما نمیتوان این ماء مول را برآورده ساخت. بیایید با هم متحدانه درین راه گام برداشته و پله های دموکراسی را طی کنیم، تا در آخرین مرحله عدالت و دموکراسی قرار گیریم."

اما وقتی که انقلاب کمونیستی سرخ برپا ایستاد، موضوع شکل دیگری بخود گرفت، آتش، اشک و خون بمیان آمد و چکمه های استعمار سرخ حلقوم مسلمانان را دریده و آن سخنان دروغین و عوامفریبانه که گویا حزب کمونیست برای مردم مظلوم و ستمدیده مسلمان (آزادی!) کامل اسلامی و ملی بیارمی آورد، همه به بار فراموشی سپرده شد. از برکت اعطای کامل (آزادی) اسلامی و ملی، روسی به مسلمانان، قشون و برانگرو سفاک سرخ با

وحشیانه ترین حمله بسال (۱۹۲۱ م) در نواحی قفقاز و ترکستان، محصولات زراعتی مسلمانان را به آتش کشید که ۱۰۰/۰۰۰ مسلمان در شرق قفقاز و گرسنگی جان خود را زدست دادند.

دخلال سالهای (۱۹۳۲-۱۹۳۴ م) قوای خون آشام روس با ردیگر محصولات زراعتی مسلمانان را حریق کرد که در سایه فریب حزب کمونیست مبنی بر اعطای (آزادی کامل ملی و

وقتی تاریخ را ورق زنیم و به صفحات آن نظر اندازی نماییم، درمی یابیم که سوسیال امپریالیزم سرخ (روس) چه جنایاتی نبوده که در برابر مسلمانان انجام نداده، و چه پلانی نبوده که بخاطر نابودی اسلام و مسلمانان بکار نبسته، از کشتار گرفته تا تبعید، و از بمباران آوردن قحطی گرفته تا انهدام عبادتگاه های مسلمانان همه و همه را بخاطر ازپا در انداختن اسلام بکار برده است.

انسان ابد! قادر نخواهد بود تا عملیاتی مانند عملیات جنگی و کشتار دسته جمعی مسلمانان توسط روسها را در یاد بدارد. این کشتار بیرحمانه را به اصطلاح (انقلاب!) نام نهاده اند.

یکی از دانشمندان در قسمتی از کتاب خود می نویسد:
"تاریخ خوب بیاد دارد که اعضای شورای انقلابی کمونیستی در آستان لینن و ستالین، بتاريخ ۲۷/۱۲/۱۹۱۷ بیانیه رسمی را ایراد کردند، که در قسمتی از آن چنین آمده بود: "چندی بعد امپراطوری غاصب سرمایه داری بکلی نابود گردیده و زمین زیر پای دزدان استعمارگران آتش خواهد گرفت، که این منظره عجیب را همه به چشم سرمشاهده خواهیم نمود.

مسلمانان روسیه! شما، ای کسانی که سالها رنج بردید و زحمت کشیدید و با این همه از جمله حقوق انسانی محروم بودید.

تا تارهای مسلمان که در سواحل دریای و الگا و کوه های قفقاز زندگی میکنند!

مسلمانان سایبری و ترکستان! شما ای رنج دیده گانی که قیصرهای طفیانگروس سالها دروازه های مساجد ترا برویتان بستند، و عقاید، رسوم و عنعنات و حتی حقوق دینی شما را با مال ساختند، ما برایتان مؤده میدهیم و صراحتاً اعلان میداریم که: سرازار مؤز آزادی عقاید، عادات، اجرای مراسم دینی و مذهبی، ایجاد سازمانهای اسلامی و فرهنگی و بالاخره آزادی ملیتان به صورت عام و تمام تاء مین میگردد. پس ازین هیچکس حق ندارد به

اسلامی (۱) سه میلیون تن از مسلمانان آسیای میانه از فرط قحطی و گرسنگی به هلاکت رسیدند.

داکتر ووف شلبی در کتاب خود بنام (فریب مارکسیزم) می نویسد: "تنها در ترکستان (۶۸۸۲) محراب مسجد بدست کمونیستها مبدل به ویرانه گردیده است، از جمله دو مسجد بزرگ بنام های (مسجد کلان) در شهر بخارا و مسجد (کته جامع) در شهر فوقند، بدست این جنایتکاران منهدم شده است." خرس های سرخ قطبی علاوه بر اینکه بناهای مساجد و معابد را منهدم ساختند، اکثریت آنها را به شرابخانه، کلوپ سینما و تیاتر مبدل نمودند.

در سال (۱۹۳۲ م) فرمانی از طرف رهبری کمونیسم صادر گردید که در بخشی از آن آمده بود: "تا اول ماه می سال ۱۹۳۷ م نباید در هیچ شهر روسیه مکانی برای عبادت وجود داشته باشد. و فکر خدا (ج) پرستی که از بقایای مزخرف قرون وسطی است، باید از بیخ و بن نابود گردد." سوسیال امپریالیزم سرخ علاوه بر کشتار بیرحمانه مردم مسلمان، انهدام مساجد و عبادتگاه ها، حبس و زجر و شکنجه مسلمین به کشتار بیرحمانه، زعمای سرکردگان اسلام در آسیای میانه، نیز دست زد، چنانچه شیخ محمد غزالی، نامهای بعضی از دانشمندان اسلامی را که بدست (دشمنان سرخ اسلام) به قتل رسیده اند، در کتاب خود بنام (الاسلام فی وجه الزحف الاحمد) آورده است که از جمله میتوان از این هانام برد:

داملا برهان الدین بخاری (قاضی القضاة) داملا خان مردان خان (مفتی بخارا)، داملا عبدالمطلب، شیخ محسوم متولی، ملا عبدالحامد خان، شیخ الحاج ملا یعقوب، داملا عبدالکریم و

برای پرده برداری از جنایات روس در برابر مسلمانان آسیای میانه، بهتر است کتاب (مسلمانان در اتحاد شوروی) نوشته (سانتال لمربیه و الکساندر بیبنفسن) را نیز ورق گردانی نماییم. در بخشی از این کتاب نوشته شده است:

"کمونیستها برای نابودی اسلام، و تحمیل عقاید خود بر مسلمانان آسیای میانه، از انواع تاکتیک های سیاسی نظامی و اقتصادی استمداد جستند، سازمانهای ایدئولوژیکی و فرهنگی مارکسیستی را، در مبارزه علیه اسلام، ایجاد و عناصرو د فروخته یی را در نبرد طولیل البدت با این کیش استخدام نمودند.

کافیست بدانیم که، (سازمان بی خدایان) که در سال ۱۹۵۱ م این سازمان، اضافه از ۷۰ جلد کتاب ضد اسلامی را در (۸۰۰/۰۰۰) نسخه، طبع و بخاطر نابودی روح اسلام در همه ولایات اسلامی پخش نمود.

در سال (۱۹۱۷ م) تعداد مسلمانان ساکن در جوار کوه های

قفقاز، بالغ بر پنج میلیون تن می گردید، که بعد از سپری شدن بیست سال، تعداد آنها روبه کاهش نهاده و از جمله پنج میلیون تن، کمتر از (۴۰۰/۰۰۰) نفر باقی ماندند. در سال ۱۹۳۴ م کمونیستها اضافه از ۱۰۰/۰۰۰ مسلمان را در ترکستان به هلاکت رسانیدند، که اکثریت آنها از جمله پیشگامان نهضت اسلامی عصر بشمار می رفتند.

ازین توضیح مختصر، چنین نتیجه می گیریم که این اعمال اضافه از ۷۰ سال است که در آسیای میانه ادامه دارد، و کمونیستها برای نابودی روح اسلام از انواع تاکتیک ها استفاده نموده، و در همه ساحات زندگی مسلمانان آنرا بکار می برند.

دکتر محمد شاه، استاد پوهنتون امام محمد بن سعود مملکت عربستان سعودی در رساله یی نوشته است: "در جنوری سال ۱۹۱۸ م مسکو کمیته یی را ایجاد نمود که نام (شورای عالی شویون اسلامی) را بالای آن نهاده بود. این شورا در حمایت خاص دولت قرار داشته و از طرف حکومت کمونیستی کمکهای مادی و مالی فراوانی به این شورا صورت میگرفت و در وهله اول وظیفه این شورا بررسی امور مسلمین در داخل اتحاد شوروی بود ولی بعدها با درک اینکه گویا (دولت روس خود را در همه مصالح مسلمین جهان غم شریک میدانند) به شورای مذکور اجازه داده شد تا در امور اسلامی مناطق خارج حدود شوروی نیز مداخله نماید.

با این کار مداخله در امور اسلامی مناطق خارج از مرز شوروی زیر نقاب اسلام آغاز یافت. بعد از آن کمونیسم گام دیگری برداشت، و طبق پلان مطروحه، به شورای مذکور دستور داد تا کنفرانسی را در ماه دسمبر سال ۱۹۱۸ م دایر نماید، که هدف آن ایجاد خلا در جهان اسلام بود.

طبق تصویب سران این کنفرانس، انجمنی بنام (انجمن آزادی بخش شرق) بمیان آمد و برنامهم عمل خود را تحت عنوان (شرق و انقلاب) پخش نمود. این انجمن نیز آهسته آهسته نضج گرفت و در سال (۱۹۲۰ م) (مدرسه عالی تاشکند) را بمنظور تربیه به اصطلاح (پیشاهنگان انقلابی) بنیان گذاری کرد، درین مدرسه انواع تاکتیک های سیاسی مارکسیستی ونحوه نبرد کمونیسم با اسلام تدریس می گردید که بعداً این "پیشاهنگان" (انقلابی) به اطراف و اکناف سرزمین های اسلامی فرستاده میشدند، تا با نیرنگ های گوناگون، زمینه انقلاب کمونیستی را در مناطق مذکور فراهم آورند.

در همین سال روسها خواستند جنایات مرتکبه خود را پرده پوشی نمایند، که در خان سال مذکور، کنفرانسی را سازمان داده و از (۲۵۰۰) نفر علمای مذهبی کشورهای اسلامی شرق دعوت بعمل آوردند، تا درین کنفرانس حضور بهم رسانند، از جمله تقریباً (۱۸۰۰) نفر به ندای روسها لبیک

اشتراک در مراسم دینی اسلامی از حزب اخراج گردیدند. اما چنانچه ما روسها را می شناسیم این خبرها بدشکل زیرین درست تر باشد.

"... خبرهای واسله از مسکو حاکیست، که عده‌یی از اعضای حزب کمونیست ... بجرم اشتراک در مراسم دینی اسلامی اعدام گردیدند."

اگرچه کمونیست‌ها در سرزمین‌های اسلامی آسیای میانه آنقدر جنایت کرده‌اند، که برای برشمردن آن چندین جلد کتاب کافی نخواهد بود، ولی بطور اجمالی و مختصر جنایات کمونیست‌ها چنین برمی شمیریم.

۱- کشتار ۱۰۰/۰۰۰ مسلمان در سال ۱۹۳۴م تنها در ترکستان که اکثریت آنها را قاضی مورین حکومت محلی، دانشمندان، روحانیون، فرهنگیان، تجار و دهقانان تشکیل میداد.

۲- دستگیری اضافه از ۵۰۰۰ مسلمان در سال ۱۹۳۷م که گروهی اعدام و بقیه محکوم به حبس با اعمال شاقه به مناطق یخچالی سایبریا فرستاده شدند.

۳- آوار شدن دونیم میلیون مسلمان ترکستانی از برکت (اعطای حقوق کامل ملی و اسلامی کمونیسم).

۴- به آتش کشیدن محصولات زراعتی مسلمانان در خلال سال‌های ۱۹۳۲ - ۱۹۳۴م که باعث هلاکت اضافه ترازه میلیون مسلمان در ترکستان گردید.

۵ - تبعید ۴۰۰/۰۰۰ مسلمان ترکستانی به اوکراین و مناطق مرکزی روسیه، که در نتیجه نسل‌ها مختلط شده و مالت نژادی مسلمانان بنای بودی گرایید.

۶- قتل عام ۱۰۰/۰۰۰ مسلمان قفقازی بسال ۱۹۲۱م در نتیجه قحطی و گرسنگی.

۷ - دستگیری و کشتار ۱۳۵۶۵ نفر مسلمان تنها در سال ۱۹۵۱م

۸- بسته نمودن دروازه‌های مساجد بروی مسلمانان، و مبدل ساختن آنها به سینما، کلوپ، شرابخانه و مکتب آموزش ایدیولوژی مارکسیستی.

۹- انهدام (۷۰۵۲) مدرسه دینی، تنها در ترکستان از جمله مدرسه (دیوان بیگی) در بخارا، (مدرسه برهان خان) در تاشکند و ...

۱۰- کشتار ددمنشانه علمای دینی و زعمای سیاسی، و یا اصدار حکم حبس آنها با اعمال شاقه.

این بود مشتم نمونه خروار، از (اعطای حقوق کامل ملی و اسلامی کمونیسم) برای مسلمانان آسیای میانه. خوانندگان گرامی!

سطوری را که در بالا خواندید، قصه کمونیسم در یک شهر نیست، قصه همه شهرهاست تصویر است از زندگی در سایه کمونیسم، تروریسم، سرخ و استبداد، تصویر است از زندگی مردمانی که همیشه در رنج، اشک، خون، درد، حرمان و ذلت حیات برمی برند، در زندانی بزرگ، که دروازه‌های آن به

گفته و در کنفرانس اشتراک نمودند. در خلال موضوعات مورد بحث درین کنفرانس، کمونیست‌ها در جایی چنین تذکر دادند: "همچنانکه دین مقدس اسلام مردم را به مساوات، اخوت و برادری دعوت نموده است، آنها بیکه به رژیم کمونیستی بلشویک‌ها (که ما ننذا سلام است ۱۱۱) ایمان دارند نیز مردم را به مساوات، اخوت و برادری فرا می خوانند."

این عوام فریبی و دروغ‌ها خدا را کمونیست‌ها را اشتراک کنندگان کنفرانس با ارائه براهین مدلل به شدت رد نمودند که در نمودن این نظریه تاءثیر نهایت منفی را در سیاست بلشویک‌ها وارد ساخت.

بعد از آنکه سیاست (اسلامی) روسها به شکست مواجه شد و آرزوهایشان به یأس مبدل گردید، در سیاست‌شان تغییر بنیادی بی رونما گردید و علناً دشمنی با اسلام را آغاز نمودند آزادی عقیده، بیان، اجرای مراسم دینی و مذهبی و بالاخره همه مسایل، بویژه مسایل اسلامی، برای مسلمانان داخل اتحاد شوروی قدغن گردید. دروازه‌های مساجد، که ۸۰ فیصد آنها را مدارس حفظ قرآن کریم تشکیل میداد، در سال ۱۹۳۳م بصورت قطعی بروی مسلمانان بسته شد، و کمونیست‌ها برای اینکه بالای زخم مردم مسلمان این مناطق نمک پاشیده باشند، عمارت‌های مساجد را تخریب نمودند، بلکه همه را به شرابخانه، کلوپ، سینما، تیاترومکتب، آموزش ایدیولوژی مارکسیستی تبدیل نمودند، که میتوان از آن جمله مسجد بزرگ سمرقند را نام برد که به موزیم ملحدین مبدل گردید.

در همین سال از جمله (۴۰۰) مسجد بزرگ، که قبل از تجاوز روسها در بخارا موجود بود، فقط (۱۰) مسجد بدشکل نمایی باز گذاشته شد و بقیه بشکل بیت الفساد عرض وجود نمود.

کمونیست‌ها با همه وسایل دست داشته، از جمله بکاربرد قوای نظامی، ضیق ساختن اوضاع سیاسی، محاصره اقتصادی، و ... تا امروز کوشیده‌اند، که اسلام را نابود و عقاید پوچ و مزخرف مادی را بالای مردمان مسلمان تحمیل نمایند، ولی با این همه خیلی اندک به هدف خود نایل آمده‌اند. قابل تذکر می‌دانیم که تا اکنون کمونیست‌ها ضربه‌های خورد کننده بی‌رازدستان پاک مردمان مسلمان آسیای میانه متحمل شده‌اند.

اسلام با همه کوشش‌های مذبح‌خانه کمونیسم نابود شدن نیست و با آنکه مردم مسلمان آسیای میانه، انواع و اقسام شکنجه‌های غیر انسانی را، بجرم مسلمان بودنشان، متحمل شده‌اند، با زهم بصورت مخفی و دور از نظر سرخ‌چکه‌گان خون آشام روسی به عبادت خداوند (ج) می‌پردازند.

جریده (اخبار) چاپ قاهره در شماره تاریخی ۱۷/۷/۱۹۷۴م نوشته بود: "مسکو - رویتر: خبرهای واسله از مسکو حاکیست که عده‌یی از اعضای حزب کمونیست در منطقه قفقاز بجرم

دستیکه می کوشد خود را ازین زندان تاریک نجات دهد، قطع میگردد، سربکه در آن فکر آزادی باشد به دار آویخته میشود و چشمیکه در آن روزی دیدار فجر از ادبست از حدقه در آورده میشود.

و با لاخره اینست تصویر حقیقی و بیبا نگر واقعی کمونیزم. پایان

روی اشخا صیکه میخواهند از آن بدر آیند، هرگز با زخمی شود برعکس این دروازه ها بروی آنانی با زخمی شود که میخواهند داخل این زندان شوند، در زندانی که پیوسته ظلم است و ظلمت، استبداد است و سلب حریت، حقوق زندگی، آزادی - عقیده و بیبا ن و حتی حق یکتا پرستی را نمان سلب میگردد. قصه ملتی است که چکمه های استعمار سرخ پیوسته حلقوم آنرا می فشارد.

شناخت ماهیت مارکسیزم

..... لای محمد الحسن

اینکه ما - مارکسیست می گوئیم - طبعاً افرادی خالی الذهن و بلا اراده، مورد نظر ماست که اطراف فلسفه مارکس گرد هم آمده در ترویج عملی آن سعی و تلاش نموده اند، ما زمانی خویش را به ماهیت اصلی یک پدیده پی برده می توانیم که منبع آن را عمیقاً ارزیابی داشته خویش را آگاه سازیم، بنابراین لازم است تا جهت فهم بهتری مبانی واقعی مارکسیست ها به زلزلگی و نمونه های از طرز فکر مارکس اشاره نمایم. این به خاطر آن است که مارکسیست ها خلاف مندرجات مکتب العادی شان از دیگران بیشتر مدعی داعیه بشر دوستی بوده سنگ صداقت به سینه می کوبند، او شان کاذبانه خواستار تحکیم اساسات اسلامی شده منقلب را وسیله اغواء و گمراهی دیگران قرارداده اند، حال آنکه دشمنان واقعی اسلام و منقلب - همین مارکسیست ها بوده از دیگران بیشتر در دشمنی و ضدیت با اسلام و مسلمانان سهم می گیرند.

این عقیده پوسیده و باطل که اصلاً جهت نابودی بشر خلعت می نماید، لشخوار قذافه فلاسفه یونان و روم و جاهلیت عرب بود که همه آنها از خدا منکر بوده به طبیعت معتقد بودند و همه کرنش و نیایش را با طیب خاطر به پیشگاه طبیعت کور و کر ادا میکردند. طوری که قرآن عظیم الشان از حال آنها چنین حکایت می کند «وما یهلکنا الا الدهر» او شان می گفتند که هلاک میسازد ما را مگر دهر یعنی به دهر قدرت اهلک داد، خویش را در مقابل آن عاجز می بیند و بر خود لازم دانسته بودند تا خواجگی طبیعت را بپذیرند - حال آنکه همین انسان خواجه طبیعت است، روی همین ملحوظ آنها بنام دهریون نیز نامگذاری گردیده اند.

بعد از مدتی همین طرز دید و اندیشه نابکار جای خود را تعویض نموده مردی بی خرد بنام مزدک در زمان قباد پسر نوشیروان تبارز می کند این مرد بی خرد در ترویج سلسله افکار واهی اقدام نموده به فعالیت های عملی آغاز نموده که بالآخر آن قباد تحت اثر او قرار گرفت و منقلب او فروغ یافت و چون نوشیروان از خرافات و پیموده گوئی های او بی برد در پی آن شد تا به علاج وی برسد همان بود که او را گرفت و بقتل رسانید. این بدعت در سلسله نظریات خویش زنان و اموال هر کسی را به آن دیگر حلال کرده و مردمان را شریک همه نموده بود یعنی میگفت که مردم هر همه چیز شریک اند مثل شرکت مردمان در آب و آتش و گیاه که شرکت مردم درین سه چیز متذکره روی حکم شرعی بوده طوری که پیغمبر خدا فرموده است

مردم در سه چیز شریکند در آب - گیاه و آتش. عقیده اینها این بود که چون ماده و روح جمع شوند همه چیز ازین دو خود به خود ایجاد می گردند احتیاج بخالق دیگر نیست والعیاذ بالله، چون این مسلک - مسلک ناروا و دور از حقیقت و غیر قابل قبول مردم بود لذا بعد از کشتن مزدک اثرش مضحک شده مستأصل گردید.

این اشتراکیت را که گروهی از گمراهان خواهان آن بودند قبلاً در زمان قدیم در یونان قهر ریزی شده پایه گذاری گردیده بود.

تاریخ بشریت چنین گواه است که هرگز و زمانیکه از ناحیه احکام و امراء و مالکین اراضی و دارایان ثروت و بر ملت و زارعین و محرومین زور و جبر و تجاوز می شاد صورت گرفته متغایر بطور عکس العمل به کدام صورتی جهت خاتمه بخشیدن این همه جبر و تجاوز مفهوم اشتراکیت بمیدان شهود بر آمده و اصلاح گردیده است. حال آنکه در خاتمه بخشیدن همه مظالم و ناروائیها در همه قرون و شرایط دستورات الهی جهت تنفیذ عدالت و دادخواهی وجود داشته. افکار کج اندیشان از همه دستاویزهای زده قدم به اشتراکیت نهاده اند. چنانچه در زمان قدیم در یونان پادشاهی خیلی ظالم وجود داشته که مردم از ظلم و شکنجه وی بیجان رسیده بودند و همه در تب و تلاش آن بودند تا با دستیابی به وسیله ای شاه را از پا در آورده آزادی خویش را اعلان نمایند. درین میان نخست وزیر او بنام «تامس موزه» از روش حاکم

وقت ناراحت شده کتابی را به اسم «لامکان» می نویسد و با نوشتن همچو کتابی درین وقت بضد رژیم حکومت وقت سروصدا و آشوبی بپا زند. این نخست وزیر با تصورات تخیلی خویش در کتابش تصور بهشت تخیلی را پیشنهاد کرده بود و گفت لامکان عبارتست از دولتی که شاه شخص نداشته باشد و همه ملت در آن کشور باید که با هم مساوی زندگی داشته و هر فرد از

افراد آن مملکت طبق میل خود حق دارد که آزادانه از هر مغازه هر کالائیکه خواهد بدون پرداخت قیمت بردارد - و آقای «مور» بسوی این بهشت تخیلی خود مردم را مخاطبانه دعوت میکرد. دعوت وی جریان داشت تا این مسلک را در میان گروه بردم گویا قانونی و مطابق میل مردم اعلان داشته حزب اشتراکی را اءاده سازد و در اثر تبلیغ وی یک حزب کوچک بنام «اشتراک لامکان» آماده شد ولی چون این معاشره «مور» پایه استواری نداشت و از تار عنکبوت ضعیف تر بود بنابراین جامه عمل نپوشید و بموقعت نرسید و هدف بوج وی نقش بر آب شده لغو را بار نیامورد. و بزودترین فرصت مردم از دام چنین کید و مکرری نجات یافتند. این دوره و که بنام اشتراکیت راه گمراهی به انظار مردم پر زرق و برق جلوه داده شده بود و «دوره مزدک» با رسوایی کامل پایان می رسد. ولی بعد از آقای مزدک مصور معروف و فیلسوف بزرگ آقای مانی در ایران نمودار شده که این آقای بی شرم و قبحانه نظریات مزدکی را مورد تأیید خود قرارداد. کوشید تا خدمت باین مسلک نموده بآن نام جاویدانه دهد و با لا اقل تا مدتی مردم را برهن تاو عنکبوتی بپچانده سراسیمگی را بار آورد، ولی کوشش وی نیز جایی را نگرفت و این

فرقه را مانوی میگویند این فرقه های خاله یکی دیگری نمایان شده جزء صفحه تاریک و سیاه تاریخ می گردند، نوبت به فرقه اباحیه می رسد، طوری که از ناشی پیداست آن هم دارای همین عقیده مزدکی بود. دیری نمی گذرد که رسم و آیین فرقه اباحیه صحنه را تخلیه داشته مردی یهودی که لاش مارکس است ناجوانمردانه در پاره از کارها دخالت نموده با ابراز نظریات و افکار در پیشگاه ملت ها می خواهد سند حقیقت و مدال علمی دریافت نماید. این یهودی از اول کار از نظر «داروین» مطلب را گرفته کار خود را آغاز کرده که آن عبارت از فکر حیوانیت و ماهیت بود این فکر شیطانی را بهمه جاکشید و گسترش داد و الهام های مسموم آنرا در همه جا پراکنده ساخت.

مارکس نسبت به منقلب بدینی خاص داشته منقلب را بنام ایسون ملتها شناخت، زیر بنای عقاید مارکس را نسبت به منقلب دو چیز تشکیل می داد.

۱- عقیده ای که نسبت به منقلب داشت که این مطلب کلاً در عقیده او مؤثر بود. او در دوران جوانی گرفتار دخترتری می شود و روی عشق مفرط خود نسبت به دختر غزلیات سوزناک را می سازد که روی شوهر و تحقیق دانشمندان دیوان غزلیات او بزبان آلمانی وجود دارد. مارکس تصمیم داشت تا با معشوقه خود ازدواج نماید چون مارکس مرد مادی گرا بود روحانیون جامعه مذهبی آلمان با ازدواج مارکس با دختر مؤمن زاده پشت مخالفت می کنند - عدم دستیابی مارکس به معشوقه اش عقده می گردد تا بر علیه منقلب جبهه گیری نماید و علت دیگری یهودی بودن او بود که پیوسته افراد این گروه مورد تحقیر جوامع اروپائی بودند - سرانجام مارکس به انتقام از منقلب برهمنه فوت نفع شخصی و عداوت افراد او را به ترک حقیقت و برخلاف عدالت و ادار می سازد.

۲- آگاهیه های محدود او و استنادش فویرباخ درباره دین است، زیرا داوریه های سطحی و کم عمق هر دو باینست مطلب گواهی میدهد. به پاره ای از افکار این دو مرد کم عبق اشاره میکنیم تا داوریه های سطحی آنها آشکار گردد.

یکی از قضایای فویرباخ درباره خدا این بوده که میگفت خدا زائیده پندار انسان است روی این اصل بشر خدا را در محیط و اندیشه خود آورده نه اینکه خدا انسان را بوجود آورده باشد چنانکه میگوید خدا و دین جز محصولاتی از انسان را نیافریده بلکه انسان خدا را آفریده است، خوب تعمق نموده ببینیم که این طرز دید آخرین مرحله حماقت یک انسان را ثابت می سازد که انسان ضعیف و ناتوان را بکدام سطح مطالعه میدارد اما خدای قنبر و متعال را چه می پندارد.

حساب و کتاب و غیره روید و می‌گردند فوراً در جهت خویش تغییر داده - لیمه الهی و لیمه مادی می‌شوند. این چگونگی لیمه مادی می‌شود این می‌باشد که می‌توانیم با مطالعه در باره که در سالیانی پیش شامی و ارجان فقیه و بقی و به جهان که لایس و سی لیست با نظام فروت مازکی مخالف می‌کنند که در حقیقت در سلسله الهی و معنوی از آب برآمده افکار او را درین نقطه قطعه می‌کنند و بدین احوال بازم می‌توانید در سالیان ابتدای می‌گردن تمام فرهنگها و میردن آن دست دواتها می‌بینی خود را مظهر خود می‌توانست سلسله مازکیستی را به خود می‌گیرند، این گروه از ریشه‌های افکار مازکی اطلاع کلی ندارند و تصور می‌کنند می‌توان این افکار را کلیش را سراسیم و افکار کمونیسم کشید و بدانی انگد در بایکده فرهنگ افکار او را رونق گرفت و کلیش او می‌باشد چگونگی این تفاسیر و ریشه‌ها را هر کس و هر ضایع و برگ را گرفت بنابراین یک فرد پیشقدم می‌تواند که از نظر کلی و جهان بینی الهی و از نظر افکار او را می‌تواند پیوسته باشد. اتفاقاً خود مازکی نظریه فقیه را درگذرد و آشکارا می‌گوید مازکی از کمونیسم پیوند ندارد.

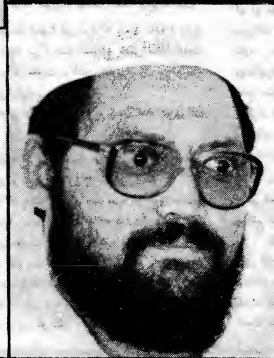
با اینکه دانشندان متفکر و مبارز در راه انشای بیانی والهی دار کسیرم و نشر اصول
جهوت انسانی زانگی خود را بر حق خود در قلمح حکومت الهی جهاد کردند اما با آنها
معدنی از ایمهیه لایا غدا بدست نداشتند و نیز تبلیغات سوء مارکسیست را گرفته اند یا اصل از
دین گزراه گیری کوپاند و با آنکه به اصطلاح ، نیمه الهی و نیمه مادی شده به سود این
دشمنان در تعالیم و خدمت اله .
ملائان غایت انسانی حکومت مادی کلید کل به فعال در تحکیم آرمان مارکسیستیا و بیرون
ایم سبک توبیخ عاجز ایدماند زنده نمان ستیکن دلانف کوپین اندکده بهی جز در
کرامی بر شایسته

مارکس دایرهٔ هستی را در ماده و انرژی محصور کرده و خارج از آن را رد می‌نمود و می‌گفت تمام شواهد و خود خدا را دلیل بر عدم وجود خدا است «الغایذ بالله زیرا او ماوراء ماده را انکار میکرد بنابراین و عینکه بر این گفته می‌شد که خدا غیب مادی است فوراً میگفت که مادی نبودنش که او بر نبودنش است .

[illegible]

انسان از مادی‌گرایی فلسفی - به مادی‌گرایی اقتصادی می‌رسد .

۴۰ حائلی در رابطه به سیستم اقتصادی و نظام‌داری مارکس اشاره شد، با آنهم متأسفانه برخی از گروههای مذهبی که خوشتر از این‌ها اصول مذهب بداندان از نظام اقتصادی و سیاسی پیشین می‌کنند و آژونداندان را جامعه‌ای بشری را به حق مالکیت‌های فردی و اثبات مالکیت‌های اجتماعی و دعوت نمایند همچو گروه‌ها معلومات کافی و بسنده از تار و پود عقاید مارکس ندارند. بنابراین وکیل که با این فکسی از دو سبیل‌های مربوط به حق مالرواه می‌مانند، در مورد دیدن حالات عالم در (قره) امام قاضی، بیست و دوم، و مداد، ...



به این برادران بزرگوار خان شوالیه ای که در این ایام با قزاقان
 روسها در نبرد فرستاده بودیم و میدانهای جنگ آن نواحی را به
 شفق از دست دشمنان درآید به توپخانه افتاد و به شوالیه ای ما
 نیز با خونپاشی و شهادت فخرمند، دشمنی را با این لغو برداشته
 ترتیب از درین کجاست
 محمد میر صاحب، محترم نازک، محمد حسن علی صاحب و محمد حسن صاحب
 (دور از کفین)

نگرشی مختصر بر روند فعالیتهای فرهنگی جهاد

فعالیت های فرهنگی و ارشادی اعم از تبلیغات، مطبوعات، تعلیم و تربیت و نمایش بخش عمده و اساسی انقلاب اسلامی را احتوا می کند. یقیناً در هر انقلابی خصوصاً انقلاب اسلامی که ریشه در معنویات انسان ها دارد و بآزادابی از عمق مشا عروج و دی و فطری آنهاست، فعالیت های فرهنگی جایگاه خاصی داشته و بمشابه شریان حیات مادی و معنوی آن بحساب میرود.

مگردین عصر متاء سفاهه مساعی ایراکه بایستی مسلمین در بارور شدن انقلابات شان میکردند، دشمنان اسلام به آن توسل جسته اند. کشورهای استعماری در امر تسریع و گسترش فعالیت های فرهنگی آن چنان تلاش دارند که حتی در اغلب کشورهای استعمارگر بودجه مطبوعات و تبلیغات با بودجه نظامی و دفاعی همسری می کنند. بکار گرفتن دستگاه های غول پیکر ماهواره ای در امر تبلیغات، پخش برنامه های مختلف رادیویی و تلویزیونی به زبان های معمول جهان، انتشار هزارها شماره روزنامه و مجله با تیراژ بلند، چاپ میلیون ها جلد کتاب و رساله پیرامون موضوعات گوناگون، تخصیص بودجه های سنگین برای مبلغین، معلمین، تبشیری ها و غیره نمونه های عطف توجه جدی استعمار جهانی نسبت به فعالیت های فرهنگی است. اینکه دشمنان اسلام چرا نسبت به مسلمانان در بعد تبلیغ طرز تفکر باطل شان سبقت جسته اند؟ دلیلش آنست که استعمار یون با تجار بیکه طی یک قرن اخیر از جنگ و رویارویی با نهضت روزافزون گرایش به اسلام و آزادی ملل مسلمان دریا فتند که دیگر آن وقت گذشته است که عقیده، عزت، دارائی و استقلال ملتها با اعمال خشونت و لشکر کشی زدود.

بعد از اینکه قدرت های استعمارگر از توسل به زور و فشار در سارت گرفتن ملل مسلمان عاجز آمدند و در جریان توسعه طلبی های مسلحانه در هر خطه ای صدمه های جبران ناپذیری را متحمل گردیدند، در صدد آن شدند تا اهداف خود را با اتخاذ راه و رسم دیگری تعقیب کنند. راه و رسم جدید استعمار برای اسیر گرفتن امت مسلمه، گسترش فعالیت های گمراه کننده تبلیغاتی در جهان است. اتخاذ این شیوه برای غارتگران

بین المللی حاوی دو مغفاداست: نخست اینکه فعالیت های فرهنگی استکباری ارزش ها و موازین ثابت اخلاقی و دینی جوامع اسلامی را تحریف می کند. ثانیاً اینکه دشمن به عوض ارزش های تحریف شده اسلامی و دینی رسوم عادات و خصایل کفری خود را تحمیل می کند یا بعبارة دیگر روش دشمن در بعد فرهنگی روش تحریف و تحمیل است، تحریف ارزش های ناب اسلامی و تحمیل ارزش ها مسموم کننده استعماری. قدرت های طاغوتی با اتخاذ شیوه تحمیل عقاید، اصول و موازین خود در تخریب بنیادهای جوامع مذهبی به موفقیت های بیشماری نایل گردیدند که از آن جمله اشاعه فساد اخلاقی، تسریع خصایل زیانبار عیاشی، شهوترانی و سوجدوئی در میان جوانان و قشر تحصیل کرده میباشد. ثانیاً مسلمانان را نسبت به دساتیر و موازین اسلامی بی تفاوت بار آورده و اصول اسلام را در ذهن شان له و بیهوده معرفی می کنند.

ثالثاً با تحمیل افکار کفری، دشمن حقایق را تقلیب، واقعیت ها را وارونه و اخبار را جعل میکنند که می توان این شیوه را "امپریالیسم خبری تعبیر کرد و در واقع اینکه دشمن در نتیجه فعالیت های اغواگرانه ذهن مسلمانان را تخدیر و ثروت و دارائی مادی و معنوی آنها را به غارت میبرد.

بر مسلمانان لازم است که غرض جلوگیری دشمن در امر تبلیغات زهر آگین شان نزد خود تدبیری متقابلی داشته باشند و برای انجام این مأمول بفرهنگ غنی خود مراجعه نموده و با آنها مک به دساتیر آن پاسخ دندان شکنی بدهند و سرائی های آنها بدهنده طبیعت انسان دارای دونهوع غریز و خواسته ها است. یکی خواسته های مادی و دیگری خواسته های معنوی.

خواسته های مادی از بدو خلقت در انسان موجود بوده و بطور طبیعی در حرکت است مانند غریز خوردنی، آشامیدن و تمایلات جنسی و اما خواسته های معنوی در اثر تبلیغ و هدایت مستمر تکامل می یابد، اگر انسان بحال خود گذاشته شود بیرو زمان غریز مادی بر غریز معنوی غلبه حاصل نموده استعداد های درونی منبعث از خواسته های

که عدم توازن در کارهای فرهنگی و نظامی در سال های اول انقلاب بنا بر دلایل ذیل صورت گرفته است .

الف : در سال های اول انقلاب خصوصا " بعد از بقدرت رسیدن کمونیست ها ، رژیم با شدت و خشونت هر چه تما متر علما و افراد سرشناس تحریک اسلامی را سرکوب ، زندانی و یا اعدام نمود برخورد تند و غیر انسانی عوامل رژیم در برابر مسلمانان چنان با سرعت و شتابزدگی انجام گرفت که احلا " در آن شرایط فرصتی برای روی دست گرفتن کارهای ارشادی و تبلیغی نبود و لازم آن بود که جواب آهنگ را با آهنگ داده می شد .

پس رعایت اولویت جنگ مسلحانه و ترکیز روی فعالیت های نظامی در جو ظلم و خفقان زاده رژیم دست نشانده کابل و بعدتر آن اتخاذ سیاست اشغال و تاجا و زمستقیم ارتش سرخ در افغانستان مجالی برای کار فرهنگی نمی گذاشت .

هر چند در همان شرایط ضیق و فرصت کم با زهم تنویر ذهنیت عامه و ترغیب مردم بجهاد علیه روسها یک چیز حتمی بود ، ولی ملت مسلمان افغانستان درقبال عقاید باطل و سیاست های تاجا و زگران روسیه از سالهای قبل آگاهی داشتند و همزمان با ورود ارتش سرخ سلسله هجرت و جهاد بطور روز افزونی بالا گرفت .

ب : کمبود وسایل و عدم دسترسی مجاهدین به امکانات و اسباب ارشادی و تبلیغاتی یکی دیگر از عوامل عقب مانگی بخش فعالیت های فرهنگی در اوایل انقلاب بود .

ج : چون در اول وهله تعداد کمی مردم مهاجر شده بودند ، پرسونل کافی و ورزیده ای که در یک وقت بصورت متوازن از عهده کار هر دو بعد انقلاب می برآمد ، به ندرت سراغ می شد .

مگر در سال های اخیر با رفع عوامل و اسباب فوق الذکر از روی صحنه ، در بخش فعالیت های فرهنگی یک مقدار توجه صورت گرفت ، چنانچه در اوایل انقلاب که در سطح تمام تنظیم های جهادی دوویا سه جریده و مجله ای بیش به نشر نمیرسید ولی الان لاله الحمد به ده ها جریده و مجله غرض تنویر ذهنیت عامه بجا می رسد .

رسالات و کتب مفید و انقلابی غرض بهره گیری اهل علم و دانش انتشار می یابد ، در بخش برنامه های رادیویی و فلم و نمایش نیز تحولی رونما گردیده است . علی الرغم ایجاد تحولات فوق در بعد فرهنگی جهاد دهنوز بخش تبلیغات انقلاب با بخش نظامی آن هماهنگی نداشته و بودجه فرهنگی انقلاب به دهها مرتبه کمتر از بودجه نظامی آنست .

اکنون که بعد از یازده سال جهاد مسلحانه به لاخره دشمن در میدان جنگ شکست خورده و حاضر به عقب نشینی گردیده است عطف توجه و تاکید روی فعالیت های فرهنگی بیشتر از هر وقت دیگری مهم جلوه می کند . زیرا دشمن قصد دارد که انتقام شکست خود را از طریق زدوبندهای سیاسی و معامله گری های شیطانی بگیرد . بنا بر آن با اخراج قوای روسی و حصول آزادی افغانستان بخش تبلیغات و ارشاد دبا یست

معنوی از رشد بازمیما نند لهذا پیا مبران (ع) آمدند تا به ارشاد تبلیغ و ارشاد و وظیفه مهم تربیت و هدایت انسان را بعهده گرفته ارزشها و استعداد های فطری و الهی او را از انحراف و آلا ییش به عادات پست و تمایلات حیوانی در امان نگهدارد . چنانچه خداوند (ج) میفرماید : " ما علی الرسول الا البلاغ " بر پیا مبر (ص) وظیفه دیگری غیر از تبلیغ احکام الهی نیست و یا این آیه شریفه " و ما علینا الا البلاغ " که وظیفه اهم و دایمی پیا مبران (ع) را بلاغ و رسانیدن پیام الهی بگوش مردم و انمود کرده است .

گرچه یک عده کسانی که اسلام را با تحلیل های یکجانبه و سر سری مطالعه می کنند ، بمقصد گریز و طفره رفتن از تحمل بار و زمین و خطیر تبلیغ آیه فوق الذکر را وارونه تاءویل می نمایند . چنانچه به استناد فرمان الهی " و ما علینا الا البلاغ " میگویند که فلان شخص و یا جامعه را یکی دومرتبه ارشاد نمودیم مگر چونکه بدان اعتنا نشد لهذا از دعوت و تبلیغ بیشتر خودداری نموده و به استناد آیه فوق الذکر خود را بری الذمه می پندارند . حالانکه مفهوم و رسائی " و ما علینا الا البلاغ " چیزی غیر از توجیه فوق الذکر است .

یعنی وظیفه همیشگی و مستدام مبلغ و دعوتگرا ارشاد دعوت و رساندن پیام است نه چنانکه بیکی دومرتبه گفتن خسته شده و از تکرار آن اجتناب نمایند ، بلکه آیه فوق الذکر حکم میکند که مبلغ و داعی تا وقتی که زنده است غیر از پیام رسانی و دعوت گری کار دیگری ندارد و هرگز هم مائب نیست که به بهانه شنیده نشدن حرفش از صحنه کنار برود .

با توجه به آنچه گفته آمدیم چنین استنباط می شود که ترکیز روی فعالیت های فرهنگی و تبلیغاتی جز لاینفک جهاد میباشد و بدون آن انقلاب به بیراهه می رود . بهمین نسبت است که خداوند (ج) در قرآن مجید به قلم جا یگاه خاصی قائل است و حتی به آن قسم یاد کرده است . " ن والقلم و ما

یسطرون " و جهاد را نه تنها با مال و جان بر مسلمانان فرض گردانیده بلکه مسلمان مکلف است که با زبان نیز جهاد کند " جاهدوا للمشکرین با موا لکم و ایدیکم و المستکم " (الحدیث) در مقابل مشرکین با اموال ، دست ها و زبان های تان جهاد کنید چنانچه جهاد با دست شما مل جهاد قلمی نیز می شود مع هذا جهاد بالقلم و زبان بخش عمده دعوت را که هم تا فعالیت های فرهنگی و تبلیغاتی باشد تشکیل میدهد .

با وجود اهمیت فعالیت های فرهنگی در جریان جهاد شکوهمند اسلامی افغانستان دست اندرکاران انقلاب در سال های اول جهاد ، توجه چندانی را بر زمین بعد مبذول نداشته بودند و به تناسب وسعت فعالیت های نظامی ، در ساحه تبلیغ و فرهنگ کار معتنا بهی بعمل نیا مده بود ، شکی نیست

در صورت ضعف فعالیت های فرهنگی و تبلیغاتی در قبایل فتوحات و پیروزی ها، هاله ای از کمبروغرور بر فکر و ذهن افراد استیلا یافته از صراط المستقیم خدا منحرف می شوند در ازمنه سابق با قوم ها و تمدن های بودند که در اثر غرور و خود بزرگ بینی گردانندگان منقرض و هلاک گردیدند، دشمن شکست خورده چون ما زخمی بر خود می پیچد و همیشه در کمین آنست تا با افسا دوتوزیر عفا ید مردم مسلمان را تحریف نموده جای پائی برای خود بیاورند.

ج: در جزایر و جاهای مسلمانان طبعاً قسمت زیاد تبلیغات انقلاب را وعده ها و شعارها تشکیل میداد و مردم را بفردهای روشن انقلاب میداد و راسخ می شد، پس از پیروزی ملت از دست اندرکاران خواهان عمل و وفاداری به شعارها و وعده ها است. معذرت نشرات و تبلیغات بعد از جنگ صیحه شعارگونه نداشته و انعکاس واقعی همان ادعاها و شعارهای باشکوه در جریان جنگ و عافیه ده می شد. در غیر این صورت مردم نسبت به انقلاب مظنون شده و در برابر بزرگانه های جمعی بی اعتنا می شوند.

د: روی هم رفته فرهنگ بعد از جنگ با بست فرهنگ برخاسته از بطن انقلاب باشد، در فرهنگ انقلابی گنجینه های شمر بار کلتور و ادب با نای شریذیری از حاشیه های جادوان - سنگر نشینان نستوه و انعکاس قربانی های شهیدان راه حق رنگ گرفته و یکبار دیگر با خط حلی بر صفحه روزگار زرقم خواهد زد.

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ
أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ
آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ ۝
بَلَىٰ إِنْ تَصِيرُوا أَتَقْتُوا وَ يَأْتُواكُمْ
مِنْ قَوَرِهِمْ هَذَا يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ
بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ
مُسَبِّحِينَ ۝

نسبت به سابق چندبرابر وسعت داده شود تا انقلاب بتواند در برابر برفتنه گری های روسها و شرکای استعماری شان جان به سلامت برده سرپای خود بایستد.

بعد فرهنگی انقلاب در فردای آزادی افغانستان وظایف ذیل را بعهده دارد.

الف: هماکنون یک دشمن در میدان جنگ به اشرفد کار می ها و قربانی های بیدریغ مجاهدین بعقب نشینی و شکست مجبور شدند و حاضرانند که ظاهر " خاک افغانستان را ترک نمایند، باید بوسیله تبلیغات اسلامی اذهان و افکار جنگ زده مردم افغانستان چنان پالایش شود که اصلاً " شایه حضور ذهنی دشمن و گرایشات باطل در عادات و خصایل مردم کاملاً محو شود و انجرا و نفرت ضد کمونیستی مردم بعنوان مقدس ترین آرمان برای ابد در دل و دماغ مردم افغانستان نقش با شد تا زمان مداران کرملین و قطعات ارتش سرخ دیگر خیال اشغال افغانستان را در سر نهروا نند و کمونیست را بعنوان مسلک شکست خورده و بیهوده در موزیم های جهان برای عبرت نسل های بعدی به نمایش بگذارند.

ب: عفا بد اسلامی و آرمان های انقلاب مردم را لم باقی ماند



اگر ملحق می خواهند، چراسر زمین ما را به آتش می کشند؟! ۱۱

متن درسی سخنرانی مفکر بزرگ اسلام مولینا مودودی در رابطه با



سانحه آتش زدن مسجد اقصی در سال ۱۹۶۲ م



مترجم: غلام الدین

یهودی ها چگونه بر قبله اول چیره شدند؟

خبر دلخراش و اسفانگیز آتش زدن به مسجد اقصی قلب و روح هر مسلمانی را درد مند و مجروح می سازد، و نه تنها مسلمانان پاکستان بلکه همه مسلمانان دنیا از حدوث این رویداد متاءث و بیقرارانند.

این سوال بار بار در اذهان مردم همانند طوفانی موج می زند که: آخر علاج و مداوای این مصیبت چیست؟ این سانحه لمحه ای از لمحات حساس و خطرناک تاریخ ما است که متاءسفانه با همه منحواسی اش در مقطع زنده گی ما پیش آمده است.

بیش از هفت صد ملیون مسلمان در دنیا وجود دارد ولی همت یهودی ها تا آنجا میرسد که یکی از مقدس ترین مساجد ما را آتش می زنند. مسجدی را آتش زدند که حصول شرف "قبله اول" را دارا بوده و رسول الله صلی الله علیه و سلم بطرف آن رو آورده و چهارونیم سال نماز خوانده است.

(در بعضی از تفاسیر این مدت را هفده الی هجده ماه ذکر کرده اند. مترجم) و از آنجا به معراج تشریف بردند.

امت مسلمه چه مصیبتی بزرگتر ازین را میتواند تحمل کند. مسلمانیکه دردش آخرین و کمترین رمقی از دین وجود داشته باشد، تصورش اینست که اگر ما بعد ازین سانحه نیز دست به اقدامی نزنیم، برای این امت آبرو و حیثیتی در جهان باقی نخواهد ماند، و معلوم نیست تا در آینده چگونه ذلت ها به استقبال ما خواهد شافت.

درین لحظات حساس لازم است تا نخست تما می پهلوهایی این قضیه را با نوعیتش شرح بدانیم، زیرا بدون درک سالم از قضیه نمیتوان فیصله نمود تا بخاطر حفاظت و پاسداری مسجد

اقصی چه باید کرد؟

محرك اقصی جرم کیست؟

پس از آتش زدن به مسجد اقصی سعی و تلاش پیهم اسرائیل جریان دارد تا در چشم مسلمین خاک بپاشد، و بخاطر این امر طریقه های زیادی را اختیار نمود.

قبل از همه گفت، به علت خرابی لین های برق اتفاقاً مسجد آتش گرفته است، بعداً این مجرمین احساس نمودند که آتش گرفتن بسیار مخوف تعمیر بزرگی بوسیله خرابی تار های برق چگونه ممکن است؟ پس از آن، با منتهای بی شرمی و بی حیائی دروغ دیگری را عنوان کردند که اعراب خود مسجد را آتش زده اند. ما از چنین دروغ ها تجربه کافی قبلی داریم، و ظاهراً است که گدا مین قماش مردم باین چنین دروغ متمسک میشوند.

چند روز قبل همین قماش مردم در لاهور بالای دفتر ما حمله بردند و قرآن کریم را آتش زدند، برعکس، تبلیغ کردند که قرآن کریم را این ها خود آتش زدند.

روی همین فلسفه به چنین دروغ متوسل میشوند، مصنف اقصی این فلسفه یهود است آن دماغ یهودیکه اصول اخلاق را طوری تصنیف نمود که "هرگونه طریقه دستپا بی به مقصود هدف حق است"

یهودی ها بزودی ثابتند که این دروغ بی ما به نیز موثر و کارگرواقع نشد، ناچار یک جوان استرلینائی را دستگیر

نمودند تا دلیلی را متیقن سازند که این جوان در حالت جنون به چنین حرکتی دست یازیده است، ورنه، اسرائیل هیچ نوع برنامه ای در جهت انهدام مسجد اقصی روی دست

ندارد. شده میتواند با کشاندن آن نوجوان به تحقیقات و دادگاه و بدست آوردن اسناد جعلی و خود ساخته بکوشند به روی جرم و گناه خویش پرده بکشند.

بنابراین من میخواهم تاریخ کلی و مشروح این قضیه را با زگونما و پیم و بشما روشن خواهم داد که در این کار برنامۀ طویل المدتیست که از سده ها می گذرد و این قضا یا "آتش زدن مسجدا قمی" تمهید و مقدمه ای بر آن است.

تاریخ عزائم یهودی ها :

در مورد بیت المقدس و فلسطین روشن شدن این مسئله ضروری و لازمی است که بنی اسرائیل تقریباً سیزده صد سال قبل از مسیح درین منطقه داخل شد و پس از دو صد سال کشمکش مسلسل بالاخره به آن منطقه حاکم و قابض شدند، بنی اسرائیل با شنندگان اصلی این سرزمین نبودند، ساکنان اصلی و قبلی آن مردمان دیگری بودند که "بائیل" اسمای قبایل و اقوام آنرا با تشریح بیان کرده است. از تصریحات بائیل معلوم میگردد که بنی اسرائیل اقوام و قبایل ساکن آنرا قتل عام نموده و آنگونه این سرزمین را قبضه کردند که فرنگی ها هندوهای سرخ رنگ را نیست و نابود نموده و به آمریکا مسلط و قابض شدند.

ادعای بنی اسرائیل این بود که خداوند این سرزمین را برای آنها به میراث داده است بنا بر این حق دارند که ساکنان اصلی آنرا از سکونت و زنده گی در آنجا محروم ساخته بلکه نسل آنرا نابود نموده و بر منطقه مسلط شوند.

سپس در سده هفتم قبل از میلاد "اسیریا" در شمال فلسطین مسلط گردید و اسرائیلی ها را کلا "قلع و قمع نموده و اقوام دیگری را بجایش متوطن ساخت که اکثریت شان عربی النسل بودند.

در سده ششم قبل از میلاد "بخت النصر" پادشاه بابل در جنوب فلسطین سلطه یافته و تمام یهودی ها را جلاوطن نمود خشت، خشت بیت المقدس را منهدم نمود و "هیکل سلیمان" را که حضرت سلیمان علیه السلام در سده دهم قبل از میلاد - اعمار کرده بود خاک یکسان نمود و حتی یک دیوار آن هم بجای خویش نماند. یهودی ها پس از جلاوطن طویل المدت در زمان حکومت ایرانی ها، دوباره فرصت یافتند تا دوباره در جنوب فلسطین مسکن گزین گردیده و دوباره هیکل سلیمانی را در بیت المقدس تعمیر نمودند.

دومین توقف و سکونت یهودی ها در فلسطین از سده صد و چهار صد سال بیشتر است و در سال (۷۰) یهودی ها برخلاف سلطنت رومی ها پرچم بغاوت برافراشتند که انهدام و مسامره بیت المقدس و هیکل سلیمانی پادشاه آن گردید بعد، دومین بغاوت آنها نیز سرکوب گردیده رومی ها در سال (۱۳۵) یهودی ها را از تمام سرزمین فلسطین اخراج نمودند پس از خروج دوباره آنها، در جنوب فلسطین نیز قبائل

عربی النسل سکونت پذیر گردیده طوریکه در شمال فلسطین هشت صد سال قبل مسکن گزین بودند، قبل از قدم اسلام در تمامی این سرزمین اقوام اعراب زیست داشتند، رومی ها دخول یهودی ها را به بیت المقدس قانوناً ممنوع قرار دادند، و یهودی ها در فلسطین آرام آرام معدوم و نابود گردیدند.

در روشنی تاریخ این سخن وضاحت می یابد :

۱- نخست یهودی ها با ارتکاب نسل کشی و قتل عام غاصبانۀ و جا برانه فلسطین را قبضه کردند.

۲- یهودی ها در شمال فلسطین صرف چهار صد تا پنجم صد سال سکونت گزین بودند.

۳- از وجود و قیام یهودی ها در جنوب فلسطین هشتصد الی نهمصد سال می گذشت.

۴- و اعراب در شمال فلسطین دو نیم هزار سال و در جنوب فلسطین تقریباً از دو هزار سال به این سو ساکن نموده بودند.

امروز با وجود این همه، یهودی ها مدعی اند که فلسطین میراثی است که خداوند به آباء و اجداد آنها عطا فرموده است و آنها حق دارند تا از راه زور به حصول این میراث هم دست گمارند، با شنندگان اصلی و سابق آنرا اخراج کرده و در جای شان خود مسکن گزینند چنانچه سیزده صد سال قبل از میلاد چنین کردند.

یهودی ها دو هزار سال در تمام دنیا هر هفته چهار بار دعا ها و درخواست ها میکردند که: بیت المقدس دوباره بدست ما برسد و دوباره هیکل سلیمانی را در آنجا اعمار نمائیم. در هر خانه یهودی هنگام محافل مذهبی در همه تاریخ دو هزار ساله خویش را به نمایش می گذاشتند که: ما چگونه از مصرا اخراج شدیم؟ در فلسطین چگونه ساکن یافتیم؟ مردم بابل چطور ما را نابود کردند؟ چگونه ما از فلسطین اخراج گردیده و پراکنده و جدا شدیم؟

همچنان یهودی ها این حرف را در جریان بیست سده در اذهان اولادۀ خویش پی در پی تلقین و تزریق مینمودند که: فلسطین از شما است، دوباره به شما می رسد، و هدف زنده گی شما تعمیر مجدد هیکل سلیمانی در بیت المقدس است.

فیلسوف معروف یهودی "موسی بن میمون" که در سده یازدهم عیسوی زیست در کتاب خویش بنام "شریعت یهودی" آشکارا می نویسد: "اعمار مجدد هیکل سلیمانی در بیت المقدس برای هر یهودی النسل فرض است"

"تحریک فری میسن" (FREE MASON MOVEMENT) که یک تحریک معروف و مشهور بوده و در مورد آن اخبارات کشور ما درین اواخر حقایقی را شایع کردند، در حقیقت یک تحریک یهودی است و نه تنها این تحریک اعمار مجدد هیکل



پیغام شفق

امروز روز سوگ آن همه قربانیانی است که در راه اعلاي کلمه الله نه مزار آنها معلوم است و نه آرمگاه و دفن گاه آنها، یا جلادان مزدور قرن حاضر افغانستان (باند های خلق و پرچم خلق) آن ها را در پلیگون پل چرخي زنده بگور کرده اند، یا دریخندان های سایبریا یخبندان شده اند، یا بعد از شهادت از طبایر سقوط داده شده اند، و یا در کوه و کمرنا معلوم کشور اماج گلوله های دشمنان ناموس اسلام و کشور عزیز قرار گرفته اند... روز سوگ شهدای لادرک و سپاهیان گمنام! حیف هزار حیف که این سوگ تا چند نسل آینده نیز ادامه خواهد داشت !!! و در این وزش تندبادهای حوادث، قامت مقاومت مقاوم و پایداری مجاهدان راستین راه الله فرزندان واقعی اسلام و خون زمین افغانستان مجاهد پرور و قهرمان زارانتظار میکنیم و هزیمت فضیحت با فرعون قرن آتوم !!! بلی! هموطن مجاهد و شهید پرورم سپاه ظلمت، درهمین ایام، باد میدن خورشید آزادی روبه قرار است و قرار است که یکبار دیگر نسیم را مشکرو نواز شکر آزادی بر دشت و دمن و مفاک و غرابه و چمن های سوخته و ایلاق های بخون آغشته میهن بنا وزیدن گیرد، اما جای عزیزان ما که خالی است ??? بسا چشمانی که هنوز هم در خانه ویرانه شان روبه راه عزیزان گم گشته شان خواهند بود، ولی روس بی ناموس هنوز هم دم ازدوستی با مردم افغانستان میزند، چگونه دوستی؟ شاید و منطبق

خوردن شیر بودند !!! جوانانی را خواهی دید که یا از حمله زفاف به استقبال شهادت رفته اند و یا در شب عروسی و یا هنگام آمادگی به عروسی! به همین سان کهن سالان و بزرگان ما هر یک در خورتنا و آرزوی شان! امروز روز سوگ افغانستان بر باد رفته است کشوری که با شندگان آن تازه با زندگی آشنا شده بودند، ولی استعمار سرخ با آتوم با وحشت به امید این که شاید تسخیر افغانستان مصداق تعبیر رویاهای جهانگیری اش شود، برای این خطه لشکر کشی کرد و در طول ده سال جنگ بجز قتل و غارت و کشتارهای دسته جمعی ویرانی و تخریب، از ارمان "نان و لپاس و مسکن" به این کشور چیزی دیگری نداد.

امروز روز سوگ آن همه مصیبت زده گانی است که در سرمای زمستان و تموز تابستان فرش خانه شان دشت های سوزان و سقف منزل شان آسمان نیلوفری است، در کمایی لقمه نانی با قبچول هزاران رنج و زحمت و تحمل طعنه های جهال و دشمنان اسلام سربه سندان میزنند، اما آسمان دور است و زمین سخت که هنگام رجوع به خانه بر سرفروزدن نیم جان شان توجه میزنند و جاره گری نیست که فرزندان شان را از اجل معلق نجات بدهد....، چه اطفال نازنینی که در تموز تابستان و در شعله های جل طعمه اجل شدند !!! که بجز از آسمان کسی اشکی به حال آنها نریخت!

پیک آزادی در اوچنای نهمین سالگرد تاج و زروسها بر افغانستان: امروز که مصادف است با ششمجی سال ۱۳۶۷، احیاگر طراتی است که تداول آن در تاریخ، تمدن مسخره مادی و دست آوردهای وحشت بار آن باردیگر جهان را تکان میدهد.

امروز، روز سوگ سیزده مد هزار شهید است که در شرحها نخواستار استعمار سرخ کمونیسم روسی به خاک و خون کشیده شده اند و جرمی بجز این نداشتند که میگفتند، پروردگار ما همانا "الله جل مجده" هست، اگر به دیده دل بنگری و نیک بنگری، در این کاروان بزرگ شهیداء که عده پی از آنها در خلد برین اترق کرده اند و عده پی دیگری با بانگ جرس لا اله الا الله شتابان، شتابان بسوی منزل مقصود میشتابند اطفال معصومی را خواهی دید که هنوز شیر مادر در دهن دارند و از گلوئی لطیف و نازک آنها فرو نرفته است، با شیر الوده بخون که از دهن شان فرو میچکد، و شیشه شهادت شان را از دست یک نیروی وحشی، قوم وحشی و تبار وحشی به پیشگاه رب العنان تقدیم میکنند، مادرانی را میبینی که در کاروان شهداء کودک شیر خوار شان در آن حال نیز آنها را ترک نمی کنند و به رسم احترام بمقام والای مادر در اثنای شهادت نیز در آغوش آنها قرار گرفته شیر نمیخورند (واقایعی در افغانستان ازین جمله تکرار شده است که روسهای وحشی چون مادران را به شهادت رسانده اند اطفال شان در حالت شهادت نیز از آغوش آنها جدا نشده که نشده، بلکه مصروف

اکنون بصورت مختصر عرض مینمایم که یهودی های ظالم بخاطر مسلط شدن وبه قیضه کشیدن فلسطین وبیت المقدس تحت چه برنامه های منظمی به کار پرداختند، قبل از همه یهودی ها تحریک با زگشت به فلسطین را آغاز نمودند، و از گوشه و کنار مختلف هجرت نموده به فلسطین اسکان پذیرفتند وبه خریدن زمین های زراعتی پرداختند، سلسله مهاجرت ها از سال ۱۸۸۰ آغاز گردید و انتقال بیشترین خانواده های یهودی از اروپای شرقی به فلسطین ادامه یافت.

پس از آن در سال ۱۸۹۷ یهودی معروفی بنام "تئودور هرزل" تحریک منظمی را بنام "تحریک صهیونی ها" اساس گذاری نمود. قیضه کردن مجدد فلسطین وتعمیر هر هیکل سلیمانی را نصب العین محوری و اساسی تحریک خویش اعلام نمود، و از سرمایه داران یهودی پول گزافی بدست آورد تا به ناقلین یهودی در فلسطین زمین ها را خریداری نماید و آنها را بطور منظم در قریه ها وقصبات جاگزین سازد. در سال (۱۹۰۱) هر تزل طی پیامی از سلطان عبدالحمید پادشاه ترکیه درخواست نمود که "به پرداخت تمام قرضه های یهودی های ترکیه آماده است ووی (سلطان عبدالحمید) برای یهودی ها اجازت دهد تا در فلسطین "وطن ملی" خویش را بسازند" سلطان عبدالحمید خان این پیام را با نفرت و انزجار مسترد نموده آشکارا بیان نمود!

"تا زمانیکه زنده ام وسلطنت ترکیه وجود دارد، هیچ ممکن نیست که فلسطین برای یهودی ها سپرده شود، من از وجود وهستی شما منزعج" شخصیکه پیام را آورده بود "خاکم قره صوفندی" نام داشت واز یهودی های باشند "سالونیکا" بود، از جمله همان خانواده های یهودی بود که پس از اخراج شان از "سپانیا" در ترکیه سکونت گرفتند.

این شخص با وجود آنکه تابع ورعیت ترکیه بود جرات نمود تا بدربار سلطان برسد وبا زدهی فلسطین به یهودی ها را مطالبه نماید. به این هم اکتفا نکرده بعد از رسیدن جواب سلطان عبدالحمید خان به نما ینده گی هر تزل آشکارا وی را تهدید و اخطار نموده گفت: "نتیجه بدی را خواهید دید"

بعد از آن سازش های بخاطر سرنگونی حکومت عبدالحمید آغاز گردید درین سازش فری میسن، دونه "یهودی ایکه ریاکارانه اسلام آورده بود" ونوجوان مسلمانی شریک بودند که از تعلیمات غربی متاثر و منقلب گردیده و پرچم "قوم پرستی" را برافراشته بود.

همین افراد نفوذ و رسوخ خویش را در ارتش ترکیه بسط و وسعت دادند، سازشی را که مبنی بر سرنگونی سلطان عبدالحمید روی دست گرفتند در ظرف هفت سال به نضج و پختگی رسیده و سلطان عبدالحمید را معزول نمودند. آنوقت یکی از قضایای عبرت آورا این بود که سه شخصیکه

سلیمانی را نصب العین و هدف خویش دانسته بلکه غایب و تصور مجموعی ومحوری تحریک را تشکیل میدهد. در تمام مراکز فری میسن تعمیر مجدد هیکل سلیمانی بصورت اساسی تمثیل میگردد.

اکنون بخوبی میتوان اندازه گیری نمود که آتشزدن مسجد اقصی یک حادثه اتفاقی نیست با قرن ها بدینسو نصب العین زنده گی قوم یهود همین بود تا بجای مسجد اقصی هیکل سلیمانی را تعمیر نمایند. و حالامکن نیست که پس از تسلط بر بیت المقدس از تکمیل نصب العین خویش باز بمانند.

یهودی ها احسان فراموش اند:

قبل از همه وضاحت این حرف را ضروری میشمارم که این مسئله در تاریخ ثابت است که هیکل سلیمانی در سال (۷۰) بکلی منهدم گردیده بود، در زمان حضرت عمر رضی الله عنه هنگامیکه بیت المقدس فتح گردید در آنوقت هیچ معبدی از یهودی ها وجود نداشت، تنها منطقه ویران و کنده ای وجود داشت، روی همین ملحوظ از سوی یهودی ها در مورد تعمیر مسجد اقصی و "رقبه صخره" اعتراض والزامی مبنی بر اینکه مسلمانان معبد ما را ویران نموده و مساجد اعمار نمودند، صورت نگرفت.

ثبوت این مسئله نیز ثبت تاریخ است که در زمان رومی ها فلسطین کلاً از وجود یهودی ها خالی گردیده و حتی دخول آنها به فلسطین ممنوع گردیده بود اجازت، اقامت و سکونت مجدد آنها مرهون شرافت مندی مسلمین است، تاریخ کواهی میدهد، در سده های سیزده و چهارده یهودی ها نتوانسته اند تنها در سرزمین مسلمانان به امان زنده گی نمایند. در غیر آن در تمام دنیا، جائیکه عیسوی ها هم حکومت داشتند یهودی ها تا ماچ ظلم و ستم قرار گرفته اند.

مؤرخین یهودا اعتراف میکنند که زرین ترین و شاندار ترین مقطع تاریخ آنها زمان نیست که بحیث رعیت مسلمین در اندلس سکونت داشتند، "دیوار گریه" که امروز مقدس ترین یادگار یهودی ها محسوب میشود متصل به آن نیز نتیجه عنایت مسلمین است.

یک خبرنامه رسمی حکومت اسرائیل که در بمبئی به نشر می رسد در شماره یک جولای ۱۹۶۷ خویش توضیح داده است دیوار گریه ویرانه ای آکنده از خس و خاشاک بود و هیچ علامتی از آن برای مردم روشن نبود، اتفاقاً در سده شانزدهم عیسوی سلطان سلیم عثمانی آنرا دریافت، بعد از مافکاری آن برای یهودی ها اجازت زیارت عطا کرد. لکن یهودی ها چنان قوم احسان فراموش اند که امروز شرافت، فیاضی وحسن سلوک مسلمانان را به این شکل عوض و پاسخ میدهند.

برنامه ریزی یهودی ها:

و عدهٔ جرمنی اعتماد نمی کردند این بود که حکومت ترکیه در جنگ اول هم پیمان و حلیف جرمنی بود لذا یهودی ها متیقن نگردیدند که قیصر ولیم بتوا ندبه وعدهٔ خویش تحقق بخشد.

درین وقت "داکتروا ئزمین" جلورفته و بحکومت انگلستان اطمینان داد که تمام سرمایه، فکر، قوت و قابلیت یهودی های جهان را در حمایت از موضع انگلستان و فرانسه توجیه و تعبیه می کنند، در صورتیکه انگلستان و فرانسه به یهودی ها تلقین و اطمینان دهند که پس از رسیدن به فتح و پیروزی فلسطین را "وطن ملی" یهودی ها می سازند. داکتروا ئزمین درین وقت پرچمدار تحریکی بود که نصب العین بوجود آمدن وطن ملی یهودی ها در فلسطین بود.

بالاخره یهودی ها در سال ۱۹۱۷ اسناد وستا ویز منشوری را بدست آوردند که بنام "اعلان بالفور" معروف است یکی از شهکارهای خیانت و بددیانتی انگلیس ها این بود که از یک سو برای اعراب اطمینان دادند که "ما برای اعراب یک ریاست مستقل تشکیل می دهیم" و بهمین ملحوظ برای "شریف حسین" وعده تحریری داده بودند.

بنا بر همین وعده انگلیس ها برای شریف حسین مبنی بر تشکیل حکومت مستقل و خود مختار، اعراب در برابر ترک ها قیام کرده فلسطین، عراق و شام را به قبضه انگلستان سپردند از سوی دیگر همین انگلیس ها برای یهودی ها بصورت اصولی و تحریری وعده کردند که "ما فلسطین را وطن ملی یهودی ها می سازیم".

این کار بی ایمانی بزرگی بود، تا زمانی که قوم انگلیس در جهان وجود داشته باشد نمیتواند این لک سیاه رسوائی را از تاریخ خویش بزدایند.

اندکی توجه کنید که ساختن وطن قومی یهودی ها در فلسطین چه معنی داشت؟ آیا فلسطین زمین بارو خالی از مردم بود که به قوم دیگری اسکان دادن در آنرا وعده سپردند؟

آنجا (فلسطین) از ده هزار تا دویست هزار سال به این ظرف یک قوم سکونت می گزید. در آشنای اعلان بالفور نفوس یهودی ها در آنجا به پنج فیصد نمی رسید.

وزیر خارجه حکومت بریتانیا تحریری وعده داد که همین سرزمینی که وطن مستقل یک قوم بود، قوم دیگری در آن جاگزین ساخته شود که در طول ۱۹۰۰ سال در همه جهان پریشان و پراکنده بودند.

معنای روشن مسئله این مطلب را می رساند گویا وعده چنین بود که ما برای شما "یهودی ها" فرصت مسا عدمیسا زیم اعرابی را که بکمک خود اعراب و وطن شان را قبضه کرده ایم، از سرزمین شان برون بکشید و افراد خود را از گوشه گوشه دنیا آورده و در جای آنها "اعراب" متمکن بسازید.

در سال ۱۹۰۸ فرمان عزل سلطان را به او سپردند، و دوفر آن ترکی و شخص سوم همان حاخام قره صوافندی بود که هرتزل بوسیله او پیام مطالبه بازدهی فلسطین به یهودی ها را نزد سلطان عبدالحمید فرستاده بود.

میتوانیدی غیرتی مسلمانان را در همین رویداد اندازه نمائید، فرمان معزولی پادشاه خویش را بوسیله شخصی می فرستند که هفت سال قبل بازدهی فلسطین را از او مطالبه نموده و پس از شنیدن رد العمل شدید برگشته بود. تصور کنید، هنگامیکه آن یهودی فرمان عزل سلطان را در دست گرفته در برابر او ایستاده بود، سلطان در قلبش چه می اندیشید؟!

قوم پرستی اعراب و ترک ها تمام می کند:

درین زمان سازش خطیر دیگری که هدف بنیادی اش پاره پاره کردن سلطنت ترکی ها بود با شدت وحدت ادامه داشت درین توطئه قبل از سیاست مداران غربی یهودی های مجرب دست بکار بودند. از یک طرف در میان ترک ها این حرکت قد برافراشت که ترکی ها بنیاد سلطنت خویش را بجای "اخوت اسلامی" بر پایه های نشنلزم و قوم پرستی بنا نهند در حالیکه رعایا و باشندگان سلطنت را بر علاوه ترکی ها اعراب، کردها و دیگر اقوام مسلمان نیز تشکیل میدادند اختصاص سلطنت به ترکی این معنی را مبرسانند که حمایت و همدردی تمام اقوام محلمان غیر ترکی با سلطنت منقطع می گردید.

از جانب دیگر اعراب نیز درس قوم پرستی (عربیت) خواندند و این امر در دل و دماغ شان تلقین گردیده که باید در راه آزادی از قید غلامی ترک ها سعی و تلاش نماید فتنه قوم پرستی اعراب بوسیله اعراب عیسوی که مرکز فعالیت های شان در "بیروت" بود، موج خیز گردید — دانشگاه امریکائی در بیروت بنام "امریکن یونیورسیتی" مسبب اوگیری و قوت آن فتنه بود.

چنانچه در یک زمان دو قوم پرستی متضاد (ترکیست عربیت) در میان اعراب و ترکی ها رشد یافت، و زبانه ها شعله اش تا آنجا سرکشید که در سال ۱۹۱۴ حینیکه جنگ جهان اول مشتعل گردید ترک و عرب بجای دوستی و برادری چو دشمنان تشنه بخون یکدیگر در مقابل هم ایستادند.

جنگ جهانی اول و اعلان بالفور: در روزهای نخستین جنگ جهانی اول یهودی ها با حکومت جرمنی معاملات و روابطی داشتند؛ زیرا آنوقت یهودی ها در جرمنی آنقدر از قوت برخوردار بودند که امروزه در امریکا برخوردارانند.

یهودی ها تلاش و کوشش بخرج دادند تا از "قیصر ولیم" وعده ای دریافت کنند مبنی بر اینکه حکومت جرمنی فلسطین را "وطن ملی" یهودی ها می سازد؛ ولی علتی که یهودی ها به

این عمل ظلم عظیمی بود که نظیر آن را در فراخای تاریخ انسانی نمی یابیم .

نام لاردها بالفور بیشتر بالی این زخم نمک می باشد، در مورد نامهاش در یادداشت های خویش چنین نوشته بود: "فیصله ها شیکه در مورد فلسطین نموده ایم، ضرورتی وجود ندارد تا از باشندگان کنونی آن پرسش و سوالی صورت گیرد . در نزد ما "مهیونیست" بیشتر از خواهشات و مطالبات هفتصد هزار اعرابی حایزه اهمیت فراوان است که اکنون در این سرزمین قدیمی مسکن گزین اند"

یادداشت های بالفور که حاوی الفاظ فوق است، اکنون نیز در جلد دوم دستاویزهای پالیسی بریتانیا ثبت است .
طرز العمل شورای ملل :

با تسلط انگلیس ها به سرزمین فلسطین و اعلان لاردها بالفور اولین مرحله برنامۀ طویل المیعاد یهودی ها به پایسه تکمیل رسید . این مرحله از ۱۸۸۰ آغاز شده و تا ۱۹۱۷ در ظرف ۳۷ سال به تکمیل پانهاد .

بعد از اكمال مرحله اول، در دوم برنامۀ آغاز گردیده درین مرحله "شورای ملل" و ذوقاقت بزرگ انگلیس و فرانسه که گویا این دو قدرت سلطنت های آزادی نبوده و نماینده های تحریک مهبیونیزم اند .

در سال ۱۹۲۲ شورای ملل فیصله ما در نمود که فلسطین به "انتداب" انگلستان سپرده شود، "معنای انتداب این است که: یک حکومت بطور مستقل بالی کشوردیگری فرمان روائی نمی کند، بلکه این کار از طرف شورای ملل به آن حکومت سپرده میشود تا تحت شرایط خاصی بالی آن سرزمین فرمان برانند"

درین زمان بر اساس نفوس شماری ای که در فلسطین صورت گرفته بود در آنجا اعراب مسلمان ۶۶۰۶۴۱ نفر و اعراب عیسوی ۷۱۴۶۴ نفر و یهودی ها ۸۲۷۹۰ نفر رقم زده می شد و نفوس یهودی ها بخاطر آن بالا رفته بود که از هر کجائی پی در پی بدانجا می آمدند و سکونت گزین می شدند، در حالیکه در سال ۱۹۱۷ نفوس یهودی ها در فلسطین ۵۶ هزار بود و در طول پنج سال به ۸۳ هزار افزایش یافت .

شورای ملل علاوه بر اینکه اسناد انتداب را به انگریزها سپرد، با تمایمی بی شرمی هدایت داد که انگلستان مسئولیت داردا هرگونه سهولت را جهت تشکیل وطن ملی یهودی ها در فلسطین فراهم نماید .

همچنان انگلستان مسئولیت داردا تنظیم مهبیونیستی را برسمیت شناخته و آنرا در ایجا کنظم و نسق شرکت داده و با مشورت و تعاون این تنظیم به فیصله تشکیل وطن ملی یهودی ها در فلسطین جامعه عمل بپوشاند . با وجود این همه برای باشندگان اصلی و قدیمی آن صرف به این تقدردا ایت اکتفا شده بود که: "از حقوق مذهبی و مدنی آنها حفاظت صورت

گیرد" از حقوق سیاسی تذکری بمیان نیامده بود . این انصاف شورای ملل بود که بخاطر اقامه امن و انصاف در جهان ، بوجود آمده بود که یهودی ها را از بیرون خواسته نه تنها مسکن گزین ساختند بلکه در اقتدار سیاسی نیز شریک کردند ، باشندگان اصلی آنرا علاوه از اینکه مستحق نداشتند بلکه حقوق سیاسی نام نهادی نیز برای آنها قایل نشدند .

اکنون میتوانید اندازۀ نمائید که در آنوقت یهودی ها تا چه اندازهای تاثیرات خویش را بالی حکومت های بزرگ دنیا و شورای ملل گسترده بودند که بدست یاری آنها قبل از انتداب فلسطین برای انگلیسها به تعمیم چنین هدایاتی ماء مور گردید .

کارنامه های انتداب انگلستان :

انگلستان بعد از حصول انتداب آهسته آهسته یهودی ها را از هر گوشه و کنار آورده و به مسکن گزین ساختن آنها در فلسطین آغاز کرد "سهربرت سیمویل" های کمشنر انگلستان در فلسطین یک یهودی بود ، تنظیم مهبیونیستی را عملاً در نظم و انتظام حکومت شرکت داد ، نه تنها اداره های تعلیمی و زراعت را به او سپرد ، بلکه زمام معاملات ملی ، سفرو دخول افراد از ممالک بیرونی را بدست وی داد ، قوا نیینی را به اجرا گذاشت که بوسیله آن آمدن یهودی ها از خارج و تحصیل املاک و زمین در فلسطین به سهولت عملی گردد .

علاوۀ بخاطر کشت کردن زمین ها با دادن قرضه ها و دیگر سهولت ها بیشتر آنها را نوازش داد ، اعراب را به تحویل مالیات سنگین مجبور می ساخت ، در بدل بقایای مالیات کمرشکن زمین های اعراب را ضبط کرده و به یهودی ها بفروش می رسانید ، تکه های بزرگ زمین های دولتی را به دسترس یهودی های نووارد بطور رایگان و برخی هم بطور نهانی قرار میداد .

در برخی نقاط به بهانه و حیل مختلفی قریه ، مکتبی را از وجود اعراب بکلی خالی میکرد و در جای آن قمبات یهودی را سکونت پذیر می ساخت . در یکی از مناطق هشت هزار دهاقین و کارکنان زراعت پیشه ، اعراب را حکماً از پناه هزاره کتا رزمین زراعتی محروم ساخت ، و برای هر فرد آن دهاقین سه پوند و ده شلنگ داده و از سرزمین شان اخراج کرد .

در سایه چنین تدابیری در طول هفده سال نفوس یهودی ها بشکل غیر معمولی ای بالا رفت ، در سال ۱۹۲۲ شمرا ۸۲ هزار بودند در حالیکه در سال ۱۹۳۹ یعنی هفده سال بعد تعداد آنها تا چهارونیم لک بالا رفت .

ظاهراً است که انگلیس ها در فلسطین تنها برای مهبیونیستی انجام خدمت نمودند و ضمیرشان روزی هم این احساس را در آنها تحریک نکرد که بالی هر حکومتی باشندگان اصلی و

است .

جمیز فورستال دریا دداشتهای خویش مینویسد: "طریقه در اعمال فشار بالایی کشورهای دیگر و مجبور ساختن آنها در رای دهی و تأیید این قضیه، بکار گرفته شد، تا حدود شرمناکی و رسوائی می رسد."

فیصله انقسام آن سرزمین با شرارتی بیش از حد به تصویب رسید، طوری که برای ۳۳ فیصد یهودی ۵۵ فیصد این سرزمین و برای ۶۷ فیصد مسکن گزینان عرب ۴۵ فیصد این سرزمین سپرده شد.

حالآنکه در آشنای تصویب این فیصله شش قیصدزمین فلسطین در قضیه یهود آمده بود، انصاف ملل متحد همین بود!

اما ازین تقسیم بندی ایکه به نفع شان صورت گرفت هم راضی نشده از راه جنگ و جدال به اخراج اعراب و به قضیه کشیدن اکثریت این سرزمین آغازیدند درین روند، مطالبی که بالایی اعراب صورت گرفته است "آرنالد تان بی" در کتاب معروف خویش بنام "مطالعه ای از تاریخ" درین مورد چنین می نویسد: "مظالم یهودی ها بالایی اعراب به هیچگونه کمترین آن نبود که نازیها بالایی یهودا اعمال کردند از قتل عام دیریا سین (منطقه عرب نشین در فلسطین) بتاريخ نهم اپریل ۱۹۴۸ بطور خامی تذکر بعمل میاورد که در آن زنان، مردان و فرزندان اعراب بی دریغ به مذبح و مقتل کشانده شوند و زنان و دختران اعراب را لخت و عریان در سرک ها و معابر کشیدند و موثرهای یهودی با لود سپیکرها درهمه جا اعلان می کردند که "ما در دیریا سین با اعراب چنین عملی کردیم، اگر شما نمیخواهید منتظر چنین حالی باشید، پس ازین جا برون شوید."

هر شخصی تصور کرده میتواند که آیا قومی که رمقی از شرافت و انسانیت در او موجود باشد، مرتکب چنین کارنامه ای خواهد شد؟

در بحیوچه این حالات در ۱۴ می ۱۳۴۸ هنگامیکه اسمبله مرکزی ملل متحد روی قضیه فلسطین بحث می کرد، ایجنسی یهودی ها ساعت ده بجه شب اقامه "حکومت اسرائیل" را اعلان کرد.

قبل از همه روس و آمریکا آنرا برسمیت شناختند، در حالیکه تا همین وقت ملل متحد اقامه حکومت اسرائیل در فلسطین را مجاز ندانسته بود، تا هنگام این اعلان بیشتر از شش صد هزار عرب از خانه و سرزمین خویش آواره شده بودند، و برخلاف فیصله ملل متحد اسرائیل بیشتر از یک و نیم قسمت یروشلم (بیت المقدس) را قبضه کرده بود.

بعد از اعلان قیام حکومت اسرائیل کشورهای همجوار اعراب بخاطر حفظ و نجات نفوس اعراب مظلوم و بی پناه از جنگ و جدال و شتم و چپاول اسرائیل، در آنجا مداخله نموده

قبل از آن سرزمین حقوقی دارند که پاسداری آن مسئولیت اخلاقی آن حکومت است.

در جنگ دوم جهانی این قضیه بیشتر جلورفت، یهودی ها ایکه از مظالم هتلر فرار کردند به طرق قانونی و غیر قانونی بیجا به سوی فلسطین روی آوردند، ایجنسی صهیونیسم با زور و جبر به داخل کردن هزاران و صدها هزار - یهودی بداخل فلسطین آغاز کردند تنظیم های مسلح تشکیل نمودند و با سفاکی تمام از راه جنگ و جدال و زجر و توبیخ اعراب را به فرار مجبور کرده و در جاهای شان یهودی ها را مقیم ساختند.

در حضور انتداب انگلیس ها انواع اسلحه در اختیار یهودی ها قرار می گرفت و با توسل به آن بالایی اعراب حملات غافل گیرانه می کردند ولی این قانون تنها بالایی اعراب تطبیق میکردید که دست به اسلحه نبرند و دفاع از ظلم برای آنها ممنوع بود.

البته حکومت بریتانیا عمداً در نقل مکان اعراب فرار کرده از فلسطین سهولت های زیادی را سخاوتمندانه در اختیار شان میگذاشت، چنانچه از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۴۷ یعنی مدت (۳۰) سال دور دوم برنامه های یهودی به اكمال رسید درین وقت یهودی ها قابلیت آنرا کسب نمودند که بجای تشکیل (وطن ملی) در فلسطین "حکومت ملی" خویش را استقرار بخشند.

از "وطن ملی" تا "حکومت ملی":

در سال ۱۹۴۷ حکومت انگلستان مسئله فلسطین را به ملل متحد پیشکش نمود هدفش ازین کار این بود که مسئولیت های را که شورای ملل بخاطر خدمت به صهیونیسم برای ما سپرده بود، به انجام رسانده ایم. امورات بیشتر ازین را "ملل متحد" که جانشین "شورای ملل" است انجام دهد. اکنون ملاحظه فرمائید: لوگان دومی (ملل متحد) که ادعای علمبرداری اقامه امن و انصاف در جهان را دارد، در فلسطین چگونه عدالتی را اقامه نمود؟

در نوامبر ۱۹۴۷ اسمبله ملل متحد فیصله انقسام فلسطین میان اعراب و یهودی ها را صادر نمود. فیصله چگونه صادر شد؟ (۳۳) رای مخالف این طرح وجود داشت، ده کشور از دادن رای امتناع ورزید، این شمارش اکثریت رائی بود که شورای ملل متحد میتواندست بر مبنای آن قرارداد را تصویب نماید.

چند روز قبل این اکثریت وجود داشت بلکه (۳۰) رای موافق این فیصله وجود داشت.

آخرا لایمرفشارهای مستمر آمریکا سبب شد تا سه کشور "هائیتی، فلپائن و لائیریا" مجبور گردیدند به حمایت ازین فیصله رای موافق ارائه کنند، این حقیقت در ریکا ردگانگرس آمریکا وجود دارد که رای سه کشور فوق جبراً حاصل گردیده

منتج به آن نگرديد، اعراب با يك قابليتى در برابر اسرائيل توان ايستاده گى و مقابلۀ بيا پدبلکه براى روس ها فرصت مناسب گرديد تا اثرات خويش را از مصروشام تا يمن و از عراق تا الجزاير بسط و توسعه دهد، و گش مکش هاى "ارتجاع" و "ترقى" يا "مرتجع" و "مترقى" تا آنجا با لا رفت که بجای سرکوبى و انهدام اسرائيل درگيرى شان با يکديگر آغاز گرديد.

امريکا مدت ۱۹ سال يك مليا ردوش صدمليون دالـر براى اسرائيل کمک مالى نمود، جرمنى ۸۲۲ مليون دالـر غرامات اسرائيل را فراهم نمود و تما مى يهودى هاى دنيا به تعداد دو مليا ردالـر براى اسرائيل جمع آورى نموده وضع مالى آنرا استحکام بخشيدند.

از نظر وضع جنگى اسرائيل را از پافارق مسلح نمودند قبل از جنگ جون ۱۹۶۷ ماهرين جنگى امريکا پيش بينى کردند که اسرائيل درمیان چار تاريخ روزبر تما مى کشور هاى گرد و نواح خويش غلبه حاصل مى کند، از لحاظ سياسى هر زمانى امريکا و متحدانش به حمايت اسرائيل ترکيز مى نمود، بـتا بر حمايت قاطع امريکا بود که ملل متحد نتوانست در برابر تـجـاـزات پى در پى اسرائيل تدارکى ببيند.

از نوامبر ۴۷ تا ۱۹۵۷ بيست و هشت قرارداد ملل متحد ايشرى بالاي اسرائيل نداشت. از سپتمبر ۴۸ تا نوامبر ۱۹۶۶ ملل متحد هفت بار در قراردادهاى خويش برخلاف اسرائيل مذمت نمود، مگر اسرائيل هيچ پرواى نکرده.

از اين جا ميتوانيد ببياکى اسرائيل را در پاي بیدکه بعد از جنگ جون ۱۹۶۷ در حالیکه اجلاس شوراي مرکزى ملل متحد در حال آغاز بود، "ليوى اشکول" وزير اعظم اسرائيل اعلان نمود که: "اگر از ۱۲۲ عضول ملل متحد ۱۲۱ عضو آن نيز فيصله ما در نمايندگى هاى اسرائيل به تا شيد ما باقى بماند، هرگز از مناطق مفتوحه خويش برون نخواهيم شد." چون امريکا و حاميانش در تا شيد اسرائيل ايستاده اند، بهمين علت است که راي تمام دنيا رانمى پذيرد، و ملل متحد نيز در مقابلۀ با آن قطعاً عاجز است.

علاقه و دلچسپى امريکا با اسرائيل تا آنجا پيش رفت و ميتوانيد بيک نگاه مدت علاقۀ آنرا در پاي بیدکه امريکا در اشنای جنگ جون ۶۷ اختيار کرد، يك هفته قبل از آغاز جنگ "جنرال هيلر" قوماندان اعلاى کل قواى امريکا به "جانسن" رئيس جمهور امريکا اطمینان داد که اگر اسرائيل دست به يك حمله موفق هواى بزند درمیان سه يا چهار روز اعراب را به شکست مواجه مى سازد.

جانسن با دريافت اين راپور نيز اطمینان حاصل نکرد بلکه از رئيس "سى، آى، اى" "ريچاردهيلمس" راپور ديگرى خواست. ريچاردهيلمس نيز پيش بينى جنرال

وارتشان به فلسطين داخل گرديد، اما درين وقت يهودى ها آنقدر نيرومندى حاصل کرده بودند که تما مى کشور هاى اعراب نتوانند آسنى به او برسانند.

در نوامبر ۱۹۴۸ زمانیکه ملل متحد "اتش بس" را فيصله نمود در اين وقت بيشتر از (۷۷) فيصد سرزمين فلسطين در قبضۀ اسرائيل آمده بود.

سؤال درين جا است که چه کسى براى يهودى ها تا اين حد طاقت جنگى فراهم کرده بود که پنج کشور متحد عربى نتوانست در برابر آن مقابلۀ نمايد؟

در فراهم سازى طاقت جنگى اسرائيل نظام سرماييدارى و کمونيزم هر دو شرکت داشتند، بيشترين اسلحه جنگى اسرائيل را چکوسلواکيا تاديه مى نمود که امروز خودشکا رظلم و ستم گرديده است.

ريکاردي بحث ها شیکۀ آنوقت روى قضيه در ملل متحد صورت گرفته شاهداست که نظام سرماييدارى غرب و نظام کمونيستى شرق در حمايت و تا شيد ز يهودى ها و مخالفت با اعراب از يکديگر سبققت مى جستند، گفتن اين مسئله دشوار بود که کدام يکى از آن دو بيشتر حامى يهودى ها است.

سومين دور بر نامه يهودى ها:

بعد از اين مرحله سوم بر نامه يهودى ها آغاز گرديد، که در مدت نوزده سال در جنگ جون ۱۹۶۷ بيت المقدس، مناطق باقيمانده فلسطين، جزيره نماى سينا، و بلندى هاى سرحدشام بصورت تمام در تسلط اسرائيل داخل شد.

در نوامبر ۱۹۴۸ مناطق حکومت اسرائيل به ۷۹۹۳ ميل مربع مى رسيد و در جنگ جون ۱۹۶۷ بيست و هفت هزار ميل مربع به آن افزوده شد. و به تعداد بيشتر از يك مليون و پنجمده هزار عرب غلام هاى اسرائيل گرديدند.

علت اصلى پيروى بر نامه هاى اسرائيل درين دوراين است که درين وقت بيشتر از همه امريکا به حمايت و تا شيد اسرائيل برخاست. انگلستان، فرانسه و ديگر مالک غربى هر کدامى تا حدود خويش حق حمايت و تا شيد اسرائيل را ادا کردند، روسها و کشورهاى بلاک شرق تا سال ۱۹۵۵ بطور علنى در حمايت اسرائيل قرارداداشتند، بعد از آن تغيير و تبديل سياست روس بجای اينکه به اعراب مفيد واقع شود براى اسرائيل مفيد ثابت گرديد.

در سال ۱۹۵۵ کشورهاى عربى با اين خوش باورى که امريکا و ديگر کشورهاى غربى در مقابلۀ با اسرائيل و بيا جهت حفاظت شان براى آنها اسلحه جنگى فراهم مى نمايد. کلاً ما يوس گرديدند. و ناگزير بسوى بلاک کمونيزم روى آوردند.

روسها با اين طمع ارسال اسلحه را به کشورهاى عربى آغاز کردند که به گسترش کمونيزم در کشورهاى عربى و به دانه تسلط کشيدن آنها فرصت خواهند يافت، اين کار

خویش میداند.

میخواهم مضمرات دوجزء یاد شده برنامۀ را هر مسلمان بطور مشروح بداند.

تا جاییکه متعلق به جزء اول است، اسرائیل وقتی قادر گردیده آن جا مه عمل بیوشد که بیت المقدس را قبضه نموده لکن بنا بر دو علت تاکنون در اجرای آن تاءمل می کند علت اولش اینست که اسرائیل و سرپرستش امریکا از رد العمل شدید دنیای اسلام اندیشه دارند، علت دومی اختلاف مذهبی و درونی یهودی ها با لای این قضیه است.

یک گروه آنها معتقد اند که تعمیر مجدد هیکل سلیمانی بعد از آمدن مسیح صورت می گیرد، تا زمانیکه مسیح نیامده است، انتظار را لازمی است، این نظرافراطیون یهود است (البته مسلمان و عیسوی عیسی علیه السلام را مسیح میدانند، ولی یهودانکار می کنند و تا حال انتظار "مسیح موعود" را می کشند.

مسیح موعود یهودی ها همان مسیح موعودیست که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث آنرا "مسیح رجال گفته است"

گروه دوم که اکنون زمام اقتدار اسرائیل را در دست دارند میگویند "بعد از تسلط یافتن به بیت المقدس قدیم و دیوار گریه به دور مسیحاتی داخل شده ایم" یکی از جنرال های یهودی بعد از فتح بیت المقدس در حالیکه تورات را در دست داشت در مقابل دیوار گریه ایستاد و گفت: "امروز ما ملت یهودیه دور مسیحاتی داخل میشویم".

روی این دو علت تهاجمی اینکه مسجد اقصی را یک بار ویران و منهدم سازند بطور مقدمه و تمهید آنرا آتش زدند، تا از یکطرف رد عمل دنیای اسلام را مشاهده کنند و از جانب دیگر قوم یهود بتدریج بسوی آخرین برنامه های خویش گام بر دارند.

جزء دومی برنامه اینست که بر "سرزمین میراث" مسلط شوند. سرزمین میراث چیست؟ در پیشانی پارلمان اسرائیل این الفاظ کنشده است: "ای اسرائیل! سرحدات تو از نیل تا فرات است"

اسرائیل تنها سرزمینی در دنیا است، که بصورت آشکارا قبضه کردن سرزمین های دیگر بطوریکه میخواهد بر پیشانی قبر پارلمان خویش نقش کرده است. هیچ کشوردیگری اراده های تجاوزانه خود را چنین روشن اظهار نکرده است. تفصیلات این برنامه که در نقشه های منتشره "تحریک صهیو" نیزم اراشه شده است بنا بر آن نقاطیکه اسرائیل میخواهد آنرا در قبضه خویش بیاورد، مصر تا دریای نیل، اردن، سوریه لبنان، قسمت اعظم عراق مناطق جنوب ترکیه، مدینه منوره و مناطق بالائی حجاز شامل است.

اگر دنیای عرب همانند امروز ضعیف باقی بماند و

وهیلر را توشیق کرد، بعداً "جانسن به روس ها رو آورده - اطمینان حاصل کرد که آنها برای کمک و حمایت اعراب عملاً مدخله نکنند پس از آن امریکا به اسرائیل حلی نمود که اکنون فرصت مناسب حمله بالی اعراب است. در بین موقع کشتی آمریکا در نزدیک سواحل مصر و اسرائیل با تمامی طاقش لنگر انداخت تا در آشنای ضرورت بکار بیاید اسرائیل نوازی انگلیس ها چنان بود که یک کشتی بحری طیاره بردار را تگزیزها در مالتا و دیگری در عدن ایستاده بودند تا در فرصت لازم اسرائیل آنرا بحرکت بیاورد.

بعد از جنگ "لندن سندی تایمز" کتابی را بنام "جنگ مقدس جون ۶۷" به نشر سپرد، در یک فصل آن که به "بیت المقدس در قبضه یهود" اختصاص دارد یکی از عناوین آن "برگشت بعد از ۸۹۶ سال" گذاشته شده است.

روشن است که ۸۹۶ سال قبل بیت المقدس از قبضه عیسوی های صلیبی کشیده شده از قبضه یهودی ها، معنای واضح این عنوان آنست که در حمایت انگلیس ها از اسرائیل "جذب صلیبی" دست اندر کار است، و این جنگ را جزئی از جنگهای صلیبی میدانستند.

وضع عرب دوستی روسیه بگونه دیگری بود، همان صبحی که اسرائیل بالی میدان های هوایی مصر حمله می برد روس در شب آن برای نا مراطمینان داد که هیچ کسی قصد حمله ایران ندارد.

این اطمینان همانند یقین دهانی ای بود که درست در ۶۵ برای پاکستان داده شده بود که "هندوستان از سرحدات بین المللی عبور نمی کند"

در مورد رویه روس ها با اعراب تبصره یک دیپلومات یوگوسلاوی نهایت عبرت آموز است که میگوید: "یک ابر قدرت وقتی تعلقا تش را با شما قطع می کند آنگاه شما را طیاره بدون پراشوت بزمین پرتاب می کند"

این همه عللی بود که دور سوم برنامه یهودی ها کامیاب گردید. و همراه با بیت المقدس، تمامی فلسطین و جزیره نمای سینا بدست آنها افتاد.

چهارمین برنامه یهود:

در حقیقت چیزیکه از قبل در برابر دنیای اسلام قرار دارد چهارمین و آخرین برنامه یهود است که بخاطر آن دوهزار سال بی تاب بوده و از (۹۰) سال بدینسو طبق یک برنامه منظم و بنیادی فعالیت و تلاش بخرج میدهند.

اهم ترین اجزای این دور برنامه دو چیز است: ۱- مسجد اقصی و قبه صخره را نابود کرده و هیکل سلیمانی دوباره تعمیر گردد. زیرا تعمیر هیکل سلیمانی بدون انهدام آن دو مقام مقدس ممکن نیست.

۲- تمام آن مناطقی قبضه گردد که اسرائیل آنرا میراث

خدای ناخواسته ردالعمل دنیای اسلام نیز نسبت آتش زدن مسجد اقصی موثر ثابت نشوند، آنوقت، خاکم بدهن روزی خواهیم دید که دشمنان اسلام در تحقق اراده های ناپاک شان پیش قدمی و سبقت نمایند.

پس چه باید کرد؟؟؟

قضیه مورد نظر را بخاطر آن با تفصیل بیان کردم که کلاً "نوعیت نزاکت و اهلیتش بخوبی درک شود. از مسایلی که شرح گردید چند چیز وضاحت می یابد.

۱- یهودی ها بخاطر آن در برنامہ های خویش کامیاب و موفق گردیده اند که قوت های بزرگ دنیا تا حال در تاغی—دو حمایت آنها قرار داشته است امکانات تغییر و تحول بر قدرت ها در آینده بنظر نمی رسد. مخصوصاً تا وقتی که اسرائیل از حمایت آمریکا برخوردار است از ارتکاب بزرگترین جرائم بازنمی ایستد.

۲- امید بستن به هلاک کمونیسم غلطی کلی است، ولی بخاطر گرفتن دست اسرائیل هیچ نوع ارزش و خطری احساس نمی کند، تنها اعراب میتوانند از او اسلحه بگیرند و آنهم بشرط اینکه از اسلام خارج گردیده و قلاده کمونیسم را بگردن خویش بیندازند.

۳- ملل متحد بجز پاس کردن قراردادها نمیتوانند کار بیشتری بکنند و این قوت در آن نیست که اسرائیل را از اقدام مجرمانه اش مناعت نماید.

۴- تجارب بیست و دو ساله گذشته ثابت کرده است که طاقت اعراب در مقابل هلاک اسرائیل کفایت کننده نیست.

با مشاهده این حقایق نه تنها مسجد اقصی بلکه بخاطر نجات و پاسداری مدینه منوره از خطرات آینده تنها یک راه وجود دارد. و آن راه اینست که تمامی طاقت مسلمین در دنیا بخاطر مقابله با خطریهود و حفاظت و پاسداری اماکن مقدسه مجتمع گردد.

تاکنون یک اشتباه وجود دارد که قضیه فلسطین را یک "مسئله عرب" قرار داده اند، دنیای اسلام تا زمانی آنرا قضیه اسلام و مسلمین میدانستند مگر بعضی از سران اعراب اصرار نمودند که این قضیه مسلمانان نبوده بلکه مسئله اعراب است.

خدا را شکر گذارم که سانه مسجد اقصی چشهای آنها را نیز گشود، و بدانند که مقابل هلاک سازش عظیم و بین المللی میهو— نیست در حالیکه از تائید و حمایت طاقت های بزرگ نیز

برخوردار است، تنها مقابل هلاک اعراب کافی نیست. اگر ده ملیون و شش مدهزار یهودی طاقتی در دنیا است، بیشتر از هفت مده و پنجاه ملیون مسلمان نیز یک طاقت است. درین وقت بیشتر از ۳۲ کشور اسلامی از اندونیزیا تا مراکش

و آفریقای غربی موجود اند اگر تمامی سران و رهبران دنیای اسلام بهم متحد شوند، تمامی مسلمانان روی زمین با قربانی جان و مال خویش حاضر میشوند، آنوقت حل این قضیه انشاء الله مشکلی نخواهد بود.

همچنان کنفرانس جهانی که روی حل این قضیه دایر می شود باید بدانند که موضوع اصلی حفاظت مسجد اقصی نیست مسجد اقصی تا وقتی محفوظ بوده نمیتواند که بیت المقدس در قبضه یهود است و بیت المقدس تا زمانی نمیتواند محفوظ باشد که یهود بر فلسطین مسلط است. بناءً مسئله اصلی آزاد کردن فلسطین از تسلط غاصبانه یهود است.

راه حل سالم و روشن فلسطین اینست: یهودی ها تیکه قبل از اعلان بالفور در فلسطین سکونت داشتند، آنجا حق سکونت دارند، باقی هر تعداد یهودی ایکه بعد از ۱۹۱۷ تا کنون از بیرون در آنجا آورده شده اند، واپس برگردند.

آنها از راه جبر و سایش و ظلم سرزمین مردم دیگری را وطن ملی خویش ساختند، بعد از آن به حکومت ملی تبدیل نمودند، پس از آن با برنامه ریزی های غاصبانه در تسلط مناطق نزدیک شان نه تنها یک سلسله پایان نا پذیر را عملاً آغاز کردند، بلکه مناطقی را که آماج تجاوز خویش قرار میدهند آنرا آشکارا در پیشانی پارلمان خویش نوشتند.

وجود اینگونه حکومت جارح و متجاوز بجای خود یک جرم بوده و خطری برای امنیت بین المللی است، خطرات بیشتر آن متوجه عالم اسلامی بوده است زیرا هدف متجاوزان آن اماکن مقدسه مسلمین است.

دیگر موجودیت این حکومت قابل تحمل نبوده و ختم آن لازمست، برای باشندگان اصلی فلسطین تشکیل حکومت مستقلی لازم است که حقوق باشندگان قدیمی یهود، اعراب عیسوی و اعراب مسلمان در آن محفوظ باشد، اخراج کسانی که غاصبانه بیرون آمده اند و باز بردستی در آن سرزمین مرتکب ساختن "وطن ملی" و بعد "حکومت ملی" شده اند، لازم است.

طریق دیگری جز این راه برای حل قضیه فلسطین وجود ندارد.

امریکا که ضمیر خویش را در گرو یهودی ها گذاشته و تمام اصول اخلاقی را بالای طاق نهاده، از غاصبین اسرائیل حمایت می نماید، حال فرصت آن رسیده است که تمامی مسلمانان دنیا بصورت واضح اخبار شوند که اگر روش امریکا کماکان ادامه یابد، یک مسلمان نیز در پهنای زمین پیدا نخواهد شد که در دل آن ضعیف ترین درجه خیر خواهی نسبت به امریکا باقی بماند، فیصله بدست اوست که در حمایت یهودی ها تا کجا کام بر میدارد.

جنگ دوام لری

نستان په سرحدراواو ښتل او د پینځه زه په با زارباندي شي دراکتو حمله وکړه .

د افغانستان سرحدی فوج او روسی قطعاً تودوگرمن شوختسوف په قومانداني پدی یرغلگرو (مجا هدينو) حمله وکړ او یو څه ټله منځه یووړه او نورني بېرته کاندز ته واو ښتل .

مونږ هم په همدی سهار با ندي جنوبی بغلان ته په لاری با ندي د فوجی قطعاً تیره کاندز ته داخلید و .

یوزوړ د کاندز درهنما کتا ب چه په هغه با ندي "سویتزرا ندي افغانی" لیکلی وه له ما سره وه کا نکریټ سرک کوم چه د لویو لاریو د پاره جوړ شوی وه او د هموارتوب په ماسن کی تیر شوی وه او اوس مونږ په هغه سرک با ندي په ډیر احتیاط او ورو - رفتا سره د فوجی قطعاً تیره چه ډیر زیات خطر موا حساس کا وه روان وه . ز مونږ دالویه فوجی قافله داسی معلومیده لکه د درنو ماشین الاتو یو قوی طوفان روان وی دا درست ده چه دا سرک اوس دو یرمینیونو او بمونودجا و دلوپه وجه ډیر خراب وه کوم چه د مجا هدينو له خوا د (سرک جنگ) کسی د مینونو په ښودلو خراب شوی وه .

مونږ د ۵۰۷ ملیشیا قطعی ساحی ته داخل شو کوم چه یو کال مخکی د مجا هدينو په طرفداري دروسا نو سره جنگیدل خو وروسته بېرته حکومت ته راغله . د حکومت سره دیوځای کیدو په وخت کی ډیر شرطونه کیښودل . او هغه دا وه چه دوی با یدد دولت په رسمی فوج کی شامل نشی خوا سلحا و مهمات به ورته په کافی اندازه رسول کیږی . او همدارنگه شي دځان دا منیت د پاره یو دا یمی دفاعی خط ځان ته جوړول غوښتل ترڅو مجا هدين په دوی با ندي په

او اولحظه په لحظه زیاتیري، داروح - کښونکی پیر یان (مجا هدين) په کلو او حکومتی ځا یونو با ندي حملی شروع کوی . دجنوری په ۱۵ کال ۱۹۸۷ دکا بل حکومت اشتی ملی پالیسی اعلان کړه او یو یرغل چه هرڅوک خپله وسله په ځمکه کیږدي هغه معاف دی او کولای شي په ډیره آرامی با ندي ژوند وکړی . او حتی کولای شي په محلی حکومت کی برخه واخلي .

بعضی ددی دشمنانو (مجا هدينو) د دعوت د اشتی ملی ته ښه را غلاست ووا یښه مگر پدی شرط چه دوی به عسکری ته لیو ل کیږی .

او بعضی نسوریسی (مجا هدينو) په حکومت با ندي دبعضی نوروشرا بطوپه منلو سره دکا بل حکومت سره مخالفت بندکړی او هغه دا چه دوی به په لاس کی موجوده سلحه دځان دا منیت په خاطر دځان سره ساتي ځکه چه ددوی پخوانی ملگری یعنی مجا هدين د خپلور هیرا نو په هدایت شي اسلحه نده ایسی او ملحي ته حاضرندی نو دا مکان نه لری نه ده چه دوی به جنگ ته شدت ورکړی ، د اشتی ملی مخالفو دلو "ملا" د اکتوبر د میاشت کی کال ۱۹۸۶ څخه کله چه روسا نو خپل شپږ موتریزه غنډونه د افغانستان څخه وایستل دوی خپلی حملی ډیری زیاتی کړی ، بداسی حال کی چه ملک کی ملحي دراوستلو د پاره دوی ته دعوت ورکړ شوی و خوددوی ددی سره خپلی حملی چه تقریباً دجنوری د میاشتی ۱۵ کال ۱۹۸۶ څخه تراوسه پوری ۲۲ میاشتی کیږی ډیری زیاتی کړی دی . سرکال (۱۹۸۸) دمارچ په میاشت کی کله چه یوسا عت (یولس بجی د شپي) ته پاتې وی یو خطرناکه او ویرونکی ډله (مجا هدين) مستقیماً دروسی او افغا

دا لاندنی مضمون داریتوم بورویک چه دا وگوبونوک دمجلې خبرنگار دی کوم چه په روسیه کی چا پېوی لیکل شوی دی دا مضمون اړتیمو بورویک دسترگولیدلی را پور دی ، اوده د مجا هدينو د هغو عملیا تو په باره کی چه دا مونه په هغه فایده اودننه په افغانستان روسا نو ته ډیر سردرد پیدای کړی ذکر کړی دی دا مضمون شایدیو دهغو نادرو را پورو نوڅخه دی چه چیری نویسنده په خپل مضمون کی د متمم یو کلمو اضلاق مجا هدينو ته وائی کړی شایدنه تنها دا مضمون په روسیه کی چاپ شوی نه وائی بلکه نویسنده را "ا" د خپل کورا ویا اخبار نیمځی شپي ته د د فترحه مستقیماً "په دی روسی نظام کی محبس ته روان بیول کییده .

اړتیمو بورویک ددی په خاطر چه خپل دسترگولیدلو حالت ، د مجا هدينو شامت ، دلاوری او استقامت شي په روسیه کی چاپ کړی اوسی نو شي ډیر مهارت سره د "دښمن" ، "یرغلگر" او "شرارو" کلمه د مجا هدينو د پاره استعماله کړی ده . د پیندزه کوچنی باز اړچه د پښی د تولید له امله مشهور دی دافغان شوروی له سرحد څخه ۳۰۰ متر لیری واقع دی ، پیندزه د روسی په طرف کی واقع ده چیرته چه صلحه ده مگر دالصح اوس همیش گمو ډیری ځکه ۳۰۰ متر لیری جنگ روځ په روځ زیاتیري ډزی او انفجارونه په پیندزه کی هره لحظه د ساعت د عقرب کو سره سم شپه او روځ او ریدل کیږی په خاص ډول کله چه شپه شی . د دشمن ډلی (د مجا هدينو گروپونه) د خپلو مرکزونو څخه را ووزی و معمولاً د عملیا تو په خاطر د سرحد ته را تیریري . پدی وخت کی د میوزیک (ډزی ودرزهای)

دی نا مه حمله ونکړی چه گواکي دوی د دولت سره همکاري کوي .

د افغانستان دیموکراتیک حکومت (نجیب رژیم) دا شرطونه ورسره ومنل واما دا پیره خطرناکه بازی ده ، ځکه پیر علی داسی شوبیدی چه پدی ډول دیرغلگرو گروهونه (مجا هدیونکروپونه) د حکومت خوا ته راغلي دي، د حکومت په معرفمباندی خپل حان ساتلی اوتقویه کړی اوبیا په پیر مناسب وخت کی بیرته دافغانی اورووسی فوځ سره خپل مخالفت اودشمنی دپیری قوی موضع نه اعلان کړی .

ما زدیگرکله چه سورآسمان زمونږتر شاهرخلیده مونږجنوبی بغلان ته را ورسیدو دی کوچنی ټارکی دقوماندان غیور خطرناک گروپ (مجا هدين) چه دحزب اسلامی حکمتیار پوری اړه لری دپیرتخریب کوی اودا ټارکی بالکل په یوه نظامی جنگی محاذ باندی بدل شوبیدی پدی وروستیووختکی یوځه نورخطرناک جنگو جویه دشمنان (مجا هدين) قوماندان غیور ته راغلي اودده سره یوځای شوی وه . په خاص ډول دقوماندان غیور اشرار (مجا هدين) دپیرمضر وه .

قوماندان غیورددی منطقی ملی خطرناک سړی دی یو کال مخکی دخپلومشرانو دلیدودپاره پاکستان ته تللی او اوس بیرته دجنگ اوتخریبکاری دپاره دجنگ محنی ته داخل شوبیدی .

داجنوبی بغلان دمحاصری کومچه ۲۰ فرقی اوهمدارنگه دخدا دامنیتی فوځ څارندوی قطعات اوزمونږروسی فوځ د ډگرمن شوخونسوف په قومنده برخه اخستی وه څلورمه روه .

دیوخامسک چه دکوچنی تهوپه مابین کی کوبږوتللی وه په هغه ملیا ربا ندی مونږ یوزوپا ورین کلی ته ورسیدواوپه دی کلی یوه دولتی پوسته وه ، یو شین زیږی تندرسر اومتوسطه العمرسړی دپوستی څخه را پورته شواو مونږته شی به را غلاست ووا په . دا پیره کلکه ستری مشتی را سره وکړه . سترگی شی دپیره روسا ندوی اووی ویل "ډگرمن شوخونسوف زه تاته څه" کولای شم .

ما دډگرمن دفوځی تجربی په هکله مخکی معلومات درلوده په خاص ډول باندی

کله چه شی یو وخت دما مور غیور دمجا هدیون په مرکز باندی په جنوبی بغلان کی حمله

کړی وه او هلته شی دمجا هدیون په مقابل کي دپیر شدت بډولی وه ، اوما غوښتل چه دی (شخوتسوف) هغه قضا ما ته وکړی .

شخوتسوف دعملیا تود پلان په طرحه کولو باندی دپیر سخت بوخت وه خوددی سربره دتوپونودرزهای اوما بروی پیغامونو په مابین کی کله ددی وخت پیدا کاوه او ما ته به شی دمنطقی جنگی اوسیاسی وضع تشریح کوله .

"پدی منطقه کی دیوخطرناک گروپ مشر دقدرت دلان ته را وپلوه په خاطر چه قوماندان غیور نومیری داسی ملی دطرحی سره پیر سخت مخالف دی او ۱۵ جنوری کا ۱۹۷۷ څخه ده خپل عملیات زمونږ په مرکز اوافغانی پوستو باندی دپیر زیات کړی دیا وصلحه شی په ټول منطقه حتی تر پلخمري پوری دی سړی گډوډه کړی ده زمونږددی ټولی جنگی تجربواوتکتیکوسره دی نتیجی ته رسیدلی یوچه دا (غیور) دپیرقوی اوسخت دشمن دی چه ورسره جنگمکړو ، څلکه یوپخوانی دشمن چاره مونږته باید ورسره وجنگمکړو .

"مونږ په عملیا توکی دوتلویولاپریردو" "مونږ په وسا یلوبا ندی لودسپیکرونه نصب کړی دی څنگه چه حمله شروع کیږی مونږ غیرمصلح اوبی گناه خلکو ته دوتلو لار په لودسپیکر باندی اعلان وه ترڅودامن منطقی ته ووزی ، اوله خطرو بچ شی .

اومونږشی دمرمیوپه باران کی دتنه محفوظ ځای ته رهنما شی کووپدی ډول د اطفالو شخواسپریو ډولی دجنگ له محنی نه وباسو . مگر قوماندان غیور دلن کلسی پورته ټولو هلکا نوته اوما ت سلاح په لاس ورکوی او ورته وائی چه تر مرگ به جنگ کیږی اودی کار ته شی په زور مجبورول . خو ددی سره ځوانان په مونږ باندی اعتبار کوی اونه پدی خطرناک ویراچوونکودلو باندی ، خو په هغه عملیا توکی ددووشپو سخت مقاومت نه وروسته بعضی ددی ځوانانو خپله وسله په ځمکه کیښودله .

زه په یوه ملیا رکی ووم چه دهغه ځای نه هر څه نه ټکا ریده خوسرک نه نږدی ووم چیرته چه دمخا بیری دستگا ده عسکروپواسطه ساتل کیده اوزمونږ په شا اوخوا کی دنیو دپیر

گڼ جبهه زاووه چه نوی راشنی شوی وی دری افغانی عسکرو کوشاکا وه چه دی نیوته اورورواچوی چه دترسد دپار ه سا حه خلاصه شی ترڅومجا هدين ونشی کولای دشپی په تیاره کی نابیره زمونږ په فوځی مرکز حمله وکړی .

دخلکوسره دمستقیم ارتباط مسئولیت دا ښیته قواوه (خاد) مشر جگړن سید اسماعیل په غاړه وه چه جگړی وه غلته بریتونه اوستری غوندی مړاوی سترگی شی درلودی .

"مونږ دخلکوا سنا دپه دیر دقت سره کورواوهمدارنگه دسلاح په خاطر شی هم تلاشی کوو چه که چیری ورسره وی" جگړن سیدوویل: مگردا دپیر مشکل اوبیچپیده کاردی، دما موخلکو په جامه کی دما مور غیور نفر دمحنی څخه دباندی وزی "

یوسل متره زمونږته لری یودرجن میږی سرک ته را وختی وپه شی مخکی ته رسیدلی ۹ نفر شپا نه ورسره روان وه حتی ددومره کمی رمی دپاره دومره شپا نه دپیر زیات وه ، زه او جگړن سید دهغو طرف ته ورغلو چه ورسره ملاقات وکړو .

مونږ بدون سلاح ورغلو ځکه شپا نه بی سلاح وه دلری نه په تبسم کی په خپله ژبه یوځه وویل اولاسونه شی دسلام په ډول راته وپورول ، چه زه ور نږدی شوم ماددوی په شپا باندی دلین اوبوکیپتان نشان ولیده چه په هغه لیکلی وه " دشوروی اتحاد دکمونیسټ گوند ۲۷ کانگرس"

سید بدون دځنونه ددوی داسنا دوپه کتلو شروع وکړه اوهم هغه څو نفر عسکر چه دنیوپه ما تلولو بوخت وه ورغړکړل چه مونږته راشی اوداخلک وگوری ، عسکرو دپیر ژر شپا نه یوله بله سره لیری کړه ، میږی دپیر ارامی وی ، سیدو میږه ونیوله اوپه هغه شی لاندی اوباندی لاس وواهه ، ماددی په خاطر چه ټوکه می کړی وه ورته وه می ویل "چه څنگه ددی اسنادهم گوری" .

جگړن هیڅ جواب رانکړ اوپه عوض شی چاقورا ویست او یوه غټه رسی چه میږی په ملاکی تروپیدولاندی مخ ته اوشا ته تړلی شوی وه په هغه شی پری کړه ما په اول کی دغه رسی دمپړی دزیات وپړیوپه وجه نه وه لنډلی . درسی دپریکولو وروسته بالکل نوی توپک می ولیده چه جگړن د

میری دسینی لاندی نه راویست .

له دی تنگی نه شپږ کیلومتره دجگ توین زخا روف پوسته وه او ما غوښتل چه هغه مخکی له لمر لویدونه وگورم ، په بغلان کی زخا روف دنا مه سره هر څوک بلددی او په ټولو محلی کلیو کی خلکو پیژانده .

دده پوسته پداسی ځای کی واقع وه چه دهغه ځای نه به دمجا هدی نور زیات کاروانو نه تیریدل پدی ځای کی پوسته اچول پوهه روسی کپتان زخا روف وکولای شوی چه دکما نورو او ما مور غبور لنډه او سانه لاری پده باندی قطعه کړی په کوم چه به ده ته اسلحه ، مهمات ، غذائی مواد او پیش له پاکستانه ورته راتلی .

یوکار له مخکی قوماندان غبور د زخا روف سره دشخصی دشمنی اعلان وکړ او داسی اعلان کړی وه چه که د زخا روف سرچا ده ته راوړی ورته پیږی پیسی به ورکړی مگر محلی خلک دی دا وطلبی ته هیڅ نه حاضریدل چه د زخا روف سر باندی سودا وکړی قوماندان غبور پدی باندی خلک دوکه نشوای کړلای .

تیره میاشت یو پوځ سری چه د غریب یو بزرگو څخه وه پوستی ته راغی ، او ویی ویل چه کباب د مجا هدی یو غوښت کاروان راوان دی او ددی پوستی په پنجه کیلو متری کی تیر پیږی که چیری جناب زخا روف پدی کاروان باندی قبضه ولگوی او په هغو باندی ناگاهانسی حمله وکړی او داکاروان له منځه یوسی .

"ما پیر زردا خبره دنورو منا بگو څخه وپوښته " زخا روف ویل په هرحال زه دا ولس په مابین کی ډیر ملگری لرم کوم چه په خپلو همکوبان دی کارکی زه له دوی سره ډیره نه گذاره کوم . زه دوی ته دوکه نه ورکوم ، زه ددوی سره یوځای دوی خورم ، زه دوی ته تیل ورکوم ، که چیری دوی دجان امنیت زما کمک ته ضرورت پیدا کړی زه شی ورسره کوم ترغودوی وکولای شی په صلحه او آزامی کی خپل زراعتی کارونه وکړی . پدی ترتیب زه اکثر " ددوی څخه مشوره اخلم کله چه زما ضرورت وی ."

موه ثقوما بغور زخا روف ته وویل چه دا معلومات دکاروان درواغ دی . صرف قوماندان غبور غواړی چه کپتان زخا روف خپل نفر دناگاهانسی حملی دپاره بل ځای ته ولیږی او بیا ددی وخت نه په گټه اخيستودی (غیور) په پوستی باندی په

داسی حالت کی حمله وکړی چه هلته پوره قوت موجود نه وی او په شمول دقومانندان ټول خلک یرغمال دجان سره یوځی "ما فکر وکاوه چه دا بیگا نه خوش باوره شا یدخه لرگواو اوپوته ضرورت ولری"

زخا روف ویل: "په ما بیا مکی خپل تولی دعملیا توپه خاطر دجان سره بوت کله چه بالکل تیاره شوه خپل تولی می په چه چیتیا باندی بیرته راوست په هغه شپه د څلور ځوانه تقریبا ۶۰۰ نه زیا تودشمنانو (مجا هدین) په پوسته حمله وکړه اوپه رښتیا چه مونږ به مقابلو ورسره وکړه"

ماددی جرئت نه درلوده چه د زخا روف نوډ کیسه واوړم ، یو عسکر په منډا راغی او بل را پورشی راوړ "په پیپ باندی بیا حمله شوی" کپتان په ډیره غصه او اوږدا سویلی سره په محلی ژبه باندی یوڅه وویل او سمدستی ځای په حرکت شروع وکړه . دلاری په دوران کی شی ما ته په لنډ ډول ویل چه دده

یوبل ټولی نن یا پپلین باندی امنیت نیولی دی کوم چه دشوری اتحاد څخه افغانستان راغلی . دپا پپ سوری کیدل او منفجر کول دومره خبره نه ده هغه دپاره دومره کار ضروری چه ژرشی بندکړه وېس بعضی وخت دشمن (مجا هدین) کوچنیان هلکان پیدا کوی او هغو ته سل افغانی د هر سوری په مقابل کی ورکوی .

ولیکن اکثر " دوی پیپ په غوځا یوکی سوری کوی او بیا هغه ته اور وراچوی او د هغه ځای په شا اوخوا کی مینونه ښخوی . " دوی زما توجه دی اور ته رااړوی او ددی وخت نه په گټه اخستلو دشمن (مجا -

هدین) کاروان خپل جان قومانندان غبور ته رسوی " کپتان کوشش کاوه چه خپلنه قصه خلاصه کړی "اوس داسی گمان کیږی چه دا چال بیا روان دی . در څه چه خپلی خبری سهار ته پریږدو " سهار وختی دجنوبی بغلان دمحاصری لپاره ۲۰ فرقی دنور همکارو قطعاً توپه همکاری وکولای شوی چه دمجا هدی مرکز باندی قابوشی .

جگړن سیداسما عیل دخا ددقوای مشر اودده ملگرو دټولو وژل شویو ، زخسی او ژوندی نیول شویو خلکو مخونه وکتل ، خو دقومانندان غیور مخ پکی پیدا نشو ، پدی وخت کی زه پشوم دقومانندان ژوندی نیول اصلی هدف ددی حملی وه .

" زما دمعلوما توپراسا " دگر من عبدالله فقیر زاده د بغلان امنیتي قوای علی قومندان وویل چه قومانندان غیور دعملیا توپه اخیرکی دصحنی نه وتلی دی اوزه په دی اقرار کوم چه دی زمونږ د پوستودما بین څخه د ډیر زیاتو پیسو په شوت وړکولوباندی تیر شویدی .

اودا دماکان نه لری نده ، په هرحال ډیر زیات شمیر ددی پوستو محلی اوسیدونکی دی بنا " دوی په ډیره اسانیا باندی دخپل نظر نه اوښتی شی ."

زه ویلای شم چه دجمهوری فوځ نه به غیر نور هیڅ پدی نه پوهیږی چه دوی جنگ دخه پاره کوی ، تر هغه ځایه پوری چه په پیسو پوری مربوطه ده دوی ټول پیسی نلری ، دملیشیا د عسکر معاش د اشار (مجا هد) دمعاش دی دواړه طرفه خپله اسلحه خرڅوی ، یو ټوپا نچه په بازارکی په ۸۰۰۰ افغانی باندی خرڅیږی پداسی حال کی چه یو کیلو غوښه په ۲۵۰ افغانی

باندی ده . زه د یوه جنگی بندی چه ملاوه دهغه د تحقیقا تودپاره دامام صاحب اولسوالی چه په کندز ولایت کی ده دعوت شوم . دده وظیفه قضا وه اوده به ددی کار په مقابل کی ډیری پیسی اخستلی ، " ده به چه خپل نرم لاسونه ښکاره کړه " فقیر زاده وویل " دنمونې په ډول داسی معلومیده چه ده په خپل عمر اسلحه په خپل لاس کی نده نیولی اونه شی څوک وژلی دی ، دده په لاسو باورمکوه : دده لاسونه په وینو سره دی "

شین ږیری ټیټ قدسی خپل ارت - لستونی ترمټ پوری پورته کړه حقیقتا دده لاسونه داسی معلومیده لکه ۱۷ کلنه انجلی چه دوړکتوب نه دلمر او سختو کارو څخه ساتل شوی وی ملا په ډیر کینه او حادثات دانقلاب دهغه دونه سره درلوده .

دکشف امریت دمعلوما توپر بناء دا هغه ملاوه چه ددی فتوائی ورکړی وی چه - مجا هدین دی روسی په خاوره کی دننه په پیندزه باندی حمله وکړی دامثله په امام صاحب کی هرجا ته معلومه وه او دده دی نه انکا نشوای کولای .

ملا دگر من فقیر زاده بواسطه توقیف خانی طرف ته بوت اودروا زه شی په ډیر زور ورپسی را بنده کړه او په خپه غوندو تبسم باندی هغه ته وروکتل .

دروسانو د پوځي برغل د نهمي کاليزي د غندنې تاريخي غونډۍ ته دورور حکمتيار وينا

او ټاکنو په ذريعه او د مسلسل او وحشيانه مباردونو په ترڅ کې وران شول. د افغانستان په يوه داسې وران ملک بدل شوی چې لويشت لويشت خاوره شي د مظلومو شهدادو په وينو سره ده. خو الله الحمد زمونږ زړه ورواؤ مؤمن ملت، په اور او وينو کې - د بمونو تر باران لاندې درسي نوځونو په خلاف په خپلو سورچلو کې - صبر وکړي سترومات او مايوس نشو - دخپلو شاتلمو ځامنو سرگ ژوبلي ته تيار شو خو د پرديو د غلامۍ پيغورنۍ رڼه منلو - خپلې مورچلې دشمن ته تخليه نکړي. د دې طرلائي نابرابر جنگ په (۹) کاله کې د تېرو لېوالتيو سره سره روسان ونشو توانيدل چې زمونږ د ملک په سلو کې لس خاوره باندې مسلط شي - د افغانستان

الحمد لله وکفي و سلام على عبادہ
الذين اصطفى وبعد
فاعوذ بالله من الشيطان الرجيم
وقد مکروا مکروهم وعند الله
مکرمهم وان کان مکرم لتزول
منه الجبال. صدق الله العظيم
وما دایمان او عقيدې وروڼو -
مجاهدينو - مهاجرينو او
انصارو - السلام عليكم ورحمت
الله وبرکاته

دادې نن زمونږ په ملک کې
د جگړې لس کاله او اته مياشتې
پوره کيږي، چې پدې موده کې
زمونږ باايمانته ملت پوره
(۹) کاله دروسانو له وحشي
نوځونو سره په مخامخ جگړې
کې پاتې شوی (۱۲) لکه شهيدان
نې ورکړل (۵۰) لکه پس له هغه
له خپل ملک نه پرديو ملکونو
ته په هجرت مجبور شول، هم
کلی او کورونه نې د توپونو

تاريخ را نيمېداست که شيرفرزندان اين
مرزويوم بړايش خوب موته، بلي چنان
به او موختنکه چا نه آبا دست چشم
آزمنتش را به ا ميدتخير کشورهاي
ميسا په کچ نکند، او گرکند منتظر چنان
کورشدن با شکه تا ا بدالابا دکوربا شد.
بلي! هموطن مجاهدم کشور و بړان
وشهيدان کلگون کفنت را فرا موش مکس
که آنها هر لحظه به توالتماس ميکنند که
ما را فرا موش نکند، راه ما را فرا موش
نکند! که همين است را ه سربلند زينت
وراه مردانگی و آزادي و راه آزادی و
وارستگی ملتها !!!

بس بيا که فردا را بنا مودت وهم
بستگی مدد خدا سلامي آغا زکشم، تا ا ز
بکطرف همه زخمهای هم ميشنان و هزار -
ملیون مسلمانان چا نه را انتها بخشيم
واظرف ديگر به ا ميدفراهای روشن
کشور همه بسوی حکومت اسلامی گام ببرد ايم
ودراوجای آزادی شعار سدهي
الله اکبر! الله اکبر، الله اکبر
همين شعار، شعار شاخت و آزادی و نجات
دارين ما است. همه به سوی او چنان آزادی !!!
سرفرازی، هم وطن مجاهدم که ديگر
سپاه ظلمت در سزمين شونخوا هذبوسير
فراز زی! سرفرازی باشی!

د درشنې ۱۳۶۷/۱۰/۶
نېټه - حيات آباد - پېښور
په افغانستان باندې دروسانو
د بړښ دکاليزي د غندنې د غونډو
و په لړکې يوه مټه ستره او
لويه جلسه وه چې دسل زرو په
شاوخواکې مجاهدينو او انصارو
په هغه کې گډون کړی ؤ. په
دغې درنې غونډه کې د حزب
اسلامي افغانستان امير مجاهد
ورور حکمتيار يوه عالمانه او له
محتوا څخه ډک وينا واوروله چې
دادې مونږ دهکاد وړځپانې
درنولو ستونگو دلازياتي خبرتيا
له پاره ئې خپروو .
ورور حکمتيار خپله وينا داسې
پيل کړه :

خصومت با مسلمین از طبیعت کفرجهانی است تضاد با اسلام و

نویسنده: امامی

تضاد با اسلام و خصومت با مسلمین طبیعت کفر
خصلت استکبارجهانی است:

کفرجهانی نیکومی داند که با پدید آمدن و تحقق نظام
اصیل و خالص اسلامی که طبیعتاً با منافع و مصالح استکبار
شرق و غرب در تضاد بوده و موجب واژگونی قدرت و سیطره
استعمار و استعماربین المللی، و یا به تعبیر دیگر مایه
برچیده شدن بساط امپریالیستی کمونیزم شرق و کاپیتالیست
غرب از سردولتهای ضعیف و عقب مانده، ملل محکوم و اسیر
جهان سوم، و کشورهای روبه انکشاف و بویژه دولت های
اسلامی گردیده، بآنان حریت و استقلال آزادی و وقار،
حیثیت و شرافت، نیرو و قدرت بخشیده، و حس اعتنا دینفس
و اتکاء بخود را در آنها دوضمیرا تابع آنها زنده ساخته، احساس
غرور، انگیزه عزت و خصلت استغنی و بی نیازی را در قلوب
آنان رشد و پرورش داده، بفکرو اندیشه دل و دماغ افراد
کشورهایی که در بنیاد استعماربین المللی بطور مرئی و
نامرئی، و بشکل مستقیم و یا غیر مستقیم اسیر بوده، و علت
محرومیت و عقب مانده گی، فقر و ناتوانی، ذلت و حقارت
آنها را، مکیده شد خون ایشان بوسیله ابر قدرت ها
تشکیل میدهد، تصورهای از یوغ استبداد و استعمار را بر
انگیخته و آنها را بقیام عمومی و همه گانی بر علیه طاغوت
جهانی وامی دارد، تا از بغارت برده شدن همه ذخایر معدنی
منابع طبیعی و سرمایه های ملی خویش که بوسیله عمال
روی کار آورده شده و زرخید، مداحان اجیر و خوش خدمت،
نوکران خود فروخته و بی اختیار، غلامان بی ماهیت و بی
اراده، عروسکهای بی حیثیت و شرف باخته و چاکران دون
همت و بی قربان گوی که بمقابل با داران خارجی شرقی
و غربی خویش از هیچگونه اراده و اختیار، قدرت و صلاحیت
استقلال و آزادی برخوردار نمی باشند، از کف آن ها ربوده
شده و بجیب دلالان جهانی ریخته میشود، جلوگیری بعمل
آورند، و کشور خود را نجات بخشیده و مقررات خود را خود تعیین
کرده و سرنوشت خویش را خود دست خود گیرند، تا باشد که خود

مالک ما یملک خود گردیده حیثیت و کرامت، وقار و آبرو
استقلال و خود را دیت خود را با ردیگر با زیابند،
زیرا با بقدرت رسیدن نظام اصیل و خالص اسلامی در هر گوشه
دنیا و هر کجای آن، با تضاد و آشتی ناپذیری عمیق و بنیادی
که با کفر و استکبارجهانی دارد، باعث نابودی و برهم
ریخته شدن بساط تسلط و قدرت استعمار و استبداد از آن
سرزمین گردیده، و موجب امحای کامل نظامهای الحادی و
التقاطی که چون معجون مرکب از فکرو اندیشه الهی و مادی
قوانین کمونیستی، کاپیتالیستی و اسلامی، غرض با سارت
کشیدن ملت های اسلامی ساخته شده و بخورد آنان داده شده
است، می گردد.

چهار اسلام با خصوصیت و خصلت الهی که دارد از ریشه و اساس
و از فرع تا اصل، بنا بر ویژگی دینی و الهی اش سخت با
چنین نظام ها و عقاید، افکار و اندیشه های مادی، الحادی
و التقاطی در تضاد و تناقض بوده، و مخالفت اصولی و اساسی
و بنیادی و ریشه دار آشتی ناپذیر و ناقابل تلفیق داشته به
هیچ وجه نمی تواند سازگاری کند.

بنیاد برین با اقامه نظام اصیل اسلامی خواهی نخواهی
بنای چنان نظام های الحادی و التقاطی وابسته بکفر
و استکبارجهانی و امپریالیسم سرخ و سیاه شرق و غرب بطور
طبیعی و جبری واژگون گردیده و بساط شروفا و آنها یکسر
برچیده میشود، چه اجتماع ضدین و یکجانشی تقیضین در نقطه
واحد و در یک کشور و جامعه از محالات عقلی و نقلی پنداشت
شده امرنا ممکن و مستحیل الوجود می باشد، و نمی تواند
دیانتاً بآن معتقد و عقلاً بآن قایل شد، لذا در جامعه
کشور اسلامی، مسلمین بنا بر تکلیف شرعی و دینی و وجیهه
ایمانی و مسئولیت اسلامی که از طرف خدا وند دارند، هرگز
مجازیه قبول و پذیرش و اقامه نظام غیر از نظام خالص و
اسلامی نبوده و به روحیه دین و ایمان ایشان سازگار نیست
که به اقامه و تحقق، تاءسیس و تحکیم نظام و سیستم الحاد و
و یا التقاطی دیگر که برخی اصول آن را از اسلام و قسمتی از

که درین صورت مسلمان راستین وموء من حقیقی پنداشته نشده، ایمان و مسلمانی آن زیر سوال میرود.

بناءً "پابندی به تمام احکام اسلام و کتاب وحی خداوندی یعنی قرآن کریم از اساسات دین مقدس اسلام به شما آمده و هر فرد موء من و مسلمان عقیدتاً و دیناً بآن مکلف بوده و رسالت اسلامی، و وجوبه ایمانی آن بحساب می آید.

ازینرو قبول نظام اسلامی و رد نظام غیر اسلامی امر اختیاری مسلمان نبوده بلکه وجوبه شرعی، دینی، ایمانی و اسلامی اوست، که جبراً بعد از قبول اسلام بحیث دین و عقیده و ایمان، الوهیت و خداوندی ذات اوتعالی و رسالت پیامبرگرامیش مکلف و ملزم بآن بوده و ضرورت دینی آن شمرده شده که رضایت و اختیار آن در آن اندک ترین دخالت و تاءثیر نداشته، و در صورت که بخواد مسلمان باقی بماند ناگزیر و مجبور است که خواهی نخواهی، طوعاً و کرهاً بآن منقاد بوده و عمل نماید، و بآن پابندی داشته باشد.

چنانکه بزرگان دین گفته اند: گرهی خواهی مسلمان زیستن - نیست ممکن جز بقرآن زیستن.

بناءً اسلام بدون قرآن امر غیر ممکن و شتعلیل بوده و مسلمان بدون عمل به قرآن و همه احکام او که می فرماید: یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه "ای مومنان سرتاپا و یکسره به اسلام داخل شوید" من یبتغ غیرا لاسلام دیناً "فلن یقبل منه" هر که جز اسلام دین دیگری طلب کند از وی پذیرفته نمیگردد مسلمان مانده نمی تواند.

و باین جهت است که اقامه نظام اسلامی فریضه دینی اسلامی و عقیده مسلمانان محسوب گردیده و مسلمین ناگزیر اند که به تحقق آن همت بگمارند، بلکه حیات و زندگی خود را مکلفانند درین راه وقف نمایند، و با تمام توان و قدرت، اخلاص و ایثار درین راه گام برداشته و به محو و نابودی کامل همه انواع نظام های طاغوتی و غیر الهی مبادرت ورزیده و تمام موانع برقراری نظام اصیل و خالص اسلامی را از سر راه برداشته و دور بنمایند.

و در صورت تخطی و انحراف ازین امر، و انصراف ازین وظیفه و رسالت مسلمان راستین شمرده شده و شاهید پیروزی و سعادت در دنیا و آخرت با غوش نخواهند کشید، و مستوجب سخت قهر و خشم خداوند در عقبی، و ذلت، حقارت فقر، مصیبت و رسوائی و ناکامی در دنیا خواهند شد.

چنانچه ذلت، خواری، اسارت، محکومیت، فقر، تنگدستی، مصایب، مشکلات، جهل، قحطی، مرض، ضعف، ناتوانی، عقب مانده گی و همه مشکلات ما مسلمانان امروزی زاده همین اصل بوده و ازین امر نشئت نموده است.

که نجات و رهای یافتن از آنها جز از انقیاد کامل با سلام و اطاعت از همه ارشادات الهی و داخل شدن سرتا قدم با سلام

قوانین را از غرب و کاپتالیسم، و عده مقررات و ضوابط را از شرق و کمونیسم گرفته، و همه را یکجا ساخته و از مجموع آن یک رژیم التقاطی بوجود آورده و با مخلوط کردن اشیاء غیر متجانس اصول متضاد الهی و مادی، اسلامی و غیر اسلامی از مجموع آن، نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و اخلاقی ساخته شده و بیک جامعه اسلامی من حیث نظام حیات و زندگی تعمیل و تطبیق گردد، تن در داده و بآن قانع و راضی گردند، که در صورت چنین امری بشناخت معرفت و برداشت ایشان از اسلام من حیث یک دین و نظام زندگی به شک و تردید نگریسته شده ایمان و عقیده ایشان بر هر سوال میرود، و به پیشگاه خداوند شدیداً مقصور و مسئول خواهند بود، و مورد عقاب و مواخذة قرار خواهند گرفت.

بخاطر آنکه قبول حاکمیت غیر حاکمیت خدا، و پذیرش قانون غیر قانون او، اطاعت و فرمان بری جز از فرمان دستور او و اوتعالی در شئون زندگی فردی و اجتماعی بمشابه ایمان به بعضی از کتاب اولی (قرآن کریم) به حساب می آید که خداوند شدیداً از آن مسلمین را منع نموده و بر حذر داشته است چنانچه می فرماید: "اتوء منون - بعضی از کتاب و تکفرون ببعض ط" آیا به بعضی کتاب ایمان می آورید و به برخی دیگر آن کفر ورزیده و از آن اباء نموده چشم پوشی کرده و اجتناب می ورزید؟

که همین عمل کردن به بعضی از احکام خداوندی و ترک برخی دیگر کامل رسوائی و ذلت، حقارت و اسارت، ضعف و ناتوانی، فقر و محرومیت، ادباً و روئیت، عقب ماندگی و مصیبت در دنیا و عقاب شدید و عذاب الیم و دردناک خداوند در آخرت نامیده شده و خداوند در اخیر همین آیه شریفه آن را بیان و ارشاد داشته است.

و نیز حاکمان و متولیان امور مسلمین را که بحکم خدا فرمان نراند و به آنچه که خداوند برای مسلمانان نازل فرموده که همانا قرآن کریم کتاب آخرین ذات احدیث بر مومنین و قانون اساسی مسلمین و دستور العمل الهی و اسلامی است حکم نه نمایند خداوند فاسق، ظالم و حتی کافر یا دهنموده و می فرماید: "ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الفاسقون ط" هم الظالمون ط هم الکافرون ط"

کسانیکه بآنچه خداوند نازل کرده است حکم نه نمایند پس ایشان فاسقانند، پس آنها ظالمانند، پس آنان کافرانند.

روی همین اصل است که مسلمان چه آمر باشد و یا مأمور حاکم باشد یا محکوم، خادم باشد یا مخدوم مکلف است بر تمام او امر و احکام اسلامی مومن و پابند بوده بآن عمل نماید نه آنکه برخی را قبول کرده و پیروی آن کنند و به بعضی دیگر از حیث ایمان و عقیده و یا قول و عمل و یا از ناحیه گفتار و کردار انکار نموده، اباء ورزیده و عمل نه نماید. و یا مطابق بآن حکم نکرده و فرمان نبرند.

گوش بفرمان و خوشخدمت ایشان که از طرف ابرقدرت‌های غارتگر شرق و غرب جهت حفظ مصالح شیطان و منافع منحط مادی آنها منحیث گردانندگان چرخ‌های چنان نظام‌های اجتماعی و سیاسی رویکار آورده میشوند نام مسلمان حقیقی و راستین نهاد.

چه اسلام حقیقی و مسلمان واقعی نه تنها از درازش با کفرجهانی و استکبارپیش میآمد و بآن وابسته، مزدور و گوش بفرمان نیست، بلکه نظام اصیل اسلامی کاملاً مابین با همه اساسات و اصول نظام‌های التقاطی و وابسته بوده، و مسلمین بحکمایمان و بمقتضای عقیده خویش مکلف اند که، کلاً مخالف با همه دستگاه‌های طاغوتی استکبار جهانی عمل کرده، آزاد و مستقل از همه قدرت‌های الحادی استعمار و چرخانندگان رژیم‌های کاپیتالیستی و کمونیستی باشند.

و مسلمین هرگز مجاز به مساومت و مواضع در برابر قدرت‌های طاغوتی نبوده، و نمی‌توانند از در تفاهم، سازش، دوستی و همکاری که منجر بذلت و اسارت، محرومیت و حقارت مسلمین، کاهش قدرت و عظمت اسلام و مانع تحقق اهداف و اصول عالیه آن شود، با آنان پیش آمدن نمایند.

چنانچه خداوند در مورد اوصاف و خصوصیات مسلمانان در آیات شریفه ذیل سلسله نکات آتی را ارشاد می‌فرماید.

۱- اشداء علی الکفار رحماء بینهم.

بر کفار آنهایت شدید و سخت و غلیظ بوده و در برابر آنان از غلظت، شدت و سخت‌گیری کار گرفته، نیرومند، قوی و مسلط می‌باشند و در مقابل یکدیگر آنهایت با رحم و مهربان‌اند.

۲- اذلة علی المومنین واعزة علی الکافرين.

در برابر مومنین آنهایت فروتن، عاجز و حلیم و بردبار و در برابر کفار سخت‌گیر، غالب قوی، نیرومند و مسلط می‌باشند.

۳- العزة لله ولرسوله وللمومنین.

عزت، غلبه، نیرومندی و قوت خاصه خداوند و پیامبر او و مومنین است. و همان طوریکه هیچ نیرو و قوت خداوند را عاجز نمی‌تواند و پیامبر او در برابر هیچ زورگو و قلندر و هیچ زردار و شر و تمند تسلیم نشده و بکنش مباردت نورزیده است و همان طوریکه هیچ پیامبر از پیامبران (ع ص) در برابر هیچ قوت و قدرت عقب نشینی اختیار نکرده، و از آن نه‌هرا سیده است و علیه آن بمقابله پرداخته‌اند، بایستد مومنین نیز از قدرت و شکوه هیچ نیروی باطل نه‌هرا سیده و در برابر هیچ مستکبر و ظالم، و صاحب زور و زوربایدا ز در تسلیم و سازش پیش آمدن نکرده و در راه خدای خویش گام برداشت و بخط انبیا (ع) و رسول بزرگوار خویش حرکت بنمایند، و آنگاه است اطاعت و پیروی خداوند و رسول مقبولش را خواهند کرد، و در غیر آن مطیع خدا و پیرو حقیقی پیامبر او نخواهند گردید، و دیده میشود که آیات شریفه فوق از دوستی، مسامحه سازش، پیش آمدن مدعیفانه، عاجزانه، ذلت‌آورو اسارت‌گونه

و تطبیق فرامین آن درهمه شئون زندگی و عیارساختن تمام شعب حیات بر موازین اسلامی و قبول و تعمیل همه احکام دین در ساحت عملی و عقیده ممکن و میسر نخواهد گردید، زیرا عاده شوکت و شان گذشته امت اسلامی، و احیاء شکوه و عظمت گذشته اسلام منوط و مربوط و وابسته به قبول و انقیاد کامل مسلمین با اسلام است و بس.

که این امر عظیم تنها و تنها جز از مسلمین راستین و اصیل که عشق با اسلام داشته و حیات و زندگی خود را وقف تحقق دستاویزهای بخش اسلام و اقامه نظام جهان ساز الهی در سراسر جهان و بخصوص جهان و عالم اسلام نموده‌اند، متصور نمی‌باشند.

که طبیعتاً کفرجهانی و استکبار شرق و غرب بنا بر خصومت و دشمنی که با مسلمانان نظریه تضاد، مخالف و تناقض که کفر با اسلام و حق با باطل داشته و دارد، علیه آنها و اقامه نظام عدل الهی و اسلامی به‌عناد و دشمنی پرداخته و جهت جلوگیری از تحقق نظام اصیل و خالص اسلامی و بر روی کار آمدن رژیم غیر وابسته و بقدرت رسیدن مسلمین راستین و حقیقی که ممثل واقعی اصول و ضوابط اسلامی در جوامع اسلامی گردند با تمام قوی داخل اقدام گردیده و همیشه سعی و تلاش ورزیده است تا با برویکار آوردن افراد مزدور و وابسته خویش که حاضرند، درقبال خوشی خاطر آنها نه تنها، ثروت، سرمایه و دارایی کشورهای اسلامی را تحت قماش و زیرما سک و نقاب مسلمان سخاوتمندان به جیب با داران استعمارگر خویش سرازیر نمایند، بلکه حاضرند بخاطر بایماندن باریکه قدرت حتی استقلال آزادی کشور و عزت و شرف هموطنان خود را به پای آنان قربانی نموده و خون ملیون‌ها هموطن خود را بر زمین ریخته و صدها هزار خانواده را بسوگ و غم عزیزان و جگرگوشه‌های ایشان بماندم کشانیده و سرتاسر کشور را در زیر پرده جلادان خونخوار با بن طاغوتی خویشش بویرانه مبدل ساخته و بخاکستر تعویض و بخاک دان برانمایند، تا باشد که از قیام‌های آزادخواهانه و اسلامی جلوگیری نموده و نظام الحادی و التقاطی را تحت عنوان اسلامی بخورد ملت‌های مسلمان داده و بر مقدرات ایشان حاکم سازند، چنانکه مادر اکثر کشورهای مسلمان و بویژه در افغانستان فعلاً "بچشم سر ملاحظه کرده و شاهد آن بوده هستیم. و مشاهده می‌نمائیم که امپریالیسم سرخ و سیاه، کفرو طاغوت جهانی، استکبار شرق و غرب برای بقاء سلطه استعماری خویش و جلوگیری از تحقق و استحکام نظام اصیل اسلامی حاضر است بجهنمیات، وحشت و بربریت‌های اقدام نموده است.

بنابراین نمی‌توان چنین رژیم‌های وابسته بکفرجهانی و استکبار شرق و غرب را ولو که بهر رنگ و تحت هر قماش که برویکار آورده شوند، نظام اسلامی نامید، و به مزدوران

کنا ر شده و تنها و دور گردندا ز فرط غضب بر شما انگشتان خود را خشم
کینا نه بگزند و بدندا ن گیرند .

۲- " یا ایها الذین آمنوا لاتخذوا بیطانة من دونکم لا
یا لو نکم خبالا " ، و دوا ما عنکم قد بدت البغضاء من افواههم
و ما تخفی صدورهم اکبرط قد بینا لکم الایات ان کنتم
تعقلون ط ها انتم اوله تحبونهم و لایحبونکم ط "

ای مؤمنان کفار را دوست پنهانی نگیرید که از فتنه -
انگیزی در حوض شما تقصیر نمی نمایند و روح و مصیبت شما را
دوست دارند چنانکه دشمنی از دهان ایشان ظاهر گردید
بر شما ، و آنچه " دشمنی " که در دلهای شان است بسیار
بزرگ از آن است که بر دهن اظهار می نمایند .

حقیقتا " ما آیات خود را برای شما بیان نمودیم اگر دانا
هستید ، آگاه شوید .

۳- ان تمسکم حسنة تسوء هم وان تصبکم سيئة يفرحوا بها ط
اگر بر شما خوبی رسد سخت ایشان را غمگین و اندوهناک ساخته
و اگر بر شما ضرر رسد نهایت موجب خورسندی ایشان می گردد .
۴- " یا ایها الذین آمنوا ان تطيعوا الذین کفروا یردکم
علی اعقابکم فتقلبوا اخرین ط " ای مؤمنان اگر
اطاعت و پیروی کفار را بنمایید شما را بر عقب (پیرو و کفر خود)

گردانند پس آنزمان متضرر و زیانکاری گردید .
ود الذین کفروا و التغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم
فیمیلون علیکم میله واحده .
آرزو دارند کفار و دوزین صدادانده که کاش شما از اسلحه و متاع
جنگی خود غافل شوید (از خود دور نمایند) پس آنگاه بر
شما یکباره حمله کنند .

و این آیه شریف بهترین مشعل راه مجاهدین مؤمن و
بویژه ملت مومن و شهید پرور ما در مورد حیلها و تیرنگهای
دشمن کا فراست که از آغاهها دغرض تضعیف انقلاب و ضربه
ناگهانی زدن با انقلاب و جهاد ، مکرهای گوناگونی را به
عنوان عفو عمومی ، حفظ منطقه هر کس بوسیله خودش ، و اور
بند و عدم تعرض ، آشتی ملی ، طرح حکومت ائتلافی ، خلع
سلاح عمومی ، امضاء معاهده ژینوا ، دایر شدن کنفرانس
صلح بین المللی ، نظارت قوای ملل متحد و غیره جهت
خاموشی قیام ملت و انصراف ذهن مجاهدین از سنگرها و
امیدوار شدن به صلح کاذبانه و نیل بقدرت ازاده دیگر
تاکنون پیشنها دکرده و توطئه ها و دسائس رنگارنگ را بکار
گرفت و لله الحمد با بیداری مجاهدین دلیر و سگرنشین و
هوشیاری اسلامی و زیرکی سیاسی ملت مومن ما همه یکی پی
دیگر نقش بر آب و خنثی و بی اثر گردید .

و ملت مجاهد ما راه پیروزی با دامه جهاد را جستجو کرد ، تا
آنکه سرانجام دشمنش تنازل های زیادیکی بعد دیگر تر
داده اند و میدهد ، و همان قسمیکه با او بمذاکره نشست و او را
برسمیت شناخت ، حکومت آئینده او در افغانستان را که

دربار کفار رموء منین را بر حذر داشته و بر عکس ایشان را
بشدت و غلظت ، غلبه و عزت در قبال ملحدین ، مشرکین و
کفار امر نموده و دستور میدهد .

بنابرین نرمش و ملایمت نشان دادن با کفر و کفار ، و اتخاذ
شیوه دوستانه و اعتماد کردن بآنها علاوه از آنکه ناشانه ضعف
و نقص ایمان مسلمان بوده ، بلکه بضرر اسلام تمام شده ،
و مصالح آنرا صدمه میرساند .

چرا که کفر ضد اسلام ، و کفار دشمن مسلمین بوده ، اتکاء و اعتماد
بر آنها مایه ابلهی و بیخردی ، و وسیله افتادن مسلمین
بدام کفاری گردد ، که این امورات نشان مؤمنین صادق
و مسلمین راستین بدور می باشد و مسلمین را است که از آن
اجتناب و ورزیده و از افتادن بچنین دام تزویر جدا بر حذر
مانده و آباء و ورزند .

چنانچه خداوند می فرماید :
" و د کثیر من اهل الکتاب لو یردو نکم من بعدا یمان نکم
کفار " حسدا " من عندا نفسهم " خیلی شایق اند و در پی آنند
اهل کتاب که بنابر بغض و حسد که در نفس های خویش با شما
دارند بعد از ایمان شما را کافر (پیرو و کفر خویش یعنی روش
کاغرانه خود) بسازند .

و حتی پیاپی بزرگوار را هوشدار داده می فرماید : " و لئن
اتبعتم اهلکم من بعد ما جاءک من العلم - مالک من الله
من ولی و لانصیر " ای پیاپی : اگر بعد ازین که بتو دانش
از طرف خدا و نداده شده است خواهش کفار را پیروی کنی
هیچ خلاصی دهنده از آتش دوزخ و دوست و نصیر و مددگار برای
تو نخواهد بود .

ملاحظه می نمائید که انداختن خدا و نبد خداوند از هه شدید است
که پیاپی مبر (ص) را از آن بر حذر میدارد .

و خواننده محترم رابطه نیرومند پیاپی مبرگرمی اسلام را
با خداوند ، محبت ذات مبارکش را با او تعالی و ایمان قوی
رسول مقبول و پیمان نه نفرت و انزجارش را از کفر حتما " در
نظر دارد ، و موقعیکه با همه این اوصاف خداوند حکیم آن
ذات با برکت را هوشدار دهد مسئله ما تا بکدام حد و اندازه -
خواهد بود ؟ و ما مسلمین را تا بکدام حد لازم است که از کفر
جها نی دوری جست و در برابر استکبار محتاط باشیم ؟ و غرض
روشن شدن عیاض شوم کفار و پیمان نه عنا و دشمنی ایشان
با اسلام و مسلمین و نهی خداوند مسلمین را از دوستی و
اعتماد بر آنها چندان آیه شریفه را بدون آنکه توضیح و تشریح
دا دوبا تذکرات قبلی اکتفاء و ورزیده بعنوان سند و شاهد و
دست آویزی درین جاه ذیلا " یا دآور میشویم تا خود در باره
غلظت و شدت نهی خداوندی درین باب و معیار خصومت کفار
دربار بر مسلمین از کلام خداوندی که شک را در آن راه نیست
در روشنی آیات شریفه تدبیر و تاءمل بنمائید .

۱- " و اذا خلوا عضو علیکم الانامل من الغیظ " و چون از شما

همانا اقامه نظام الهی، اسلامی بدست پرتوان ملت مسلمان ما است نیز خواهد پذیرفت و آنرا تسلیم خواهد کرد و ملت ما تا آن هنگام جورانه و شجاعانه به جهاد خودتلا اعلا کلمه الله در کشور شهیدپرور خویش که سرزمین شهداء است ادامه خواهد داد. و انشاء الله فریب خدعه ها و نیرنگ

های دشمن کافر را هرگز چنانکه بعون و کمک خداوند تاکنون نخورده است بعد ازین نیز نخواهد خورد. در آن مضمزمیداند و نجات خود را مرهون آن شمرده و بدان وابسته است بکمال هوشیاری سیاسی و بیداری اسلامی به پای به اکمال و اتمام خواهد رسانید.

نهای نیکی هرجا می نشانم

بفکر را جت اهل زمینم
خوشم خرسندی هر کس ببینم
نگویم ترک و تاجک یا که افغان
تمامی را خوش و خندان بخوایم
نهای نیکی هرجا می نشانم
به اخلاقم مگیر کینه که محسن
اگر چه کج برفتاری، به آخر
روانم راه خیر و نیک و خوبی
به هیچگاه غیر نیکوئی نخواهم
خلاف طاعت الله کرده هایم
قرار و صبر و آرامی ربوده
پی خوشنودی ذات توانا
خداوند! ز قهرت دور گردان
نمی بینم به جز "ایزد، پناه"
رحیمی، رحم بنما جملگی را
نشسته دوست و دشمن در کمینم
به آن شرطیکه باشد اهل دینم
چنین آموخته دین مبینم
اگر چندی زد دیگر سرزمینم
به نیکوئی ز جمله ما هرینم
نوشته روز اول برجبینم
بگردی دوستم، آید بر یقینم
هواداران راه محسنینم
خدا یا! دایما دارا ییچنینم
نگردد تا به روز آخرینم
خروش و جوش قلب آتشینم
نمایان است عزم آهنینم
به این گفتار خویش از صا ذقینم
خدای اولین و آخرینم
مرا شاداب کن نور یقینم
عبد السلام "ایزد پناه"

بغیرش انحنی کردن نماز است
رکوع و سجده و عذر و نیاز است

نمیدانی خضوع و پیچ و خم را
که بین خالق و مخلوق راز است

بگویند دشمن زور آزما را
که تاکی میکنی زور آزمایی

بسوی قیصر و کسری نظر کن
بین انجام کار خود نمایی

مائوئیسم و انعکاس آن در افغانستان

نویسنده: وزیر شا

بعد از مارکس و گذشتن شرایط رقابت آزاد قرن ۱۹ و آمدن شرایط سرمایه داری، انحصاری و سازشی دیگر فلسفه تاریخ و جامعه شناسی طبقاتی مارکسیستی بدر نمی خورد، چرا که سرمایه داری سازشی و از میان رفتن رقابت میان سرمایه داران و کاهش فاصله طبقاتی و از میان رفتن احساس طبقاتی کارگران و امحاء ریسک انقلابی آن ها، و عدم کارآیی آن در جامعه های سرمایه داری مطرح مجدد آن در کشورهای غیر سرمایه داری، اصلاً "مارکسیسم را به سقوط مواجه نمودند" بر این مارکسیست ها چاره ای ندیدند، جز شکستن دیوار جایدانی مارکسیسم و طرح تجدیدنظر در مارکسیسم.

گرچه تجدیدنظر طلبی برای اولین مرتبه توسط انگلس همکار مارکس و مارکسیست های بعد از انگلس، چون کائونسکی و برنشتاین آلمانی شروع شده بود اما عمده ترین بدعت در مارکسیسم توسط لینن پلید ایجاد شد.

لینن این حکم های مارکس از قبیل تکیه به پرولتر صنعتی پیروزی انقلاب در پیشرفته ترین کشورهای صنعتی و پیروزی

انقلاب در چندین کشور صنعتی در یک زمان را باطل اعلان کرد. او به عوض تکیه به پرولتر صنعتی، بر کارگران و دهقانان تکیه کرد و گفت که اگر بخوایم به عوض پیشرفته ترین کشورهای صنعتی در عقب مانده ترین کشورهای صنعتی هم انقلاب پیروز میشویم یعنی به عوض مبارزه طبقاتی به پرورش سیاسی و رهبری توجه کرد و نیز گفت در شرایط فعلی این حکم مارکس که "انقلاب در چند کشور پیشرفته صنعتی به پیروزی می رسد" باطل است. انقلاب می تواند در یک کشور یا در چندین کشور در یک زمان به پیروزی برسد.

این واضح است که مارکسیسم با در نظر داشت مقتضیات جوامع پیشرفته سرمایه داری اروپا تدوین و تکوین شده بود، در شرایطی که تمام آسیا، آفریقا، اروپای شرقی و امریکای لاتین، در تحت سلطه استعمار قطعه قطعه می شد و مارکس این به اصطلاح معلم قرن ۱۹ اروپا در استعمار شرق و مناطق استضعاف شده غیر سرمایه داری جهان هیچگونه خبری ندارد و این تنها سید جمال الدین افغانی است که در شرق علیه استعمار علم مبارزه را برافراشته بود.

با رسوایی احزاب کمونیستی تیپ مسکوا ز افغانستان میشود گفت که احزاب کمونیستی تیپ پیکنگ نفس براحتی کشیده در آینده زمینه پیشروی برای فعالیت داشته باشند؟ تنفیری که مردم از فلسفه کمونیسم داشته اند، از چه راههای مائوئیست ها نقش شان را تثبیت خواهند؟

این دوسوال را یک برابر بطور کتبی از من نموده بود، از اینکه هر دوسوال در یک موضوع یعنی فهم مائوئیسم بطور کلی و شناخت شیوه های نظری و عملی مائوئیست ها در افغانستان و بویژه در شرایط رسوایی مسکویست ها، ارتباط داشت، بنا بر این پاسخ هر دوسوال را تحت عنوان مائوئیسم و انعکاس آن در افغانستان خواهیم داد.

مائوئیسم چیست؟

مائوئیسم، عبارتست از یک مرحله ای بدعت و انحراف از اصول کلی مارکسیسم و یک نوع ریویزیونیسم و تجدیدنظر طلبی، مطابق افشای شرایط چین است که توسط مائو تسه دون، رهبر اولین حزب کمونیست چین از ۱۹۲۴م تا ۱۹۷۴م بنه بهانه "خلافت و انطباق پذیری مارکسیسم" و "شعرا تحلیل مشخص از اوضاع مشخص" و در حقیقت برای ارضای تکبر شخصی مائو هژمونی طلبی آن در جهان و رقابت ها مسکو و پیروان لینن کشید را راه گردید.

ویژه گی های مائوئیسم نسبت به مارکسیسم و لینن در چیست؟

قبلاً درین زمینه مقدمه ای به عرض می رسانم که مارکسیسم یک نوع بینش طبقاتی و ابزاری و یک نوع فلسفه تاریخی بر پایه اقتصاد و تضاد طبقاتی است که با در نظر داشت شرایط قرن ۱۹ اروپا و بویژه شرایط کشورهای صنعتی، چون آلمان انگلستان و فرانسه و شرایط سرمایه داری لیبرال (رقابت آزاد) و اوج مبارزات و اعتمادات کارگری اروپا توسط مارکس و انگلس تکوین یافت و آن ها می اندیشیدند که کلید فلسفه تاریخ جهان بطور کلی، تضاد طبقاتی است و حالست کلیت و فراگیری به فلسفه تاریخ جامعه شناسی خود دارند و بویژه در مارکسیسم مسئله استعمار کشورهای آسیا و آفریقا و اروپای شرقی و امریکای لاتین گنجانیده نشده و هیچگونه اهمیتی به آن قایل نبودند.

توحیدی، در مارکسیسم، اصل انترناسیونالیسم را به نقاب جدید استعماری بدل ساخته بود، ماژونیزمی خواست به بهانه انترناسیونالیسم ویژه خود و پیدا کردن احزاب ویژه خود در جهان، تئوری‌ها و نظریات بکرومخالف با مارکسیسم را ارائه بدهد.

ماژو: مکتب ویژه خود را نه تنها مطابق اوضاع چین و بلکه با اصولی که مطابق شرایط جهان عقب مانده باشد، عیار ساخت اومی خواست که رهبری کمونیسم را در جهان عقب مانده بدوش بگیرد و جبهه در ظاهر انترناسیونالیسم ضدبسمه اصطلاح ریز یونیسیم (کمونیسم بعد از لینن روس را بدست گذارنا مید) را با تکیه بر احزاب تیپ مخصوص ماژونیستی در جهان عقب مانده، تشکیل بدهد و در حقیقت می خواست با بهانه انترناسیونالیسم ضد ریز یونیسیم، جبهه مستعمراتی و دروسی را بوجود بیاورد.

به این منظور یک سلسله اصول تازه را با تعطیل اصول اساسی مارکسیسم، لیننیسم، در مارکسیسم ایجا دکرد. اصول اساسی جامعه شناسی مارکس، تکیه بر تضاد طبقاتی کارگرو سرمایه دار و تکیه جدی بر جبر تاریخی و تعیین تاریخی (دترمینیسم - هستوریک) و بنیاد جامعه سوسیالیستی بر پایه صنعت پیشرفته و پیروزی انقلاب سوسیالیستی در جامعه های صنعتی پیشرفته در یک زمان و استقرار کمونیسم، بعد از رشد متعالی مناسبات انسانی، همراه با رشد و ترقی - اقتصاد در آن سطح که هرکس فقط از محصولات آن مقدار را بر میدارد که مورد نیازش می باشد و بر طبق رغبت خود هر کس کار می کند.

لینن گرچه همه اصول مارکس را در نظر تائید کرد و در عمل بعضی تکیه بر جبر تاریخی به پرورش سیاسی و رهبری همیت داد و در نظر نیز یک سلسله ابتکارات نمود، از قبیل تکیه به کارگران و دهقانان، پیروزی انقلاب در یک کشور و استقرار کمونیسم در جهان بعد از انهدام کامل امپریالیسم جهانی. ماژو بعضی تکیه به کارگران تکیه به دهقانان، خرده بورژوازی، دهقانان خرده پا، لومنها، عیاشها، هرزه ها نمود و پایه سوسیالیسم و کمونیسم را نه صنعت و بلکه در کشورهای عقب مانده زراعت و انهدام کرد و با بدطبق نظریات استالین کشور های عقب مانده از راه رشد غیر سرمایه داری، یعنی تشکیل حکومت دیکتاتوری، بورژوا، دموکراتیک، در تحت رهبری مارکسیست ها و رشد و ایجا د صنعت پیشرفته، به سوسیالیسم برسند اما ماژو، بر نظرات و به اصطلاح تزه های علمی جامعه شناسی مارکس و مارکسیست ها توجه نکرد، برای ساختن سوسیالیسم بر ذوق خود تلاش نمود و حتی جامعه کمونیستی دلخواهش را بر پایه تشکیل کمون های دهقانی بوجود آورد.

و برای صدور خطوط فکری مکتبش به کشورهای عقب مانده سعی نمود و احزاب زیادی در کشورهای عقب مانده در تحت

وقتی مسئله مبارزه علیه جاپان در چین مستعمره که در رده های نازل تاریخی مارکسیسم از قبیل برده داری، فئودالی، بورژوازی و... قرار دارد، توسط مردم چین مطرح میشود، ماژونسه دون، برای تطبیق مارکسیسم بر اوضاع چین و مبارزه علیه جاپان، خود را ناگزیر می بیند که به بهانه "تحلیل مشخص از اوضاع مشخص" و به بهانه "غنی ساختن گنجینه مارکسیسم" دست به تحریف و ابتدال اصول مارکسیسم بزند.

مسئله دیگری که ماژو را بر آن واداشت، تا بیگانه ترین اصول را در مارکسیسم داخل بسازد آن بود که خود را در موقف هژمونیک و شئونیک و در رقابت استعماری با روسیه در تحت نقاب انترناسیونالیسم، کمونیستی احساس نمود. من در نقد و بررسی هایم بر این نتیجه مسلم رسیده ام جبری و حتمی، اصول مارکسیسم از قبیل کلکتویسم را به جامعه جدید طبقاتی در داخل کشورهای سوسیالیستی و انترناسیونالیسم پرولتری را به وسیله استعماری جدید در جهان بدل کرده است هنگامی که در زیر بنای عدالت خواهی، عقیده یکتا پرستی و پرورش معنوی و عرفانی و در زیر بنای وحدت انسانی، مکتب اعتقادی توحیدی و پرورش مثبت و فعال اسلامی وجود نداشته باشد، عدالت، به ظلم و وحدت به استعما رضعیف ها توسط قوی ها بدل میشود.

بنابر این هنگامی ماژو از نظر عقلی دریافت که اتحاد با روسیه، در تحت نقاب انترناسیونالیسم باعث به مستعمره در آمدن چین و سلب استقلال دولت او میشود، قبل از سال های پیروزی علیه جاپان به مخالفت های علنی و غیر علنی، به بهانه ها پرداخت، هنگامی که در کنگره های بین المللی به اصطلاح احزاب برادر در سال های ۱۹۵۶ حاضر شد، اصول های ساخته خودش را در کنگره ها به احزاب کمونیستی دنیا ارائه نمود ازینکه اصول ساخته او بکلی مغایر با اصول کلی مارکسیسم بود و در حقیقت اصول مارکسیستی جامعه عقب مانده چینی بود، نه اصول وضع شده توسط مارکس لذا بکلی رد شد و ماژو آن به بعد دیگر در کنگره های بین المللی کمونیست ها حاضر نشد و مخالفت خود را علنی با اصول معتقده احزاب کمونیستی اروپا اعلان نمود.

بطور خلاصه گفته میتوانیم که غیر از مسئله استعمار روس توسط چین، سه مسئله دیگر نیز در تکوین ماژونیسم رول عمده داشت.

- ۱- هژمونیک - رهبری خواهی در بلوک کمونیسم و تلاش های ماژو برای اینکه خود را مرجع تقلید ایده نولوژیک، برای کمونیست های جهان و انهدام سازد.
- ۲- شئونیک - عظمت طلبی و فاشیسم چین و برتری خواهی چینیایی ها نسبت به روس ها در جهان.
- ۳- رقابت استعماری - همانظوری که گفتیم نبودن عقیده

تاء شیرا فکرما نویستی بوجود آمد.

مخصوصاً بعد از سال ۱۳۴۱ هـ که جدایی میان دوا بر قدرت وحشی کمونیسم بوجود آمد، مائوئیست ها و مسکوئیست ها، به اشاره با دارا نشان در کشورهای دیگر از هم جدا شدند. افغانستان یکی از کشورهای مجاور این دو قدرت وحشی استعمارگری کمونیسم است که هر دو درین کشور جرثومه های معیر کمونیسم تیپ مخصوص خود را برای پایگاه استعماری مشخص خودشان ایجاد کردند، روسیه استعمارگر که خصلت استعمارگری را از تزار روسیه به ارث برده بود و عقیده منطقی کمونیستی را بهترین وسیله برای استعمار نو تشخیص داده بود، از هفتاد سال قبل، با شعارهای فریبنده عدالت، ترقی، سوسیالیسم و صلح و... چشم به این کشور اسلامی دوخته بود به گفته شارق شهید، از سال ۱۳۳۵ هـ تا اولین جرثومه های - مملکت یعنی تره کی، ببرک، حفیظ الله از طرف روس به افغانستان گماشته شد و چین هم برای دستیابی به افغانستان در همین تاریخ ویا چندی بعد تره پرورش جرثومه های مغیر تیپ مخصوص خود پرداخت و برای اولین بار ظاهر بدخشی، بحرالدین یابنس، اکبر، نعمت الله محبوب - کوشانی و عثمان لندی را پیدا کرد. ولی جرثومه های چینی چهره های پلید خود را پنهان کرده بودند و بدروغ می گفتند که ما رکیست اصل هستیم و از هر فرحتی برای استقرار سوسیالیسم در کشور تلاش می کنیم، این زمانی است که هنوز حزب کمونیست رسماً در افغانستان تشکیل نشده و همه کمونیست ها که تعدادشان اندک بود، با هم متحد بودند و برای تشکیل حزب کمونیست تلاش می کردند. با اواخر در سال ۱۳۴۳ هـ کنگره ای را که بنام کنگره موسس یا دمی کنند، تشکیل دادند تا به تشکیل وتا سیس لانه جاسوسی ابر قدرت های کمونیستی اقدام کنند.

در همین کنگره بود که بروی تدوین خطوط خصوصی آیدئولوژیک حزب، کشمکش میان ظاهر بدخشی و نور محمد تره کی در گرفت، تره کی و حامیان او، می خواستند که با تقلید کور و در بسته فورمول مارکس و لینن، یعنی تفاه طبقا تی، خطوط آیدئولوژیک حزب را ترکیب و تدوین نمایند اما ظاهر استدلال می کند که در افغانستان مسئله ملی از مسئله طبقاتی حادث است و دو مسائل ملیت غالب و حاکم یعنی پشتون ها، بالایی ملیت های دیگر حکومت کرده اند و هیچگونه حق و حقوقی برای دیگران قایل نشده اند بنابراین "ستم ملی" "سیستم طبقاتی" حایزه اهمیت می باشد، باید در تدوین خطوط انقلاب و تکوین آیدئولوژی حزب، مسئله ستم ملی گنجانیده شود، اما تره کی استدلال می کند که این تفاه طبقا تی است که ستم ملی را زائیده و اگر طبقه حاکم و محکوم نمی بود، هیچگاه حقوق ملیت های دیگر پایمال نمی شد و اگر تفاه طبقا تی حل شود، در پهلوی آن خود بخود ملیت

های دیگر حل خواهد شد. و به اصرار اروپا فشاری ظاهر و رفقای او تره کی وعده می دهد که بعدها روی تز "ستم ملی" حزب تشکیل جلسه می دهد و در مرحله اول حزب کمونیست را برهبری تره کی تاسیس می کنند. چند نکته را بطور ناگزیر، از نقد و بررسی هایم، از مارکسیسم قابل یادآوری میدانم.

اول: مارکسیسم چون ساخته و پرداخته مغز ناقص بشری که روانشناسی اش، از جامع، تاریخ و واقع و همه عنایت تاثیر پذیر است می باشد، بنا بر این نمیتواند یک بینش کامل و جامع و شامل، مقتضی بر مقیاسات فطری و کشش های ذاتی و نیازمندی های هر زمان و هر مکان باشد و از همین سبب ناقص است و در هر شرایط دایماً پیروان این مکتب، ناگزیر شدند که به تجدید نظر و تحریف آن دست بزنند. دوم: مائوئیسم یک سیستم خاصی تجدید نظر طلبی در مارکسیسم است که، تحت تاثیر هرژمونیسم و شئونیسیم چین و رقابت استعماری مائو یا روسیه و به اضافه شرایط اجتماعی مشخص چین تدوین شده است.

سوم: اصلاً مارکسیسم پاسخگوی نیازمندی های بشری به طور کل نمی باشد و مبارزه طبقاتی زاده شده از مالکیت بطور اخصامی نمی باشد بلکه هر نوع ستم، چه ستم طبقاتی و چه ستم ملی، زاده شده از سیستم قبیلی می باشد. چهارم: طرح شعار مبارزه طبقاتی در افغانستان از طرف تره کی و طرح "ترستم ملی" از طرف ظاهر و انعکاس پروگرام های استعماری دوا بر قدرت رقیب کمونیستی می باشد و هر دو شعار از مسکو و پیکینگ به افغانستان وارد شده بود، تا گروه های مزدور و مناسبات استعماری آن ها، به این بهانه ها پیدا شود.

پنجم: افتراق و اختلاف میان ظاهر بدخشی و نور محمد ترکی انعکاس اختلاف چین و روسیه می باشد.

و از اینکه در پروگرام مسکو جای برای طرح، ترستم ملی وجود ندارد و این تز مال چین است و با "تزم مبارزه طبقاتی" مال روسیه سازگار نمی باشد، و ظاهر هم خود مزدور چین است و خوب می درند که مال چین و روسیه با هم سازگار نمی باشد و برای زمینه سازی و مقدمه چینی تشکیل حزب مزدوران تیپ چپناشی، تلاش می نماید و به بهانه نپذیرفتن تز مطروح "ستم ملی" در سال ۴۹ هـ شانزده حزب مزدور خلق خارج می شود و نام سازمان خود را "ستم ملی" می گذارد و اندیشه کشنده ناسیونالیسم را در میان مردم هزاره و تاجک و به خصوص از یک و... مطرح می کند و به فعالیت و کوشش، نه تنها در میان روشنفکران این ملیت ها بلکه در میان دهقانان نیز می پردازد.

یک نکته دیگر قابل یادآوری است که زیربنای فکری و جهان بینی سازمان سیستم ملی، ماتریالیسم، دیالکتیک و

مشترک علیه مسلمانان را می گزینند.

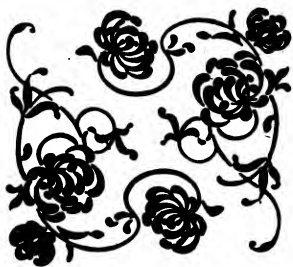
گروه "سا زا" به رهبری محبوب الله کوشانی و بشیر بغلانی و نور الله "تالقانی" مستقیم" در دولت اشتراک می کنند و میان آن ها و پرچمی ها با زشها و قرارداد های بوجود می آید.

و اما گروه "سا زا" به رهبری "اکبر" مستقیم" با روس ها تماس می گیرند و برای روس ها می گویند که ما با یگانه مردمی داریم و در میان جبهات مسلح اپوزیسیون، جبهاتی داریم و در ضمن بسیار تلاش می کنند که قوماندها را بی ایمان و بزدل و افراد جاهل و نادان را از میان جبهات، با تطبیع و وعده های دروغین و یا با دادن رشوت از پول های مشاوران روسی بفریبند و به خود ملحق بسازند. گمان می کنم هدف گروه "سا زا" این بوده که شاید روس ها بعد از شکست نجیب آن ها را روی پرده خواهد آورد و ما خوش بختانه روس دریافت که دیگر هرگز گروه های کمونیسم در افغانستان حکومت کرده نمیتوانند، استراتژی خود را در رابطه با افغانستان تغییر داد. و معاهده ژنیو به مضاء رسید و بر اساس آن خروج قوای مهاجم شروع گردید.

بعد از تغییر سیاست روس، هر دو جناح ستم ملی، به رهبری اکبر و کوشانی، با حزب مزدور خلق ائتلافی را به نام اتحاد نیروهای چپ دموکراتیک تشکیل دادند.

من فکری کنم که بعد از زین در افغانستان جز نیروهای اسلامی و نهضت اسلامی، برای هیچ یک از آیدیه ثلویزی های دیگر جای وجود ندارد و مردم ما از نظر سیاسی چنان رشد مالی نموده اند که نه تنها کمونیست های تیپ مسکو و تیپ پیکینگ و بلکه هر گونه سیستم ها و گروه های بیگانه را نمی پذیرند مردم ما تفاوتی میان گروه های مسکو و پیکینگ قایل نیستند نه تنها اینکه گروه های روسی در افغانستان خیانت کردند و بلکه گروه های چینی نیز هم دوش آن ها در بساء نقاط افغانستان جنگیده اند.

من فکری کنم که نه تنها اینکه کمونیسم در افغانستان جای رشد و نمو ندارد و بلکه در تمام جهان بطور مجموعی کمونیسم را جهان مسلمان و غیر مسلمان، مکتب ضد آزادی و ضد عدالت و ضد تمدن می پندارند، و انشاء الله آفتاب مکتب کمونیسم در آستان غروب است!



ما تریالیسم تاریخی و جامعه ای را که می خواهند، همان کمونیسم و سوسیالیسم است از تیپ چینی، و اینکه در عمل به شعار "ستم ملی" تکیه می کردند و می کنند، بهانه برای جلب و جذب است. یعنی "شعار ستم ملی" یک تاکتیک است و گرنه، نه آن ها ناسیونالیست هستند و نه مردم پرست، و بلکه مزدوران خارجی ها می باشند.

طبق را پور دست داشته ام، از زبان خود ستمی ها، سا زمان ستم ملی در سال ۱۳۴۹ بوجود آمد و در رهبری آن بدست ظاهر بود و معاون ظاهر، بحرالدین "بائیس" بود. با زمان ظاهر و بائیس بر سر تدوین خط تاکتیکی و فکری حزب نزار و کشمکش پیدا میشود، بائیس و اکبری می گویند که با "ید حزب" نظامی - سیاسی" باشد، یعنی به مبارزه نظامی و تدارک و زمینه سازی آن، بسیار اهمیت داد و مبارزه سیاسی در درجه دوم قرار بگیرد و ما ظاهر و کوشانی می گویند که با "ید حزب" سیاسی نظامی" باشد و به مبارزه سیاسی اهمیت درجه اول قایل شویم "این کشمکش که ناشی از خودخواهی و رهبری خواهی است تا ۱۳۵۶ دوام می کند و در خزان همین سال، فراکسیونی تحت رهبری اکبر از سا زمان "ستم ملی" خارج میشود و اسم فراکسیون خود را "سا زمان انقلابی زحمت کشان افغانستان" می گذارد. و به فکر من شاید در همین تاریخ "بائیس" در محبس بود و یا محبوس نبوده و بلکه حالت بسی طرفانه اختیار کرده بوده و بعد از کودتای شور ۱۳۵۷ - مزدوران روس، بائیس رهبری فراکسیون "سا زا" را بدوش می گیرد و دوطا هر هم اسم "ستم ملی" را به "سا زمان زحمت کشان افغانستان" یا "ستز" تعویض مینماید.

بعد از کودتای تره کی، این دو جناح ستم ملی، خط سیر مخالف همدیگر را تعقیب نموده، ظاهر تر می دهد که با ید با خلقی ها همکاری شود و ما بائیس و رفقای او روی قیام مسلحانه علیه خلقی ها تاکید می کنند، تره کی هم ظاهر را به صفت رئیس تالیف و ترجمه وزارت معارف، مقرر مینماید و اما رفقای بائیس در ولسوالی رستاق ولایت تخار، حمله می کنند و ولسوالی را تصرف مینماید و ما در اندک مدتی دولت می آید، ولسوالی را می گیرد و آن ها را تا رومار می نماید و بعد ازین واقعه، دولت تره کی برای قلع و قمع و نابودی هر دو جناح شروع مینماید، ظاهر و بائیس وعده از عنا مرتند ستم ملی را دستگیر و همه را اعدام می نماید و برای اتمام کامل ستم ملی همت می گذارد.

و اما بعد از شدید مبارزات مسلحانه اسلامی ملت ما علیه کمونیسم و الحاد و بعد از آن تجا و مستقیم نظامی روسیه مکار در افغانستان و گسترش سراسری جهاد مسلحانه اسلامی و آزادی خواهی و احساسات فدروسی و ضد کمونیستی مسلمانان این خطه اسلام خواه، استراتژی هر دو جناح "ستزا" و "سا زا" تغییر می کند و هر دو جناح مفکوره ضدیت با روس و خلقی و پرچمی ها را بدور می ریزند و استراتژی همکاری و مبارزه

په تیر عیسوی کال

(۱۹۸۸) کی د افغانستان

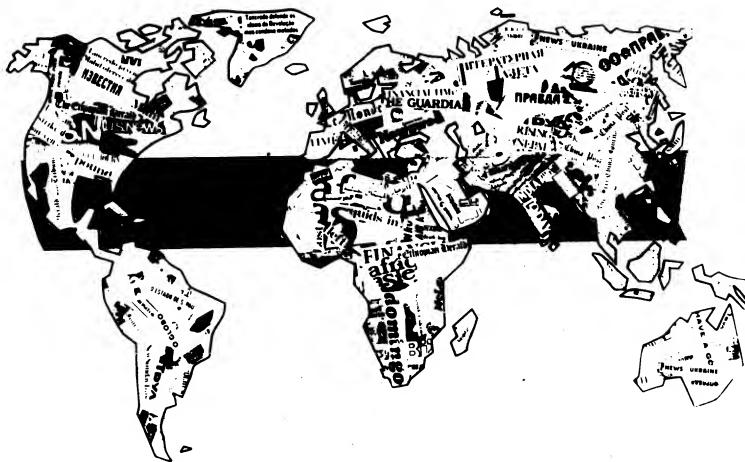
د قضیې سیاسي جریانات

ټولنکي اولیکونکي : عوض الدین "صدیقی"

دېلچرخي په زندان کی د بنديا نوله وضعي څخه یو رپوټ —
ترتیب کړی .

۴ جنوري، ۱۴ مرغومي: دا مرکا د بهرنیو چارو وزارت سیاسي مرستیال پاکستان ته سفرونکړ او هلته یې د افغانستان د مسئلې په باب له صدرضیاء الحق سره ولیدل .

۳ جنوري، ۱۳ مرغومي: دا ایران د مجلس رئیس علي اکبر رفسنجاني د یوې وینا په ترڅ کی وویل: ایران چمتو دی د روسا نوسره د افغانستان څخه د هغوی د پوځیا نودو تلوپنه خاطر خبری وکړی .



۵ جنوري ۱۵ مرغومي: په ترکیه کی د ترکی لیکوالانو، شاعرانو او ژورنالستانو د افغانستان مظلوم ملت سره د همبستګۍ په خاطر یو ورځنی سیمینار جوړ کړ .

۴ جنوري، ۱۴ مرغومي: دروس د بهرنیو چارو وزیر شورنادزی کابل ته سفرونکړ، ترڅو ګواځي نجیب ته د کار رېرنا مه ورکړي .
۷ جنوري، ۱۷ مرغومي: ورور حکمتیار د لویګرو او پکتیایا ولایت په جبهو کی تر ګلون وروسته پشا ورته را ورسید .

۱۲ جنوري، ۲۲ مرغومي: د جعفر به فقه د نفاق تحریک مشر سید

دروسا نودیرغل سره سم نړیوالو هم دروسا نودا عمل محکوم کړ، او هریوه په خپل وار سره دا عمل دنړی په تاریخ کی یو تور بابتوباله اود افغانستان څخه یې دروسا نودزتر زړه وتلو غوښتنه وکړه .

روسا ن هم په ۹ کلن پرله پسې جنگ کی د ماتې وروسته پوه شول چی نور نشي کولی دنظامي حملوله لاری هدف ته ورسیدی پدی خاطر پدی لټه کی شول چی د سیاسي فعالیتونوله لاری دخپلې ماتې د توجیه او هدف ته درسیدوپه خاطر زمینه سازی وکړی .

دروسا نوددی فعالیتونو ترڅنګ ځینې نور استعماري دولتونه هم میدان ته راووتل ترڅو په افغانستان کی د خپلو ګوندو د تاءمین لپاره ځای پیدا کړي، مګر زموږ د قیادت قاطع اومدیرانه دریغ دا ونه وده چی په افغانستان کی د مجاهدینو د ځوښې پرته هیڅ حکومت د عمل جا مه نشي اغوستی. پدی لاندینورا ټولو شومطالېوکي به تا سووګوري چی څنګه زموږ د قیادت قاطع اومدیرانه دریغ دروسا نواود هغوی د استعماري انډیوالانو ترمنځ امضاء شوی معاهدی چی د مقاومت دله مینځه وړلو په خاطر سرته رسیدلی وی له ماتې سره مخامخ کړی اوروسان یی دی ته مجبور کړل چی دمجا — هدی نوسره مخامخ خبرو ته کښی اوداومنی چی د افغانستان ملت واقعی نماینده ګان مجاهدین دی .

نوټ: ددی خبری تذکرهم دپاډولووړبولم چی لاندنی راټول شوی مطالب زما دشخصی یا دا شتونوا وشاهدات اونیزی څخه د استفادی پرمېنارا ټول شوی په هغو کی د ځینو نیټو تیر او بیریدل دامکان څخه لری نه بولم پدی خاطر خپل معذرت دهغو دلو ستلو څخه مخکی درته وړاندی کوم. "صدیقی"

جنوري:

۲۶ جنوري ۱۲ مرغومي: "ارما کورا" دملګرو ملتودانسانسې حقوقواود عفودنړیوالی موسسې رئیس کابل ته سفرونکړ ترڅو

له اشغال نه مایوس او بالاخره وتلو ته مجبور شو - ترنیمائی زیات روسی فوځونه دافغانستان نه وتلی دی ، نیمائی نوربه هم انشاءالله ترټاکلی نیټی دمخه وځي لکه چه ټولی هنی منطقی کوم چه روسی فوځونو تخلیه کړی سمدستی مجاهدینو فتحه کړی او دکابل گوداګی رژیم پدی قادرشو چه پدغو ، منطوقو کی دمجاهدینو دتسلط مخه ونیسی . همداراز به دروسی فوځونو دوتلو سره سم د نجیب حکومت سقوط کوی . دکابل موجوده حکومت په هیڅ صورت کی دروسی فوځونو دوتلو نه وروسته دمجاهدینو په وړاندی نشی تم کیدای . انشاءالله اوس موږ دوروستی او کاملی فتحی په درشل کی یو ډیر ژر به په آزاد افغانستان کی دمجاهدینو په لاس اسلامی حکومت جوړیږی . وروڼو!

که داسلامی جهاد پدی ستراوتاریخی بری کی له یوی خوا ستاسو دتوی ایمان ، په لوی الله هروسه دستونځو او کړاوونو په وړاندی ستاسو صبر واستقامت - او دخدای په لیارکی دقربانی دجذبی لوی برخه وه او دهمدی په ذریعہ تاسو دروس په شان وحشی او مفروطاعت ته ماتی ورکړه - له بلی خوا په حساسو شیبو او تاریخی پړاوونو کی - دملت واضح دریځ - درست سمیت غوره کول او دایمان په رڼاکی دسمو اوسالو پریکړو لویه ونډه وه - زه دفتحی ددی عامل لپاره څو مثالونه وړاندی کوم :

که دسردار داود دکودتائی رژیم په خلاف زمونږ مجاهدینو مسلحانه جدو جھندن وی پیل کړی او درژیم په خلاف بی دکشمکش لپاره ځان نه وی تیارکړی نو دترکی دکودتانه پس مقابلی ته ځان برابرول

اودمقاومت شروع کول ممکن نه وو .

هیڅوک پدی کی شک نلری چه دداود کودتا په حقیقت کی دکمونست حزب داسی مقدماتی اقدام وو کوم چه دشور کودتا ورپسی وه .

همدی اقدام مونږ پداسی یوه حساس پړاوکی ودرولو چه دوه لیاری موپه مخ کی وی . یالا له رژیم سره دتصادم او ټکر لیار او یا دسازش او مناسب فرصت لپاره دانتظار لیار - که مونږ درژیم په خلاف دتصادم لیار نه وی غوره کړی نو دشوردکمونستی کودتا نه وروسته دمسلمانه مقاومت پیل کول ممکن نه وو .

دشورکودتا هم مونږ په همداسی موقعیت کی ددور لیارو په سر ودرولو - ځنو دانتظار پالیسی ته ترجیح ورکوله او ویل نی دداسی یوه رژیم مقابله په خپلو ذاتی محدود و امکاناتو ممکنه نده کوم چه دروس په شان لوی

استعماری طاقت اوټول کمونستی بلاک نی ترشاولاړوی او په ټول توان اوطاقت دهنه حمایت کوی که مونږ دانتظار پالیسی غوره کړی وای او سدلاسه مو درژیم په خلاف مسلحانه قیام نه وای شروع کړی او رژیم ته داموقع ورکړی وی چه خپلی پسی ټینګی کړی او مخالفین وټکوی نو داستقرار او استحکام نه پس دهنه په

خلاف مسلح پاڅون ممکن نه وو . همداراز په همدی مرحله کی

مونږ دی پریکړی ته اړشو چه دمقاومت لپاره کوم نوم او څرنگه کړنلاره غوره کړو - آیا دا مقاومت یو خالص اسلامی پاڅون وی او دجهاد ترمقدس نامه لاندی پیل شی که څه هم ددنیا هنر ملکونو ته دانوم او داسی کړنلاره مقبول نه وی کوم چه کیدای شی زمونږ ملت ته ورکړی .

لو که دملی پاڅون ترنامه لاندی پداسی رنگ او شکل کی پیل شی چه شعارنی یواځی دروسی کمونیزم له تسلط نه دملک آزادی وی او دمقاومت په لیکو کی هرهغه چاته دفعالی ونډی اخستلو اجازه وی کوم چه ترهمدی شمارلاندی په مقاومت کی برخی اخستلو ته نیاروی که څه هم هغه د شعله جارید په شان کمونیست حزب وی او که دافغان ملت - او ستم ملی په شان نشنلستی ډلی .

خدای مکره که مونږ دامقاومت دیوه خالص اسلامی جهادپه شکل کی نه وی پیل کړی او غیراسلامی ډلو ته مو دځنو کسانو دغلطی نظریی سره سم په خپله خواکی ځای ورکړی وی او دآزادی دجنگ ترنامه لاندی مو مختلطه ملی جبهه جوړه کړی وی نو نه یواځی داچه دمقاومت شروع او ادامه گراڼه او محال وه - بلکه پدی صورت کی به غیراسلامی ډلو دپهرنیو لاس وهنو او وسیع مرستو په وجه ، په مقاومت کی لوی اثردرلود - دلته به نی فعال دفترونه ول - دافغانستان راتلونکی سرنوشت

که څوک دښارونودآزادی په دوران کی دمجاهد ترمنتخاب لاندی ددوی مال ځان یاعزت ته صدمه رسوی هغه مجاهد ندی غل او داړه مار دی باید دهغه په خلاف داسی سلوک وشي لکه دغلو او داړه مارانو په شان

عارف الحسيني ديوه مطبوعه تي کنفرانس په ترڅ کې وويل: موږ به په افغانستان کې ديوه اسلامي حکومت تر جوړېدو پورې دمجا هدينو سره خپلې مرستې ته چمتو يو.

۱۵ جنوري، ۲۵ مرغومي: دپاکستان د بهرنیو چارو وزارت سرپرست زین نوراني ديوه مطبوعه تي کنفرانس په ترڅ کې وويل پاکستان دې ته چمتو دی چې دروسا نوسره د افغانستان مسئلې دحل په باب خبرې وکړي، مگر دافغان ولس دگټو پر خلاف به هیڅ تصمیم ونه مني.

۹ جنوري، ۱۹ مرغومي: دپاکستان دجماعت اسلامي گوند مشرقاضي حسین احمد دایران داسلامي جمهوریت کونسل سره دافغانستان دمسئله په باب خبرې وکړي.

۲۵ جنوري، ۵ سلواغه: کوردوویز په ملگرو ملتو کې دافغانستان دمسئله خاص استازی پاکستان ته سفروکړ، اودژنیو مذاکراتو داجنداء په خاطر یې دمحمدخان جونيجوا وزیرنوراني سره خبرې وکړي.

فبروري:

۹ فبروري، ۲۰ سلواغه: دافغانستان په مسئله کې دملگرو ملتو خاص استاذی کوردو یزدکا بل گوداګی رژیم مقاماتو سره تر خبرو وروسته بیرته پاکستان ته سفروکړ، ترڅو دافغانستان مسئلې په باب دپاکستاني مقاماتو سره خبرې وکړي.

۹ فبروري، ۲۰ سلواغه: مجا هدينواوه گوني اتحاد هیئت دمولوی خالص په مشرۍ دکوردوویز سره ولیدل.

۱۲ فبروري، ۲۳ سلواغه: دروس د بهرنیو چارو وزارت - مرستیال اسلام آباد ته راوړسید او دافغانستان مسئلې په هکله دپاکستاني مقاماتو سره خبرې وکړي.

۱۲ فبروري، ۲۳ سلواغه: دترکيې د بهرنیو چارو وزارت یوه ویندوی وويل: په افغانستان کې دې زرتزره دولس دواقعي نماینده گانو حکومت جوړشي.

۱۳ فبروري، ۲۴ سلواغه: گوربه چوف دیوی تلویزوني وینا په ترڅ کې دخپلو پوځونو دتلولو په لړۍ کې یوه برنامې وړاندې کړه او وی وويل: دژنیو مذاکراتو دپیشرفت په صورت کې به خپل پوځونه دلس میاشتو په موده کې وباسي.

۱۴ فبروري، ۲۵ سلواغه: دپاکستان د بهرنیو چارو وزارت سرپرست زین نوراني دافغانستان په مسئله کې دملگرو ملتو خاص استاذی کوردوویز سره دلیدنې په ترڅ کې وويل: دژنیو خبرو باندي به هلته امضاء وشي چې په افغانستان کې یوقانوني حکومت منځ ته راشي.

۱۵ فبروري، ۲۶ سلواغه: دجماعت اسلامي مشرقاضي حسین احمد دیوی وینا په ترڅ کې وويل: ترڅو چې دمجا هدينو خوښه نه وي ترلاسه شوی پاکستان باید دژنیو معا هده په امضاء کیدو کې دچټکتیا څخه کارواخلي هغه دی وینا په ترڅ کې دظا هر شاه را تگ هم وغانده.

۱۷ فبروري، ۲۸ سلواغه: دافغانستان مخلوع شاه ظاهر شاه دیوه خپري شوی وینا په ترڅ کې وويل: نشي کولی په افغانستان کې دعبوری حکومت مشرکې غاړه واخلي.

۱۸ فبروري، ۲۹ سلواغه: دروسي یوه نا متوزورنا لست اوسیا ست مدار "نیکولای پروکولوف" دالمان غورا دیوسره په مرکه کې وويل: روسا نوپرا فغانستان باندي په خپل پوځي یرغل سره لویه غلطی وکړه.

۱۹ فبروري، ۳۰ سلواغه: دپاکستان د بهرنیو چارو وزارت سرپرست زین نوراني د امریکایی مقاماتو سره دافغانستان دمسئله په باب دخبرو لپاره واشنگتن ته سفروکړ.

۲۱ فبروري، ۲ کب: دایران داسلامي جمهوریت رئیس جمهور خا منه ای دیوی وینا په ترڅ کې وويل: مجا هدين دافغانستان دملت واقعي نماینده گان دي.

۲۲ فبروري، ۳ کب: نور احمد نور دکا بل دگوداګی رژیم مرکزی کمیټې غړي پولیند ته دسفیر په توګه تبدیل شو.

۲۳ فبروري، ۴ کب: دایران د بهرنیو چارو وزارت مرستیال بشارتی وويل دژنیو په مذاکراتو کې زموږ دگډون اصلۍ شرط دادی چې باید مجا هدين پدی خبرو کې گډون ولري.

۲۴ فبروري، ۵ کب: مجا هدينو عبوری حکومت جوړ او اعلان کړ.

۲۴ فبروري، ۵ کب: د امریکا د بهرنیو چارو وزارت سیاست مرستیال ارما کوسټ پاکستان ته سفروکړ، او دافغانستان مسئلې په باب یې دپاکستاني مقاماتو اودمجا هدينو پښتو هیئت سره دمولوی خالص په مشرۍ خبرې وکړي.

۲۴ فبروري، ۵ کب: د امریکا د بهرنیو چارو وزیر شولتز دپاکستان له دی موقف څخه چې دروسي پوځونو دوتلو څخه مخکې باید یو موقت حکومت جوړشي ملاتړ اعلان کړ.

۲۶ فبروري، ۷ کب: ورور حکمتیا ر دیوه مطبوعه تي کنفرانس په ترڅ کې وويل: که دژنیو معا هده امضاء شي زه به دهیواد دننه په جبهاتو کې وم.

۲۷ فبروري، ۸ کب: صدر ضیاء الحق درا جیوګاندي وړاندیز چې دافغانستان مسئلې په باندې خبرې ورسره وشي رد کړ.

مارچ:

۲ مارچ، ۱۲ کب: دپاکستان دجمعیت العلماء اسلام در خواستی گروپ مشر مولانا سمیع الحق دیوه مطبوعه تي کنفرانس په ترڅ کې وويل: پاکستان باید دمجا هدينو د خوښې پرته دژنیو معا هده امضاء نکړي.

۴ مارچ، ۱۴ کب: دپاکستان د بهرنیو چارو وزارت سرپرست زین نوراني وويل: دانتقالي حکومت په باب د پاکستان په دریغ کې بدلون ممکن ندی.

۶ مارچ، ۱۶ کب: دپاکستان د بهرنیو چارو وزارت سرپرست زین نوراني دافغانستان دمسئله په باب دروسي مقاماتو

سره دخبرولپاره ماسکوته لار .

۱۲ مارچ ، ۲۲ کب : مولوی محمدیونس خالصي داتحاد رئیس داتحادله ریاست غځه استعفی وړکړه .

۱۴ مارچ ، ۲۴ کب : ورورحکمتیار دیوی وینا په ترڅ کې په ژونکي دکابل گوداګي رژیم سره دمجا ه دینو خبری ردکړ : اووی ویل : دکابل گوداګي رژیم اصلا " هیڅ حیثیت نلر " ۱۵ مارچ ، ۲۵ کب : ورورحکمتیار داتحادد رئیس په توګه وټاکل شو .

۱۸ مارچ ، ۲۸ کب : په پاکستان کې دروسی سفيروزیروف دافغانستان دمستلي په باب دخبروپه خاطر دپاکستان دتحریک استقلال مشرجنرال اضرخان میلمستیا ومنله .

۱۹ مارچ ، ۲۹ کب : دکابل ښار له ټولو دولتي دوا یروغځه دمارکس ، لینن ، وانګلزمجسمي او عکسونه ټول شول .

۲۱ مارچ ، ۲ وری : ملک حسین د اردن پادشاه دروسانو په خوا ه پاکستان ته سفروکړ ترڅو دپاکستان مقاماتو سره دخبروله لاری دژنومعه دپه لاره کې خنډونه لری کړی .

۲۱ مارچ ، ۲ وری : دروس دبهرنیوچارو وزیر شوراردنادزی په واشنگتن کې دامریکا دبهرنیوچارو وزیر شولزره دافغانستان دمستلي او ځینو نوروسیما یزو شخړو دحل او په راتلونکي کې ددواړو هیوادونو دمشرانو لیدنې لپاره دزمینه سازی په خاطر خبری وکړی

۲۱ مارچ ، ۲ وری : دمجا ه دینو یوه نیت د میرحمزه ترمشری لاندی داسلامی هیوادونو دخارجه چارو وزیرانو کونفرانس کې دګډون لپاره لار .

۲۱ مارچ ، ۲ وری : دیوی اونی تعطیل غځه وروسته دژنو خبری اتری بیا پیل شوی

۲۵ مارچ ، ۵ وری : دژنو خبری اتری ، غه مودی لپاره وځنډول شوی .

۲۵ مارچ ، ۵ وری : داسلامی هیوادونو دخارجه چارو وزیرانو کونفرانس داکد افغانستان غځه دروسی پوځونو دزتر زره وتلو باندی ټینګار وکړ .

۲۸ مارچ ، ۸ وری : دمجا ه دینو هغه سیت چې داسلامی کونفرانس غونډی کې دګډون په خاطر لار و بیره پشاور ته را ورسید .

۲۸ مارچ ، ۸ وری : دژنیو مذاکرات دڅو ورځو تعطیل غځه وروسته بیا پیل شول او ددواړو څیزه مرستو بندول پکښی یواځنی خنډو .

۲۸ مارچ ، ۸ وری : ورورحکمتیار دمجا ه دینو داسلامی اتحاد رئیس دیوی وینا په ترڅ کې دافغانستان دمستلي په باب دهنده سیاست وغانده .

۳۰ مارچ ، ۱۰ وری : دامریکا رئیس جمهورریګن دژنیو خبرو ا دپرمختګ په لاره کې دخنډونو لری کولو په خاطر دپاکستان جمهوررئیس ضیاء الحق سره تېلفونی خبری وکړی .

اپریل :

۱ اپریل ، ۱۲ وری : دپاکستان دبهرنیوچارو وزارت سر پرست زین نورانی دیومطبوعاتی کونفرانس په ترڅ کې دژنیومعه دی اعضاء کیدل دامریکا دتوافق پرته ردکړل .

۲ اپریل ، ۱۳ وری : داتحاد رئیس ورورحکمتیار دیویو مطبوعاتی کونفرانس په ترڅ کې ویل : هیڅوک زموږ په نمایندګي له چا سره سازش نشی کولی .

۳ اپریل ، ۱۴ وری : دروس دبهرنیوچارو وزیر شوراردنادزی گوداګي نجیب ته دهدایت ورکولو په خاطر کابل ته سفروکړ .

۴ اپریل ، ۱۵ وری : دامریکا ددفاع وزیر کارلوی دافغانستان مسئلي په باب دخبروپه خاطر اسلام آباد ته سفروکړ ترڅو دپاکستان مقاماتو سره خبری وکړی .

۴ اپریل ، ۱۵ وری : دژنیو مذاکرات دڅو ورځو تعطیل غځه وروسته بیا پیل شول .

۷ اپریل ، ۱۸ وری : گوداګي نجیب اوګوربه جوف په تاشکند کې لیدنی وروسته گوداګي علامیه صا دره کې اودژنیومعه دی اعضاء کیدوپه صورت کې یی دروسی پوځونو دتلولپاره دثور (۲۵) ورځ وټاکله .

۶ اپریل ، ۱۷ وری : دپاکستان دجماعت اسلامی گوند مشر قاضی حسین احمد په کړ دیوی وینا په ترڅ کې ویل : روس ، هند اوامریکا په افغانستان کې دمجا ه دینو حکومت نه غواړی ۷ اپریل ، ۱۸ وری : دملګرو ملتو استاذی کور

دویز په ژنیو کې ژورنالستانوته ویل : دژنیومعه دی استادمکمل شوی اوصرف دامضاء مسئله پاتی ده چې داپریل له ۱۴ مهنیتي غځه مخکې به امضاء شی .

۷ اپریل ، ۱۸ وری : دپاکستان دبهرنیوچارو وزارت سر پرست زین نورانی په ژونکي ژورنالستانوته وویل : دافغانستان غځه دروسی پوځونو دتولوسره یوځای بایدروسی سلاکاران هم له افغانستان غځه ووځی .

۸ اپریل ، ۱۹ وری : داتحاد رئیس ورورحکمتیار دیوی وینا په ترڅ کې دژنیومعه د ردکړه اودامضاء کیدوپه صورت کې یی دهجا دپرتداوم ټینګار وکړ .

۱۲ اپریل ، ۲۳ وری : دایران دبهرنیوچارو وزارت دیوی اعلامیې په ترڅ دافغانستان په باب دژنیوترون لاسلیک کیدل دلیوی طاقونو دګټو متضا من وګاڼه .

۱۲ اپریل ، ۲۳ وری : ورورحکمتیار داتحاد رئیس په اسلام آباد کې دجمعیت علماء اسلام درخواستی گروپ لخوا جوړ شوی - مطبوعاتی کونفرانس ته دوینا په ترڅ کې ویل : موږ دژنیو معاهدی په نسبت هیڅ التزام اوتعهدنلروځکه موږ پکښی طرف نیو .

۱۳ اپریل ، ۲۴ وری : دپاکستان صدراعظم محمدخان جونیج دیوی تلویزونی وینا په ترڅ کې ویل : افغانستان امدینو په خپلی مرانی ، شهادت او متوزور سره روسا نوته ماسر

۱۴ اپریل ، ۲۵ وری : دژنیومعه دافغانستان په وخت

۲۶ اپریل، ۶ ثور: ورور حکمتیار ردا تھا درئیس دیوه مطبوعاتی کنفرانس په ترڅ کی وویل: د نظا رهښت د ژنیو معاهدی بوجز دی موری دی ټولی معاهدی په نسبت اعتراض لرو او دهنی په وړاندی هیڅ ډول تعهد نلرو.

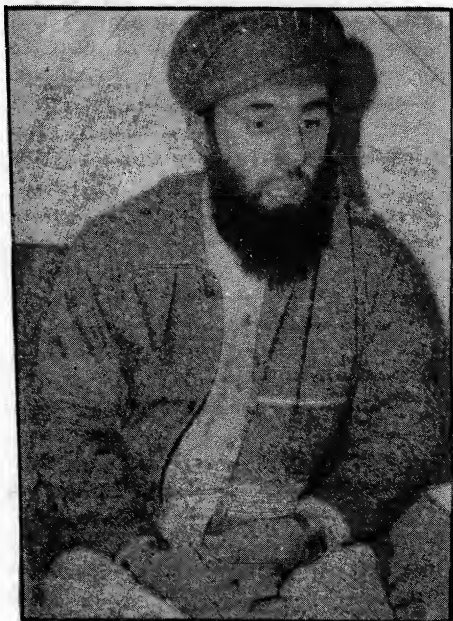
۲۸ اپریل، ۸ ثور: دکابل د گونا گي رژیم مشرنجیب اعلان وکړ. چی دروسی پوځونو د وتلو په صورت کی به روسی مشا ورین پاشی کیږی.

۳۰ اپریل، ۱۰ ثور: دملگرو ملتونه هیئت چی دروسی پوځونو پروتو لنظرانت دنده درلوده په اسلام آباد کی دپاکستانسی مقاماتوسره دخبرو وروسته کابل ته ورسید.

۳۰ اپریل، ۱۰ ثور: داتحادشورا دتخا ددرئیس ورور حکمتیار په مشری فیمل وکړه چی دټولو گوندونو مشران به دافغانستان داخل ته ځی او دجها دقوماندنه به په لاس کی اخلی. می:

۴ می، ۱۴ ثور: دمجا هدیو اسلامی اتحادی شورادنجیب هغه غوښتنه چی دیوگوا شتلاقی حکومت غوښتنه یی کړی وه رد کیده.

۱۲ می، ۲۲ ثور: ورور حکمتیار دراولهنی په مطبوعاتی کلوپ کی دژورنالستان نیوی غونډی ته دویا په ترڅ دکوډیز لخوا دلوی چرکی پیشته دردکس.



څلور نیم بجی دپاکستان دبهرنیوچارو وزارت سرپرست زین نورانی دافغانستان دبهرنیوچارو وزیر عبدالوکیل، دروسی دبهرنیوچارو وزیر شو اردنادزی د امریکا د خا رجه چارو وزیر شول او دملگرو ملتو دنا تگی استاذی کوردو ویزپسه کتون لاس لیک شوه.

۱۴ اپریل، ۲۵ وری: د امریکا دبهرنیوچارو وزیر شولزپسه ژنیوکی دژنیو معاهد د لاس لیک کیدو څخه وروسته دپښو معطو پاشی کنفرانس په ترڅ کی وویل: مجا هدیو سره به زموږ مرستی ادا مه وموسی.

۱۴ اپریل، ۲۵ وری: دپاکستان جمهور رئیس ضیا الحق دیوی وینا په ترڅ کی وویل: مجا هدیو ته به مرستی دهواله لاری ته رسپی؟

۱۶ اپریل، ۲۷ وری: دمجا هدیو او ده گونی اتحاد دپه گډه توگه دژنیو معاهد د رکی او په افغانستان کی داسلامی حکومت تر جوړیدو پوری دجها دبړندا وم ټینگار وکړ.

۱۶ اپریل، ۲۷ وری: ظاهر شاه دپاکستان ورځپاڼی نوای وقت سره په مرکه کی وویل افغانستان ته دسلطنت بېرته را تر ځمیدل ناممکن کار دی.

۱۷ اپریل، ۲۸ وری: دجیب دبهرنیوچارو یوه ویندوی دژنو معاهد دافغانستان ولس ته وگڼله او وی ویل دروسی پوځونو لته به دا ثابته کړی چی یو ستره ژمنیسی طاقت یو واریا دیوه آزادی غوښتونکی ملت په لاسونوما ته وخوړه.

۱۸ اپریل، ۲۹ وری: دمجا هدیو دمور قتی حکومت کابینسی لومړی غونډه دتخا درئیس ورور حکمتیار په افتتاحیه وینا سره پیل شوه.

۱۸ اپریل، ۲۹ وری: دپاکستان جمعیت علماء اسلام درخواستی گروپ دژنیو معاهدی دتقیح په خاطر د ۲۹ اپریل مه نیټه دتوری ورځی په نوم اعلان کړه.

۱۹ اپریل، ۳۰ وری: دهند دولت دمجا هدیو د حملاتو د شدت له امله په جلال آباد کی خپله کونسلگری وتله.

۲۱ اپریل، ۱ ثور: دپاکستان دبهرنیوچارو وزارت سرپرست زین نورانی دژنیو څخه دراستنیدو په وخت په اسلام آباد کی ژورنالستانوته وویل: دکابل حکومت به ویزر را نسکور شی ځکه هغه دافغانستان ملت رد کړی.

۲۲ اپریل، ۲ ثور: درایطه عالم اسلامی ټولنی په مکه مکرمه کی دیوی غونډی په ترڅ کی دنړی مسلمانو څخه وغوښتل چی دمجا هدیو سره خپلو مرستو ته ادا مه ورکړی.

۲۳ اپریل، ۳ ثور: د امریکا دبهرنیوچارو وزیر "شلز" په ماسکو کی دافغانستان دمستلکی په باب دروسی مشر گوربسه چوف سره خبری وکړی.

۲۸ اپریل، ۸ ثور: ورور حکمتیار ردا تھا درئیس دتخا دپه مرکزی دفتر کی د فینلندا وسویدن سفیرا نوسره دملگرو ملتو دنظر هیئت په باب خبری وکړی.

نا دزی دیوی وینا په ترڅ کی امریکا او پاکستان دژنیو معا هده څخه دسرغړونی په تور، تورن کېل

۱۲ جون ۲۲، غیرګولی: دملګرو ملتو عمومي اسمبلی ته د کابل دګواښ ګی رژیم مشرنجیب دوینا په وخت افغانستانی مها جرینودملګرو ملتوما ښی مخی ته مظا هره وکړه .

۱۳ جون ۲۳، غیرګولی: په ماسکو کی دپاکستان سفیر د بهرنیو چارو وزارت ته وغوښتل شو او پاکستان یی دژنیو معا هدی څخه دسرغړونی په تور، تورن کې .

۱۷ جون ۲۷، غیرګولی: معتبرو خبری آژانسونو رپوټ ورکړ چی روسانو دواخان سیمی ته نوی پوځونه رالیرلې .

۱۹ جون ۲۹، غیرګولی: دمجا هدی نو دعبوری حکومت کابینه دیوه مطبوعاتی کنفرانس په ترڅ کی اعلان شوه .

۲۴ جون ۳۰، چنګاښ: دمعتبرو خبری آژانسونو په حواله وویل شول چی روسانو خپلی تازه قواوی افغانستان ته داخلې کړی .

۲۵ جون ۴، چنګاښ: پیرسید احمدګیلانی دپخوانی پاچا ظا هراشاهه دبیار او ستوپه را بڼه دیوه ژورنالست دپوښتنی په ځواب کی وویل: یواځی منته به شوری کولای شی دداسی سترو دداسی سترو قضا یا وپه باب تصمیم ونیسی

۲۶ جون ۵، چنګاښ: دمجا جرینوسره دمزستولپلاره دملګرو ملتونما ینده په لندن کی دیوی وینا په ترڅ کی وویل: افغانستان ته دمجا جرینودتګ په لاره کی لوی ځنډ روسانو لخوا ځین کرای شوی مینونه دی .

۲۸ جون ۷، چنګاښ: په ایران کی دمجا هدی نو دمیشته احزابو مشرانو دافغانستان په مسئله کی دملګرو ملتو خاص استاذی کوردویز سره وکتل .

جولائی: ۲ جولائی، ۱۱ چنګاښ: په مسکو کی دهغو پوځیانو یادګاری ځلی جوړ شو چی په افغانستان کی وژل شوی .

۳ جولائی، ۱۲ چنګاښ: دچین دبهرنیو چارو یوه وینډوی اعلان وکړ . چین امیدواری چی روسان به دخپلو پوځونو په وتلو کی ځنډونکې .

۱ جولائی، ۱۰ چنګاښ: داخوان المسلمین مشرحا مدابو النصر دیوی وینا په ترڅ کی دنړی مسلمانانو څخه وغوښتل چی دمجا هدی نو انتقالی حکومت په رسمیت وپېژنی .

۹ جولائی، ۱۸ چنګاښ: ورور حکمتیار دحزب اسلامی امیر په جبهو کی دعملیاتو دهری لپاره دپشاور څخه دالفتح غنډ پرلور حرکت وکړ .

۹ جولائی، ۱۸ چنګاښ: دافغانستان په موضوع کی دملګرو ملتو خاص استاذی کوردویز دیوی وینا په ترڅ کی وویل: په افغانستان کی به دصلحی دبیار او ستولپلاره برس دسپتمبر په لومړی نیټه په کار پیل وکړی هغه پدی وینا یی ددواړو خواوو څخه دا وربند غوښتنه هم وکړه .

۱۵ می ۲۰ ثور: ورور حکمتیار داتحاد رئیس دیو مطبوعاتی کنفرانس په ترڅ کی وویل: انتقالی حکومت یواځی د کابینې نه ندی عبارت، بلکی دایوداسی حکومت دی چی عملاً به په سلو کی دنوی آزاد افغانستان چاری سنبالوی.

۱۲ می ۲۲، ثور: مولوی خالص دیوه مطبوعاتی کنفرانس په ترڅ کی وویل: امریکا په افغانستان کی داسی حکومت غواړی چی نه کمونیست وی او نه اسلامی .

۱۴ می ۲۴، ثور: داتحاد رئیس ورور حکمتیار دیوه مطبوعاتی کنفرانس په ترڅ کی ټولو هغو پوځیانو ته چی په دولت کی کارکوی او اوس مجا هدی نو ته تسلیم شی عمومی عفوا اعلان کړی

۱۵ می ۲۵، ثور: دپاکستان دبهرنیو چارو وزارت سرپرست زین نورانی دافغانستان مسئلې په باب دخبرولپاره مسکو ته لاړ .

۱۵ می ۲۵، ثور: په کابل کی دمیشته روسی پوځونو قوماندان (پورلس ګراموف) په یوه مطبوعاتی کنفرانس کی وویل: دمجا هدی نو جنګی حالت او استعداد دترپخوا به شوی اوله زیاتی روزنی څخه برخمن دی .

۱۵ می ۲۰، ثور: دروسا نولومړی ګروپ دبیلا بیلو سیمو څخه دخپلو پوځونو پروتولوپیل وکړ .

۲۳ می ۱، غیرګولی: دپاکستان جمهور رئیس صدر ضیا الحق دیوی وینا په ترڅ کی وویل: افغانان به ډیر زرد خپلی خوښی حکومت درلودونکی شی .

۲۵ می ۴، غیرګولی: دمجا هدی نو داسلامی اتحاد عالی شورا فیصله وکړه چی دا انتخابا ټوپه خاطر دی دا انتخابا توکمیسینو خپل کار پیل کړی .

۲۸ می ۷، غیرګولی: دروسی دبهرنیو چارو وزارت وینډوی اعلان وکړ: که پاکستان دمجا هدی نو سره خپله مرسته بنډه نکړی نوروسان به هم دجوړ کړی شوی تقسیم اوقات په اساس ونه وځی .

۲۹ می ۸، غیرګولی: د امریکا جمهور رئیس رونالد ریګن ماسکو ته دافغانستان دمسئله په باب دخبرو او ځینو نورو سیمه ایزو شخړو دحل په خاطر سفرو وکړ . ترڅو دګر به جوف سره پدی مسائلو خبری وکړی .

۲۹ می ۸، غیرګولی: دافغانی مها جرینوسره دملګرو ملتو دمرستی کمشنر صدرالدین آغا خان پاکستان ته سفرو وکړ .

۲۹ می ۸، غیرګولی: دپاکستان جمهور رئیس صدر ضیا الحق په راولپنډی کی دیوه مطبوعاتی کنفرانس په ترڅ کی دهغه هیواد اسمبله منحل اعلان کړه

جون: ۱ جون ۱۱، غیرګولی: دپلچرخي له زندان څخه یواښتالوی ژورنالست چی دجګړی په دوران کی دفلماختنی په وخت نیول شوی وه خوشی کړای شو .

۱۱ جون ۲۱، غیرګولی: دروسی دبهرنیو چارو وزیر شوارد

۱۰ جولائی، ۱۹ چنگا بن : دا تحا درئیس پیرسیدا حمدگیلا نی دیوه مطبوعا تی کنفرانس په ترڅ کی وویل : دمجا هدیو نیو هیئت به در تلونکی انتقالی حکومت لپاره دا انتخاباتو په خاطر ایران ته سفرو کړی .

۱۶ جولائی، ۲۵ چنگا بن : دهنده صبرا عظم را جیوگا ندی دیوی مرکي په ترڅ کی وویل : دده هیواد په دی باب اندیښمن دی چی مبادا په افغانستان کی مسلمان بنیا دگرایان قدرت ونه نیسی .

۲۴ جولائی، ۲ زمري : ورور حکمتیار د حزب اسلامی امیر دیوی وینا په ترڅ کی وویل : دکور دویزو اندیز دده خپل نظرنندی بلکی د لویو طاقتونو له خوا ورکړلی شوی طرحه ده .

۳۰ جولائی، ۸ زمري : دپاکستان رئیس جمهور صدر ضیاء الحق دهیوادورځپا نومدیرا نوته د وینا په ترڅ کی وویل دنجیب حکومت د نسکوریدو په حالت کی دی .

۳۱ جولائی، ۹ زمري : دایران داسلامی انقلاب پاسدارانو په زاهدان کی زیات شمیر مهاجرین ووژل .

۳۱ جولائی، ۹ زمري : استاد دربارنی دیوی مرکي په ترڅ کی وویل : بهرته دهغه روسی پوځیان چی دوتلو په حالت کی دی بی عملیا توپیرینودلی شی .

اگست :

۱ اگست، ۱۰ زمري : دپاکستان دبهرنیوچارو وزیر صاحب زاده یعقوب خان ماسکوته سفروکړ ترڅودا افغانستان مسئلې په باب له روسی مقاماتو سره خبری وکړی .

۳ اگست، ۱۲ زمري : دانگلستان افرانسی دولتونو اعلان وکړ چی پر کابل باندي دمجا هدیو د عملیاتو د شدت له امله خپل سفارتی کارکوونکی کمه وی .

۴ اگست، ۱۳ زمري : دروسی دبهرنیوچارو وزیر شوارندازی کابل ته سفروکړ ترڅو د گواځی نجیب ته د وروستیو توصیهو برنا مه ورکړی .

۴ اگست، ۱۳ زمري : دا تحا درئیس پیرسیدا حمدگیلانی وویل دروسی پوځونو دوتلو وروسته دکابل رژیم دمجا هدیو سره مقاومت نشی کولی .

۷ اگست، ۱۶ زمري : دروس دبهرنیوچارو وزیر شورنا دزی د کابل گواځی رژیم ته تر برنا می ورکولو وروسته بیرته ماسکوته ورسید .

۹ اگست، ۱۸ زمري : یوه روسی میگ ۲۱ الوتکه چی پیلوتان یی افغانان وه په پناه پاره چنارکی کوزه شوه او پیلوتانوی د سیاسی پناه غوښتنه وکړه .

۹ اگست، ۱۸ زمري : دجنوبی آسیا لپاره دسیمه ییزو مرستی په ټولنی (سارک) کی دکابل دگواځی رژیم گاون رد شو .

۱۴ اگست، ۲۳ زمري : دگواځی نجیب وروصدیق راهی د یوه مطبوعا تی کنفرانس په ترڅ کی وویل : دزوسی پوځونو دوتلو لومړی مرحله پای ته ورسیده .

۱۶ اگست، ۲۵ زمري : دهنی روسی میگ الوتکی پیلوت چی الوتکه یی دپاکستان پرسرحدی سیمو باندي دبمبارد په وخت کی راغورځول شوی وه په اسلام آبادکی دروسی سفارت ته وسپارل شو .

۱۷ اگست، ۲۶ زمري : دافغانستان دجها دکلک ملاتړ کوونکی دپاکستان جمهور رئیس صدر ضیاء الحق دتوطی په ترڅ کی په شهادت ورسید .

۱۸ اگست، ۲۷ زمري : ورور حکمتیار د حزب اسلامی افغانستان امیر دیوی وینا په ترڅ کی دشهید ضیاء الحق شهادت پدی حساسی وخت کی دجها دلپاره سخته ضایعه وبلله .

۱۹ اگست، ۲۸ زمري : دا تحا درئیس پیرسیدا حمدگیلانی په مشری دا تحا دعالی شورا پریکړه وکړه چی دافغانستان د آزادۍ څخه وروسته به دپل خشتی جومات دمدر ضیاء الحق په نوم مسمی کیوی .

۲۰ اگست، ۲۹ زمري : ورور حکمتیار دشهید ضیاء الحق د جنازی دمراسمو په وخت کی دبهرنیوچارو ناستا نو دپوښتنو په ځواب کی وویل : افغانستان په باب به دپاکستان په بهرنی سیاست کی هیڅ سرانشی .

۲۹ اگست، ۷ وری : دسمودی عربستان پاچا فهد بن عبدالعزیز په یوه خبرتوی پیغام کی وویل : دتور اسلامی امت ملاتړ به تر وروستی بری پوری دمجا هدیو تر شا هوی .

۲ سپتامبر، ۱۱ وری : دکابل دگواځی رژیم دبهرنیوچارو وزیر عبدالوکیل په ناڅاپی ډول هند ته سفروکړ، ترڅو د افغانستان مسئلې په باب دهندي مقاماتو سره خبری وکړی .

۳ سپتامبر، ۱۲ وری : دملکرو ملتو له خوا دمهاجرینو دبیرته ستندیدو په لاره کی دلوۍ خنډ (مینونولری کولو) په خاطر د یوملیون دالروړا ندیز منظور شو .

۷ سپتامبر، ۱۴ وری : دمصدر "الجهاد" تحریک مشرانو اکثر عمر عبدالرحمن د حزب اسلامی دارشا دوفرهنگ کمیسیون له مسئولینو سره د وینا په ترڅ کی وویل : نن اسلامی امت خپل ژوند دافغانستان جها دپه کامیابی کی گوری .

۳ سپتامبر، ۱۲ وری : دپاکستان دبهرنیوچارو وزارت یوه ویندوی دکابل دگواځی رژیم له خوا دافغانستان مسئلې په باب دنړیوال کنفرانس دجوړیدنی وړا ندیز رد کړ .

۴ سپتامبر، ۱۳ وری : دپاکستان دکورنیوچارو وزیر احمد اهر دیوی وینا په ترڅ کی وویل : دروس هیڅ فشار پاکستان له خپل اصولی دریځ نه نشی اړولی .

۱۵ سپتامبر، ۱۹ وری : دعدم انسلک کنفرانس دکو هیوادونو دبهرنیوچارو وزیرانو پریکړه وکړه چی په افغانستان کی دخلکو په څوښه یو وسیع البنیاد حکومت منځ ته راشی .

۲ سپتامبر، ۱۱ وری : ورور حکمتیار د حزب اسلامی امیر د کندهار جگړه درهبری په خاطر کوټی ته ورسید ترڅو دجنګ

السنه گوند دیوی غو سہی په ترڅ کی دمجا هدينوسره تر کامل
بری پوری پرخپل ملاتړ پينگا روکړ .

۹ اکتبر، ۱۷ تله : ورور حکمتیار د حزب اسلامي افغانستان
امير دیوہ مطبوعاتی کنفرانس په ترڅ کی وویل : لدی وروسته
په افغانستان باندی له مجا هدينو پرته بل څوک حکومت
نشي کولای .

۱۸ اکتبر، ۲۶ تله : ورور حکمتیار د حزب اسلامي امير دکنند
هار له جگړه وڅخه تر راستنيدو وروسته په کويته کی دیوی وينا
په ترڅ کی وویل : دپاکستان انتخابات چي هرڅوک وښي
د افغانستان په باب به اوسنی سیاست ته ادا مه ورکوي .

۱۹ اکتبر، ۲۷ تله : ورور سیرت د حزب اسلامي مرستیال د
شهادت اونيزی سره په مرکه کی وویل : اوس زموږ چا دداسی
پراوته رسیدلی چي دهیڅ واردشوی حکومت د ټنگیدو احتمال
نشته .

۲۸ اکتبر، ۶ لړم : ورور حکمتیار د حزب اسلامي امير دملگرو
ملتوسرمشي پیرزدی کویا په نوم یوسر خلاصی لیک ولیږه
چي په کی راغلی و : دکور دویز غمونه ولانده تبصری او مداخلی
ددی باعث شوی چي دهنه بی طرفی د ادا ره شي .

۲۷ اکتبر، ۵ لړم : ورور "سیرت" د حزب اسلامي مرستیال
په نصرت مینی کی دیوی وينا په ترڅ کی وویل : موږ ځکه پر
انتخاباتو پينگا رکوو چي اقتدار په سلامت آمیزه فضا کی
انتقال شي .

۲۹ اکتبر، ۷ لړم : دپاکستان دجماعت اسلامي مشرفاضی
حسین احمد په کراچي کی دیوی وينا په ترڅ کی وویل : -
امریکا دا حق نلری چي دزور او فشار په واسطه سره د افغانستان
آینده حکومت وټاکي .

۲۹ اکتبر، ۷ لړم : دپاکستان داسلامي جمهوري اتحاد
شرانو په کراچي کی یوی غونډی ته د وينا په ترڅ کی وویل
د افغانستان دمسلمان ملت دبرحق مبارزی او غاغلانده
جها دملاتړ ته به په پوره اخلاص او صراحت ادا مه ورکړو .

نومبر :

۴ نومبر، ۱۳ لړم : دروسا نویو هیندوی اعلان وکړ : چي
دنا معلومی مودی پوری دخپلو پوځونو وتل ځنډوی .

۵ نومبر، ۱۴ لړم : د خبرو منا بعورپوت ورکړ چي دهند
دولت کابل ته دخپلو هوایي ټوټکولپول بندکړي ځکه
هوایي ټوټر تل دمجا هدينو تر اورلاندی وی .

۳ نومبر، ۱۲ لړم : د جمعیت اسلامي افغانستان امیر
استاد رباني دا امریکا تلویزونی شبکی سره په مرکه کی وویل
روسا نو دخپلو قواو په ځنډولو سره خپلی وعدی ماتې کړی .

۳ نومبر، ۱۲ لړم : ورور حکمتیار د حزب اسلامي امير دځينو
سیاسي اهدافو په خاطر فرانسه اونورا روپائی هیواد ونوته
سفر وکړ .

۴ نومبر، ۱۳ لړم : دپاکستان دبهرنیو چارو وزیر صاحب

په شدت سره ددینمن دلویی جرگی توطیه څښتی کړی .

۹ سپتامبر، ۱۸ وپی : صاحبزاده یعقوب خان دناپیلو
هیوادونوگهی غونډی ته د وينا په ترڅ دژبوله تړون نه
په څرگند سرغړونی سره دپاکستان برخا وړه دکابل درژیم
پرله پسې بمباریو ته چي گڼ شمیر سیکه خلک پکی وژل
شوی اشاره وکړه .

۹ سپتامبر، ۱۸ وپی : معتبرو خبرو منا بعورپوت ورکړ چي
دکابل دکمونیسټ خلق گوند مشر د محمد گلاب زوی تصمیم
درلوده چي دنجیب پرضدیوہ نظامی کودتا وکړي مگر
روسانو ورڅخه منع کړ .

۲۰ سپتامبر، ۲۹ وپی : دپاکستان دبهرنیو چارو وزیر
صاحبزاده یعقوب خان دملگرو ملتو (۴۳) غونډی کښي دکهون
په وخت دیوی مرکی په ترڅ کی وویل : د افغانستان موضوع
به دپاکستان په وړاندې د یونوکی لومړی موضوع وی .

۱۹ سپتامبر، ۲۸ وپی : د افغانستان په مسئله کی دملگرو
ملتو خاص استاذی کور دویز دیوی وينا په ترڅ کی وویل :
چي دهغو ۳۰ محولست چي په افغانستان کی به یو بی طرف
اوملی حکومت جوړکړي په لاس کی لری مگر دهغوی نومونه
بی وایستل .

۲۴ سپتامبر، ۲ تله : داکتريوسف د افغانستان پخوانی
مدراظم دسی بی سی رادیو سره په مرکه کی وویل :
د افغانستان دواوسنو شرایطو په پام کی نیولوسره دلویی
جرگی دایریدل امکان نلری .

اکتبر :

۲ اکتبر، ۱۰ تله : ورور حکمتیار د حزب اسلامي امير دکابل
ښار د غیر محاربوی ښاریا نو په نوم یوه پیغام کی وویل :
مجا هدين دروسا نو عمده ، عمده مرکزونه تر اورلاندی نیسي ،
نه دخلکو داستوگنی ځایونه ، داروسان دی چي دمجا هدينو
دبدنامی په خاطر دخلکو داستوگن ځایونه تر اورلاندی نیسي .

۱۴ اکتبر، ۱۲ تله : دپاکستان دفقید جمهور رئیس صدر
ضیاء الحق زوی اعجاز الحق دیوی وينا په ترڅ کی وویل :
افغانی مجا هدين پرمخپل معنی داسلام پر جگړه بوخت دی او
هنوی په حقیقت کی زموږ دژوندنه د دفاع جنگ کوی .

۶ اکتبر، ۱۴ تله : د امریکا دبهرنیو چارو وزیر شولز دسارک
ټولنی دکه و هیوادونو دبهرنیو چارو وزیرانو له خوا یوی -
جوړی شوی غونډی ته به وينا کی وویل : روسا ن دژبونه
مجا هدي څخه سرغړونه کوی ، اودپاکستان سرحدی سیمي په
څرگندول بمبارد کوی .

۷ اکتبر، ۱۵ تله : دکابل دکوټاکي رژیم مشر داکتر نجیب
په کابل کی دا امریکا مشهور داکتر "ها مر" سره په خبرو کښي
ووویل : چي زه چمتویم دمجا هدينو داوه گونی اتحاد له
مشرانوسره وگورم .

۵ اکتبر، ۱۳ تله : دپاکستان ساعه الاشاعه التوحید و

۵ دسمبر، ۱۴ لېنډی: اکثر و معتبرو خبری منا بعد د مچا هدیو اورو س نو تر منځ مخا مخ خبری د مچا هدیو بریا لیتوب وگاڼه ۱۲ دسمبر، ۲۱ لېنډی: معتبرو خبری منا بیولوه خوا وویل شول چی پدی وروستیو ورځو کی چی روسی قواوی پروتودی زیاتره کمونیستان دکابل څخه د تینیتي په لټه کی دی .

۱۳ دسمبر، ۲۰ لېنډی: وارنتسوف دطایف مذاکراتو وروسته په کابل کی دمزدور نجیب سره ولیدل .

۱۴ دسمبر، ۲۳ لېنډی : دپاکستان جمهور رئیس غلام اسحق خان دپارلمان غونډی ته په وینا کی وویل: دا معاسان د قضی ترسیاسی حل پوری پاکستان دخپلواغانی ورونیو مرسته و ملاتړی اوا سلامی وجیبه گڼی .

۱۵ دسمبر، ۲۴ لېنډی: دتاجا دریس اسنادیرهان الدین ربانی په عربستان کی د شاه فهد سره ولیدل .

۱۸ دسمبر، ۲۷ لېنډی: د مچا هدیو اورو س نو هیئت د دوهم ځل لپاره په اسلام آباد کی دیندیا تودتیا دلی ترعنوا ن لاندی دافغانستان مسئلې داواری په خاطر خبری وکړی .

۱۷ دسمبر، ۲۶ لېنډی: دپاکستان صدراعظمی بی نظیر بوټو د امریکا تلویزیونی شبکی سره په مرکه کی وویل : دافغانستان په باب به دپاکستان پخوانی سیاست ادا مسه و موسمی .

۱۲ دسمبر، ۲۱ لېنډی : ورور حکمتیار د حزب اسلامی امیر د فتحه شوو سیمو د لیدو په خاطر دکترو ولایت خوا ته حرکت وکړ .

۲۰ دسمبر، ۲۹ لېنډی: استادیرهان الدین ربانی داتحاد رئیس دیومطبوعاتی کنفرانس په ترڅ کی وویل : روسانو د مچا هدیو سره دمخامخ لیدوسره سم پدی اعتراف وکړ چی په افغانستان کی یواځنی طرف چی دملت څخه نما شنده کی کوی مچا هدی دی .

۲۱ دسمبر، ۳۰ لېنډی: ورور حکمتیار د حزب اسلامی امیر د ایټالیا تلویزیونی شبکی سره په مرکه کی وویل : موږ زیار

زاده یعقوب خان دیوی وینا په ترڅ کی وویل دروسا نو دا تصمیم چی دخپلو قواو وتل نه وځنډوی ما بوس کوونکی دی .

۳ نومبر، ۱۲ لړم: مچا هدیو په گډو عملیا توره دکابل گواکی رژیم څخه دتورخم سرحدی سیمه آزاد کړه او د اسلام شین بیرغ یی ورباندی وړپاوه .

۴ نومبر، ۱۳ لړم: ورور حکمتیار د حزب اسلامی امیر د بی بی سی راډیو سره په مرکه کی وویل : روسان نه د پوځونو په څنډه ونه دنویو وسلو په رالیدلو سره کولای شی چی قصبه په خپله خوږه حل کړی

۱۹ نومبر، ۲۸ لړم: دملگرو ملتو سرمنشي دافغانستان په مسئله کی خپل خاص اتا دی کوردویزه خپلی دندی ایسته کړ او دافغانستان د مسئلې په باب مسائل یی په خپل لاس کی واخیستل .

۲۰ نومبر، ۲۹ لړم: داروپا دکوبا زار دگدهیواودونوسلو وزیراودنویوی وینا په ترڅ کی وویل روسان دی په چټکتیا سره دافغانستان څخه خپل وتل پای ته ورسوی هنوی دروسا نوله خوا پرېتا ورونویمباری اودسکا دمیزا تلو استعمال هم غیر انسانی کاروباله .

۲۷ نومبر، ۶ لېنډی : د مچا هدیو هیئت دتاجا ددریس اسنادیرهان الدین ربانی په مشری په طایف کی دروسانو یوه لوړ ته هیئت سره چی ورنتسوف مشری په غاړه وه دافغانستان د مسئلې په باب خبری وکړی .

۲۹ نومبر، ۸ لېنډی: دکابل دکوډا کی رژیم مشرنجیب د تره زوی محمدگل په نوی دهلی کی پناه وغوښته اودیسوه مطبوعاتی کنفرانس په ترڅ کی یی وویل : دنجیب رژیم یو گواکی رژیم دی او غیر انسانی اعمال ترته رسوی .

۲۶ نومبر، ۵ لېنډی: دپاکستان دخلکو گوند مشری بی نظیر بوټو دیومطبوعاتی کنفرانس په ترڅ کی وویل : موږ بسو آزاداویی طرفه افغانستان غوښتونکی یو .

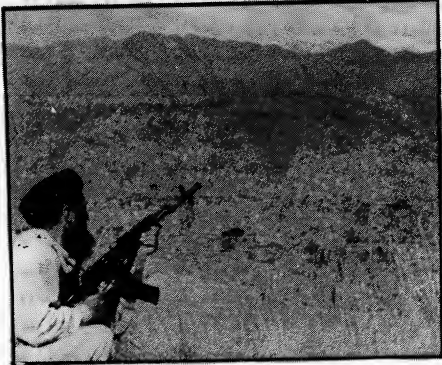
دسمبر :

۲ دسمبر، ۱۱ لېنډی: دپاکستان صدراعظمی بی نظیر بوټو په خپل لومړی مطبوعاتی کنفرانس کی وینا په ترڅ کی دافغانستان په باب دپاکستان دپخوانی سیاست پر تداوم ټینگار وکړی .

۲ دسمبر، ۱۱ لېنډی: ورور حکمتیار د حزب اسلامی امیر دیو وینا په ترڅ کی وویل : اوس چی روسان له مچا هدیو سره مخامخ خبرا تروته مجبور شوی د مچا هدیو تلو په فتحه گڼم .

۹ دسمبر، ۱۸ لېنډی: ورور حکمتیار د حزب اسلامی امیر د بیو وینا په ترڅ کی وویل : که موږ په افغانستان کی اسلامی حکومت جوړ کړو نو لاس به مسلح برېږدو .

۱۵ دسمبر، ۱۹ لېنډی: ورور حکمتیار د حزب اسلامی امیر د یوه مطبوعاتی کنفرانس په ترڅ کی وویل : روسان دپټو سازشونو اورو غوډو له لاری هیڅ هم نشی ترلاسه کولای .





با سوچی لایبرژرنگ دسولی او آزادی په راوستو ختم کړو .
۲۴ دسمبر ، ۳ مرغومی : وروړو حکمتیار د حزب اسلامي امیر
په لاهور کې د اتمانواله خوا د جګه د څخه د ملاتړ تر عنوان لاندې
غونډه کې ګډون وکړ .

۲۷ دسمبر ، ۶ مرغومی : وروړو حکمتیار د حزب اسلامي امیر
د مرغومی ۶ ورځې د غنډې په مناسبت جوړې شوې غونډې ته
دوینا په ترڅ کې وویل الحمد لله موږ دا اشتباه ونکړه چې د
ژبېوله معاهدې نه پس انفرادي او رېښه ونه غاړه کېږدو و
جنگ متوقف کړو او پر روسي پوځونو او دهنوی پر مرکزونو حملې
بندې کړو .

۲۷ دسمبر ، ۶ مرغومی : ټولولو دې ګوندونو په ګډه د مرغومی
شپږمه د یوې غونډې په ترڅ کې وغځېدله .

۲۸ دسمبر ، ۷ مرغومی : دا تحا درئیس استا د پیران الدین
رېانې دیوې وینا په ترڅ کې وویل : په پاکستان او ایران
کې د پرتو جګه دې فوټو تر منځ هېڅ اختلاف نشته او ټول
د اسلامي حکومت دا ستقرار غوښتونکي دي .

۲۷ دسمبر ، ۷ مرغومی : استا د سیاف دا تحا د اسلامي رئیس
د یو مطبوعاتي کنفرانس په ترڅ کې وویل : که ظا هر شاع
افغانستان ته د ستندیدو تصمیم ونیسي نو به خپل ژوند به
لویې کوی .

۲۶ دسمبر ، ۵ مرغومی : د پاکستان د جمعیت علماء اسلام مشر
مولانا فضل الرحمن دیوې مطبوعاتي کنفرانس په ترڅ کې د

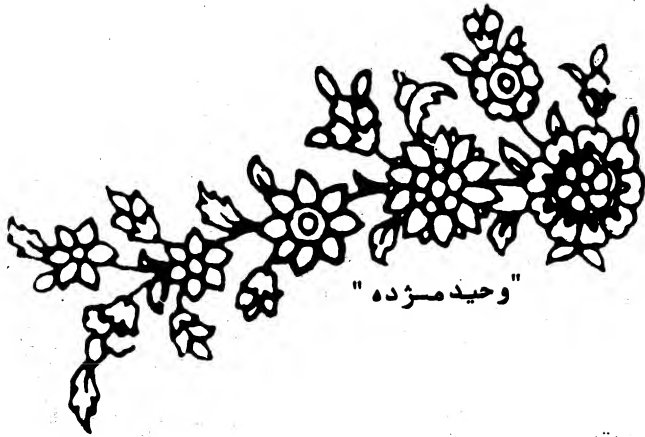
مجا هدینوسره دخپلو مرستو پرتا و م ټینگار وکړ .
۲۷ دسمبر ، ۶ مرغومی : په لندن کې د روسیې سفارت کار
کوونکو مجا هدینوسره مخامخ خبرې وکړې .
۲۴ دسمبر ، ۳ مرغومی : د روسیې د بهرنیو چارو وزارت -
مرستیال ورننصف په روم کې د پخواني مخلوع پادشاه
ظا هر شاه سره د افغانستان مسئلې په هکله خبرې وکړې .



نظر دقیق در جاهلیت معاصر نیز خواهان آن است که راه و طریق چهارده قرن قبل حضرت محمد بن عبدالله ﷺ
که اکنون بعد از قرون متوالی مرکز توجه دوست و دشمن شده است ، باز دیگر در جهان پیاده شود این راه به گذشته
زمان تازه شده می‌رود و نقش قدم رهگذران آن آناً فاناً برجستگی و رونق پیدا میکند - بهاری است که خزان ندارد و
کاروانی است که به سعادت منتهی می‌شود ... ما با جهانی از آرزوها و افتخارات بزرگ در راستای همین دعوت قرار داریم
و هدف ما از بزرگداشت میلاد رهبر بزرگ ما نیز همین است .

امروز که نهضت جهانی اسلام با شکوفایی هر چه بیشترش ارکان جاهلیت قرن را به لرزه در آورده است در واقع
توجیهی است جهانیان را به انگیزه میلاد حضرت محمد مصطفی ﷺ و تطبیق شریعت خدای او در کره زمین - خداوند
ما را درین راه توفیق نصیب کند که زندگی ما ، زندگی مجاهدانه باشد و نصب العین ما تطبیق اسلام عزیز در جهان ،
و مرگ ما مرگ شهادت - ما به همین امید زندگی میکنیم .
«ربنا افرغ علینا صبرا وثبت اقدامنا والصرنا علی القوم الکافرین» .

(آمین)



سمنهائی از خوتبهار

ستیزان

تا که غارت در چمن پائیز غارتگر گرفت
 خرمی از باغ و گلشن رفت و دامن بر گرفت
 آتش بیداد کشت بزرگ را پاک سوخت
 خاک از سوز شرارش گرمی مجمر گرفت
 زندگی یکسر لگد کوب هجوم مرگ شد
 خاوران تا غرب را توفان ویرانگر گرفت
 بستر خاک سیه شد خوابگاه مردمی
 کوخروش "لا" به ضد سلطه کافر گرفت
 آتش از بس دود این پیکره گردون برکشید
 راه نور مهر بست و جلوه از اختر گرفت
 حمله و رشدهایش اهریمن بسوی قدسیان
 حزب شیطان راه بر آئین پیغمبر گرفت
 خون از رگهای بس بریده این خاک رفت
 خاک و سنگ از گرمی خون، گرمی دیگر گرفت
 از هجوم دشمن غدار بر این سرزمین
 چهره هر چه طراوت داشت خاکستر گرفت
 بوی باروت آمد و بر عطر سنبل چیره شد
 تشنه کامی آمد و دامان نیلوفر گرفت
 ره به مژگان برد سیلاب سرشک از دیده ها
 آه تا از سینه سرزد شعله چون اخگر گرفت
 گرچه دشمن با و رفتح و ظفر بر خویش داشت
 از قیام ما شکست سخت آن باور گرفت
انقلاب اسلامی ما
 راه خصم تشنه بر خون بست آن ملت گه پار
 راه سیل یورش جنگیز و اسکندر گرفت
 بسته زندان نمی ماند خروش انقلاب
 هر چه دشمن سخت گیری کرد بال و پر گرفت
 افتخار آمد به مردان کشته در میدان رزم
 حیف آمد هر که او را مرگ در بستر گرفت

کریکی جان داد در راه خداد سنگری
 میرم - دیگری جایش در آن سنگر گرفت
 تار جز بر لب شکست از تر دشمن بیدر گ
 رزمجوی دیگری فریاد را از سر گرفت
 کی تفنگی از شهیدی رزمین افتاده ماند
 کردند سیان کی سلاح رزم را در بر گرفت
 از جهاد ما همزم در صف دشمن افتاد
 راه مکرو حیل را آن دیو عصیانگر گرفت
 که سخن او صلح و نه از مجلس و از جرگه گفت
 بر فریب خلق راه مسجد و منبر گرفت
 بر بریت پایه های سلطه اش محکم نکرد
 بهره از افزودن ظلم و ستم کمتر گرفت
 برد مزدوری و آورد باز جایش دیگری
 چاکری گرفت جایش چاکری دیگر گرفت
 جمعی از ملت به هجرت رفت از دست ستم
 روستا و شهر را قومی تجاوزگر گرفت

گرمی وی سایه سقفی هادرین هجرت سرا
 تن ز سوز گرمی اش صد زخم پا تا سر گرفت
 و چه بیرحم است اینجا پنجه خورشید داغ
 تا که از رخ پرده ابر بهاران بر گرفت
 طفلکان آن غنچه های باغ سرسبز وطن
 از تف داغ کوی رئیس غنچه را پر پر گرفت
 شدن نصیب کام این ملت شرنگ دشمنش
 جمعی زین حالت به نفع خویش کامی برگرفت
 آنکه دی بودی به عشرت یا که اندر خواب ناز
 آمد و عنوان میرو قائد دور هب گرفت
 بی هراس از آن دا منگیر طفلان یتیم
 یا ز دستی گر گویا نشکمی محشر گرفت
 زخم ها بسیار خوردیم از دم تیغ نفاق
 لکه ها زان زخم ها تاریخ این کشور گرفت
 دست ها با بیدیم آید که آید و حد تی
 ره به باطل می برد هر کورهی دیگر گرفت
 رخنه ها اندر حما را این حرم آید پدید
 گرمسلمان دست را از دامن هاجر گرفت
 بازوئی نازم که بعد از قرن ها باز گرفت
 برق تیغش از کف عدوان دین خیبر گرفت

کسانو همدغه اهانت آمیزه مذاکراتو ته طبع درلوده او دهنه ملاتړني کولو - او داوړت د پيښور خبره نه معلومېده چې څنگه دافغان ولس دموافقي او حضورته پرته - پردي ددوی دملک سرنوشت ټاکی - خو لله الحمد مونږ داغلطی ونکړه چې ددوی مذاکراتو برخه وال دخپل ملت لپاره دولی او قیم په حیث ومنو او هغوی ته دااختیار ورکړو چې زمونږ په کفالت او وکالت دافغان ولس سرنوشت وټاکی - برعکس مونږ په ټول صراحت او قاطعیت سره داسمذاکرات وغندل او داخبره سواعلان کړه چې هیڅ کله به دهنسي مذاکراتو دنناجو او معاهدو په وړاندې تعهد او التزام ونکړو په کوم کي چې زمونږ دملت واقعي نمایندگاني برخه نوی اخستل .

چې دځکړی او اخلاقي لحاظه غوږ ته ورته او هغه ته مقبول وی وروڼو !

ستاسو په پ یادوی چې د روسی نوځونو سره دځکړی په بهیرکي - په یوه خاص پړاوکي - روسانو زمونږ دجهباتو اکثره قوماندانانو ته داوړبندونو پيښهادوکړ - ددی تطميع اولالچ سره چې داوړبندنلو په صورت کي به روسی نوځونو دتوسرو قومندانانو تر تسلط لاندی منطقوباندی له جلولو نه ډډه کړی او ددوی تسلط په دغو ځایونو منی - دځنو محدود شمیر قومندانانو نه پرت ټولو مجاهدینو ددشمن داخطرناکه توطئه او دهنه مضرات تشخیص کړل ددشمن لالچ او تطبيع دموکد نکړل او داوړبندونو منلو ته تیار نشول

به دهموی په خوبه ټاکل کیدو او یا کم له کمه ددی غیر اسلامي ډلو دموافقي نه پرته به هیچا دافغانستان د مستقبل په هکله تصمیم نشو نیولای . داچې نن گوری ددغو ډلو نوم نشان ختم دی په مقاومت کي هیڅ برخه نلری - دا دهماغه صحیح سمت غوره کولو نتیجه ده .

همداراز دروسی نوځونو دپریښود تیری نه پس مونږ یو ځل بیا لداسی حساس حالت سره مخامخ شو چې باید یوه له دوو لارو څخه غوره کړو یا په خپلو موجوده وساللو او امکاناتو د مقاومت تداوم او استمرار - او یادگاني و مدرنو وسلو په امید بهرنیو طاقتونو ته داستمداد او استعانت لاس اوړدول او د مقاومت « شمار » او « قیادت » داسی غوره کړل چې همدی طاقتونو ته مقبول وی اودهغه په وجه بیدریښه مرستی ته تیارشي - او دمرستو تر رسیدو انتظار ایستل .

ډیرو کسانو دهمدی خبری توصیه او سفارش کولو - خو که مونږ خدای مه کوه - ددی غلطی لیری دغوره کولو اشتباه کړی وی نو یا به اصلاً دا مقاومت نه وو او یا به د مقاومت د شروع او انجام پزیریکه د پردیو په لاس کي وه - او زمونږ جهاد په دروس او امریکا په خپل منځی کشمکش بدلیدو - بیا به زمونږ په سنگرونو کي دتکیرونو خور نه وو - بیا به زمونږ دمجاهدینو شمار په ازادافغانستان کي دمجاهدینو په لاس اسلامي حکومت نه وو ، او دامقاومت به داسلانی امت دایدونو او اسرو محور نه وو . او زمونږی فتح به دنیا والو داسلام او ایمان فتح نه گڼله بلکي ددی مقاومت ټول ستر ستم اختراعات به دپردیو په نامه ختمیدل . او د مقاومت قیادت به دهمه چاپ لاس کي وو

که د سردار داود دگودتائی رژیم په خلاف زمونږ مجاهدینو ، مسلحانه جدو جهد نه وای پیل کړی او درژیم په خلاف کي دمبارزې لپاره ځان ته وی تیارکړی نو دژبه کي دگودتانه پس - مقابلی ته ځان برابرول او د مقاومت شروع کول ممکن نه وو .

که مونږداراز مذاکرات او دهنه نتائج منل وی نو مقاومت به پداسی حال کي ختمیدوچې دتجیب حکومت به دپیره منل شوی حکومت په حیث پاتې وو - او دمجاهدینو او روسانو ترمنځ به دافغانستان دبحران دحل ترنانه لاندی دمخامخ

- که زمونږ پایمان مجاهدینو ددشمن داتوطئه دخپل ایمانی بصیرت په رڼا کي نه وای شنده کړی نو دامقاومت به لاڅو کال دمخه ختم وو . همداراز کله چې دژنیو مذاکرات دمجاهدینو داتشرک نه پرت پیل شول ډیرو ضعیفه النفسه

بیشه شیران افغان افتخار آسياست
کاڅ استعمار از ما رخنه در خاور گرفت



کمونستان په دنيا دارنگه ظلمونه کوي
په ناروا د بي گناه انسان قتلونه کوي
وهل، وژل او ټکول ددوي فکري، اصول دي
د انسانانو قتل عام ته سازشونه کوي
دوي هميشه دنړي سوله گډه وډه غواړي
هسي په دروغو تل د سولي آوازونه کوي
بم ښځوي د درست مخلوق د تباهي لپاره
د انساني خوي او عمل په ضد کارونه کوي
ظريف الله شهيد ددوي د ظلم تريخ يادگاري
چي فرستي يي هم دميني ديدنونه کوي
شهيد ظريف د مدرسي طالب العلم داد ي
چه په مسکا د انتقام سپار شونه کوي
ښکلي صورت او ښه سيرت يي هميشه ياديري
خپل او خپلوان يي دا خلاقو صفتونه کوي
داسي بي شميره بي گناه انسانان دوي وژلي
داسي مثال دي هسي ډير ژوبلي مرگونه کوي
غيرتي وروڼه به يي غچ له دښمنانو اخلي
دغه وعده په ټينگ ايمان مجاهد وروڼه کوي
لوړي ژوري د وطن په اسلامي اصولو
مونږنه ښنگ او د همت ډيرا ميدونه کوي
د کمونست د ظلم چغه په دنيا خوره شو ه
خوانعکاس يي د عمل دا اوچت غرونه کوي
د خدای (ج) د دين دکا ميا بي او ترقي لپاره
مجاهدين ملحدکا فرسره جنگونه کوي
د مجاهد ملت تکبير ته ټينگيدلي نه شي
د تېښتي لارگوري کمزوري شول عذرونه کوي
عاقبت مرگ دي بي له خدايه څوک پاتي نه شي
«ملنگيا رهم دشهادت ځانته سوالونه کوي»



نامه آزادی

استاد "بیرنگ"

آفرین بر بسملی کا و درتپش از خون خویش

نامه آزادی بنوشت بر مستضعفان

ملت ما بود عمری رفته در خواب گران
مردم بیچاره بهر لقمه نان در بدر
عاقبت آن شاه فاسد شد فراری سوی غرب
آن غبی بدمست و ظالم طنیت و دیوانه بود
ریخت خون بیگناها را و برزندان کشید
از عملکرد خیانت با خود شد مفسد
تا که روس ملحد او را کشت و برجایش نشاند
خلق و پرچم هر طرف کشتند و بستندی دریغ
در مقابل نهضت اسلام اندر کار شد
چند غنچه و فرقه آخر جانبا یمن گرفت
در ره خون و شهادت این ابر مردان وقت
از فشار عاشقان دین احمد در نیامرد
شش جدی سال پنجاه و هشت از تاریخ بود
با هزاران ساز و برگ جنگی عصر اتم
زین عملکرد سپاه سرخ وحشی هر طرف
نعره تکبیر مردان خدا بیدار ساخت
در همه شهر و دیار و کوه و صحرای وطن
شیر مردان مجاهد با توکل برخدا (ج)
دمیدم امواج خون بیگناها را شد فزون
از زبونی آن جبونان طرح تذویر دگر
آفرین بر همتای ملت یکتا پرست
آفرین بر جان سپاران دین حق
آفرین بر کاروانهای به هجرت سوی دوست
آفرین بر انقلاب پرکوه در جهان
آفرین بر خاکسارانی که آب رفته را
آفرین بر بسملی کا و درتپش از خون خویش
آفرین بر آنکه استعمار و حش را شکست
آفرین بر آن شهیدانیکه جان پاک خود
آفرین بر والدینی که نمودند تربیت
آفرین بر اوستادانیکه با خون جگر
آفرین بر آنکه روز و شب ب فکر حق بود
آفرین بر آنکه دیگر تفرقه یکسوزند
آفرین بر آنکه طرح دولت قرآن کنند

در شکنج پادشاهی بی خبر از یمن و آن
اهل دولت جمله در عیش و نشاط از رنج شان
ملحدی برجای او شد بی سخن از خانند
کینه دیرینه داشت با نهضت مادر نهان
پیشتر از آن مسلمان را بدست کا فران
اعتماد خویش از دیت دادند و روسیانی
کودن دیگر بنام پیشتر از خلقیانی
هر که را دیدند در حال قیام و یسا اذان
ساخت یک، یک کا فران را جانب دوزخ روان
با مجاهد همره و همراه زگشتند همچو جان
یا داد آوردند بر عالم صدر اسلام را عیان
پرچمی ها در فرار و خلقیان شد در فغان
یکصد و پنجاه هزار از ارتش کفر جهان
بر خلاف عهد و پیمان حمله کردند ناگهان
غربیان ما یوس و اهل شرق شدند در خوف جان
مردم خوابیده را از بستر خواب گران
جان بکف مردانه در میدان شدند پیرو جوان
حمله کردند روز و شب بر لشکر طاغوتیانی
تا شکست آوردند در کاخ ظلم بی گمان
بر طلسم صلح آوردند با سست عنصبران
آفرین بر غیرتای امت آخر زمان
آفرین بر قهرمانان نبوت امان
آفرین بر ساربانان نبوی لا مکران
آفرین بر پیشتر از آن برزم ملحدان
باز در جوی قدم با خون خود کردند روان
نامه آزادی بنوشت بر مستضعفان
با اروپای برهنه همچو شیر نیستان
بر رضای حق سپردند در نعیم جاویدان
عاشقان و عارفان بر سیرت پیغمبران
نقش بستند خط توحید در ضمیر مومنان
آفرین بر آنکه دارد مذهب روشن لا
آفرین بر آنکه گپرو راه وحدت بیگمان
آفرین بر آنکه قانون خدا خواهد ز جان

آفرین بر عارفان مکتب وحی منیـــــــــــــــر
 آفرین بر جان پاکش هرنفــــــــــــس
 آفرین بر آن مسلمانان که بی رنگ و ریـــــــــــــــا
 چون ضیاء الحق بگیرند دست مظلوم رایــــــــــــگان

نوره او تر خد دلو خره

"شفیقی"

بهرادی وړل ، چل یی راوښه نوری که خدای (ج) کول
 پرما .

چل مل نه غواړی دادی زه یی همدلته درته برا بروم ، کرار
 یی یوسه اوچی درته ویلی می دی هلته یی په یوه مناسب
 وخت کی کیږده . بیایی زور زیاته کړه :
 هوفکر به کوی چی بیا په خپله هغی ته ور نږدی نشی ، او کله
 چی هغه راغی ته به له کوټی وزی هرڅنگه چی کیږی په کوټه
 کی به نه پاتیږی یوه شوی ؟!

رحیم ښه ده وویل اوسدی وخوځاوه .
 لږ شپه وروسته رحیم ترڅا درلاندی هغه ښان پټ وروسته
 واخستل او دلویی کلا ددروازی په لوری ستون شواو مجاهد
 هم دگڼوونوپه منځ کی نری لوړه ونیوه او دکلا وروړولری
 شودشپي په درانده سکوت کی او دکلا دبرجونوله منځه د
 پیردارانو خبرداراودریښاری خوځودقیفی وروسته په
 منظم ډول اوریدل کیدی .

لمرښه تودشوی و چی هغه دکوټی کړکی خلاصی کړی ، په
 داسی حال کی چی اوږد اوږغیده او حوله یی واره کوله
 کوټی راووت ، دبیگانی نشی آثار یی لاهه سترگوکی پاتی
 وو ، له ارگمیوسره یی یوسوړاوبدیوی له خولی خوریده ،
 رحیم ته یی په آمرانه لهجه وویل :

بستره می ټوله کړه ، کوټه دی چی جاروکړه بیا یوچا ی را
 دم کړه .

درحیم له بوټانو دیوهربل وهلو نه چک غږ پورته ځولاس یی
 پورته کړ اوښه صیب په ویلویی په درندوگا موندو کوټی
 څخه ونیوه هغه دکوټی پوځولی ټی په بیره جاروگرځوله خو
 دسترگو په کونجوکی یی دکلا په منځ کی څو تنه عسکرا ویو
 ماشیني ظابط ترنظرلاندی نیولی ووچی هسی بی هدفه
 یوه اوبله خواگرزیدل .

یوځل له کوټی ووت او په کوچنی دهلیزکی یی دمرمیو د
 خالی صندوقونوله منځه بیگانی پلن ډبی اوسیمونو
 راوختل په غورسره یی دبستری اوچپرکت ترمنځ کیښودل

دلویی کلاله برجوتونه دپخوا په شان دپهره دارانو ، درېږ
 اوبا خبرچینی اویونیم دوزغوبه اوریدلی کیدل اودشپي
 په سکوت کی دشمال له نریوڅپوسره ترلری ځایونوپوری
 رسیدلی کله چی دکلا دروازه خلاصه شوه مجاهد لږڅه ځان دلری
 پرڅنگ ونوکی گوښه کړ ، پرکلاشینکوف یی یوځل بیا لاس
 وواهه مرمی یی کرارتیره کړه ځان یی ښه تیارکړ او
 دروازی په لوری سترگی څښی کړی .

لږه شپه نه وه تیره چی دسپوږمی په کمزوروړانگوکی یی
 یوسری ترسترگو شوی له دروازی راووت ، یوی اوبللی
 خواته یی ښه وکتل اوبیا دهغه په لوری ورووروړنږدی
 شو ، مجاهد له ځانه سره وویل :

هو ! پخپله رحیم دی ، بیایی دا احتیاط لپاره وروغوندی
 دری ځلی یوډول مرغانوته ورته شپیلی وکړ .
 عسکرهم دهغه په ځواب کی دری ځلی ورو وروچکه ووهله او
 له دی سره مجاهدونوله منځه راووت ، درحیم چی سترگی
 ورباندی ولگیدی ورغی اودواړه بیرته دونومنځ ته ننوتل
 اوکرار کراری خبری پیل شوی .

مجاهد : رحیم جانه څوک خوبه دربانندی پوهیدلی نه
 وی ؟!

رحیم : نه نه انشاء الله بوی به هم یونسی بیغمه اوسه .
 ښه وروړه لیرا احتیاط به کوی چی دربانندی ونه پوهیږی چی
 یو خوبه پلان افشاشی بل خودی خدای (ج) که دا دبریزنف
 زامن یوه لزه ژوندی پریږدی .

زه خپل کوښښ کوم خوچی خدای (ج) کړی وی هغه به کیږی
 ښه رحیم جانه غور دخلاص کړه ، دلته ښه وگوره ما خودغه دی
 خپله وعده ترسره کړیده ، ورویی دیو دستمال غوټی خلاص کړی
 یو پلن غټ غوندی دی څومتره دبرق مزی اویوبل اور د
 پلاستیک غوندی شی یی تری زاواختل .

رحیم جان پری ورته پټ شواو دونوله پانونه دسپوږمی په
 تنوړلویدلوړانگوکی ټی په سیمونواو ډبی سترگی ورڅښی
 کړی .

دغزنی ولایت دغنخان علاقداري دخروار اوږده دښته ده
وردگودشني زلمه شني اوزرغوني دري څخه بيلوي، پخواخو
دخرواردښته چه من للميوئي خروار حاصل ورکا وه دلرو برو
کليود للميوکرونده اودسرگردانه کوچيا نودغوشيو اوورخو
تم ځای و .

پدی وطن له روسي يرغل وروسته دالميو او کوچيانو امنناک
خروار داسولي اوکليوالي ژوري دوستي مظهر دوطن حريت
خپلواکي او عقيدې دسربا زانو او غازيا نودستريوا وستو
مانه کاروانونو او قافلو په وړاندې دروسي وحشيا نود
غلچکيو داړو، شکونو او وژنو په وحشتناکه جزيړندل سو
دالميو شني کړوندي، په غاټول اوړيدی گلانو پوسلي لوړی
ژوری نوری دخپل هميشني ملگری شپانه او پسي چارو لي
لاس تناکي بزگر په هجران کی ورو ورو شاپي او خاره کيدی ،
دشپنودمینه ناکو شپليواو دبزرگرا نودا وشه او ووه خوږو
خوږو چيغو او آوازونو نورځای دروس کوما ندويا نوددوی دوی
دشمن دشمن پردیو چيغونو بلده گي پيدا ، روسي کلاشکو ف
د زواو دگنشیف هلي کوپترو درزهار ته پرېښود .

دخروار زرغونی او ارغواني دښتي چه دتجا زواو يرغل د
تپوسانو او داډه مارانو پليدا و پردی قدمونه ئي په خپلي
پراخي او امننا کی غيږی کی نشوای زغملای فقط يو کال
وروسته ئي دکرکی نفرت او احتجاج په دو دالميزاري شاپي
کړی . دغيرت او ميړاني ستره لمن چه نورکله شپنوکړوند
گرو لارويو اوکليوالوته دآرام اوسترگي دپيدوځاړه ،
اوس يوازی هغه سرتيرو دلته دتجا وژدښي په ناقرا ، زړه
کی سرونه ايښودای شوای چه دوطن دی مسروری دښتي نه
ئې دتن ويښی ورکولی اودتوری شپي په تور زړه کی ئي د
خپلواکي دسپاون اودمجاهد افغان ولس دژغورنی په شکل
دآزادی سيڅه لار ايستله ، اودروس وحشيا نودد اړواونيول
شووکمينو . نوله منځه څخه يي په جرات او ميړاني کاروانو
نه تيرول .

پدی کسره وږه دښته کی چه کلی هم ورڅخه ددری دري ساعته
پياده لری والی مسزلری اودخروار وروستی کلی کوتل
اوکلی سبزی ته هم پوره ۶ ساعته مزل وودغازيا نوهم
کاروانونه چه دهيو دشمالی ولایا توتله تلل ، هميشه غلطيدل يو
لاره ئي ورکوله . دسيمي دخلکولاریښونی اومرستی پدی
دښته کی تريوستريواونا بلده غازيا نوتو ژوند بښلوا وهغو د
ته ئي نوی ساه ورکوله . خو هغه شان چه لدی اوړدی او وحشتنا
کی دښتي څخه تيريدلودزمری زړه غوښته او ترځان تيريدنه
همداسی پدی دښته کی دکاروانونو بدرگي اوله هغوی سره

ملگرتيا هم قوي ايمان له وطن او خلکوسره ژوری مینی او
دستريو غازيا نودسپڅلی آرمان ستردرناوی ته اړتيا لرنه .
دخرواردنعمتی دکلی ځوان شپون سورگل دجهادله پيله
يوله هغوکم شميره موه منو ځوانو نوڅخه ووچه دوحشتونو ،

توشکهي داسی ورباندی پری ايستله چی څوک نه پوهيدل
چی لاندی څه شی تری ايښودل شوی دی .

يوئل دکوتی وره ته ولاړ او په چپرکت يي نظروا چا وه چی نه
ډاډه شو جارویی راواخسته اودغولی په جاروکولویی ځان
مشغول وښود دکوتی دجاروخاوری يي په يوه ټوکړکی راټولی
کړی اودهغه دراگ په استظار جاروپه لاس ولاړو ، چی دهغه د
ټوخی غږ شورحيم له جاروکړوخا وروسره له کوتی راووت ،
په کوچنی تنگ دهليزکی دواړه سره مخامخ شول هغه يو ځل
بيا دچا يو په باب فرمان صادرکړ او رحيم جان ورته دښه صيب
ځواب ورکړ او په بيړه بيړون ته ووت .

خاوری يي دکلا ددروازی ترڅنگ ديوال ته نږدی وځنډلی
اوبيرته دپخلنځی په لور روان شو ، ترسترگولاندی يي
دهغه دکوتی په لوری کتل ، يو عجيب شاته حالت ورباندی
راغی لاسونه يي لږزيدل ، زړه يي په سينه کی داسی ټوپونه
وهل چی تابه ويل بيړون ته وتل غواړی په تندی يي یخی
یخی خولی راماتی وی چی ناڅاپه درزشو اودهغه له
کوتی څخه دتورودودونويوه توره او ترخه لوڅه راووته ،
رحيم يوه اوږده اوآرامه ساه واخسته تابه ويل چی
ديوه لوږغره سرته وخوت يايي له اوږونه يودرونه پيټی
لری شواوڅه شيبه پس رحيم جان بيا دغوښواوهلوکوپه
سوخيدليواو حبيدليو توکي وولاړه .

پای



دوحدت ليکنه :

دادړنگ او په وينو لژنده هيواد دښتي اوميری، هسکی
او ټيټی وی چه په خپله پتمنه غيږکی ئي په نازلوی شوی
ماشومان ځوانان کړل اوځوانان ئي اتلان وروزل او بيا
ئې ددی سترو بچيانودشهادت اوشهادت دغولی وياړونه
ترلاسه کړل، هغوی چه ددی وطن دعيفی اومحبوبی مور
پاکي شيدی رودلی وی دوفادو صداقت په دودئې په
اتلټوب اوځوانمردی سره پدی خلکو ، خاوره او وطن سر
کيښود، ځکه خونن زموږ دعظمتونو جنه پداسی سترشان
او غرور سره رپيږی .

ورپه غاړه درانه مسئولیت هم دا نژدی کلی هم کورا و هم خپله زړه مورنیک بی بی تروری هیرکړی وو. سورگل بله ورغ د ماسختن به لمانځه کی دکلی مشرانو ته د لمانځه له دعا وروسته په پوره ادب او عاجزی داسی وویل :

ملا صاحب ، میربت کاکا ، حاجی صاحب او خان میرلالا !
تاسو دکلی مشران هم شی اوزما دپلا رپه غای هم .
ما ۸ کاله ددی کلی شپنی وکړه ، زه تاسو دزوی په څیرونه - ولم اودزوی په څیرمو په غیرت پښتون ولی اسلامیت او دینداری کی لوی کړم ، زه اوس ترخپل کلی پدی کلی کی خوښ یم ، دامی دوهم کوردی ، اوتا سومی پلرونه ، ما به کله هم ستاسی شپنی نه وای پری ایښی ، خوملا صاحب ته خپله پوهیږی چه جهاد فرض دی او خان میرلالا تاسو ته معلومه ده چه پدی وخت کی چه په وطن روسا نویرغل کړی ، خویندی میږدی مووژنی ، کورونه موړنگوی اوتا سووینی چه پدی لنډه دښته کی هره ورغ غومره ځوانان خپلی ځوانی خاوری کوی ، نواوس کله زما غیرت اوزما ایمان اجازه راکوی چه همدا به زه وم او همدا به شپنی ! که لمر له ښی خواراپورته کیږی او که له چپي ! آخر زه هم ځوان یم ، ما هم ددی وطن د مورشیدی رودلی دی ، چه زما په سل گونو ورونه مری او پدی پتمنه لار کی سرونه ورکوی ، زه خودی سل ځله ومړم .

دکلی مشرانو چه دسورگل شپانه خبرو په حیرت کی اچولی ووله لږڅه سکوت وروسته شی وویل : سورگل رښتیا وائی سورگل حق وائی ، سورگل چه پوهیده چه کلیوال لده سره موافق دی نو شی ورته وویل چه زه نورمه پرېږدم او دغی نږدی لنډی د شتم جبهی ته غم اودهغوی سره یوځای ددوی تر مشری لاندی په خبر سره جهاد پیل کوم . که ژوندی وم دزوی پشان به مواحترام او پوستنی ته راځم او که می پدی لار کی ککړی وخوړه اودتن وینی می توی کړی دوطن خلک به هسکی غاړی راباندی گرززی اوستا سوشملی به تل جکی وی ، ځکه دعزت اوننگ خوهما لارده .

سورگل له کلی او کلیوالو رخصت واخیست دپښونی ډانگ پلاس کی د شتم دجبهی په لار روان شو ، تورا وځوانی څښی شی دپسرلی دکښتونو په څیرنری باداړولی رااړولی اود سیمی دغیرتمنوشا زلمودوغونډیدو مرکز هم را نژدی کیده . سورگل د شتم جبهی ته ورسید دهغه غښتلی ځوانی دلته دوطن له نورو اتلو پچیا نوسره بیله ښکلا درلوده ، هغه ته ټولی ځوانی غیږی خلاصی وی او هر مجاهد په خپل وار زړه ته نږدی کاوه . د سورگل په ژوند کی دا ورغ چه دی دلومړی محل لپاره دتاریخ دا تلاتا نوا ونومیا لپو په ډله ورگډشوی وودنوی ژوند پیلاموه ، سورگل د شتم دجبهی مجاهدشواو ملخی ټوپک شی ورکړ ، سورگل د شتم دجبهی د قومندان مولوی شفیق الله په مشوره بیرته دنعمتی کلی ته راولیږل شو ، ترڅو دخپل پلارد غریبی په خاطر شپنی هم وکړی اودخروا رپه دښته کی

کمینوه ، تیارواو ویرونو پدی اوږده دسته کی شی دبیلو بیلو ولایا تواسیمودغاړیا نو ستړی اوستومانه قافلی د تورو شپوا ونروپمیوپه هیبتناک زړه کی تر ځنځان پوری بدرگه کولی اوله هغه غایه دوردگودشتریزدري ته اوښتلی .

دنعمتی دکلی ځوان شپانه به دورځی خپله رمه ددی کلی په لوړو ټیټو غنډیو کی پوله ، ترقوی مټورا چارپیرشووی ځا درکی به شی درنه پتیره ونغښتله ، شین آسمانی پټکی به شی چه دشپرکلن لمر ورا نگوڅ پرگزولی ووترنگوبنگو څپوداسی تا وراتا وکړ چه هروله به شی دغیرت اومیرانسی تاریخ تمثیلاوه ، درنی خپلی به شی پیوته واچولسی ، لمونځ به شی دکلی په کوز کاریزه وکړل ، وروسته به شی خپل دښپونه ډانگ راواخیست اورمه به شی راوه ایستله .

دسورگل د ډانگ په ټکها ربه دکلی خلک دشپي لهدرانه خوبه پاخیدل او پدی ډول به دغم اوویر شپه سبا کیده . سورگل شپانه به خپله رمه غونډه کړه او دکلی په نژدی هسکو ټیټو غونډیو کی به شی کښته پورته پوله ، دسورگل په جگه ونه قوی مټو تورو سترگو ، هسکو ورځو ، چنگک چنگک ښهو ، شخا و نریو بریتونو کی نه یوازی جسمی ښکلا بریښیده ، بلکه ایمانی خواک اود عقیدی زیورهم پکی له ورا په خلا کوله . هغه چه داسلام الف او ب شی دخپل پلارنی کلی کوتل په لمبه شی جومات کی له خپلی مشری خورگل سیمی سره د جومات له ملا صاحب څخه زده کړی وواوپه دین او وطن خلکو اوولس ننگ شی دنیکونو میراث وو تل دی ټکی سخت ځوراوه چه دجهاد او وسلوال سراسری پاڅون پدی تاریخی دور کی ده توربریتونه اوموئ منی منی دیوه واړه کلی شپنی زړوی ، کله به شی چه دنعمتی دکلی د غنډیو دپا سره رمه پوله ، دښپونه په ډانگ به شی تکیه وکړه دوطن او خلکو دتاریخی غم او غمی په چورتونو کی به ډوب شو .

ده به ځوانی سترگی چه تردوربین هم تیزی وی ټوله ورغ لاندی خوری وری دښتی ته نیولی وی او کتل به شی چه بیا روسی هلی کوپتر چیری کښینی او چیری دده همزولیو غاړیا نو ته دتوری شپي په زړه کی کمین نیسی ، سورگل به دچورتونو اوڅارونو غمجنه ورغ ما ددیگرکړه اوما ښام به شی خپله رمه دنعمتی دکلی زړی کلانه دپنډیدولپا ره راستله . سورگل به هرما ښام دورځی لپاره اخیستی پتیره سلامت راوړه ، ځکه په وطن او وطنوالو راغلی غم اوناورین له هغه څخه لږه او تنده هیرکړی وو .

شپي او ورځی لانه وی تیری شوی چه نوردهغه ضمیر دوسره ناقرار شو چه ده ته شی دا اجازه نه ورکوله چه نور ځوانان دی توربریتونه ترخا وروړلا ندی کیږی خودی به خپلی ښکلی څښی په شپنی کی سپینوی .

دنعمتی دکلی او کوتل ترمنځ فقط یو ساعت دپښومزل وو ، خوله سورگل څخه دوطن او خلکو غمونواو حوانا نوتسه

د نهمتی د کلي خلک د سورگل په بیره را تگ سره په جا موکي نه غاښيدل . ځکه ددوی وفا دارا خلاصمن شيون ددوی زوی بیرته دوی ته را وگرځيد . سورگل د نهمتی د کلي د خلکو د خبرو نومنيغ وه هغه به هره ورځ کليوالو ته د دښتې حالات را وپل او دمجا هدينود عمليا تو خبرونه به چه ده په دښته کی د غا زيا نوله کاروانو نوڅخه تر لاسه کول د جومات په تبيی سپين پريوته ويل : سورگل بیرته خپله شپني ونيوله خو دا ځل د اشيون يو مجا هديشون وواو په ملخي ټوپک ئی نه يوازی رمه د ليوانو څخه دهميشه لپاره وساتل شوه بلکه د نهمتی کليوال هم ورباندی ډاډه شول . د سورگل ستومانی اوس دوه چنده شوه .

دورځی به ئی رمه پوله او دروسا نوڅا ربه ئی کاوه ، او د شپي به ئی دمجا هدينو کاروانونه تر څنځان پوری بدرگه کول . سورگل له مجا هدينوسره تلورا تلودومره خوښ او مصروف ساتلی وو چه کورئې په میا شتو میا شتو هم نه لیدو . هغه حلورگاله پدی سیمه کی له شپني سره يوځای د غا زيانو ، کښي او تروپميو ملگری وو ، دده پیرکاروانی مجا هدملگری پدی دښته کی ترڅا ورولا ندی شول . او پیری قافلی ئی د شهیدانو په وینورنگ بدرگه کړی . سورگل نور هغه گمنان شيون نه وو ، هغه د گنډو ولایا تومجا هدينو پیژنده اودی په يوازی توب سره دلته یوه جبهه و يوځواک و اويومجا هد سنگر .

شپي او ورځي تیریدلی خود سورگل د سپين پیری پلار سو کا کا روپیو په خیرنه غوږ بیجنه او زړه کڅوړه کی چه د سقاوی په کا لوکی ئی جوړه کړی وه پيسو کو م برکت نه کا وه . سدوکا کا دخپلي گل سيمي دولور روپی د سورگل واده لپاره په همدی کڅوړه کی اچولی وی او هميشه به ئی دا هوس په زړه کی راتا وشو چه سورگل ته واده وکړی ، بالاخره ئی د نهمتی په کلي کی چیری چه سورگل ۸ کاله له جها دپخوا او نژدی څلور کاله د جها دپه دوره کی شپني کړی وه دخان میرلالا لور وکړه اوس سورگل د نهمتی د کلي دخلکولپاره هم زوی دی هم شيون او هم زوم ، خويو مجا هد زوی مجا هد شيون او مجا هد زوم .

سدوکا کا خان میرلالا ته د جوړی په ورځ وويل چه د زوی پښه می نه خلاصوم خوددی په ځای به دا احسان را سره کو ی چه دهغه واده به ژر را کو ی چه زه او نیک بی بی ئی په خپل ژوند خوشحالی تیره کړواو مسافره خورگل سیمه ئی هم چه په کو زخروار کی په گوډلو کی واده ده گوندی راشی او را پری ئی پدی دهنی خسر خیل دومره ظالمان دی چه داسپرم کال دی چه خواره کی واده شوی ، خوترا و سه ئی را پری نه بود ه خوځله می دگوډلو سپين پريوته هم وويل چه ملک توری ته ووا ئی چه داسی مه کړه ، دظلم دنیا ده چا ته وائې ، دملک توری زړه دفولا دودی .

د شپي دمجا هدينو کاروانونه هم بدرگه کړی ترڅو دروسا نوله کمينونوسره مخا مخ نشي ، سورگل دملخي ټوپک دکا رتوسو دروند کمربند تر خپله پلنه ملارا تا وکړ او دخپل کلي کوتل په لور راوان شو ، هغه به چه په هره جگه پورته کیده دکا رتوسو گردنی به ئی داسی وځلکیده چه تا به ويل دسهار لمر څرک وهل .

سورگل دخپلي شپني دښيونه ډانگ د شتم دجبهی د نژدی غاښي په سرد دبرو په ځلي کی ودر او ه او خپل دجيب زغون ريمال ئی دهغه په سرو څړا وه . دښيونه ډانگ او دجيب ريمال ئی دلته دآزادی او حریت دسمبول په حیث رپا نده پريښودل اودی کوتل ته خپل کورته راغی .

کله چه خپل کلي کوتل ته را ورسید د کلي خلک حیران شول چه دښيونه ډانگ ئی څنگه په ټوپک بدل شوی . سورگل له کليوالوسره له اوږده روغ پوروسته دخپل کور په لار روان شو ترڅو د زړی مورا و ملا کړو پ سيدو کا کا پوښتنه وکړی . دکور ددالان په ټيټ وره کی ئی جگ سرخم کړا و کورته ننوت نیک بی بی تروری دملخي په زړه جای نمازناسته وه دماسپين دلمانځه دعائې خلاصه کړی وه او په ذکر او فکر کی غرقه وه چه ناڅا په ئی سترگی په خپل زوی سورگل باندی ولگیدی .

نیک بی بی تروری چه خپل ځوان زوی پوره دری میاشتی نه وولیدلی له خوشحالی سمه جگه شوه او خپل مسافر زوی ئی دهغه له ملخي ټوپک سره يوځای په غیږ کی ونيواو وئسې وپیل :

خدا یه دا خوستا داد دی چه داسی زوی دی را کړی چه نام خدای په غیږ کی نه حاشیږی ، سورگل هم په خندا سره وويل : هوموری دا هم دخدای داد دی چه ما ته ئی دروسا نوکا فرانسو دوژلو لپاره د شپني د ډانگ په ځای داسی ټوپک را کړی چه زموږ ددالان تروره نه را غاښیږی ، پدی ډول ئی د شتم په جبهه کی دمجا هديکيدوزیری خپلی مور ته ورکړ ، نیک بی بی توږی مخ په قبله لاس پورته ونيول او وئې ويل : خدا یه شکر ! ته چه دشپا نه زوی د شپني سوټی په ملخي بدلوی دا قوت هم لری چه دا سورکا فرد دوی پلا س چپه کړی . سورگل له خپلي مور سره له څه رازا و نیا زوړوسته له هغی رخصت واخیست او مور ته ئی وويل چه بیرته می ده چه د نهمتی کلي ته ورسیرم ما هغوی ته ځواب ورکړی ووداسی نه چه بل شيون ونه نیسی ، سورگل د نیک بی بی توږی لاسونه مچي کړل او پټیو ته دخپل ملا کړوب پلار سو کا کا لیدو ته ورغی .

سدوکا کا هم خپلی سترگی په سورگل یخی کړی اوله لمر مجلس وروسته ئی د تلوا جازه ورکړه . مجا هد شيون سورگل د نهمتی کلي ته راوان شو ترڅو چه ښکاریده مورا و پلار ئی پسی کتل . نیک بی بی توږی چه دا ځل سورگل له ملخي ټوپک سره رخصت کړه په زړه کی به ئی دا اندیښنه ورتا وشو ه چه داسی نه چه دا ئی د زوی وروستی دیدن وی .

زموږ د ټول غمجن ژوند یوازنی خوشحالی ده. سدوکا کاکا کورته راغی او نیک بی بی تورې ته یې وویل: انشاء الله چې گل سیمه به راولیږي ته ژر ژر دوا ده تیاری نیسه! د مشرۍ خور څلورمه وه چې دکوټل کلیوال په ورا باندې د نعمتی کلی ته چیرې چې د سورگل شپنۍ هم وه او سرخیل هم راغلل د سورگل رهم پدی ورغ د کلی هلکا نو پوله ځکه سبا دده واده وو نیک بی بی تورې چې له پوی خواد تلونه وده و له بیلې خوا یې په کورکي څوک ندرلودل له ځینو سره نه وه تللی، هغه په خپل کورکي پاته شوه.

دا دریمه میاشت وه چې نیک بی بی تورې سورگل نه وولیدلې ځکه هغه له شپنې او مجا هدی نوسره شپه او ورځ ناکراره و سورگل چې شپه او ورځ دمجا هدی نه وه کاروانونو سره اخته و دوا ده په ورځ هم څومره زیات نه ووه و زگار.

سدوکا کاکا سورگل راوغوښت او دده د سرخان میرلالا په کورکي یې ورته وویل چې نوی کالی واغونډه، سورگل وویل: پلاره درې ورځې لانه کیږي چې په کاره خوږکی پنځه تنه د بلخ مجا هدی شهبان شوی دهغوی وینی تراوسه ندی وچي، زه ځنگه زړه وکړم چې نوی کالی او دوا ده کالی واغونډم او لاسونه په نیکریزوسره کړم، د سورگل سرخان میرلالا وویل:

زویه! خوشحالی جدا وه غم جدا! دا د کلی رسم و رواج دی. سورگل په ډیر ادب وویل: زه پوهیږم، خواوس تر ټولو ستر اولور رسم و رواج دادی چې سپیری شوی په گردن پټ، ټوپک په اوږه په سنگرکي سړی ولاړوی او یا د شهادت په نیکریز و لاسونه سره کړي، د سورگل او دهغه د سرخبري لانه وی خلاصی شوی چې سړی راغی او سورگل ته یې وویل چې د شپې دمجا هدیو کاروان راځي اونا بلده دی جبهی احوال رالیرلی چې ته یې ځنگان پوری بدرگه کړي. سورگل چې دا خبره واوریده ټوپک یې راواخیست، لمر مخ په ژړیدو ووله پلار او سر څخه یې رخصت واخیست او ووی ویل ایله ورسیرم، زه په هیڅ

صورت نشم پاته کیدای دورځی هلی کوپتر هم گرځیدل خدای مه کړه چې مجا هدی په کمین و ربرابر نشي، تا سو پوهیږي او واده، خوزما دوی خبری و منی. یو دا چې موږ هره شپه پدی لار د شهیدانو د غم ولی وړو، دا به ډیر شرموی چې تا سو دورځی دوا ده او خوشحالی ډولی پری یوسی. که زما منی ناوی په ډولی کی موږی همدا سی یې په ټکری کېوسی اوس د ډولی وخت ندی، اوبل دا چې زما مسافره خورگل سیمه خوتراوسه هم نده رارسیدلې چې هغه پاته نشي، لکه چې د ملک توری زړه هم دهغه د خلقي زوی په څیر یې رحمه شوی.

سورگل لا نیکریزی ډولی خوشحالی او دوا ده کالی یې پریشودل. سدوکا کاکا په ورځو وړخودا په زړه کی وه چې د سورگل په واده به دی د سورگل په ملخی ټوپک څو ږزی کوی، خود سورگل ملخی دوا ده خوشحالی ته خوش نشو، توره غمجنه و او په ده شپه چې پکی د سورگل ناوی سینگا ریدله، دخروا په دښته کی د

کاندی وی چې د ورور په واده کی خوشی را پرېږدی، دا به هم خپل کور و وینی او هم دخپلی ور ویندیا ری خوشحالی تیره کړی، خان میرلالا چې مهربان سړی وو سدوکا کاکا ته یې مخ ورواړ او واورته ووی ویل:

سدو! زما لور ستا لورده ستا زوی زما زوی دی، ستا او زما خوشحالی یوه ده، اوس می درکړي چې هروخت یې ناوی کوی ناوی یې کړه، ولور هم ژر مه را کوه خپل وس ته گوره.

دمشری خور پنځمه دوا ده نیټه وټاکل شوه، په کوټل کی د سورگل د زړې مور زړه له خوشحالی ټوپونه وهل او په ملا کپو پ سدوکا کاکا دکوټلو کلی ته چې په کوز خروا رکی دی لاسه خپلی سپرلی خری سره په خپله مسافره لورگل سیمه پسې لاړ چې د سورگل واده ته یې راولی، سدوکا کاکا چې کوټلو ته دخپلې لور کور ته ورسید په پرریسه گل سیمه یې سترگی ولگیږدی سمدا له یې زیری پری وکړ، گل سیمه چې په زور سره دخپل پلار له کوره منع شوی وه او د پردیسی غمونو سخته ځپلې وه له ډیره دوکه اویې په چیغو چیغو ژړل او خپل پردیس زړه یې ښه تش کړ، د سدوکا کاکا پیوند گریوان د گل سیمې په اوبښو لمدشو او چې کله یې خپل لامده گریوان او مسافری لور ته وکتل دده په سترگو کی هم اوبښی راغلی خو ژړنکی پاکي کړی، گل سیمې وروسته لاس په دعا و نیول شکر خدا په پدی ساعت چې ورور لرم خدا په ته یې ژوندی لری، وروسته یې د کلی درواچ په دودا و د نیک شا کوم لپاره د سورگل دوا ده د نیکمرغه کیدو لپاره په جام کی سړی اوبه را وړی او په سدو کاکا یې وشیندلی.

ملک توری چې د گل سیمې خسرو له سترې مېشې وروسته یې سدوکا کاکا ته د نکور مبارکی ورکړه، سدوکا کاکا زړه ناز و وویل خیراوسی ځکه دی پدی چورت کی ووچه ملک توری گل سیمه پرېږدی او که نه؟ له لږ څنډو وروسته یې ملک توری ته وویل چې که گل سیمه راسره پرېږدی، ملک توری په خپلو کور و بریتونولاس راکش کړ له لږ څنډو وروسته یې سدوکا کاکا ته وویل: سدو! ولاد ډیر خو پوی یاره درسره پری به یې ډم اوس چې کله کله می خپل زوی بدک را په یاد شې زړه می ورپسې و خوږ شي، دا یې څلورم کال دی چې په کابل کی مسافردی اوس غټ منصبدار هم شوی خود کور لار پری بنده شوه دا ټول دی مجا هدی نو د لاسه، وروسته یې په قهرجنه څیره سدوکا کاکا ته وکتل او ورته ووی ویل سدو خبر شوی یم چې ستا سورگل هم اوس پدی کارو کی گوتی وهی، سدو چې په هیله ورته ناست و وپه عاجز آواز یې ورته وویل نه هغه بی چاره یوشپون دی. ملک توری سدوکا کاکا ته وویل سدو! واده ته څو لا څلور ورځې پاته دی ته درځه موږ به یې بیا درولېږو. سدوکا کاکا په خپله سپیره خره پښه را واپوله ملک توری ته یې تر شا را وکتل او ورته ووی ویل ملکه! په ایمان دی و چې گل سیمه د سورگل واده ته راولیږي، زموږ هم دا یوزوی دی او دا بل وروزلری، دا

نعمتی ناوی راځي چه دا ترناوی مخکې خپل کورته ورسېږي
لمرښه تودو وچه گل سیمه او جانان دستر یواوستوما نه
مجا هډینوکا روان ته را ورسیدل . دکا په خو په پېښی د
سیمي کلیوال نه وو خبر ځکه دا خو په ټول کلیو ډیر لری دی .
دگل سیمی لیوړه جانان له مجا هډینو پوښتنه وکړه : ستړی
مه شی چیری ځی . مجا هډینو په غمجن آواز ورته وویل :

خیروسی دوا ده کلی ته ځو . جانان تر ی پوښتنه وکړه چه
هلته څوک پیژنی ؟ د مجا هډینو قومندان ځوان حمیدگل
چه د غمونو په دریا بکی ډوب وو ورته وئیی ویل هو ! وروسته
ئیی سوږ اوسیلی وه ایست ، بیائی وویل سورگل پیژنو
جانان له مجا هډینو را دمخه شو او ورته وئیی ویل ډیر ښه په
موږ پسی راځی موږ هم دوا ده کلی ته ځو .

گل سیمی چه له مجا هډینو د سورگل نوم واوریدنوی یوخل
بیا خپل ځوان ورورا ودهغه ناوی په سترگو کی ورتا وشول او
له ځانه سره ئی وخنډل . گل سیمه له شپړکا له وروسته دخپل
پلار کورته اود ځوان ورور سورگل واده ته را روانه ده ، ور
پسی زحمی اوستوما نه مجا هډینو ددی دورور سورگل او و
نوروشهیدا نودشهادت ډولی را بار کړی دی .

حمیدگل قومندان په جانان پسی چیغه کړه چه وروره د
سورگل کور د رته معلوم دی ؟ جانان ورته ودریدوئیی ویل
هو ! نن دهغه ناوی راوړی موږ هم دهنه کړه ځو .

گل سیمه له اوږده عمر وروسته خپل کورته په خوشحالی چټکه
روانه ده هره شېبه ئی سورگل په نیوکا لیکو کی دناوی له
ډولی سره یوځای په سترگو کی تاویږی او زړه ئی غواړی چه
له خوشحالی همدلته په دښته کی دریی ته لاسونه کړی ، ولسی
خبره نده چه دسورگل دشهادت ډولی لدی سره یوځای کوتل
ته را روانه ده .

مجا هډین او گل سیمه یوځای کوتل ته را ورسیدل ، گل
سیمه خپل کورته لاړه او سورگل ئی دجومات په مخ کی کیښود
د کلی خلک خبر شول چه مجا هډینوشهیدان راوړی ، ټول دجومات
مخی ته راووتل مجا هډینو هئیی چایونه راوړل ، جانان
دکلی سپین ږیرو ته وویل چه مجا هډینو په لاری دسورگل پوښتنه
کوله لکه چه دهغه پیژندگوی دی ، کلیوالو مجا هډینو ته
ووویل نن دسورگل واده دی دیکونه ئی باردی اوس به
انشاء الله یوساعت وروسته سورگل له ناوی سره یوځای
را ورسېږی ، قومندان حمیدگل به کله کلیوالو به وکله هم
دسورگل مبارک جسده چه په پټوکا نوکی نغښتی وواوسپس
خادرئیی ورباندی اچولی وووکتل .

د مجا هډینو قومندان حمیدگل اونوروما هډینو د غمجن
واده اونیکمرغه شهادت دواړی پېښی بدود وحب کی لدلی
حیران پاته ووچه په کوم حرات او کوم زده کلیوال به
خبر کړی چه دسورگل ډولی دناوی د ډولی مخکی رارسیدلی
اوددوی په مخکی ایښی دستر ی اود ږم مجا هډینو ددریو

سورگل په مجا هډینو ملگرواونا بلده غازیانوباندی دیوه ډیر
سخت کمین سره دمخامخ کیدو شپه وه . سورگل چه
مجا هډینو دکا روان راه بلدوودکا روان په مخ مخ کی د مقاومت
دیوه غره په څیر روان و او ورسره دهجوم دگروپ مجا هډینو
دکلاشینکو فونوپه ماشوگوتی ایښی وی ، سورگل داتلا نودرنه
قافله دمرگ له دری څخه دایستلو په لور رهبری کوله .

د غازیانود پښو ترپه را ودا سونوستمیدواو خوریدودتوری شپي
سکوت ماتولو او په دښته کی یوهیبت پروت و .
په نعمتی کی دخوشحالی دریی وهل کیدی خودلته دوطن د
میندو ځوان بچیان اومسافرزان دشهادت په استقبالی
دقیقی شمیری .

کاروان په ډیر احتیاط کاپه خو په چه دکمینونوځای و
کوزشوکا روان لږ شېبه وروسته له کاپه خو په پورته شوڅولحظی
وروسته نژدی پنځه سوه متره له کاپه خو په خوا سورگل مجاهد
ینو ته وویل چه پنځه ساعته وروسته به کوتل ته ورسېږو
شپه به هم سبائی اودورځی به دمی جوری کړی زما توی دی
ډوډی به هم وخورئ بیا به دڅنځان په لور حرکت وکړو ، دسور
گل خبری لانه وی خلاصی چه دهواو لومړی مرمی دکا روان په
مخ کی ولگیده او ورپسی ضربه ډزی پیل شوی ، سورگل د
هاوان په مرمی ولگیدفقط یوازی ئی الله اکبر وویل اویس
دا شپه په کوتل کی دسورگل په کورکی او په نعمتی کلی کی
دهغه په خسر خیلوکی دزلزلی شېبه وه ، هغه زلزله چه څوک
نه پری پوهیدل خودښتی او غرونه ئی خوځول .

نا بلده غازیان له مقاومت وروسته په ټال لړل اوسنگرو
نه ئی ونیول ، سورگل له دوو نورو مجا هډینو سره چه هغوم د
ژوند وروستی سلکی ایستلی وی دکا په خو په هغه غاړه پاته
شول . ډزونیم ساعت دوام وکړ ، نیم ساعت وروسته
مجا هډینو دخپلوشهیدا نودرا وړولپاره په تهاجمی حمله لاس
پوری کړ ، روسانوله مقاومت وروسته خپل سنگرونه خوشی
کړل او په ټال لړل مجا هډینو دری شهیدان راواخیستل د
سورگل شهیدجسدئ دکا روان دقومندان په آس کیښود ، دوه
نور شهیدان ئی په یوه بل آس کیښودل . دکا روان قومندان
حمیدگل دکا روان تر مخ شواو مجا هډینو ته ئی دحرکت قومنده
ورکړه ، ځکه لدی دښتی بایدهغوی په هر قیمت ترسهاره
ووزی . کاروان له څلور نیم ساعته ډیر بیړنی سفر وروسته
دکوتل پلوت ورنژدی شواو پدی وخت کی لمر هم په را ختو و .

دهلی کوپترو ډرزا رشوما هډینوکا روان په یوه ژوره کی
ډدراوه ، هلی کوپتری دکمین ځای ته لاړی اورو سی عسکرئ
پورته کړل بیرته دغزنی په لور لاړی دشهیدانووینو تر
کوتله پوری ټوله لار سره کړی وه ، ځکه خوترننه هنی لاری
ته دشهیدانو لار وائی . همدی سهار ددی له لیوړه جانان سره
گل سیمه ئی هم په همدی سهار ددی له لیوړه جانان سره
کوتل ته راو لیږله ترڅو دخپل ورور سورگل واده ته ورسېږی
گل سیمه په بیړه بیړه را روانه وه ځکه ماسپینین ته له

کا کا چه دزوی دوانه خوشحالی ئی کړوپه ملاسمه کړی وه پسه
بیره راوپاندي شواوونئ ویل : زه ئی پلاریم ، قومندان
دسوکا کا زیره لاسونه مچی کړل بیائی مجا هدیوته مخ راواپوه
چه دقهرمان پلار دادی . وروسته ئی سدوکا کا ته وویل :

پلاره ! وویاړه چه یوه ډولی دی دوی شوی .

پلاره ! دسورگل دواوه مبارکی هم درته وایم اودهغه
دنیکمرغه اوسترشادات مبارکی هم .

دسورگل پلار سدوکا کا لدی خبری سره په ځمکه ولوید ، ناوی
لاهنوز دسورگل دکورپه مخ کی نده کوزه چه حمیدگل قومندان
دریش ولاروپه ډوروپتو مجا هدیوته وویل !

دشید سورگل دواوه خوشحالی لپاره اودسیمی ددی ستر
قهرمان اواتل بچی دتاریخی شهادت په ویالړ لومړی ضربه
اوربیل !

دحمیدگل قومندان پلاس کی دسورگل ملخی و اولومړی
پز هم حمیدگل په همدی ملخی ټوپک وکړ .

دمجا هدیونو ډوروا دریوگنهی گوڼی دسورگل په شهادت
ښځواونارینو وخبریدودغم اوبادی صحنی سره یوځای کړی او
هغه شیبه دکوتل له کلی داسی ځورپورته کیده چه تابه
ویل قیامت شو .

دداستان پای ۶ جدی ۱۳۶۷

جنازومخ ته ناست وی چه دسورگل دنادی ډولی ترغونډی
راښکاره شوه ، دسورگل دپردیسی خور گل سیمی طاقت ونشو
اوغوښتل ئی چه که څه هم دجومات په مخ کی شهیدان ایښی
دی خودا باید دخپل یکه ورورسورگل په واده دریوه ووی ، خود
کلی خلکومنه کړه ، دسورگل ډولی رانژدی کیږی اوددیریو
غږونه هم پورته کیږی ، شابک کا کا چه دمجا هدیونو څو ! ن
قومندان حمیدگل له توروسترگوراوانی اوښکی ولیدلی
غږئی وکړ هلکانو ! وروسته کړی ورا ته ووا ئی چه درئی
بندی کړی ، دلته دغم ډولی هلته دخوشحالی !!

حمیدگل قومندان په جرات سره پورته شو ټوپک ئی له
اوږی راکوزکړ ، اوښکی ئی په شمله پاکی کړی شابک کا کا ته
ئی وویل : کا کا ! پرپریده پرپریده چه درئی ووی ، دا
ډولی اوهغه ډولی دواړی یوه کورته ئی ، ډولی دجومات
مخ ته رانژدی شوه دکلی سپین پیری دشهیدانو جنازوتسه
ولړدی ، دوراخلک چه جنازی گوری زړه نا زړه وړاندی
رادرومی اودریی هم ورووروکړاږیږی ، یوه شیبه ټول خلک
حیران اوچوپ پا ته شول حمیدگل قومندان چه سترگی ئی
په اوښکولمدی وی دمقاومت دیوه غره په څیروخوځیددسورگل
له جنازی څخه ئی دهغه ملخی ټوپک راواخیست وئی کا ته
چه کارتوس پکی شته اوکونه ؟ وروسته ئی دکلی سپین ږیرو
ته مخ ورواړاوه او وئی ویل : دسورگل پلارکوم دی ، سدو

به روس و امریکه دل بسته تاکی
به طمع دیگران بنشسته تاکی
به پروا زآی و پروا زخودی کن
پر پروا زخود بشکسته تاکی

طلسم اهریمن بشکنی ، بشکنی
بهرکوه و دمن بشکنی ، بشکنی
شکنی بنده اسارت های عصرت
شنو حرفی زمن بشکنی ، بشکنی

هزاره قوت و افغان دل ماست
نگر تا جک چراغ محفل ماست
هزاره ، تا جک و افغان نمدار ه
چوهریک هدیه آب و گل ماست

نه شرقی ونه هم غربی پذیریم
که چون آزاده گان بی نظیریم
نیا بیدره بدل ترسی زا غیار
که ما در سایه امن قدیریم

خواجہ محمد صالح "گردش"

دشهادت لور مقام

لیکنه : انجنیر ضیاء الدین "حقیار"



الحمد لله رب العلمين والصلو والسلام على سيدنا محمد خاتم الانبياء والمرسلين وعلى آله وصحبه اجمعين :

د شهيدا وشهادت لور مقام په الهی مقدس کتاب یعنی قرآن عظیم الشان اود قائد المجاهدین حضرت سیدنا محمد رسول الله (ص) په نبوی ارشاد اوتواونورودینسی کتابونکی په ډیرو لویو صفا توستوره ستایل شوی دی چه زما علم اوقلمی توان دهغه دبیان اوتوضیح څخه عاجزی خوکه خدای (ج) مهلت را عنایت کړی پسردي موضوع باندی به دخپل توان اوعلمی قدرت په اندازه سره رڼا واچوو .

شهادت پر ډیرو ډولونو باندی دی چه هریو شی خپل ځانته جلا جلا درجی اومرتبی لری خوتر ټولو لور مقام دهغه شهیددی چه خپل ځان شی یوازی اویوازی د اعلاء کلمه الله لپاره چه پدی مفهوم کینی خاص دخدای (ج) رضا اوخوبی پرته ده قربانی کړی وی دداسی (فی سبیل الله) شهیدانو دابدی ژوند په برخه کینی خدای (ج) پخپل کلام ربی کینی داسی فرمایلی دی :

ولا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله اموات ط بل احياء ولكن لا تشعرون . (البقره ۱۵۴)
ترجمه : " او هغه چاته چی دخدای (ج) په لارکی وژل کيږی مړه مه وایاست ، بلکه هغوی ژوندی دی خوناسی نه پوهیږی " لوی اوتوانا خدای (ج) مویلدی څخه منع کړی یوچه وهغه چاته چی هغوی دده (ج) په لار کینی خپل ځانونه قربانوی (ددنیا تر شپږین ژوند ، ترمال ، عیال دوستانو اوقربیانو تیر یوی) مړه ووا یوهغوی په واقعیت کینی ژوندی دی خوزمو پاحساس

اود اراک دهغوی دژوند په باب قاصد پوی او شعور موبه هغه باندی نه رسیږی (ولکن لا تشعرون)

اصلا" دخدای (ج) په لار کینی په ورپس تندی سره دشهادت قبلولواو ځان قربانی کولومعنی داده چه دخدای (ج) دپس ژوندی اوباقی پاته شی که څه هم خدای تعالی زمور قربانیتونه نیا زاو څه محتاجی نلری اونه هم زمور قربانی دالله (ج) وپا چهی اوقدرت ته څه گټه رسوی خو مسلمان دخپل اسلامی مسئولیت په بناء باندی ودی ته حاضر دی چه دا علاء کلمه الله لپاره خپل ژوند قربان کړی خود خدای تعالی دین ژوندی وساتل شی .

په حقیقت کینی شهید دخدای تعالی ددین سلامتی ده او خپل ځان شی دهمدی هدف لپاره قربانی کړی دی ، کوم مسلمان چه دپل مسلمان سلامتی غواړی نو دخدای تعالی حکم داسی دی چه هغه بل باید دده ډیره سلامتی وغواړی ، نو څوک چه دخدای تعالی ددین سلامتی غواړی او پدی لارکی خپل خوږ ژوند قربانوی نو خدای (ج) به څرنگه هغه صحیح اوسلامت نه ساتی ؟

بلکه ساتی شی خدای (ج) چه خپل بندگان نیکی او وفاء یولی خو پخپله هغه (ج) وفا دارترین اوا حسن گونکی دی ، هیڅکله دخپل بنده قربانی نه ضایع کوی دخدای تعالی پدی باره کینی چه دنیکی جزا نیکی ده فرمائی :

هل جزاء الا حسن الا الا حسن . (سوره رحمن آیه ۶۰)
" نشته دنیکی جزا بیله نیکی څخه " یقینا" الله تعالی خپلو بندگانوته دنیکی په مقابل ډیری ښی نیکی وربښی

کله چه یو مسلمان بنده خپل ځان دهغه (ج) ددین داحیاء لپاره قربانوی نو خامخا به تردی به ژوند دهغه په برخه کيږی اودهغه وجود به له تکلیف څخه ساتل کيږی او همیشه به ژوندی وی .

شهید دقیا مت په ورځ دخدای تعالی غفور ته په هغه صورت سره حاضر یږی په کوم شکل سره چه پر شهادت رسیدلی وی ، کنه څه هم دشهید دقتل پر برخه کینی زمور فکر داسی را ښی چه شهید به دشهادت په وخت کینی په تکلیف وی خوداسی نده بلکه هغه دشهادت په موقع کینی څه تکلیف نه احساسوی ، پدی برخه کینی پیغمبر (ع) فرمائی چه دشهید دشهادت په وخت کینی دیومیری دچپلو په اندازه سره هم تکلیف نه احساسوی .

او همدارنگه قادر مطلق خدای (ج) د قرآن عظیم الشان په بل ځای کینی داسی فرمایلی دی چه شهیدان فی سبیل الله ته مړه مه وایاست هغوی رزق اوروزی لری اودا مطلب په صراحت سره داسی فرمایل شویدی : " ولاتحسبن الذين قتلوا فسی سبیل الله آموات" بل احياء عند ربهم يرزقون . فرحین بما اتم الله من فضله ويستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف عليهم ولا هم يغنون . يستبشرون بنعمة من الله وفضل وان الله لايضيع اجرا لئومئنين .

(ال عمران ۱۶۹) (۱۷۱)
ترجمه : " او پر هغو کسانو باندی چه دخدای

(ج) په لارکی وژل شویدی دمړوگان نه کوی بلکه ژوندی دی دخپل پروردگار له لوری څخه روزی ورکول کيږی دوی دهغه

خبرو اترو سوال نه راپیدا کیدو. همداراز دژنیو د معاهدې نه پس روسانو غوښتل چه په ټول افغانستان کې اوربند تامین شي لویا کم له کمه د روسی فوځونو دولتو په دوران کې حملې ونشي - خو مونږ دا خبره پدې دلیل ونه منله چه له یوې خوا دروسی فوځونو او دنجیب حکومت په موجودیت کې پدې سبب نشي ختمیدای چه همدا دواړه دجنگ دشروع او اداسی اصلی عوامل دی او له بلې خوا مونږ له روسانو سره کومه معاهده نلرو - په څه دلیل جنگ متوقف کړو.

برعکس مونږ فیصله وکړه چه ترهغه ځپلو حملو ته ادا مه ورکړو، روسان دمجاهدینو دشرايطونولوت مجبورشي لودروسی فوځونو ممنوفوتل دداسی یوې معاهدې په ضمن کې ترسره شي چه دنجیب حکومت خاتمه - او په آزاد افغانستان کې دمجاهدینو په لاس داسلامی حکومت جوړیدل تخمین کړی.

الحمدلله مونږ دا اشتباه ونکړه چه دژنیو معاهدې نه پس انفرادی اوربند ته غاړه کښیږدو - جنگ متوقف کړو او په روسی فوځونو له ددوی په مراکزو حملې بندې کړو.

زما وروڼو! ستاسو به داهم په یاد وی چه که روسان دملې مصالحه ترنامه لاندې دانتلاشی حکومت دجوړولو حق خپل پیل کړی - او هرچاته شي پداسی یوه حکومت کې دشوکه بلنه ورکړه څو دایله ومنله او دحسن شرق په حکومت کې ئی دوزارتونو او ولایتونو منصوبه قبول کړل او دروسانو دملگرتیا تاریخي پیښورنې وگټلو خو زموږ باایمان مجاهدینو - په پوره هوښیاری سره ددشمن داخطرناکه توطئه هم شننه کړه

او دنیا ته ئی ثابت کړه چه مجاهدینو ته نه څوک دجنگ په ډگر کې ماتې ورکولی شي او نه دسیاست په میدان کې . وروڼو!

مونږ لدغو ټولو حساسو مراحلونه دالله داحسان او رهنمائی په وجه کامیاب تیرشو . په غلطی لیاری له تلو نه خدای وژغورلو . نن زمونږ جهاد دوروستی بری په درشل کې دی - نن هرڅوک دا خبره مني چه روسی فوځونو له مجاهدینو سره په جنگه ماتې خورلی - ماسکو - افغانستان ته دنوځونو لیرل ستره غلطی گڼي - دی ته اړشو چه خپل فوځونه دافغانستان څخه وباسي .

دابه دروسانو بله اشتباه وی که هغوی ورځی او دنجیب حکومت شاته بی اسری پریږي او مجهول سرنوشت ته ئی حواله کړي ځکه ددوی دولتو نه پس هیڅ څه - دمزدورحکومت بقاء حتی دلنډی مودی لپاره هم نشي تضمینولای، روسان تربل هر چا پدې حقیقت ښه پوهیږي .

همدا وجه ده چه مسکو - دخپل کوداګي حکومت په غیاب کې له مجاهدینو سره مخامخ خبرو اترو ته کښینی دداسی مذاکراتو واضح مفهوم دادی چه نورمسکو دنجیب حکومت له بقاء نه ناامیده شوی او له هغه نه لاس په سرکیدو ته مجبور شوی اوس مونږ دهجاده تاریخ ترټولو زیات حساس پړاو ته رسیدل یو په کوم کې چه د تیر یولس کلن جهاد سرنوشت ټاکل کیږي - پکارده پدې حساسو شیبو کې تربل هروخت نه زیات محتاط او سنجیده قدمونه واخلو - دعجولانه اقداماتو نه ډډه وکړو خپل وحدت ټینګ وساتو - دافغانستان دمستقبل په هکله له

لحانته لحانته تصامیمو او پریکړو نه اجتناب وکړو .

دملک او اقتدار خاوندانک دی چه چاله وغواړی هغه ته به ئی سپاری - لکه چه قرآن فرمائي : «قل اللهم مالک الملك - تؤتی الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعزمن تشاء وتذل من تشاء بيدک الخير انک علی کل شیء قدير - صدق الله العظيم . هیڅوک باید دملت له خوښی نه پرته او دولس رای ته دمراجمی نه ماسوی . دپټې سازشونو له لیاری دقدرت لاس ته راوړلو شوق ونکړی لدی نه پس دمجاهدینو دمواظفې نه پرته هیڅوک پر افغانستان حکومت نشي کولای . کوم چاچه داملک آزاد کړی -

قربانی ئی ورکړی دسروینه ئی وقف کړی . شهیدان ئی ورکړي ، کورکلی ئی وران شوی او حوی ورور ئی ټپي شوی په وینو لیرل شوی او په شهادت رسیدلی همدوی ته باید حق ورکړو ترڅو دراتلونکی حکومت واګی هغه چاته وسپاری چه ورباندی اعتماد کړی او داسلامی حکومت دجوړولو او دشهداوو - کونډو یتیمانو -

زلمی مجاهدینو او خورو ورو مهاجرینو دارمانونو دتحقیق او ترسره کولو استعداد او کفایت په کې گوری . وروڼو!

پکارده پدې وروستی پېرلوکې پدې هکله فکر وکړو چه دفتحي نه پس به اسلامی حکومت څنگه جوړوو؟ - ددی گڼ شپږ جهادی تنظیمونو له منبغ نه پ راتلونکی حکومت چاته سپارل کیږي ددوی ترمنځ به دراتلونکی حکومت په هکله

څخه څه خدای (ج) دخپل فضل څخه ور عطا کړېدی خوشحاله دی، او (پدی لټنه کی دی) څو هڅو کسانوته چې ترشائی پاته دی او تراوسه پوری ددوی سره (پدی خوش حالی کی) ندی یوځای شوی دغه زیری (ورکونکی پیام) ورکړی چه دوی ته هیڅ ویره نشته اونه هم دوی - غمگین کیږی، دالله (ج) له طرفه پر نعمت او فضل دده (ج) سره زیری ورکوی او پدی سره چه الله (ج) هیڅکله دموء منا نواجر نه ضایع کوی .

په پورتني آیت شریف کېني ثابت شوه چی دالله (ج) دلاری شهیدان ژوندی دی او پر هغوی باندی باید ددمروگمان ونشي داځکه چه :

۱- په واضح ډول سره الله (ج) داسی فرمایلی دی چه هغه کسان چه دده (ج) په لارکی په قتل رسیدلی وی هغوی ته باید دمر وخطاب ونشي، هغوی ژوندی دی او د قادر مطلق او توانا خدای (ج) له طرفه څخه روزی ورکول کیږی چه طبعاً روزی د خوړلو او غښلو څخه عبارت ده نوڅوک چه خوراک او څښاک (روزی) ولری نوهغه ته څرنګه مړویل کیدای شي حال دا چه خوړل او څښل دژوند علامه ده او دمرګ علامه نه ده ۲- دپی سبیل الله شهداء و دژوند دوهم دلیل دادی چه هغوی ته دخوشحالی اطلاق شویدی " فرحين بما اتهم الله من فضله " یعنی په هغه څه چه خدای (ج) دوی ته دخپل فضل څخه ورکړېدی خوشحاله دی.

الهی فضل چه الله (ج) دخپلی لاری دنفس قربانیا نوته وربخښلی دی هغوی ددی الهی فضل دبخښلو څخه ډیر خوښ او خوشحاله دی، پدی حالت کی هم خوشحالی هغه څوک احساسوی چی فهم او ادراک ولری د غم یا خوشحالی احساسول طبعاً ژوندون دی، نو دالله (ج) دلاری شهیدان چه دخوشحالی احساس لری نوهغه ژوندی دی او مړه ندی .

۳- دآیت شریف پدی برخه کی (ویستبشرون بالذین لم یلحقوا) " الاخرالایه "

یعنی "زیری ورکوی هڼوکسانوته چه تر اوسه پوری ددوی سره ندی یوځای شوی او په دوی پسې راځی پدی سره چه هیڅ ویره دوی ته نشته اونه هم دوی غمگین کیږی"

مور په هغه باندی نه پوهیږو . که څه هم هغوی په ظاهری حال باندی څه هم مسومېږی او دجنازی لمونځ ورکول کیږی خو هغوی له هغه وخته څخه چه خپل ځانونه شی دالله تعالی په لارکی قربان کړېدی دجاودانه ژوندون ځاوندان دی او مړه نه دی .

اوس دلته دا خبره ده چه ددوی دژوند څخه دقیامت دورځی ژوند مقصدی او که دقبر دوری ژوند مراد دی .

ددی ژوند څخه دبرخ یعنی دقبر دوری ژوند مقصدی داځکه چه :

۱- که چیري دقیامت دورځی ژوند مرادوی چه حساب او داعمالو پوښتنه کیږی نوپه هغه روح باندی خومسلمانان او کافران ټول دحشر میدان ته حاضرېږی او دهرچا د اعمالو محاسبه کیږی چه دا دشهیدانو لپاره ځانګړی او خصوصی امتیازنشی بلل کیدلای نو پدی اساس باندی ددی ژوند څخه دپی سبیل الله شهیددبرخ یا قبر دوخت ژوند (دقیامت دپاڅیدلو تر ژوند دمخه وخت) مقصدی چه شهید په قبر کی ژوندی دی .

۲- دوهم دلیل دادی که چیري بیا هم ددی ژوند څخه دقیامت دورځی ژوند مد نظرونیسونوا صلاً "دقیامت په ورځ خوپه دنیا کېني دشهیدکوم دوستان، خپلوان او نور کسان نشته چه هغه دخپل حال دکیفیت دخبرورکولو آرزو ولری پدی وخت کی هم ټول دحشر پر میدان باندی حاضروی او دمحاسبی انتظارکوی چه پس له حساب په دښو عملونو ځاوندان دالله تعالی په فضل او رحم سره جنت ته داخلېږی او ګنهاران دالهی عدل پر بنه باندی دوزخ ته اچول کیږی .

نوبیا هم پدی اساس سره دشهید دژوند څخه مقصد دقبر دایندولو زمانه بیا د قیامت دورځی دپاڅیدلو تر وخته پوری ده . دشهید بله لویه درجه دا ده چه کوم وخت دحق دلاری شهید په شهادت رسېږی دمخه تر دی چه د هغه روح له بدنه څخه ووژی دده اوالله (ج) تر منځ حجابونه او پېردی پورته کیږی اوالهی دیدار ورپکا ره کیږی چه دالحظه تر هر څه خونندوره ده نو همدادحق دنور لیدل دی چه شهید پس له شهادت بیا دژوند آرزو ددی دپاره لری چه بیا دخدای

په رښتیا سره هم ویره او غم هغه څوک احساسوی چه هغه فکراو شعور ولری د فکر او شعور ارتباط دژوندون دمسئلی سره لازم او ملزوم دی، هیڅکله داسی نشی کیدای چه د فکر او شعور عدم موجودیت په حال کېني جسم ته ژوندی وویل شي اوداسی هم نشی کیدای چه مړی ته د فکر او شعور ځاوند وویل شي، نوشهید چه خپلو بزمانه د ګاڼوته دا زیری ورکوی چه دوی ته هیڅ ویره او غم نشته په حقیقت کی دوی ویري او غم دننه موجودیت په پوهیدلو سره دپوره ادراک، فکراو شعور ځاوندان دی هغه څوک چه ددی شیانوا احساس او فهم ولری هغوی ژوندی دی او مړه هغوی ته نه ویل کیږی .

۴- دالله (ج) دلاری شهیدان بیا هغو کسانوته چه په دنیا کېني ژوندکوی او تر اوسه ددوی سره ندی وصل شوی په کاملاً اطمینان سره ددی زیری او خوش خبری ور کوی چه دالله (ج) نعمتونه او فضل په پوره، پوره ډول سره هغوی ته رسیدلی او اطمینان ورکوی لدی څخه چه الله تعالی موږ ته کامل اجر ونه راکړی دی، دهیچا او هیڅ موء من زحمتونه، تکالیف او اجر ونه ضایع کوی او په دنیا کېني دالله (ج) په لار کېني دهر زیار او زحمت په بدله او اجر په کاملاً توګه سره ورکوی، نو دداسی آرزوګانو او خواهاش توځاوندان (چه خپلو خپلوانو، دوستانو او هڼوکسانوته چه په دنیا کېني ژوندکوی او پدی تمنا سره دی چه ددوی دنعمتونو والهی فضل په ورکولو باندی خبرشي) ځامخا ژوندی بلل کیږی

داځکه چه آرزو او خواهاش دیوژوندی جسم خاصه ده هغه څوک چه ددی امیدکوی چه زما دنعمتونو، اجر ونو او والهی فضل دحصول خبردی ددنیا ونوروکسانوته ورسپړی دداسی خواهاش تواوا میدونو ځاوندان هم ژوندی دی ځکه چه تمنا، خواهاش او امید (حیه) یا ژوندی جسم خواص دی نو پدی اساس سره ټول هغه کسان چه غځېل ژوندی دالله تعالی ددین او نصرت لپاره قربانېکړی وی هغوی ژوندی دی دالله تعالی له طرفه څخه رزق او روزی ورکول کیږی داچه په څه ترتیب سره او څه ورکول کیږی ویسا څنګه ژوندون لری پدی باندی پخپله الله تعالی (ج) علم لری او زموږ علم دهغه له پوهیدو څخه عاجز او قاصر دی او

چه دگنهگاری او جرایمویه سبب ورته پیدا شوی وه هغه ټوله له منځه ځي اودالهي ديدا ردحصول په نتيجه کيبي داسي قدرت اوقوت پيدا کوي چه دجسم څخه دجلالوالي په سبب هم وهغه ته هيڅ نقص نه رسېږي نودالهي ديدار او نور دحصول په برکت سره دي چه روح ته دا توان ورپه برخه شويدي چه له هره ځايه څخه دشهيد جسم تر قيا مته پوري سالم او تازه وساتلاي شي نوپه آخر کيبي دا وایو چه لوی او توانا خدای (ج) دی زموړاودنړی دټولو شهيدا نوښا دتونه دخپل فضل په برکت سره پخپل لوی دربار کيبي قبول کړي او الله (ج) دی دحق دلاری دټولو مسلمانو مجاهدينوپه زړو کيبي یوازی دفی سبیل الله جهاد مقاصد او هدفونه رانقش کړي .

ربنا اتنا من لدنک رحمة وهی لنا من امرنا رشدا .

۴- د قيا مت په ورځ د (۷۲) (گنهگارو) قريبا نوشغات کولای شي .

۵- د (۷۰) حورالعین حوروسره واده کوي .

۶- د قيا مت دروحي دهیبت او تکلیفه څخه خلاص وي .

۷- په هغه دنيا کي شي داسي دسرو زروخول (تاج) پرسوي چه دهغه یو یا قوت ددی - دنيا تر دنيا او ما فيهما بڼه او بهتري .

خودا نعمتونه هغه وخت دجا په نصیب کيږي چه دهغه مقصد دجا دڅخه یوازی او یوازې اعلا کلمة الله او خدای (ج) رضا وي او بس او بيله دغه څخه بل کوم هدف او مقصدو نلري ، په حدیث شریف کيبي راغلي دي چه دشهيدا نوروحا نی هره شپه ترالهي عرش لاندی سره را ټوليږي هغوی ته درکوع او سجدوا جازه ورکوله کيږي کله رکوع او سجدی کوي او کله بیا دشنو مرغا نوپه شکل باندي په جنت کيبي سیرا و تماشي کوي اود قيا مت تر ورځي پوري دشهيد جسد تازه ساتي او دجسم تازگی دروح په سبب سره ده نوکله چه دشهيد روح دلوی خدای (ج) دحق نور له فیض او برکته څخه برخورداره شي نودروح هغه پخوانی دنيا شي نا توانی

(ج) په لار کي په شهادت ورسېږي پدی برخه کيبي رسول الله (ص) فرمايي:

(شهيدا نولپا ره په جنت کيبي هر ډول - نعمتونه تیاروي خوشه له هغه بیا هم الهي دربار ته دا عرض کوي چه بیرته ئی څو اواره دنویو ژوند په برخه شي څو د ژوند په آخر کي شي شهادت په نصیب شي اود الله تعالی ديدار ورنگاره شي) .

دا ځکه چه د شهادت په وخت کي چه شهيد ته هر څه خوندي دالهي ديدار په حصول سره ورنصیب شوی وه همیشه پدی تلاش کي وي چه دا د شهادت موقع بیا ورته میسر شي او هغه الهي ديدار چه دلمړي شهادت په وخت کيبي ورنصیب شوی و بیا ورنصیب شي .

په بل ځای کي حضرت پيغمبر (ص) دفی سبیل الله شهادت لپوري درجي په هکله داسي فرمايلي دي .

۱- دويبي دلمړي څاڅکي دتوښدلو سره سم ئی ټوله گناهونه ور بېل کيږي .

۲- په قبر کي دا يي بډلو په وخت کي خپل ځای په جنت کي ويني .

۳- د قبر د عذاب څخه محفوظ وي

دیده بینان

غلام رسول «کوhestاني»

ز آتش خو گرفته هم باتش سوزد انسان را
ولی ظلمت سرأ گردیده گیتی دیده بینان را
بدست اتفاق هر دو خورند خون مسلمان را
خدایا فتح و نصرت ده به فضیلت اهل ایمان را
که گیرد دست یک بیچاره افتاده حیران را
فتاده تا ثریا می برند این آه افغان را
مجاهد ملتی دارد که کوید مغز آنان را
سریرو عزت عقبی سزد قوم مسلمان را

خداوند! چه افتها بود گم گشته راهان را
برای صلح و آزادی حرفی چند می گویند
یکی خونخوار گردیده دیگر سرمایه با دستش
ز ظلمی روس در اوضاع گیتی رخنه افتاده
به مکتب خانه طاغوتیان جز درس ظلمت نیست
ز وضع ملحدان در مشتری و زهره رقصی چند
شکست روس در افغانستان چون اظهر الشمس است
نزیبند ظالمی طاغوت بر تخت هوس شینند

د جهاد او مجاهد فضيليت

دا حاديشو پسر نېاکي

ليکونکي: مولوی اخلاص الدین

جنگ ته حاضر کړم نو خدای تعالی (ج) به ووبینی چه زه څه کوم بیا کله چه دا حد دغزا ورځ راغله او مسلمانان د جهاد په منظور ووتل: نو حضرت انس بن نضرو وویل چه ای خدایه له هغه څه نه چه د غی ډلې یعنی اصحابو وکړل ستا پاک حضور ته خپل عذر وړاندی کوم، اوله هغه څه نه چه مشرکینو وکړل هم بیزاریم وروسته بیا د جنگ میدان ته وړاندی شو او حضرت سعد بن معاذ سره مخامخ شو او ورته شی وویل چه ای سعد بن معاذ جنت دی.

او د نضر په رب می قسم دی چه دا حد دغره له خوا څخه ما ته د جنت بوی راځی، سعد وویل چه یا رسول الله څه چه هغه وکړ وما ونه شوکولای.

حضرت انس زیاتوی چه مونږ هغه دجګړی او معرکې په میدان کی داسی ولید چه پری دتوری اونیزی دگوزارونو څه دپاڅه اتیا زخمونه او ټپونه موجوده.

په غشی ویشتل شوی وژل شوی اوبالاخړه مثله شوی هم وه هیچا هم هغه نه شو پیژندلی خو یواځی خورشی هغه دگوتوله سرونو څخه وپیژانده، حضرت انس (رض) بیا هم فرمائی چه مونږ گمان وکړ او پوه شو چه دغه مبارک آیت چه فرمائی:

"من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله دهغه اودهغه دا مثالوپه باره کی نازل شویدی.

ام حارثه بننت شراقه (رض) وائی چه هغه رسول الله (ص) ته ورغله او د خدای (ج) لوی پیغمبر حضرت محمد رسول الله (ص) ته شی وویل: چه ای رسول الله (ص) ایا ما ته د حارث په باب معلومات نه را کوی، حارث (رض) ته د بدر په غزا کی یوناغا په غشی رسیدلی وه، اوبیا یی هم

والذی نفسی بیده لایکلم احد فی سبیل الله واللہ اعلم بمن یکلم فی سبیله الا ان یوم القیامة لیس لکون الدم وریحه ریح المسک، یعنی قسم په هغه ذات دی چی زما د نفس ژوندا و مرګ واک او اختیار دهغه مبارک ذات په قبضه کی دی چه د خدای (ج) په لاره کی هیڅوک نه ټپی کیږی او خدای (ج) دهنوکا نو په حال بنه پوه او خبردی اوبه شی پیژنی چه دهغه مبارک ذات په لاره کی ټپی کیږی مګر دا چی د قیامت په ورځی به په داسی حال کی راځی چی دهغه دوینی رنگ به د وینی په شان وی خوبوی به شی دمفکوپه شان وی.

په همدی ډول حضرت انس (رض) دخپل کاکا انس (رض) بن نضر د ډره ورتوب او د خدای (ج) په لاره کی دهغه دشهادت شهادت او شجاعت څخه داسی یادونه کوی چی: غاب عمی انس بن النضر عن قتال بدر فقال یا رسول الله (ص) غبت عن اول قتال قاتلت المشرکین لئن الله اشدنی فی قتال المشرکین لپیترین الله ما صنع فلما کان یوم احدوا نکشف المسلمون قال: الهمانی اعتذر الیک ما صنع هولاء (اصحابه) و ابراء الیک ما صنع هولاء (المشرکون) ثم تقدم فاستقبله سعد بن معاذ فقال یا سعد بن معاذ الجنت ورب النضرانی اجد ریحها من دون احد قال سعد فما استطعت یا رسول الله (ص) ما صنع.

یعنی زما کاکا حضرت انس بن نضر (رض) د بدر په مشهوره و تاریخی غزا کی موجود نه وه او غائب وه نور رسول الله (ص) ته شی وویل زه له هغی لمرنی مشهوری و تاریخی غزا څخه چه تا سوله مشرکینو سره کړیده غائب وم او پکی حاضر نه وم قسم په خدای (ج) دی که زه خدای (ج) د مشرکینو

دا سلام دپاک او سپڅلی دین ستر علمبردار اولوی پیغمبر حضرت محمد رسول الله (ص) دا سلام دمقدس دین دپرمختګ او اعتلا لپاره د جهاد سره خپل خلوص او صداقت او د صوابه و سره خپلی اړیکې، ارتباطات او پاک او خالص نیت دارنگه تشریح کوی:

حضرت ابوهریره روايت کوی چی ماد رسول الله (ص) څخه واوریدل چی: والذی نفسی بیده لولان رجلا من المومنین لاتطیب انفسهم ان یتخلفوا عنی ولا اجد ما احملهم علیه ما تخلفت عن سربه فیروا فی سبیل الله والذی نفسی بیده لوددت انی اقتل فی سبیل الله ثم احیا ثم اقتل ثم احیا ثم اقتل ثم احیا ثم اقتل. (رواه البخاری ومسلم) ترجمه: قسم په هغه ذات دی چی زما د ژوندا و مرګ واک او اختیار دهغه دبلا کیف صفت په قبضه کی دی چه کله له مومنانو څخه داسی اشخاص موجود نه وای چه زړونه شی په دی نه خوینږی چه له ما څخه بیل او مخالف شی اوزه هم داسی شی نه شم پیدا کولی چه دوی ورباندی بار کړم، نوما به هیڅکله هم له یوی سړی څخه چه د خدای (ج) په لاره کی جها دکوی، مخالفت نه کاوه.

قسم په هغه ذات دی چه زما د نفس دهنه دبلا کیف صفت په قبضه کی دی چه زه دوست گنم چه د خدای (ج) په لاره کی ووژل شم. بیا ژوندی شم بیا هم ووژل شم بیا ژوندی شم او بیا هم ووژل شم.

همدغه حضرت ابوهریره (رض) بیا هم له رسول اکرم (ص) څخه دشهیدانو او د خدای تعالی په لاره کی د زخمیانو او ټپیانو دوینی درنګ او بوی اوددوی په حال احوال باندی د خدای (ج) د علم درلودلو په برخه کی داسی روايت کوی چه رسول الله (ص) فرمایلی دی:

ورته وویل که هغه په جنت کی وی خوبیر به وکړم او که په جنت کی نه وی نو د پیر زیات به وژاړم .

حضرت رسول الله (ص) ورته ځواب ورکړ چې ای دحارثه موری په جنت کی لایر زیات جنتونه دی .

اوستا زوی په اعلی جنت الفردوس کی دی نوای دخدای (ج) دلاری اتلوا و قهرمانو مجا هدینوا و غم گپلو مسلمانانو مها جرو ورونو وگوری چه دخدای (ج) دجنتونو طمع او امیدونه دمسلمانانو له نوله زړونو څخه ترکومی اندازی پوری ددنیا غمونه او مصیبتونه هیرول او فکروکړی چه داسلام مبارک دپرمسلمانانو ددنگسو، مشکلا تسو او تکلیفونو په مقابل کی ترکومی اندازی پوری مبراو زغم ته هڅوی .

همدارنگه حضرت عبدالله بن ابی - اوقاف وائی چه رسول الله (ص) فرمایلی دي : "اعلموا ان الجنة تحت ظلال - السیوف" یعنی پوه شی جنت دسورو دسیوری لاندی دی .

یعنی جنت په هغه صورت کی لاس ته راځی چه مسلمان انسان دخدای (ج) په لاره کی جها دوکړی او خپل سردکا فرا نودتوری لاندی ونیسی او دغڼوی دظلم او نارواو په مقابل کی خپله اسلامی وجیهه سرته ورسوی .

همداراز حضرت زیدبن خالد جهنی (رض) وائی چه حضرت رسول الله (ص) فرمایلی دی ، څوک چه دخدای تعالی په لاره کی یو غازی مجهزکړی هغه په حقه سره دخدای تعالی په لاره کی جها دکړیدی .

همدارنگه هغه څوک چه دغازی دکورس پرستی په خیرا وپه شان سره په غلاره واخلي هغه هم په حقیقت کی دخدای تعالی دلاری یو ستر مجا هدی، یعنی هغه ته هم د ميا شر غازی په اندازه اجرا و ثواب ورکول کیږی .

په همدی توگه هغه څوک چه دخدای تعالی په لاره کی دجها داوغزا په منظور او نیت یو آس وساتی او په همدی نیت هغه ته ولته او او به ورکړی او د هغه پوره ساتنه وکړی . رسول الله (ص) هغه هم دا اجرا و ثواب د اخیستلو مستحق گڼی .

په دی باب ابوهریره (رض) له حضرت رسول الله (ص) څخه داسی حدیث بیانوی

"من احتبس وشافى سبيل الله ايمانا" بالله وتصديقا بوعده ، فان شبعه ورپه وروته فی میزان يوم القیامه .

یعنی څوک چه دخدای تعالی په لاره کی یو آس وساتی ددی لپاره چه په دخدای تعالی شی ایمان راوړی دی ، اودهغه ذات هوعدو ته تصدیق شی کړی دی، په تحقیق سره هغه ته وانه ورکول اومر ول او او بسمه ورکول او حتی د هغه خوشایي هم دقایمت په ورځ دده دمیزان په تله کی اچول کیږی . دا هم باید وویل شی چه دآس په شان ټول هغه شیان دی چه په دغه منظور دخدای دلاری لپاره آماده او تهیه کیږی .

په همدی توگه حضرت رسول (ص) دمجا هدا اجرا و ثواب د هغه سړی دا اجرا و ثواب سره مساوی گڼلی دی چه دخپل عمر په اوږدو کی تل تر تله په لمانځه ولاړ او په دایمی توکی سره روژی نیسی چه خپله روژه هیڅکله هم نه افطاری ، او لمونځ هم نه قضا کوی او دالله تعالی دا و مروا و احکامو پوره پابندی ساتی .

لکه چه حضرت ابوهریره له رسول الله (ص) څخه داسی حدیث بیانوی او وائی چه "قيل يا رسول الله ما يعدل الجهاد في سبيل الله ، قال لا تستطيعونه فا عادوا عليه مرتين او ثلاثا كل ذلك يقول لا تستطيعونه ثم قال مثل المجاهد في سبيل الله كمثل الصائم القائم القانت باليات الله لا يفتر من صيام ولا ملوة حتى يرجع المجاهد . یعنی وویل شو چه ای رسول الله دخدای تعالی په لاره کی د جها د ثواب سره څه شی برابر دی هغه مبارک وفرمایلی چه تاسو هغه نه شی اجرا کولای خلکو دوه دری ځنی پوښتنی وکړی خو په هر ځل رسول الله (ص) ورته وویل چه تاسو هغه عمل شی اجرا کولای .

او وروسته بیا رسول الله (ص) وفرمایلی چه دخدای تعالی په لاره کی دمجا هدا مثال دهغه ، صائم قائم اوقانت په شان دی چه هیڅکله خپلی روژی او لمونځونه نه قطع کوی او دخدای تعالی په آیتونو کلک عمل کونکی وی ترڅو چه مجا ه دخپل کورته راگرځی .

همداراز که در رسول الله (ص) احادیث ولټول شی څرگندسړی چه هغه مبارک ذات دینوا و بدحکم خپل او پیژنده داسی

کړی د . په دی باره کی دمثال په توگه باید وویل شی .

چهابی سعیدالخدري (رض) له حضرت رسول الله (ص) نه روايت کوی چه رسول الله (ص) وفرمایلی : "الا اخبركم بخير الناس وشر الناس ، ان من خير الناس رجلا" عمل في سبيل الله على ظهر فرسه او ظهر بعيره او على قدمه حتى ياء تيه - الموت وان من شر الناس رجلا" يقراء كتاب الله تعالى لاي روى . بشئ منه " آيا دښو خلکو او بدو خلکو دپیژندنی لپاره تاسو ته خبر درنکړم .

په تحقیق سره دښو خلکو له جملی څخه هغه سړی دی چه دخدای (ج) په لاره کی دخپل اوښ او آس په شا عمل کوی او یا دخپلو پښو او قدمونو په وسیله کارکوی ترڅو چه ورته مرگ راځی، او په تحقیق سره دبدو خلکو له جملی څخه هغه سړی دی چی دخدای تعالی کتاب لولی خود هغه دهیڅ شی مراعات نه کوی .

اودهغه څخه څه گڼته نه اخلی اوله خپلو بدیو څخه نه منع کیږی .

یعنی نه تری څه پند اخلی او نه ورڅخه منجز کیږی . او هغه څوک چه دخدای تعالی په لاره کی پهره او کز مه کوی او سی خوبی تیروی رسول الله (ص) دهغه په باب داسی خبر ورکوی چه دهغه سترگی ددوزخ ور نه سوځوی .

په دی باب حضرت ابن عباس (رض) ویلی دی چی ما له رسول الله (ص) واوریدل چی هغه مبارک وفرمایلی :

عينا لا تمسهما البارعين بكت من خشية الله وعين ياب تحرف في سبيل الله تعالى .

دوه سترگی دی چه هغه ددوزخ اور نه سوځوی یوه نه سترگی دی چه دخدای (ج) له ویری څخه ژاړی . او بل هغه سترگی دی چه دشی له مخی دخدای تعالی په لاره کی داسلامی خاوری حراست اوسا تنه کوی .

بیا هم باید ووايو چه حضرت رسول الله (ص) داسلامی لښکرو مشرا و قوماندان - حضرت سعد (رض) ته داسی فرمائی :

ارم يا سعد فداک ابی وامی . یعنی ای سعه غشی ووله زما مورا و پلار دی لتا څخه زارا و قربان شی .

عن ابن لها قتل فی سبیل اللہ تعالیٰ
فقال لها بعضا محابه : جئت تسألین عن
ابنک وان انت منقبیه، فقلت ، ان ارزاء
ابنی فلن ارزاء حیاتی فقال لها النبی
(ص) ان ابنک له اجر شهیدین فقالست
لهک قال " لانه قتلہ اهل کتاب "
یعنی یوه بنحه حضرت رسول اللہ (ص) ته
را غله چه دام غلادیه نامہ سره بادیدله
هفی خپل خان به تکرری کی تا وکری او
به چلی وه اود خپل زوی د حال احوال په
باب ثی له رسول اللہ (ص) خغه پوښتنه
کوله ، زوی شی دخدای (ج) په لاره کسې
شهید شوی وه په دغه حالت کی خپلوا محابه
بوورته وویل چه ته راغلی شی خپل زوی
تهوس کوی، اوس تر هم شی ښی په پیر
منا ننت سره خوا ب ورکړه چی زوی می شهید
شوی دی، خو حیا می نه ده ورکه شوی .
حضرت رسول اکرم (ص) ورته وفرما یل
چه ستا د زوی لپاره ددوه شهیدا نواجر
کی .
هفی له رسول اللہ (ص) پوښتنه وکړه
چه دا ولی او په خه دخدای رسول (ص)
وفرما یل دا ځکه چه هغه خوا هل کتابتو
وژلی دی .



یعنی شهید دقتل د درد احساس دومره هم
نه کوی لکه چه یو ستاسی دمیرتون لکه
چیچلو خغه بی احساسی .
په دی ځای کی هیله ده د شهید یوبل خاص
امتیاز ته څیراومتوجه نه شی .
حضرت عبداللہ بن مسعود (رض) روا یست
کوی چه حضرت رسول اللہ (ص) وفرما یل :
" عجب الرب تبارک وتعالی من رجل
غزا فی سبیل اللہ فانهم اصحابه فعلم
ما علیه فرجع حتی اریق دمه فیقول اللہ
للملئکة انظروا الی عبدی رجع رغبه
فیما عندی وشققا " مما عندی حتی اریق
دمه اشهدکم انی قد غفرت له "
خدای تعالی د هغه سړی په حال تعجب کوی
او ورخه خوشیږی چه دخدای تعالی په لاره
کی غزا کوی او په دغه وخت د هغه دستگیر
ملگری له شکست ماتی او عقب نشینی سره
مخامخ کیږی ، دی په دغه وخت کی پوهیږی
چه هغوی د دغه کار په کولو سره څومره گنهگار
یوی خپل مسئولیت احساسی ، بیرته
راگرځی ترخوچه خپله وینه تویوی .
په دغه وخت اللہ (ج) ملائکوته فرما شی چه
زما بنده ته وگوری چه د هغه اجرو نو، ثوابو
نواو عذابونو له کبله چه زه شی خپل بنده ته
ورکوم بیرته راوگرځیده تردی چه خپله
وینه شی هم توی کړه ، زه تاسی شاهد
نیم چه ما هغه وبخپل .
په همدی توگه عبدالخیر بن ثابت بن
قیس شماس دخپل پلار او نیکه نه روا یست
کوی چه : جاء تا مراة الی رسول اللہ
(ص) یقال لها ام غلادوهی متنبه تسال

او حضرت ابوعمیزه (رض) ویلی دی چه
حضرت رسول اللہ (ص) فرمایلی دی :
" لان اقتل فی سبیل اللہ احب الی من
ان یكون لی اهل المدر والوبر .
یعنی دا چه زه که دخدای تعالی په لاره کی
ووژل شم دا راته به تره ده له دی څخه چه
زما لپاره دلو تیاووړیواهل وی، چه البته
په دغه ځای کی دا حضرت (ص) مطلب
دپارونواو بی دیا وه خلک دی .
او دا چه شهیدان ولی په خپلو قبرونو کی
نه غذا پیږی د هغه چه رسول اللہ (ص)
دارنگه تشریح کوی .
په دی باب راشدین سعد (رض) د اصحابو
له یوتن څخه داسی روا یست کوی، چه یو
سړی وویل : یا رسول اللہ ما بال المومنین
یفتشون فی قبورهم الا شهید؟ فقال
" کفاه ببارقة السیوف علی راسه فتنه !
یعنی ای رسول اللہ (ص) دا څه وجه ده چی
له شهید څخه پرته نور ټول مومنان په
خپلو قبرونو کی غذا پیږی حضرت رسول
اللہ (ص) وفرما یل چه د هغه دپاره همدومه
کفایت کوی، چه د هغه په سربانندی دتورو
گذارونه شوی دی او دا د شهیدانو له خاصو
امتیازاتو څخه گنل شوی دی، البته شهیدان
ځینی نور امتیازات هم لری چه بیان به
شی، لوستونکی مسلمان مجاهد او مجاہد
وروره ته ښه څیړشه او غور وورته ونیسه .
حضرت ابوهریره رضی ویلی دی چی رسول
اللہ (ص) فرمایلی دی " ما یجدا لشهید
من مس القتل الا کما یجدا حدکم من مس
القرصه .

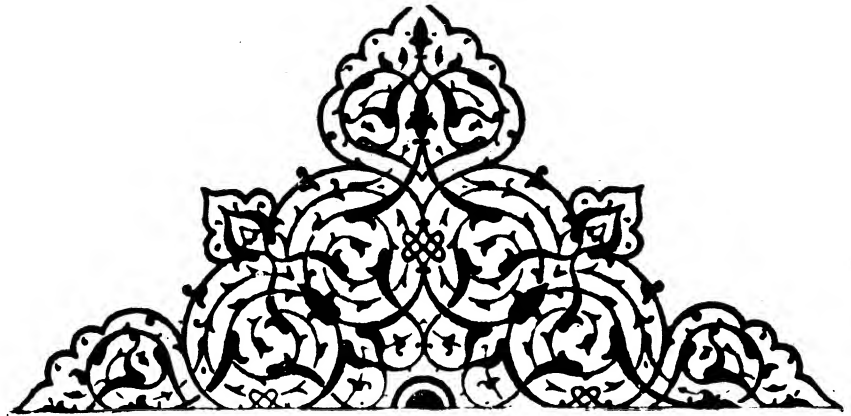
حضرت ابن عباس (رض) میفرماید که حضرت محمد ﷺ در
آخرین حج زندگانی اش به مردم خطبه داد و گفت: من برای
شما چیزی را گذاشته و میروم که اگر شما بر آن تمسک ورزید
هرگز گمراه نخواهید شد (قرآن و سنت)

این مسئله واقفاست که انسان در هر سرزمینی نظریه شرایط جغرافیائی، اقلیمی، پیداوار و منابع طبیعی، با شیوه های متفاوتی از طرز معیشت زندگی می کنند بنا بر این اسلام محدوده وسیعی را برای فعالیت های اقتصادی تعیین نموده که چهارچوب آن سیستم اقتصاد اسلامی مطرح میشود و عدول از این محدوده و چهارچوب مجاز نیست.

اسلام ربا و احتکار را که پایه اقتصاد دنیای سرمایه داری امروز بر آن استوار است یک قلم مردودی شمارد. اسلام تمام راههای را که شخصی ناگهان و بدون استحقاق بصورت تصادفی به ثروت می رسد (چون قمار، لاری و غیره) مردودی کند. در داخل دایره ای به این وسعت، اسلام به مجتهدین، فقها و علمای دین اجازه می دهد تا مطابق به نیازهای زمان و مکان نظام اقتصادی را بوجود آورند و با مقتضیات زمان آنرا بسط و گسترش دهند. چرا ربا در اسلام حرام است؟

ربا یعنی تبدیل جنس به ما نند خودش با اضافه مقداری زاید بر آن مثلا "شخص یک هزار را واحد پول به شخصی به ربا می دهد و بعدا" بر علاوه اصل مبلغ که هزار واحد است یکصد واحد اضافه تر بدست می آورد. به این ترتیب ربا خوار بدون اینکه در تولید و خلق ارزش سهمی بگیرد فقط بوسیله ثروت خویش ثروت بدست می آورد و روز بروز به ثروت خویش می افزاید در حالی که شخصی که پول به ربا اخذ نموده بعدا" بیشتر از آنچه که دریافت کرده است به ربا خوا می پردا زددرین رابطه در یک جهت انباشت ثروت بدون اینکه کاری صورت گرفته باشد بوجود می آید و در جهت دیگر شمره کار شخصی را ربا خوا رتصاحب نموده و موجب فقر می شود.

نتیجه چنین نظامی ایجاد یک خلی هولناک میان ثروتمندان انگشت شمار از یکطرف و میلیونها توده بی بضاعت از جانب دیگر گردیده و شیرازه نظام اجتماع از هم می پاشد. قرآن می فرماید (ترجمه) "کسانی که ربا می خورند بپای برنمی خیزند جز مانند کسی که شیطان را می بیند تماشا را و آشفته حال می سازد این بد آنست که گفتند: تجارت و داد و ستد ما نند



نظریاتی در باب اقتصاد اسلامی

تحقیق و تتبع : وحید "مژده"

اقتصاد و طرز معیشت انسان یکی از مهمترین بخش های زندگی آدمی بر روی این سیاره را تشکیل میدهد و اختلاف در طرز تلقی از این مسئله از هزاران سال به اینطرف با رزترین نقطه اختلاف میان اندیشه های گوناگون و مکتب های فکری متفاوت بوده است. از جهان معاصر نیز قطب بندی جهان به بلاک های سرمایه داری و سوسیالیستی چیزی جز یک تقسیم بندی اقتصادی نیست با این تفاوت که بعلاوه پیچیدگی در طرز معیشت انسان که خود زاده تغییرات محیرالعقول بشر در بخش های علم و تکنیک است، امروز از اقتصاد بعنوان زیربنای ماضی و دوا م جوامع سخن بمیان آمده است.

وقتی در مورد پیاده ساختن اقتصاد اسلامی در جوامع امروزی سخن بمیان می آید، هواداران اقتصاد سرمایه داری، و سوسیالیستی هر دو به آن با نظری حاکی از شک و تردید می نگرند، دلیل آن انسان برضد اقتصاد اسلامی اینست که اسلام ۱۴۰۰ سال قبل در یک جامعه عقب مانده - قبایلی و بدوی بمیان آمدن بنا بر این نظام اقتصادی این دین فقط جوابگوی مشکلات اقتصادی ساده ابتدائی و

عقب مانده بوده و گره گشای پیچیدگی های اقتصاد مدرن معاصر نیست. روی این نظر آنقدر تبلیغ شده که بر بسیاری از مسلمانان بکارگیری سیستم های اقتصادی سرمایه داری یا سوسیالیستی در کشورشان دیگر حساسیتی خلق نمی کند. نکته ای که در رابطه با سیستم اقتصادی اسلام باید در ابتدای بحث روشن ساخته شود اینست که وقتی ما از سیستم اقتصادی اسلامی سخن می گوئیم منظور ما اینست ادعا نیست که اسلام یک سیستم اقتصادی مدرن با همه جزئیات آن از همان آغاز نزول بوجود آورده زیرا اگر چنین بود در آن صورت پیروی از جزئیات چنین سیستم اقتصادی "مثلا" اینکه یک پلان اقتصادی چگونه طرح شود دوره آن چند سال باشد... از چهاره رشدی استفاده شود... و صدها جزئیات دیگر درین رابطه همه جزء افزاینده دینی بشمار می آید و عدول و ترک آن در هیچ شرایطی مجاز نبود. در آن صورت اگر کسی نظریه شرایط خاص جامعه ای ادعا میکرد که سیستم اقتصادی اسلام درین جامعه قابل تطبیق نیست درست می بود ولی در عمل چنین نیست. خدای علیم با علم قدیم خویش به

مورد گنجینه کردن لغت کنز مورد استعمال دارد.

درین آیه شریفه خداوند (ج) انسان را از پول (حلال) منع نمی کند بلکه آنچه که خداوند از آن نهی نموده ذخیره کردن مال در شرایطی است که از آن انفاقی به نفع جامعه صورت نگیرد بنا بر این گنجینه کردن و ذخیره کردن ثروتی که از راه حلال نیز کسب شده با شدن جایز است و شام همین حکم میشود.

البته درین جا منظور انفاق تنها ذکوت نیست بلکه انفاق معنی وسیعی را دربر می گیرد. درین خصوص زماندار مسلمان حق دارد در صورت لزوم و به نفع اکثریت جا معه در چنین ثروت ها تصرفی بیشتر بعمل آورد.

با کنز کردن مال ثروت از دوران باز می ماند و مجال بکارگیری در جهت سرمایه گذاری را از دست میدهد به این ترتیب یکی از عوامل تولید (سرمایه) از استخدام کامل در اقتصاد محروم شده و به اصطلاح اصناماء مرور درین بخش از عاقل تولید اسخدام ناقص رونما میگردد. در حالیکه اگر اس پول و ثروت سرمایه گذاری گردد میباید موجب رشد و شکوفایی مختلف اصناماء گردد. درین صورت سطح استخدام در آن بخش ها نیز بلندترفته عشاغل جدید خلق میشود از بیکاری درجا معه کاسته شده و سطح رفاه اقتصاد بلندی رود.

در جوامع غربی جلب چنین سرمایه های را کد وظیفه بانک ها بوده و تنها وسیله ای که بانک ها برای تامین این هدف در اختیار دارند بلند بردن فیصدی بهره بانکی "ربا" است.

اینکه می گویند که ربای بانکی از آن جا که وسیله جلب سرمایه های را کد است با ید مجاز شمرده شود با نظرا سلام هرگز و به هیچ صورت مطابقت ندارد. زیرا اسلام هم ربا و هم کنز نمودن ثروت هر دو را مردود شمرده است. هم ربا مردود است و هم انباشتن ورا کد نگهداشتن سرمایه، - استفادها از ربا به منظور جلوگیری از انباشتن ثروت شبیه به شستن پلید بوسیله پلیدی دیگر است.

احتکار : اسلام احتکار ضروریات زندگی جا معه

ترجمه : ای آنانیکه ایمان آورده اید بسی از کشیشان و دیرنشینان می خورند اموال مردم را بر باطل و بکار می دارند و کسانیکه می اندوزند طلا و نقره و انفاق نمی کنند در راه خدا (ج) آنانرا به عذاب عظیم بشارت بده.

درین آیات مبارکه نیز خداوند (ج) - تعدی به حقوق اجتماع را بیان عیدارد در قرآن مجید برای اهل کتاب و مخصوصا " برای یهود حرام بسیار بر شمرده شده که یکی از آن جمله که در آیه فوق ذکر شده است که وقتی مردم، علمای دین و احبار و رهبان این قوم را امین و امانتدار می شمردند آنان اموال مردم را بر باطل می خوردند. یعنی کسانیکه خود ادعای صلاح در میان مردم دارند و مردم آنان را محترم می شمارند اداره امور مالی خیرات - تبرعات موفقات و وصیت ها و خلاصه همه آنچه را که متعلق به عموم مردم و جا معه است در اختیار آنان می گذارند ولی این گروه بجای امانت داری برا موال جا معه تصرفات نا جا یز و ناراوا می دارند.

نتیجه سوء این عمل آنست که وقتی مردم می بینند که علمای دین چنین می کنند نسبت به آنان بطور کلی بدگمان گردیده و به این ترتیب زمینه برای کجروی در جا معه مساعد میگردد و وقتی علما که وظیفه اصلاح جا معه را دارند خود از طریق صلاح دور شوند وضع جا معه چنان می شود که در مورد یهود و نصاری قرآن از آن ذکر می کنند یعنی راه حکومت عدل الهی مسدود میگردد در آیه اولی توضیح شد که چگونه سوء استفاده از قدرت معنوی یا سیاسی موجب میگردد تا جا معه انسانی از طریق رشد و فلاح بازمانده دچار نابامای گردد می فرماید:

" آنانیکه انباشته می سازند طلا و نقره را بر روی هم و از آن در راه خدا انفاق نمی کنند آنانرا با خبر ساز عذاب بی درد ناک " در مورد لغت کنز آمده است که کنز به معنای روی هم نهادن مال و نگهداری آن است و در اصل از کنز خرما گرفته شده و آن فعلی است که در آن خرما ذخیره میشود. صفت ناقه کنز به شتری اطلاق میشود که چاق و فربه بوده و گوشت در بدنش زوی هم ذخیره شده باشد و امروز بیشتر در

ربا است و خدا تجارت و داد و ستد را حلال و ربا را حرام قرار داده پس هر کس به امری که از جانب پروردگارش بسوی او آمد و با زیستاد برای اوست آنچه گذشته و کار او با خداست و کسیکه با زکشت کرد اینان اند یا ران آتش و در آن جا ویدان اند. خدا ربا را نابود و صدقات را افزون کند و خدا هیچ گنهکار و ناسپاس را دوست ندارد. تحقیقا کسانیکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و نماز را برپا داشتند و ذکات دادند و پادشاهان بر پروردگارشان محفوظ است. نه ایشان را ترسی است و نه اندوهی، ای کسانیکه ایمان آورده اید تقوای خدا ورزید و آنچه که از ربا مانده و اگذا رید اگر مومن هستید اگر چنانچه نکردید پس یقین داشته باشید که جنگی از طرف خدا و پیغمبرش و اگر توبه کردید برای شماست سرمایه های تان نه ستم کنید و نه ستم ببینید. و اگر تنگدستی یافت شد پس مهلت تا هنگام فراخدستی چنانچه صدقه دهید (بر او بخشید) برای شما بهتر است اگر بداند و بترسید از روزی که بسوی خدا باز گردانیده می شوید و هر کس از آنچه که فراهم آورده پرداخت میشود و ایمان ستم نمی بینند. (بقره ۲۷۵ الی ۲۸۱)

خداوند متعال در این آیات نسبت به ربا ساخت گیری ها نهی نموده که با صدق آنها در هیچ یک از فروع دین جر در باره ترستی با دشمنان دین نکرده است. بر آن در باره سا یر کبار چون زنا و شرب خمر و قمار و حتی قتل نفس نیز تمهیرات شدیداللعن دارد ولی شدت آن بشدتی که در باره ربا و دوستی با دشمنان دین صورت گرفته است زیرا آثار سوئی که بر آن معاصی مترتب است به وسعتی که از این دو گناه متصور است، نیست زیرا اثرشوم این دو گناه به بنیاد دین را ویران و اثر آنرا محو و بصورت کلی نظام زندگی را یکسره فاسد و تباه می گردانند.

کنز ساختن و ذخیره کردن مال : در آیات ۳۴ سوره توبه می خوانیم : یا ایها الذین آمنوا کثیرا من الاحبار والرهبان لیا کلون اموال الناس بالباطل ویمدون عن سبیل الله والذین یکبزون الذهب والفضه ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم.

را وسیله، نا مشروع از وسایل کسب مال
شمرده است زیرا احتکار مانع آزادی
تجارت و صنعت است.

محتکر در انتظار شرايطی است تا با
خریدن واحتمال رکودن اشیای مورد احتیاج
مردم در بازار یک حالت کمبود عرضه
بصورت مصنوعی بوجود آورد. با احتکار
نمودن چنین اشیای قیمت در بازار
رفته بعداً با عرضه مجدد آن مواد به
قیمت بلندتر فروشی نا مشروع بدست می
آورد.

کاری که محتکر انجام میدهد شهادت به
ربا خواری دارد یعنی از احتیاج جامعه
سوء استفاده نمودن و استفاده از عاقل
زمان برای ازدیاد ثروت، اسلام ذخیره
نمودن اجناس مورد احتیاج مردم را اضافه
از چهل روز کمالاً ناروایی شمارد.

نظریات اقتصاد دانان مسلمان؛
همانگونه که قبلاً گفتیم در چهارچوب
وسعی که اسلام برای طرح نظریات
اقتصادی و پیاپی کردن آن در جامعه باز
گذاشته است دانشمندان مسلمان نظریات
خویش را ارائه نموده اند که بعضی با هم
مشابه و جمعی از هم متفاوت است که درین
قسمت مختصراً به نظریات اقتصادی بعضی
از این دانشمندان می پردازیم.

ابونصر محمد فارابی؛
فیلسوف و اقتصاددان بزرگ جهان اسلام
و مسقط الرأس "فاراب" است که فعلاً
جزء از سرزمین های محکوم آسپای میانه
می باشد. فارابی به (معلم ثانی) مقلوب
گردید (ابن سینا) و (ابن رشد) او را معلم
نخویش خوانده اند.

قسمت مهم از نظرات فارابی را میتوان
در کتاب (آراء اهل مدینه فاضله) از وی
یافت. فارابی برای بوجود آوردن یک
نظام اقتصادی اسلامی تربیه اسلامی کسانی
را که این نظام را بپایان دهد و تطبیق و
به مسایل اعتقادی اسلام اختتام دهد.
و باقی مسایل اجتماعی و اقتصادی را در
برمی گیرد این خود نشان میدهد که ساختن
انسانی بر معیارهای اسلام شرط لازم برای
پیاپی ساختن نظام اقتصادی اسلامی
از نظرگاه فارابی است. او درین کتاب
اقتصاد اسلامی "مدینه فاضله" را با مدینه

غیر فاضله مقایسه می کند.

بنابر این تعریف علم اقتصاد از نظر
فارابی چنین است "چگونگی استفاده
از عوامل تولید برای تولید کالاهای
و خدمات مادی و معنوی" درحالی که در
تعریف علم اقتصاد ما مرعوم اقتصاد
فقط متوجه تاءمین نیازهای مادی است
از نظر فارابی تدریس، عبادت یا مداوای
بیماران شامل فعالیت های خدماتی و
ساختن یک مسجد و یک کارخانه فعالیت -
تولیدی است.

فارابی تقسیم کار در جامعه را یک امر
الهی می داند و معتقد است که از آنجا که
انسان ها با استعدادهای مختلف و متفاوت
خلق شده اند بهتر است که هرکس
استعداد خویش را کشف نموده و آن را پرورش
دهد و خرج های یک جامعه با تقسیم کار به
حرکت می افتد.

در سطح بین المللی نیز فارابی این
نظر را بسط می دهد و جاهانی آزاد
میدانده که در آن تقسیم بین المللی کار
سبب شود تا هر کشور به تولید اجناس و خدمت
ماتی بپردازد که در آن تخصص دارد. بدون
اینکه کشوری درمداست شما رکورد دیگر
باشد این کارها بین هم مبادله شود.

نظام اقتصادی که فارابی به آن
معتقد است و آنرا شایسته مدینه فاضله می
داند نظامی است شبیه به آنچه که امروز
نظام رهبری شده یا اقتصاد دارشادی خوانده
می شود یعنی یک مرکز پلان گذاری باید
در کشور وجود داشته باشد که نیازهای
جامعه را تحت کنترل و ارزیابی دقیق
قرار داده و پلان تولید و عرضه را مطابق
به نیازهای عاقل سازد. وی کار این مرکز را
شریفترین کارها می داند و باقی کارهای
جامعه را به نسبت دوری یا نزدیکی از این
مرکز بدرجات مختلف شرافت تقسیم می کند
اما کسی که رهبری جامعه را درین مرکز
بعده دارد باید دارای مشخصات ذیل
باشد.

۱- در رهبری تخصص داشته باشد.

۲- درین تخصص از همه برتر باشد.

۳- از دانش های مختلف اجتماعی که به
رهبری یک جامعه مربوط می شود بهره
فراوان داشته باشد "مثلاً" قدرت گویند

کی و ارشاد.

۴- از نظر نظامی پر قدرت باشد.

فارابی هزار سال قبل از امروز تئوری
جامعه بی طبقه توحیدی را در مدینه فاضله
 مطرح ساخت هر چند از این اصطلاح امروز
رنگ و بوی مارکسیستی به مشام می رسد
ولی از نظر حکیم فارابی جامعه بی طبقه
توحیدی جامعه ای مدد در صد اسلامی است
و دارای دو خصیصه مهم ذیل می باشد.

۱- استئمار انسان از انسان در چنین
جامعه موجود نیست و مناسبات قسط آمیز
اقتصادی بر جامعه حاکم است.

۲- قسط آمیز بودن مناسبات اقتصادی
بر پایه ایمان به الله و معاود آموزش
های وحی استوار باشد.

از نظریات فارابی میتوان دریافت
که وی عشق و محبت میان اعضای یک جامعه
را عامل بقا و پیشرفت آن جامعه می داند
و عواملی را که محبت را ضعیف ساخته و جامعه
را به طبقات متخاصم تقسیم
می کند کمالاً مردودی شما در چون استئمار
مهمترین عامل نابرابری اقتصادی است
بنابر این در یک جامعه اسلامی نباید
از آن اثری باقی بماند و بی هزار سال
قبل برای اولین بار این شعار را مطرح
ساخت که هرکس بپایند اندازد توانش کار
کنند و به انداز کارش مزد دریافت دارد.

فارابی جوامعی را که فقط بنا بر اسلام
اند و در عمل از اسلام در آنان خبری نیست
(جوامع فاسقه) می نامد و می گوید:

(... اما مدینه فاسقه آن بود که مردم
آن سعادت را بخوبی می شناسند و بی
ذات خداوند عزوجل که موجود اول بود و
همینطور موجوداتی که در تربیت دوم واقع
اند و عقل فعال و بلاخره هر آنچه باید
مردم مدینه فاضله بدانند آگاهی داشته
و بدان معتقد اند ممکن افعال و کردار
آنان بسان افعال و کردار مدینه های
جاهلیه باشد)

وقتی به نظریات فارابی به دقت توجه
می کنیم درمی یابیم که این ادعای
آنانی که معتقدند اقتصاد را اسلام فقط
مشمول بردستور العمل های اخلاقی
جلوگیری از اصراف، قناعت پیشگی و
غیره است نه شامل یک طرح کار تدبیری

پیا ده شدن درجا معه کا ملا" بی اساس است
و فارابی در هزار سال قبل طرح یک
نظام اجتماعی دارا معه اسلامی را در پیش
توسعه کنیم قرائتی یوفاخت بیان داشت
و پس از آنکه این آیه الهی را در دست
و پاها و کف دست و پاها را در دست
و پاها و کف دست و پاها را در دست

مفسرین و مفسرات این آیه الهی را در دست
و پاها و کف دست و پاها را در دست
و پاها و کف دست و پاها را در دست
و پاها و کف دست و پاها را در دست
و پاها و کف دست و پاها را در دست
و پاها و کف دست و پاها را در دست

ننگوها را از دست اندام و دست و پاها را در دست
و پاها و کف دست و پاها را در دست
و پاها و کف دست و پاها را در دست
و پاها و کف دست و پاها را در دست
و پاها و کف دست و پاها را در دست
و پاها و کف دست و پاها را در دست

دلیو فتوحات و پهلوانی یکی میوه دینگو هلیت
دخیری اندولسوا الحلی فتوح در چی پهلوان
۱۳۶۷ تنیه بی، طو ویدو ویدو ددی لیستلوری
فتخی را پورچی دشفق مجلی الیغرای خیره له

را رشیدالی، شیکلی چی، لاندی زبانی هلیت
دینم، لعل و بیجی مدی، لیه سیمه و رشید
۱- (۲) محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
عسکر و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه

کله و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
پایه هلیت چی، لاندی زبانی هلیت
۲- (۳) محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
عسکر و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه

کله و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
پایه هلیت چی، لاندی زبانی هلیت
۳- (۴) محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
عسکر و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه

کله و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
پایه هلیت چی، لاندی زبانی هلیت
۴- (۵) محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
عسکر و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه

کله و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
پایه هلیت چی، لاندی زبانی هلیت
۵- (۶) محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
عسکر و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه

کله و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
پایه هلیت چی، لاندی زبانی هلیت
۶- (۷) محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
عسکر و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه

کله و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
پایه هلیت چی، لاندی زبانی هلیت
۷- (۸) محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
عسکر و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه

کله و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
پایه هلیت چی، لاندی زبانی هلیت
۸- (۹) محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
عسکر و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه

کله و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
پایه هلیت چی، لاندی زبانی هلیت
۹- (۱۰) محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
عسکر و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه

کله و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
پایه هلیت چی، لاندی زبانی هلیت
۱۰- (۱۱) محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
عسکر و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه

کله و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
پایه هلیت چی، لاندی زبانی هلیت
۱۱- (۱۲) محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
عسکر و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه

کله و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
پایه هلیت چی، لاندی زبانی هلیت
۱۲- (۱۳) محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
عسکر و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه

کله و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
پایه هلیت چی، لاندی زبانی هلیت
۱۳- (۱۴) محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
عسکر و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه

کله و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
پایه هلیت چی، لاندی زبانی هلیت
۱۴- (۱۵) محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
عسکر و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه

کله و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
پایه هلیت چی، لاندی زبانی هلیت
۱۵- (۱۶) محتوایه و غواکی، مالیه سیمه
عسکر و محتوایه و غواکی، مالیه سیمه

مرسته مجا هدیو ته بی خه تا وان نسندی
رسولی: ۱- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

لستری: ۲- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

یومیل: ۳- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

ولسوالی: ۴- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۵- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۶- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۷- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۸- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۹- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۱۰- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۱۱- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۱۲- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۱۳- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۱۴- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۱۵- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۱۶- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۱۷- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۱۸- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۱۹- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۲۰- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۲۱- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

اوسوالی: ۲۲- وز مو به داخلو مجا هدیو عملیات
اوس هم چه تنیه بی هلیت با نندی جریان

هندرا پورونه چی دیغلان دولایت خه
رار سیدلی دی وایی چی زمو پاتلسو او

مؤ منومجا هدیو تر ۶۷۱۰۶۷۱۰۶۷۱۰۶۷۱۰
ورخی په ملحد دینم بریالی عملیات تر

رسولی چی دینم په او ویدو کی بی ۴۰ تنیه
ددینم اغرا دوزلی او یوگن شمیری بی

تهپان نگری دی
را پوزیا توی ددی عملیات توبه او ویدو کی

یو غرا دمکرا زیو غرا ده جیب، په خه عرا دی
خرو ل تا نکونه چی په توبه نو مجا هدیو

اوانه عرا دی خروال (بی، بی، ۶۰) -
تا نکونه مجا هدیو لخوا ویدو ل شوو،

شاپرته مجا هدیو تهپان اودوه تنیه دی
شهادت لوی مقام بهور سیدل انا لاله وانا

الیه وانا جیبسون
هندرا پورونه چی دیغلان دولایت خه

دیلخمی بیلر کی، دروسا توبه مرکونو
یولر بریالی عملیات تر سره کری دی چی د

هنو په او ویدو کی بی دیا نه زیا نونه ویدو
دی

پروان
دهروان ولایت دینم اوزی نه دشفق

اداری ترار سیدلی خبرونه وایی چی
مؤ منومجا هدیو تر ۶۷۱۰۶۷۱۰۶۷۱۰۶۷۱۰

بگرام دهاوی دگری خه دده مرکی په
ساحه کی یو غرا ده روسی خروال تا نک

تخریب کری چی خورنه روسی سیرلی بی له
منه لزل اوزور دوه تنه بی تهپان شوو

خبریا توی په خه مستحکم روسی بوئی
دهوایی دگری وروسته توی او اوس دتوی

مؤ منومجا هدیو تر ۶۷۱۰۶۷۱۰۶۷۱۰۶۷۱۰
قلعه بلند و ترکما توکی غای په خای دی

را پوزیا توی: کله چی دینم په تنیه
بریالی شو (۷) میله کلکوف اوزیا

اندازه مختلف السوع مهمات په خای ورت
پا ته وچی وروسته مجا هدیو تر لاله کتو:

را پوزیا توی ویدو مجا هدیو دتوی بیل
بریه په خه کی چی دهوایه سبازان په

بوستوی سوز وروستول ددینم توبه جری
ویجار، انا خه افرای بی ویدو او یولر

زیات بی تهپان کول او همدارنگه بیسه
۶۷۱۰۶۷۱۰۶۷۱۰۶۷۱۰۶۷۱۰۶۷۱۰۶۷۱۰

نه چی غم وکیفیا وی سزه بی نقل کول
مجا هدیو له خوا په غنیمت ویدو ل شوو،

تغاریه بیسه ویدو ل شوو،
دهوایه اسلامی ورو مجا هدیو بیل

څنگه توافق راځي ترڅو ټول قانع شي او پدې ترتيب د اقتدار پر سر د مسلمانن كشمش او نزاع مخه ونيول شي .

څنگه كولاي شو چه د استبدادي خانداني حكومتونو د جوړيدو مخه ونيسو او بيا زمونږ په ملت څه غيږمنښل او واجب الاحترام پاچايان مسط نشي .

كوم چه كورنو، نني د تل لپاره د تخت او تاج به منازع وارث وي ؟ او څنگه كولاي شو د عسكري كودتاگانو اود خونړيو پېښو د بيا تكرار مخنيو وكړو ؟

دغو سوالونو ته د معقول ځواب پيدا كولو لپاره د اتحاد عالي شوري - د لوردي مېردي راهيسې مسلسل جلسي او تفصيل بحثونو وركړل چه په پاى كې د اېډريكوډر، وشو، چه د مهاجرينو په كمپون او په ازادو منطقو كې د متناسبى ناپېندگي په اساس عام انتخابات ترسره شي او يوه منتخبه مقتدره شوري جوړه شي ترڅو د ملت په ناپېندگي دراتلونكي موقت حكومت په هكله وروستي نيمك وكړي او پدې ترتيب راتلونكي حكومت د ملت په خوب جوړشي او د اقتدار لاس ته راوړلو لپاره مجاهد قوتونه يو بل ته مورچلي ونه نيسي او داخل جگړې پېل نشي بلكې يواځې هغه څوك د حكومت كولو حق ولري كوم چه ملت ورباندې اعتماد كړي زمونږ ملت د خداي ديارى مهاجر او مجاهد ملت دى كه اتلاسي حكومت ته پرته به بل څه نه راضي كيږي او هغه چاته به راي وركوي چه له مسلمانان اهلبيت او اخلاص نه ئي مطمئن وي .

متاشفات ددې پريكړې عملي كيدل د ځينو خاصو عواملو په وجه وځنډېده او ددې په ځاى چه د مساعغي فيصلې سره سم انتخابات ترسره شوي واي او اوس بيا عملا منتخبه شوري

درلودى برعكس كورو چه ځني دوستان د انتخاباتو په ځاى نوري لياري لټوي كه د دمديرو دوستانو د عدم تعاون په وجه انتخابات معطل شو او منتخب شوري جوړه نه شوه .

دراتلونكو ټولو پېښو مسووليت به ددوي په غاړه وي - موږ نه غواړو چه د اقتدار لاس ته راوړلو په ناچاپز كشمش كې د مسلمانانو ترمنځ يوه قطره وينه هم توي شي . بايد د مجاهدينو په لاس داسلامي حكومت له جوړيدو مخنيو وكړي ددې مقصد د حملو لپاره هغوى دا طرحه وړاندې كړي .

لومړى د مخلوع بدنام پاچا ترقيادات لاندې نوري حكومت جوړشي - ددې حكومت د حمايي لپاره دسول فوځ تر نامه لاندې بهرني فوځونه افغانستان ته وليږل شي - بيايو بين المللي كنفرانس ددې لپاره دائر شي چه افغانستان د غيرنظامي منطقې په حيث وپېژندل شي او پدې ترتيب زمونږ ملك پداسې يوه ملك بدل شي چه لوى طاقتونه د ول اوقېم په حيث د هغه سرپرستي كوي .

الحمد لله مونږ د اشتباه ونيكړه چه د ژبنيوله معاهدې ضد پس انفرادي او رېښدوونو ته غاړه كشيږدوو جنگه متوقف كړو او په روسي فوځونو او ددوي په مراكزو حملې پېندې كړو .

انگريزان - د هند حكومت او ځني متعصبې بهرني طاقتي چه تل د اسلام سره په دوستي كې ترنورو مخكې دې پدې ملكه دروستانو ملاتړ كوي .

دېل خوا سكو - د افغانانو د مغفلولو ډلو ټولو سره پداسې پراگنده او فحشي اوردشگل خبرې اترې شروع كړي چه نه يواځې ميخوك ورته د هپرايميد

نشي ساتلې بلكې ملومېږي چه روسان ددې راز خبرواتوږ په ذريعت د افغانانو ترمنځ اختلافاتو تشديد غواړي .

خوږه په ټول اطمينان او ډاډ سره د اېډره كوم چه روسان په ميخ صورت كې نشي توانيداي زمونږ هوشيار ملك د هوكه كړي اود خپلې خونړي رژيم په افغان ولس تعميل كړي ترڅو چه روسي فوځونه په كامل او بلا قيد و شرط طرور له افغانستان نه نوي وتل - كومست رژيم نوري ننگوروشي او زمونږ ملت ته د خپل سزوشته د ټاكو حق نه وي وركوي شوي نه افغانستان بهرمان حل كيداي شي او نه جگړه پاى ته رسيداي شي .

زمونږ ملت د كامل ازادي او په آزاد افغانستان كې د ملت په ځايه د يوه منتخب اسلامي حكومت ته پرته به بل شي نه قانع كيږي . څوك چه متفق وي لاسونه اوږت كړي مونږ هېچاته دا حق نورو كړو چه افغانستان د غيرنظامي منطقې په حيث اعلان كړي او زمونږ له ملت نه د ځان د دفاع صلاحيت او قدرت سلب كړي - موږ داسې پريكړه داننان ولس د تل

الحمد لله مونږ د اشتباه ونيكړه چه د ژبنيوله معاهدې ضد پس انفرادي او رېښدوونو ته غاړه كشيږدوو جنگه متوقف كړو او په روسي فوځونو او ددوي په مراكزو حملې پېندې كړو .

حاكيت د حق منافي كېو - هر هغه څوك چه د افغان ولس په خلاف پدې ځايتان سازش كې ملرت شي هغه خپل دين كړو .

جگړې په ځاى د انتخاباتو له ليارى حل ومنل شي .

خودا بېره په واجح الفاظو اعلانو چه يو غير اسلامي او غير منتخب حكومت به په ميخ صورت كې ونه منو - هر هغه

چی پوره را پوری لاند ترلاسه شوی .
 بهراپورکی ویل شوی چی ددی شپیی
 په سبا د حزب اسلامی مجا هدیونودورو -
 تنظیمونودمجا هدیونوپه گهون نوربریا لی
 عملیات سرتورسول چی زیات مالی او
 خانی تاوانونه بی دهنم ته واپول .
 ددی عملیاتوپه اوپدوکی خوتنه عسکر
 ددهنم دمف نه په تیپته بریا لی اوله
 خپلومجا هدیونورسره یوخی شوو .
 را پورزیاتوی چی روسا نواوددوی مزدورا
 نودغج اخستلوپه منظوردمظلوموخلکو د
 اوسیدوخی یونه دخپلودرنسلاح گانوتر
 اورلاندی ونبول چی دخدای په فضل
 خه تاوان بی ونه رساوه .
 پکتیا :

د شهید رحیمی له قرارگاه خه دشفق
 مجلی اداری ته خبر را رسیدلی چی ددی ،
 قرارگاه مجا هدیونود ۶۷۹۱۴ نیتپه د
 گردیز بهاربا نندی کفرما تونکی عملیات
 ترسره کړل چی دهغوپه ترخ کی دملحد
 دهنم یوه یوخی ا لوتکه راوغورغول
 شوه غلورزغروال تانکونه تخریب او (۱۵)
 تنه ملحدین په قتل ورسیدل اوهم دگردیز
 په مرکزکی دملحدینو دیرگورونه ورا ن شوی
 دی اوزموراتل مجا هدیون خپل وکفرماتونکی
 بریدونوته په خورا عالی جگړه ایزمورال
 اوس هم ادا مه ورکوی اوپه مخ چی .
 په نوروبیلابلوراپورونوکی چی ددی
 ولایت د شهیدجها دوال غنډاوشهیدرحیمی
 دقرارگاه ته دشفق مجلی اداری ته
 را رسیدلی دی ویل شوی چی زموږموه منو
 مجا هدیونپه ۶۷۹۱۰ نیتپه په احمدزیو کلی
 کی په دولتی خالوبا نندی ددرنووسلوبر-
 یالی بریدوکی چی دهنم ته دیرزیات دسر
 اوما ل تاوان ورا وېنتی دی .
 را پورمخکی وایی: همدارنگه دگردیز

بهاربا نندی زموږمجا هدیونو عملیات ترسره
 کړل چی په هغوکی دملحد دهنم دری عرادی
 زغروال تانکونه ویجاړ اوغلورتنه ملیشه
 وژل شوی دی .
 را پورکی ویل شوی چی همدغومجا هدیونو
 دبری له سیمی نه دخواست په هوایی لگر
 بریا لی عملیات ترسره کړل چی دهوایی
 لگرپوخی وساظوا ونا سیمه توتپه پکی
 درانده تاوانونه ا وېنتی دی اوددی عملیاتو
 په لړکی مجا هدیونو ته کوم تاوان نېدی
 رسیدلی .
 کندهار :

د کندهار ولایت خه را رسیدلی خبرونه وایی
 چی ددی ولایت په اسلام مینومجا هدیونود
 ۱۳۶۷ کال د لېلېندی دمیا شتی په ۲۰ مه
 نیتپه دیولر بریا لوعملیاتوپه ترخ کی
 داشا لگروو حشیا نویوزغروال تانک سره
 له سپرلیوپه غنیمت ونبول شو .
 خبرزیاتوی چی پدی عملیاتوکی اتلو
 مجا هدیونو ته هیخ ډول تاوان نندی رسیدلی
 لغمان :

په هغورپوتونوکی چی موپته را رسیدلی
 دی ویل شوی چی دتنکی (توت) په سیمه
 کی زموږموه منوا وبها درومجا هدیونود
 اسلام دهنم عنا صروپه منیتپه پو ستوپه
 ۱۲ر ۶۷۹ نیتپه بریا لی برید ترسره کړ چی
 دهغه په لړکی (۲۵) تنه ملیشی په هلاکت -
 رسیدلی او یوه لویه پوسته فتح شوی ده او
 زموږا تلومجا هدیونولاندی غنا پملاسته
 راوړی دی .

- ۱- نه میل کلاشنکوفونه .
- ۲- یومیل آر، پی، جی ۷ راکت انداز .
- ۳- یومیل پی کی تی ماشینگن .
- ۴- یوسیت (آر، ۱۰۴) مغابره .
- ۵- اویا تختی کمپلی .
- ۶- اوپه خورا زیات اندازه خوراکی مواد .

کندهار :

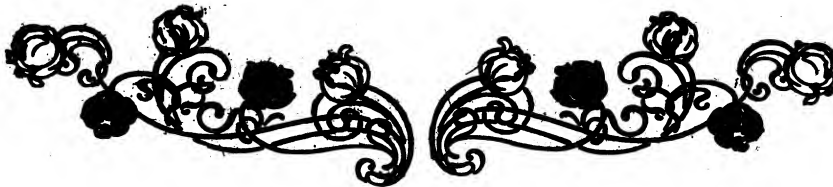
د کندهار ولایت خه را رسیدلی خبرونه
 وایی چی دنوموړی ولایت موه منومجا -
 هدیونود ۱۳۶۷ کال د لېلېندی دمیا شتی په
 ۱۴ مه نیتپه دیولر بریا لوعملیاتوپه
 ترخ کی چی دچهل زینوپه پرته پوسته بی
 ترسره کړل په نتیجه کی دوحشی دهنم ۲
 عرادی تانکونه سره له سپرلیوویجاړ او
 اوری ورته کړ .

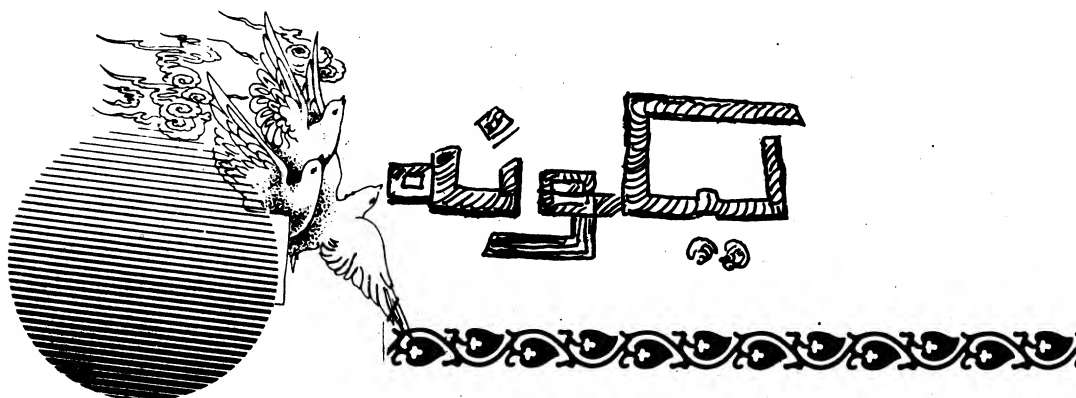
دیوه بل خبرله مخی ۱۳۶۷ کال د لېلېندی
 دمیا شتی په ۲۵ مه نیتپه دنوموړی ولایت
 اتلومجا هدیونیوزغروال تانک ویجاړ
 اوپکی سپاره کسان بی ووژل .

همدارنگه ۱۳۶۷ کال د لېلېندی دمیا شتی
 په ۲۶ نیتپه دنوموړی ولایت مجا هدیونو
 دکندهار هوایی لگر تربریدلاندی ونیو
 چی په نتیجه کی یوه جیتا لوتکه پداسی

حال کی چی له هوایی لگرخه دتېپنتی په
 حال کی وه رانسکوره او اوری ورته کړ .
 په یوبل را پورکی ویل شوی چی ددی -
 ولایت اتلومجا هدیونود ۱۳۶۷ کال د لېلېندی
 دمیا شتی په ۲۴ مه نیتپه یوخل بیا دچهل
 زینوپوسته تربرید لاندی ونیوه چی په
 نتیجه کی ددهنم یو تانک ویجاړ او (۱۴)
 تنه عسکر له خپلو وسلوسره مجا هدیونو ته
 تسلیم شوو .

پدی عملیاتوکی چی ژورخی بی دوام
 وکړله اتلومجا هدیونو خه یوتن تپیی او
 دری تنه د شهادت لور مقام ته ورسیدل .
 (انا لله وانا الیه راجعون)





دشقق مجلی محترم مدیران و نور و ملگرو ته !

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته .

لوی خدای (ج): دلایات بریالیتوبونه درپه برخه کړی دیروخت وروسته موږ ته یوه شکلي تحفه (شفق مجله) دیوه ملگری له خوا ورسیده په لوستلو د پوره خوشحاله او داسلامی انقلاب له لارو چارو سره آشنا شونو له دی امله هیله من یوچی موږ په آینده کی له دغه لوی نعمت نه محرومه نکړئ، او لطفاً له موږ سره خپله تعلیمی رابطه قائمه او د حق دلاری د مجاهدینو له اخیری بریالیتوبونو او د سروو خوشیا نوله آخری ما تونه مو خبر کړی او د اشتراک په برخه کی هم معلومات را کړی، داسلامی انقلاب د پری په هیله د نغیر العام مجله هم را ولیږی.

په درناوی

بخت محمد " غریب یار "

درنه غریب یار صیب !

لیک مو را ورسید او د خوښی باعث شو د شفق مجلی سره د مینې نه مو د پوره مننه کوو او د شفق مجله کی د گډون په هکله پرکړنه کی معلومات ورکول شوی که هغه ته مراجعه وکړی معلومات به ترلاسه کړی .

(اداره)

خدمت برادران محترم کارکنان مجله شفق !

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته .

وبعد: عرض این است که این جانب عبدالستور "ابوتراب" نائب "مربوط مرکز ولایت بدخشان" هم چون زبانی هری سخن با شد و به سخن بیاید، من هم این چنین از جمله زبان های بی سخن بودم، اما انقلاب اسلامی به مجردی که ظاهر کرد چون طلوعش همه بی زبان ها را به زبان آورد، و همه خواب غفلت زده گان را از خواب غفلت بیدار کرد و همه نا

برادران ارجمند و مسلمان، افسران و عساکر قوای مسلح و غارندوی !

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته .

عزیزان و هموطنان ارجمند! شما به حیث یک فرد مسلمان و افغان که یا به جبر و یا به اساس مجبوریتهای مختلف کفر و الحاد، در قطعات نظامی و غارندوی ایفای وظیفه می کنید امروز در این مرحله حساس و تاریخی کشور ما در این مرحله یک تاریخ و استقلال کشور ما روبه شکوفائی است مجاهدین اسلام از شما برادران انتظار دارند که: با توکل به خداوند (ج) و با صداقت کامل به سوی مجاهدین هموطن و برادران مسلمان خویش با کمال افتخار و قلب مملو از محبت اسلامی و آغوش با زبیا شید، مجاهدین اسلام در این مرحله حساس تاریخی و سرنوشت ساز، با آغوش با زیر مهر و محبت برادران و هموطنان انتظار شما را می کشند، این است مرحله فکر، بعقل، سنجش و انتخاب خوشبختی ابدی شما و مرحله عفو و بخشش بشما از طرف مجاهدین بخاطر نیک نامی و پاک نگهداشتن نام نیاکان قهرمان و وطن پرست خویش به سوی برادران ابدی خویش بیایید، بیایید که امروز در وطن و تاریخ و فردا قیامت در حضور ایزد متعال و مهربان خویش سربلند و سرخرو بیایید، فرصت کم و زمان زود گذر است و من الله توفیق

از طرف سیدنا در شاه شهیدی عضو تنظیم طلبه و محملین افغانستان در حوزه جنوب غرب .

برادر محترم سیدنا در شاه "شهیدی" عضو تنظیم طلبه و محملین افغانستان در حوزه جنوب غرب !

اینک نامه ارسالی تان به نشر سپرده شد از همکاری های آینده قلمی تان انتظار داریم .

(اداره)

آگاهان را آگاه نمود.

برادران محترم کارکنان مجله شفق از دیری به این طرف می خواستم که نسبت مجاهدت های امیر محبوب حزب اسلامی افغانستان محترم انجنیر صاحب حکمتیار چند اشعاری به الفاظ خیلی فصیح خدمت شما برادران هدفمند مجله شفق عرض و گسیل بدارم.

متأسفانه از کثرت معاصبات و بعضی مشکلات غم آورانه نقلات ب موفّق شده نتوانستم. اما خوش بختانه روزی نیک برایم فرارسید که به مطلب خود موفّق و شاد کام شدم، تا چند اشعاری ترتیب بدهم.

و اینک به صدا احترام خدمتان پیشکش نمودم، محترم اگر پنجهء تکلف نرم کرده بعضی جا های اغلاط آن را تصحیح بکنید اگر تان را از خداوند قدیر و توانا خواهانم، و اگر همگی غلط بوده باشد و حاجت به چاپ در مجله شفق را نداشته باشد از حضورتان امید میبرم که جواب نامه این برادر تان را روی این آدرس ارسال بدارید.

البته از لطف برادری تان بعید نخواهد بود.

والسلام

عبدالستواب برادر شما

آدرس: صوبه سرحد ضلع کوهات تحصیل هنگودا کخانه نریاب مدرسه اسلامیة منہاج العلوم نریاب، بعداً عبدالستواب. برادر مجاهد عبدالستواب درامان الهی باشید!

نامه تان را باندرکی تصرف به دست نشر سپردیم، متأسفانه شعر شما از هیچ ناحیه قابل نشر نبود امید معذرت ما را - بپذیرید. از نشر آن معذرت میخواهیم.

(اداره)

برادر بزرگم محترم ملا آقا فرقانی!

السلام علیکم ورحمت اللہ وبرکاتہ

محترم! شما را که از فرط علاقه شما نسبت به برادر فقیرتان رقم یافته بود از سرتاپا خواندم از اخلاصی که نسبت به برادر تان دارید یک جهان ممنون، امیدوارم در کسب علوم و تحصیل عرفان پیروز باشید، شکسته نفسی کرده اید، ما شا الله استعداد شکوفانی دارید و آینه های روشنی شما را استقبال میکند. کامگار باشید.

" اداره "

دشقق دمجلی محترم مسئولین و السلام علیکم ورحمت اللہ وبرکاتہ.

محترم و ورورنو بودا مسلم حقیقت ده چه اسلامی جامع می مستعید او په دینی علوم باندی پوه او آگاه و گریو ته ضرورت لری په هرا اندازه چه دجامعی و گری آگاه او فعال وی په

هماغه انداز جامعہ بنکلی او اسلامی جامعہ جو پیداشی نو په همدی اساس د افغانستان اسلامی حزب چه واقعی یو اسلامی جامعہ ده، د ضروری و بلبل او د دینی طلبه تنظیم په تشکل کړی او د ا په حقیقت، یو لوی مسئولیت و چه د حزب پر غاړه ولی د تاء سف خبره داده چه تراوسه پوری د دینی طلبه درشداو تحریک په خاطر چندان گامونه ندی او چت شوی د مثال په ډول دوی ته د تحملا تو زمینی او د درسونه او د درسی کتا بونه او د زد کړی شرائط بالکل معدوم لیدل کیږی همدا رنگه د تنظیم لپاره چه ضروری وه چه یو جوړیده او ما هنامه وای، لکه چه زن مسلمان د زنا نو د تنظیم لپاره ده او د دینی طلبه تنظیم له همدی لوی نعمت څخه هم محروم دی دا خو لا څه چه هغه د حزب له ټولو نشراتو څخه بی برخی دی او د طلبه تنظیم دومره هم نشی کولای چه و مدرسو ته د شهادت او نیزه یاداسی نور فرهنگي مواد ورسوی خدای دی وکړی چه د دینی طلبه تنظیم مشران دخپلو د زمه داریو احساس وکړی په درناوی ستاسی مخلص ملگری عبدالمنان "عارف" او عبدالجمیل "ثاقب" او عبدالحکیم "نقیب" او محمد اکبر "ثائب" د غزنی د ولایت د ناوی له اولسوالی څخه او د دارالعلوم حقانیه د لوړو زد کړو زده کوونکی.

مجاهد و ورورنو زموږ اسلامونه هم منی!

ستاسی د لیک مطالب د غور وړ دی، موږ په همدی خاطر هغه نشر ته سپارو هیله من یوچی مسئول مقامات ستاسی ستونزی حل کړی، ستاسی دلبری په هیله.

(اداره)

خدمت برادر مجاهد مدیر مسئول مجله وزین شفق!

السلام علیکم ورحمت اللہ وبرکاتہ.

صحت مندی سلامتی، سرفرازی و موفقیت شان را از درگاه ایزد لایزال استدعا مندم.

مجله شفق را که همچو ستاره درخشان در آسمان مطبوعاتی و فرهنگی جهان می باشد و مرهون کوشش و پشت کار جناب شما می باشد از دیر زمانی مطالعه مینمایم و از مطالب سودمند آن بالخص تراوش های قلمی شما هر چند که چندین مراتب از سویه من بالا نیز می باشد مستفید می شویم و بحق گفته می توانیم که نشرات فعال و منظم حزب اسلامی افغان تا حدی زیادی جوابگوی نیاز مندیهای فرهنگی انقلاب مان می باشد.

قسمیکه خدمت شما عرض داشتم، مجلات شفق را از همان آغاز دور نشراتی آن تا حال بدسترس دارم و میخواهم آنرا منحیث پربها ترین گنجینه معنوی زندگی ام نگهدارم.

ولی صرف یک جلد آنرا که از سالهای قبل می باشد بدسترس ندارم که این امر مرا سخت میازارد. و نیک میدانم که اگر

" افغانی موقف "

دمظلوم ملت قوته ښکته نشی

دافغان شان او شوکته ښکته نشی

سومنا ت دیک و دیلی کی دری و ری
دمحمود عالی ثباته ښکته نشی
دگرگین په شان جا بردی هم مات کړی
دمیرویس نیکه همته ښکته نشی
چنگیزیان دی نا مرا دپدی وطن کړو
دافغان بیرغ او چته ښکته نشی
فته کړی دی دیلی دی په څو واری
نمونه دلور د غیرته ښکته نشی
سلطه دی ترپاریس وه رسیدلی
احمدخان په شان نیکه ته ښکته نشی
انگریزی عسکری خوځلی شړلی
د اکبر تگ او قدرته ښکته نشی
دمیوند تاریخی فته دی حاصل کړه
دایوب قوی طاقته ښکته نشی
دروسا نودی خوله ډکه کړه له خا ورو
لادینیا نوته افته ښکته نشی
دادی بل تاریخی ویاړ خا نته حاصل کړو
ای ناسخ ددهری نه ښکته نشی
بی نظیری افغانی موقف جهان کښی
د "حامد" ډیره خوږ بینه ښکته نشی
محترم ورور حضرت علی (حامد) صیب !

دلیک دراستولی نه مودیره مننه دادی ستاسی لیک او
رااستولی شعرموچی دافغانی موقف تر عنوان لاندی مو
ترتیب کړی وڅپور کړ او دنوری همکاری مومنتظریو .
(اداره)

خدا بخواهد صرف شما می توانید درین مورد مایاری فرمائید
و آنرا برای برادر شایق تان تهیه بدارید .
البته عین نوازش و لطف تان خواهد بود . در اخیر ضمن در
خواست موفقیت های مزید شما و سایر برادران گرانقدرم
باشما خدا حافظ نموده خدا حافظ میگویم .

والسلام

برادر شما عصمت الله متعلم لیسسه
عالی مجاهد .

برادر محترم !

به ارشاد و فرهنگ تشریف آورده و مجله مورد نظر تان را در
یافت بدارید .

با احترام

(اداره)

محترم د حزب اسلامی دارشاد او فرهنگ د شفق دمجلی محترم
مدیر ما حب او ټولو کارکوونکو او مجاهدینو وروڼو !
السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته .

محترم و وروڼو ! دایو څرگند ، او تاریخی حقیقت دی چی
افغانی اوبا ایما نوپرگنوا و مجاهدینو خپل تاریخ روښانه
ځلانده پری ایښی دی او هراستعمارگر او ظالم شخصیت او متجاوز
چی په افغانستان ښی یرغل کړی نو په مقابل کی یی سخت
دحواسی او گذارونه خوړلی دی چی د وطن څخه په ډیر سره
ناامیدی او په بی شرمانه ډول شړل شوی دی او په ابدی ډول
ناپیدا او ارامنجن پاشی دی او کله چی ښی دافغانی اولس
گذار خورلی دی نو ټولی استعماری منگولی یی دنه پری
دمستعمره هیوادو څخه ختلی دی ، نو همداسی ډیر مشهور غازیان
او مجاهدین چی دخپل رقیب اودښمن په مقابل کی نه سترگی
کیدونکی مبارزی کړی دی اودښمن ته ښی شکست ورکړی دی
نودودی موقف زمونږ لپاره یو ستایلی موقف دی چی دهر
غلیم او رقیب په مقابل کی ساتلی دی نو پدی ډول می
(دافغانی موقف) په نامه یو شعر ترتیب کړو هیله ده چی هغه
نشر ته وسپاری .

والسلام

خواننده گان خیلی ارجمند مجله شفق !

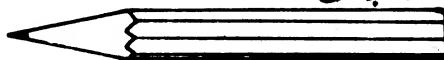
السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

نظر به عدم گنجایش مجله و مشکلات فنی و مالی نتوانستیم مضامین دنباله دار مورد دلچسپی
تان را درین شماره یی از مجله به نشر بسپاریم ، پوزش ما را پذیرفته منتظر شماره هفتم
این مجله باشید .

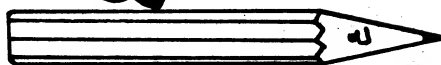
(اداره)



اقتباس



غزل



محمد آصف صمیم
دنا کارپه اقتفا

قلم مجنونہ

لہونی خیالہ راتر خنک شہ چي غزل وليکم
 بيا دايستلی توری شرنگ شہ چي غزل وليکم
 ويڻي چي بيا چي تنکيالي ثروندون تہ بد بد کسی
 کسی بانده کرہ یوخدنک شہ چي غزل وليکم
 لہ زنبور ي پیغام ورون پہ جاري پوي کرہ
 زہ نر خوشال یم، تہ اورنگ شہ چي غزل وليکم
 دقلم ويڻي بيا د پت د پان و خخہ پرہ
 بيا د ليلاد لاس اترنگ شہ چي غزل وليکم
 چي دويڻي پہ چلپو دې دماغونہ تاند شي
 دھوسو نوم شہ، يالونک شہ چي غزل وليکم
 چي لہ خوب منونہ دبد پستی لږ کوز کاندې
 پيالہ دملو ياد بنگ شہ چي غزل وليکم
 افغان حلمیہ! پر غليم دې لہ تور پر پښ نہ لوی
 بيا دخپل قام وارث دتنک شہ چي غزل وليکم
 دابدالي دپکري ول او دميرويس تدبير شہ
 د نر « اکبر » پہ جرات رنگ شہ چي غزل وليکم

ستومانہ نہ شي منزل لندہ دی، قدم توند واخلة
 هداسي رغندہ غور خنک شہ چي غزل وليکم
 د ۱۳۶۷ کال د زهري اوومه - جنشي پل - پېښور

السنن الجماعه

حدیث پیامبر (ص)

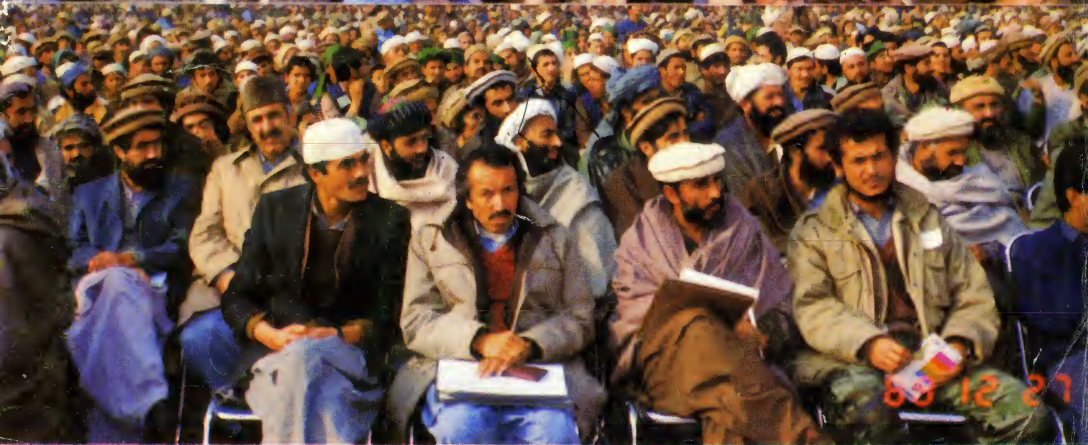
عن ابن مسعود (رض) قال ' قال رسول الله
صلى الله عليه وسلم " لا يحل دم امرئ مسلم الا باحدى
ثلاث الثيب الزانى والنفس بالنفس والتارك دينه
المفارق للجماعة " ' (رواه البخارى)

ترجمہ :

از ابن مسعود (رض) روایت است کہ حضرت پیامبر (ص) فرمودند :
«ہر ہجو جسے ریختن خون مسلمان جایز نمیشد؛ بجز در یکی از این سه موارد
«زانی محصن ، چہ زن باشد و چہ مرد» ، و کسیکہ خون مسلمان را بناحق بریزد»
«و مرتد یکہ از جماعت مسلمانان بگسلد و یا در ہارچہ کردن جامعہ مسلمانان
تلاش کند ...»

وجه اشتراك در خارج از کشور	مسئول مدیر - فروغگر
۱۸ دالر سالانہ	مرستیال :
۹ دالر شش ماہہ	مولوی محمد نعیم " نائب
۲ دالر قیمت يك شماره	لیکوال غری :
	۱- محمد رحیم " خنجر "
	۲- ذبیح اللہ " قریشی "

ادرس مکاتباتی
کمیسین ارشاد و فرهنگ
مدیریت مجلہ شفق
پوسٹ بکس نمبر ۲۱۱
پشاور صدر



مونږ نه غواړو چه د اقتدار لاس ته راوړلو په ناچائز کشمکش کې دمسلماټانو ترمنځ یوه قطره وینه هم ټو شی .



خوک چه د انتظاهاټو نه پرته د سازهونو له لیاری زمونږ په ملت تعمیل شی دمه به داسی مقابلہ کوو لکه د ترکی - امین ، بېرک او نجیب . لدی نه پس زمونږ د مجاهد ملت له خوښی نه پرته هیڅوک پر افغانستان حکومت نشي کولای . زما وروڼو !

لکه چه خبریاست د مجاهدینو او روسانو ترمنځ مخامخ مذاکرات پیل شول - د مجاهدینو مبر - ثبات او قاطعیت روسان دی ته مجبور کول چه له خپل غوړولو نکېر نه راکوز شی او د نجیب حکومت په غیباب کسی د مجاهدینو سره مذاکراتو سمیز ترشاکېښی او دنیا ته داسندورکېی چه په تیرو (۹۱) کلونو کی جنگ دمددی دواړو خواوو ترمنځ روان وو او لکه څنگه چه نن پدی مذاکراتو کی دنجیب مزدورمحکومت او دمه مجرم انډیوالان هېڅ رول او اثر نلری همدا راز په جنگ کی هم هغوی دبی اختیاره غلامانو په شان دخپل ملت په خلاف جنگول شوی .

که څه هم دامذاکرات د مجاهدینو لویه سیاسی فتحه شپړل کېږی خو هغه نه زیات امید درلودل ندی پکسار مخصوصا چه گورو روسان په پراگنده شکل د مختلفو اطرافو سره پټی او څرگندې خبری اتري کړی .

مونږ نه یواځی داچه دافغانستان له غیرنظامی کولو سره په کلک مخالف یو بلکی ددی لپاره چه د محدودنوخ په درلودلو سره د

دوس په شان دپوره ترمه طلب استیماری طاقت په خوا کی دخپل ملک د استقلال - آزادی اوضی تمامیت لومل حاکمیت نشو مطمئن کیدای اود بهرنی تیاروز مقابلہ نشو کولای پدی خاطر له ملت نه دوسل دټولولو نظریی سره هم شدیداً مخالف یو - پکارده ملت مسلح پاتی شی ترخو پدی حساس

جغرافیائی موقعیت کی له خپل ملک او اسلامی نظام نه دفاع وکولای شو .

هیچاته به ددی حق ورکړو چه له بهرنی زمونږ سرنوشت وټاکي اودخپل خوښی نظام او خپل غلامان په مونږ تحمیل کړی .

- مونږ هر ییگانه فوځ - ترهر نامه لاندی چه زمونږ ملک ته راداخل شی منه متجاوز فوځ کېو او دروسی فوځونو په شان به یی مقابلہ کوو (تنهد)

زما وروڼو !

لکه څنگه چه پیا مبر (ج) مک

که مونږ د اراز مذاکرات او دهغه نتائج منلی وی نو مقاومت به پداسی حال کی ختمیدو چه دنجیب حکومت به دیوه منل شوی حکومت په حیث پاتی وو .

کرم :

هر هغه څوک چه دښارونو دتحتي په دوران کي ياشورکي او دپاره ماري کوي او يالدي فرصت نه په استفادي سره له خپلو شخصي دشمنانو نه دڅچ او انتقام اخستلو ناروا حل خلل کوي هغه داسلام او مسلمانانو دشتر دشمن اولوي خائن او غدار په حيث وپيژني او په پوره شدت دهنه مقابله رکړي - داسي کسان دروستانو او کونستانو پټ ملگري دي چه غواړي جهاد اومجاهدين بدنام کوي .

هيچاته بايد موقع ورنگړو چه حکومتي دفاترو يا دڅلگوکورونو ته په خپل سرداخل شي - بايد په هر دفتر پهر ودرولو او بل هره کوڅ کي دنظر گزمو دتوظيف پلان سرداوب چوپشي زه دښارونو اوسيدونکو ته هم اطمینان ورکوم چه مجاهدين ددوي وروڼ دي - ددوي دځان - مال - عزت او ناموس پاسداري کوي . ددي لپاره رالوچت شوي چه په ملک کي دويږي او څوک په ځاي سوله او امن او امان قائم کړي - هغوي دظلم او تيري خاتمه غواړي .

مکرمه فتحه کړه او دخپل فاتح روح سره يوځای سکی ته داخل شو - نه ئي له دشمن سره انتلافي حکومت چورکړ - نه ئي لويه جرکه دائره کړه او نه ئي بي طرف حکومت ومنلو - همدا راز به موږ کابل او نورښارونه فتحه کړو - نه انتلافي حکومت منو - نه بي طرف حکومت او نه هم له کونستانو سره لويه جرگه څوک چي تمهد کوي هغه دي لاسونه اوچت کړي او حصار و

دپرله پسي تکبيرونو په منځ کي په زرگونولاسونه پورته شول همداراز لکه چه پيامبر (ع) دخپل فاتح ليکړ سره مکي مکرمي ته داخل شو او ددي په ځاي چه له خپلو سترو سترو دښمنانو نه انتقام واخل او دهنوي په خلاف دتشدد او خشونت لپار غوره کړي برعکس عمومي عفوه اعلانوي او دترحم اوعافتي لپار غوره کوي او فرماني چه :

نن دڅچ ورځ نه بلکي دعاطفي او ترحم ورځ ده . موږ هم دهمدي نوي سنت سره سم يوځل بيا عمومي عفوه اعلانوو - چه څوک له چنگه نه لاس واخل اسلام او مسلمانانوته تسليم شي له خپل سابقې نه ندامت او پشيماني وسبي - هغه ته به مجاهدين پناه او امن ورکوي او دهنوي دسروامال مصونيت به تايمينوي . وروڼو ! دلويو ښارونو دتحتي ورځي رانږدي شوي - بښيد داسي تدابيروينسو چه دکوم په وجه ښارونو ته دمجاهدينو دننوتلو په دوران - بي ځايه وينی قومي نشي دولتي املاکو - او دڅلگو شتمنيوت صدمه ونه رسيږي دچورروچپارل بي نظمې او بي امنې بڼه ونيولي شي او دښارونو بکمل امنيت تايمين شي . زه مجاهدينو وروڼو ته دااعلان

که څوک دښارونو دآزادي په دوران دمجاهد تررتقاب لاندې ددوي مال - ځان ياعزت ته صدمه رسوي هغه مجاهد ندی غل او دازه بار دي بايد دهنه په خلاف داسي سلوک وشي لکه دڅلو اودان، مارانورويي ليري ښاريان بايد دمجاهدينو په مرست دښارونو امنيت تايمين کړي او دمسفدينو او منافقينو کلک مقابله وکړي -

راځي چه يوځل بيا پدي سترو او تاريخي غونډه کي له الله (ج) سره تمهد وکړو :

چه ترڅو په آزاد او مستقل افغانستان کي دمجاهدينو په لاس اسلامي حکومت سوي قائم شوي وسله په ځمکه نه ږدو او له سنگرونو نه به نه پورته کيږو .
وماتوفيعي الا بالله عليه
توکلت واليه انيب

واخردعوانا ان الحمدلله رب العالمين





مرکز تحقیقات اسلامی

SHAFAO



بسم الله الرحمن الرحيم

فرمان الهی

وجاهدوا فی الله حق جهاده ^ط هو اجتنبکم
وما جعل علیکم فی الدین من حرج ^ط مله ایکم
ابراهیم ^ط هو سمکم المسلمین من قبل و فی هذا
لیکون الرسول شهیدا علیکم وتکونوا شهداء علی
الناس فاقیموا الصلوة واتوا الزکوة واعتصموا بالله
هو مولکم . فنعم المولی و نعم النصیر ۰

الحج - ۷۸

ترجمه :

و در راه خدا جهاد کنید . جهاد راستین ، او شما را (جهت این امر مهم
و رسالت بزرگ) برگزید و بر شما در امور دین هیچ مشکلی نگذاشت دین
پدرتان حضرت ابراهیم (ع) (که بشما مانده است و) او شما را قبلاً مسلمان نامیده
بود و (این) در این قرآن ، مآلکد پیامبر بر شما شاهد باشد و شما بر مردم شاهد
باشید . پس (برای رسیدن به این مامول) نماز را لایم نموده و زکات دهید و بر
دین خدا تمسک ورزید . او صاحب شما است ، پس چه خوب صاحب و بهترین
مدد کار است .